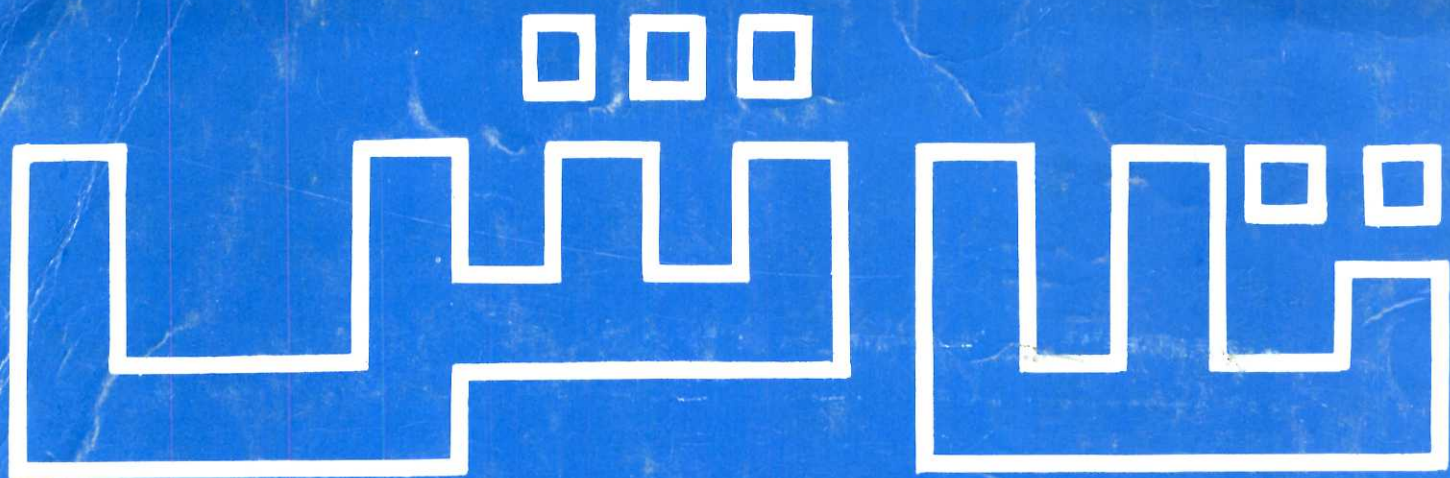
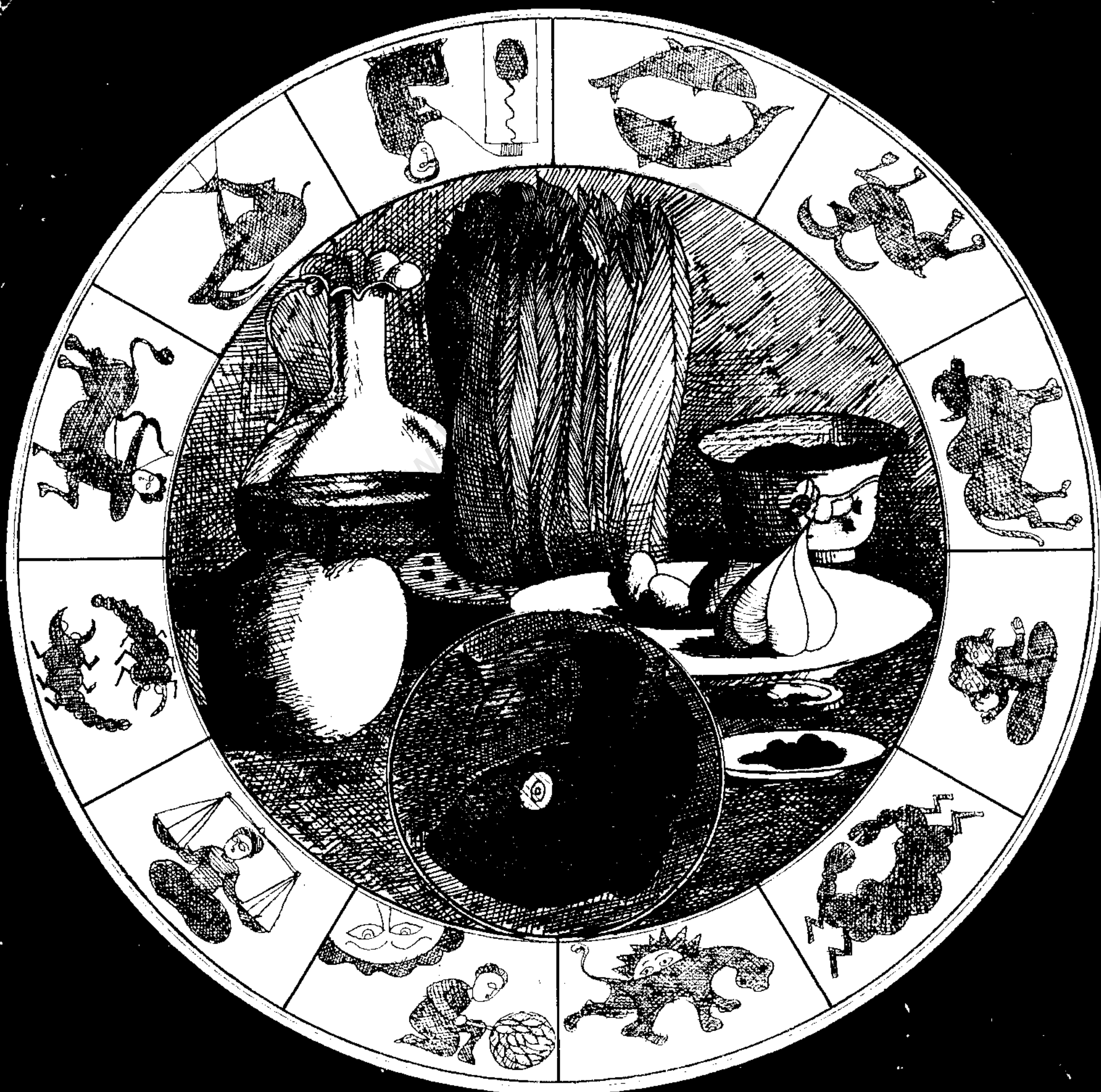
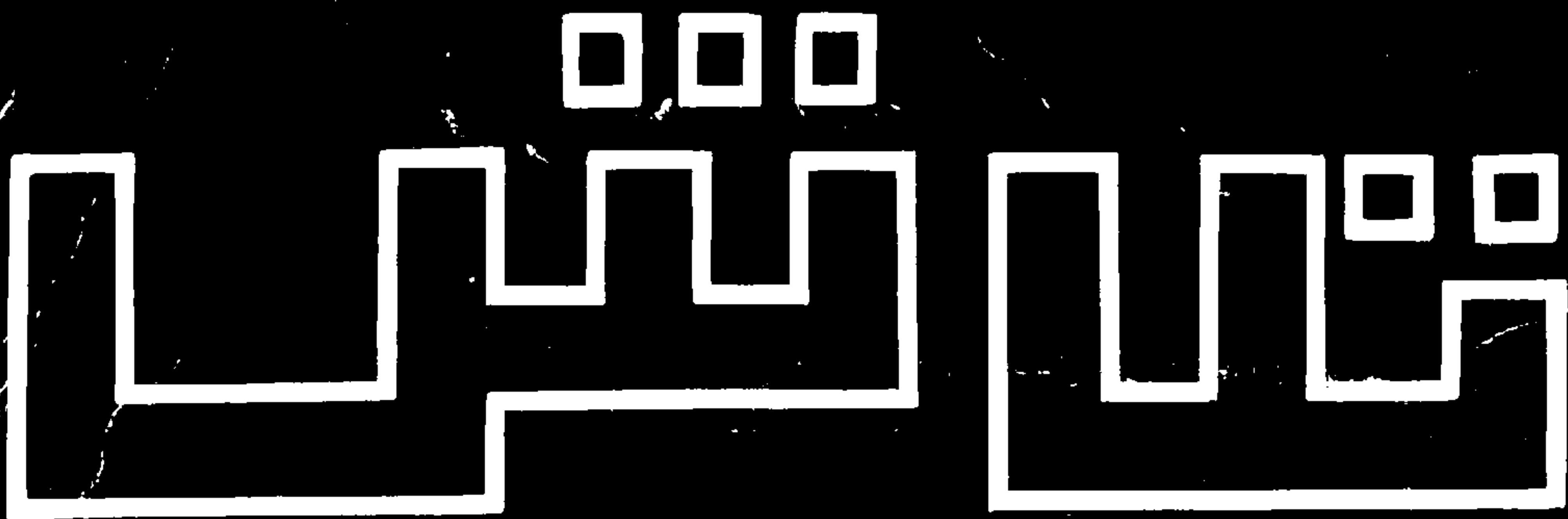










چند اندیشه تلاش درباره این شماره تلاش

* نوزدهم روز کد آغاز سال ایرانیان است گذشته بسیار دور دارد. اما این سنت هفتسین نوزدهم از کجا آمده است؟
هفتسین بود یا هفت چین یا هفت سینی؟

آقای دکتر فرهوشی استاد دانشگاه و ایران شناس درباره پیدایش نوزدهم در پاسخ به تلاش مطالبی دارد، سعی می کند جواب این سؤالها را که بر روی همه لبها است، بدهد.

فرهوشی اطلاعات بسیار درباره ایران قدیم دارد و از این جهت نظرها و عقاید او را باید با احترام شایسته یک کارشناس و یک استاد مورد بحث و اظهار نظر قرار داد.

در صفحه هفت
* تلویزیون ایران چه هدفهایی را دنبال می کند؟

نیروی گسترش آن در ایران چگونه است؟ در ایران چه تعداد تلویزیون هست؟

آیا تلویزیون رنگی هم در ایران بکار خواهد افتاد؟ تلویزیون ایران مشغول کننده است یا آموزنده؟ خط مشی این تلویزیون چیست و چه سهمی در انتقال فکر و تعلیم آموزشی دارد؟

مهندس رضا قطبی سرپرستی تلویزیون را برعهده دارد. او در باره مسائل و مشکلات تلویزیون ملی ایران چگونه فکر می کند؟ مجریان و مسؤولان دیگر تلویزیون چطور درباره مسائل مملکتی و مسائل مربوط به انتقال فکر از طریق تصویر و صوت می اندیشند؟

در گفتگویی که با مهندس رضا قطبی و همکاران وی در تلویزیون ملی ایران داشتیم کوشش کردیم جواب این سؤالات را جستجو کنیم.

گفتگوی تلاش با آقای رضا قطبی و همکاران ایشان در صفحه یازده آمده است.

* مردمی که روزها کار می کنند شب احتیاج به تفریح دارند.

تهران پایتخت ایران که بیش از ۳ میلیون نفر جمعیت دارد و بیست و چهارمین مرکز تجمع دنیا است در شب هم زندگی می کند. فعالیت شب او نوعی دیگر است. گروهی سخت کار می کنند، گروهی به عبادت می پردازند و گروهی به تفریحات گوناگون روی می آورند و هر کس بفرآخور حال خود طوری خود را سرگرم می سازد. این فعالیتها و کارهای شبانه را خانم مهناز عطاری با تصاویر جالب که ملک عرافی تهیه کرده نوشته است. (در صفحه ۲۵)

* آیا مشکل اساسی تاثیر ایران نداشتن سنتهای تئاتری است؟

بهر حال این نظر را بطور مثبت نورالدین شفیعی طی تاریخچه ای از تئاتر ایران بیان کرده است و در این مقاله که در صفحه سی و سه تلاش چاپ شده کارنامه تئاتر ایران از سال ۱۳۴۴ تا اواخر سال ۱۳۴۸ را هم با شرح و تفصیلات و تصاویر و نظرها و قضاوت های خودش از نظر خوانندگان می گذراند.

* زمانی بود که نه فقط پشم گوسفند و بز بلکه دامهای ایران هم پس از تامین نیازمندی های داخل کشور به خارج صادر می شد.

اما امروز وضع از چه قرار است؟ بز مرغز نوشته دکتر ستاری حاوی اطلاعات جالبی است درباره دامهای ایران و پشم بز مرغز که در صفحه چهل و یک آمده است.

* آقای بابک که از همکاران دیرین تلاش است گفتنی های بسیار جالب درباره زبان فارسی و تغییر و تحول آن دارد. و نظر خود را درباره فارسی در نامه های اداری در صفحه چهل و چهار برای خوانندگان تلاش آورده است.

* چه گوشتی باید خورد؟ مسئله گوشت و گوشت خواری مثل حیات انسانها کهن است.

روزی هم گوشت قسمتی از سیاست کشورها را تشکیل می داد و امروز

هم از دید جامعه شناسان و اطباء و مصرف کنندگان، گوشت و مصرف آن اهمیت بسیار دارد.

اکنون گوشت کنسرو و گوشت یخ زده هم بازار آمده و مخالفین و طرفدارانی دارد.

این مسئله را آقای محمد حسن منزوی فرد در صفحه چهل و نه تلاش مطرح و کوشش کرده است باین سؤال پاسخ دهد که گوشت تازه خوب است یا گوشت منجمد؟

* آقای اصغر نیشابوری استادیار اکولوژی دانشکده علوم دانشگاه تبریز مقاله ای تحت عنوان اختلاف ترکیب جامعه های انسانی در شهر و روستا نوشته و مسائل جالب اکولوژی و حفاظت منابع طبیعی را در جامعه امروزی مطرح کرده است. (در صفحه ۵۲)

* یکی از معیارهای پیشرفت، مصرف مواد غذایی و لبنیات کشورها است.

در مقاله اثرات شیر در تغذیه و ترکیبات آن نوشته مهندس شالچیان که در صفحه پنجاه و هفت آمده نویسنده کوشش کرده اطلاعات لازم و جالب را در اختیار مصرف کنندگان مواد شیری و لبنیات بگذارد.

* در این ده سال اخیر صنعت در ایران چگونه بود؟ و درسالهای آینده چگونه ایران از یک کشور روستائی به یک کشور صنعتی تبدیل خواهد شد؟

با توجه باین سؤالها بود که آقای فرخ نجم آبادی معاون وزارت صنایع در جلسه انجمن نفت ایران موضوع صنایع ایران در سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ را مطرح کرد و کوشید تا وضع صنایع ایران را در گذشته و حال و آینده تشریح کند. وی در این اظهار نظر عقاید شخصی خود را بیان کرد، و اگر کارشناسان دیگر نظرهای دیگری در این زمینه دارند از دریافت نظرهای آنها ما خشنود خواهیم شد.

* جنگل در هر کشور یکی از بزرگترین منابع ثروت محسوب می گردد. اگر نحوه استفاده از آن با عقل و منطق و حساب و توجه

به نیازمندیهای سالهای آینده باشد نه فقط این منابع ثروت باقی می ماند بلکه سال بسال بیشتر و بهتر می گردد.

اما وضع در کشور ما چگونه است؟

تلاش از آقای کریمی خواست تا درباره جنگل های ایران یا معادن طلای سبز مطلبی برای خوانندگان عزیز تهیه کند که با آمار و ارقام در صفحه شصت و هفت آمده است.

* استنادار ساحلی جنوب آقای پیروز در مصاحبه خود اظهار نظر کرد که تورسمس مساله ایست اساسی که باید بدان توجه کرد.

در جنوب ایران شش ماه را می توان از دریا استفاده کرد و این امر برای جلب جهانگردان و توریست ها مناسب است و بنظر او اگر در جنوب سردخانه ایجاد کنیم می توانیم صید ماهی را چندین برابر افزایش دهیم و بازار فروش خوبی بدست آوریم. وی درباره وضع جنوب هم نظر ها و عقایدی را مطرح می کند که در صفحه هفتاد و سه آمده است.

* چند نمونه تمام رنگی از کارهای نقاشی که در کشور ما عرضه شده برایتان در این شماره آورده ایم و نمونه هایی چند از گلها و نباتات که در نمایشگاه انجمن باغبانی ایران در کاخ جوانان عرضه شد.

* و روی داده ها را داریم که نمونه ای است از قسمتی از فعالیتها و کارهای کشورمان با چند عکس.

* و گفتگویی هم داریم با رامش که طرفداران بسیار دارد با یک نمونه از ترانه های او.

* و ضمیمه های علوم، کدبانو، قوانین، بریده چاپ شده ها، هنری، کتابها و ورزش را هم داریم.

و سؤالی هم داریم طبق معمول خودمان درباره این شماره که زیر نظر شما است.

برای ما بنویسید که درباره آن چگونه فکر می کنید و چه نواقصی در آن بنظرتان می رسد ما را در کارمان ارشاد و راهنمایی کنید و نظرهای خود را برای ما بفرستید.

سِرِّہٴ بابائِ گنجِ مَطہرِ بَرِ نَفَرِ کَوِی خیمہٴ بابائِ گنجِ نَوشِ سَاقِیانِ مِی‌گُسار

تا بر نیکون بر روی پوشد مرغزار
تا بر نیکون بر روی پوشد مرغزار
خاک را چون ناف آهوشک ناید بقیاس
خاک را چون ناف آهوشک ناید بقیاس
دوش وقت نیمشب بوی بهار آورد با
دوش وقت نیمشب بوی بهار آورد با
باد گویی مشک سوخته دارد اندر آستین
باد گویی مشک سوخته دارد اندر آستین
نفرن لؤلؤ می بیضا دارد اندر مرثله
نفرن لؤلؤ می بیضا دارد اندر مرثله
تا بر آمد جامهای سرخ مل از شاخ گل
تا بر آمد جامهای سرخ مل از شاخ گل
باغ بو قلمون لباس و شاخ بو قلمون بنا
باغ بو قلمون لباس و شاخ بو قلمون بنا
راست پذیری که خلعتهای نگین یافتند
راست پذیری که خلعتهای نگین یافتند
داغگاه شهریار اکنون چنان خرم شود
داغگاه شهریار اکنون چنان خرم شود
بسرزه اندر بسره بینی چون سپهر اندر سپهر
بسرزه اندر بسره بینی چون سپهر اندر سپهر
هر کجا خیمه است خفته عاشقی با دوست
هر کجا خیمه است خفته عاشقی با دوست
پرنیان بهشت رنگ اندر سر اردو کو بهار
پرنیان بهشت رنگ اندر سر اردو کو بهار
بید را چون پر طوطی برگ روید بشار
بید را چون پر طوطی برگ روید بشار
جندآ باد شمال و حرما بوی بهار
جندآ باد شمال و حرما بوی بهار
باغ گویی لعبان جلوه دارد دکنند
باغ گویی لعبان جلوه دارد دکنند
ارغوان لعل بدخشی دارد اندر گوشوار
ارغوان لعل بدخشی دارد اندر گوشوار
چخماقی دست مردم سرفرو کرد از چاند
چخماقی دست مردم سرفرو کرد از چاند
آب مروارید رنگ و ابر مروارید بار
آب مروارید رنگ و ابر مروارید بار
باغهای پر نگار از داغگاه شهریار
باغهای پر نگار از داغگاه شهریار
کاذر آن از خرمی خیره بماند زنگار
کاذر آن از خرمی خیره بماند زنگار
خیمه اندر خیمه بینی چون حصار اندر حصار
خیمه اندر خیمه بینی چون حصار اندر حصار
هر کجا بسره است شادان باری از دلدار
هر کجا بسره است شادان باری از دلدار
بسرزه با بابت چنگ و مطربان لغزگوی
بسرزه با بابت چنگ و مطربان لغزگوی
عاشقان بوس کنار و نیکون ناز و عشا
عاشقان بوس کنار و نیکون ناز و عشا
بر در پرده سرای خسرو فیروز بخت
بر در پرده سرای خسرو فیروز بخت
بر کشیده آتشی چون مطردی دیبایی
بر کشیده آتشی چون مطردی دیبایی
داغها چون شاخهای تند یا تو نیک
داغها چون شاخهای تند یا تو نیک
خسرو فرخ سیر بر باره دیاکند
خسرو فرخ سیر بر باره دیاکند
همچو زلف نیکون خورد ساله تا خورد
همچو زلف نیکون خورد ساله تا خورد
میر عادل بو لطف شاه با پیوستگان
میر عادل بو لطف شاه با پیوستگان
هر که را اندر کند تاب خورده فکند
هر که را اندر کند تاب خورده فکند
هر چه زین سوداغ کرد از سوی دیگر رفت
هر چه زین سوداغ کرد از سوی دیگر رفت



تلاش

شماره بیست و هفتم

اسفند ۱۳۴۹ و فروردین ۱۳۵۰

نویسندگان و گویندگان مسئول نوشته ما گفته‌های خود هستند.

محل ادارہ: خیابان شاہ - کوئٹہ جم - شمارہ ۲۷ بہا ۲۵ ریاست



هیت تحریریه تلاش سال فرخنده و خوشی را برای شما خواننده عزیز آرزو میکند

روی جلد : هفت سین طرح از فرشید مثقالی .

صفحه	مطالب این شماره :
۲	شاهنشاه آریامهر جامعه فردای ایران
۳	خوشه چین از هر خرمین دانه ای
۷	بهرام فره وشی نوروز
۱۱	رضا قطبی و همکاران وی درباره تلویزیون ملی ایران
۲۵	مهناز عطارها شب می آید
۳۳	نورالدین شفیعی مشکل اساسی تئاتر ایران
۴۱	محمد ستاری بز مرغز
۴۴	حسن بابک فارسی در کاربردهای اختصاصی
۴۹	محمدحسن منزوی فر چه گوشتی باید خورد ؟
۵۲	اصغر نیشابوری اختلاف و ترکیب جامعه های انسانی در شهر و روستا
۵۶	ضرب المثل ها
۵۷	علی شالچیان اثرات شیر در تغذیه
۶۲	فرخ نجم آبادی دورنمای صنایع ایران
۶۷	حسن کریمی طلای سبز
۷۳	منوچهر پیروز در استان ساحلی
۸۱	فهرست رویدادها

داخل روی جلد : نجوایی در يك كوچه
شمیران عکس از ر . نگاه .

عکس های رنگی داخل :

نمایشگاه انجمن باغبانی ایران (گل ها و نباتات)
و چند نقاشی که در تهران دیدیم .

داخل پشت جلد : رامش عکس ها از ملك عراقی
عکس های سیاه و سفید : از بنی احمد و
غلامحسین ملك عراقی و گروهی دیگر .

تنظیم صفحات : با همکاری فرشید مثقالی .

خطاط : حسن فروغی و پرویز مستشیری .

چاپ سکه

این شماره هفت ضمیمه دارد : علوم ، کتاب ،
ورزش ، کدبانو ، قوانین ، بریده چاپ شده و هنری .

بهای تلاش با ضمیمه ها ۲۵ ریال

اکثریت اول جامعه فردای ایران را

کارگران تشکیل خواهند داد

در این هنگام که دومین کنگره بزرگ کارگران ایران آغاز بکار میکند، یکبار دیگر توجه و علاقه خاص خود را به حفظ و حمایت از منافع حقه کارگران زحمتکش و شرافتمند ایرانی و رفاه و آسایش و تامین اجتماعی بیشتر آنان را در کلیه شئون و مظاهر زندگی خواستاریم.

در دوران کنونی تحول اجتماعی ایران تحقق هدفهای مربوط به رشد اقتصادی و صنعتی شدن کشور بیش از پیش ایجاب میکند که نیروی فعال و مولد جامعه از حداکثر رفاه ممکن و از انواع حمایتها و کمکهای اجتماعی لازم برخوردار گردد. به همین منظور اصل سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی در منشور انقلاب ایران قرار داده شد تا با اجرای دقیق و صحیح آن رابطه کارگر و کارفرما به صورت منطقی درآید و بموازات افزایش بهره‌وری کار و بهبود تولید، درآمد واقعی کارگرافزون گردد و بدین ترتیب علاقه و همکاری نزدیک و مثبتی بین کارگر و واحد صنعتی که در آن بکار اشتغال دارد بوجود آید و کارگران از نتایج زحمات خویش بطور معقول و منطقی بهره‌مند شوند و در نتیجه رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی با آهنگی سریعتر تامین گردد. اینک بمنظور نظارت و بررسی کامل در حسن اجرای این قانون مقرر میداریم کمیته ثابتی مرکب از وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر اقتصاد، رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن و مسئول سازمان کارگران ایران تشکیل گردد و راه حل‌های عملی و منطقی در نظر گیرد که سود کارگران به حد مقرر در قانون برسد. ضمناً انتظار ما اینست که نمایندگان کارگر در عقد پیمانهای دست جمعی و تقسیم سود روشی را قبول نمایند که کارگران کم‌درآمد نیز به نسبت مزد خود سهم بیشتری دریافت کنند. همچنین توسعه شرکت‌های تعاونی بمنظور تهیه وسایل زندگی و مایحتاج ضروری کارگران با بهای ارزان، بمنظور بالا بردن قدرت خرید کارگران و ارتقاء سطح زندگی آنان مورد توجه خاص ما است.

بمنظور اینکه شرکت‌های تعاونی موجود بتوانند بنحو مؤثر و مطلوب نقش خود را از لحاظ ترفیه زندگی کارگران ایفا نمایند ما یلیم در کارگاهها و در کنار هر سندیکا شرکت یا شرکت‌های تعاونی ایجاد شود و سازمان کارگران ایران با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی و بانک رفاه کارگران یک شرکت تعاونی مادر بصورت سازمان تدارکات مرکزی تشکیل دهد که احتیاجات کارگران را از تعاونیهای تولید روستائی و یا از موسسات تولیدی صنعتی بصورت دست اول تهیه کند و در اختیار شرکت‌های تعاونی کارگری در سراسر کشور قرار دهد. ضمناً چون کلیه این اقدامات بایستی بموازات افزایش طبیعی و منطقی مزد در قبال کار مؤثرتر و بالاتر رفتن تولید و بهره‌کار باشد مقرر میداریم قبل از پایان سال جاری در حداقل مزدها تجدیدنظر شود، و در این تجدید نظر بکارگران کم‌درآمد در مناطق مختلف کشور توجه بیشتری معمول گردد. در زمینه مسکن به سازمانهای مربوط دستور اکید داده‌ایم که کلیه اقدامات لازم را معمول دارند تا طبق یک برنامه عملی و منطقی موجبات تامین مسکن کارگران کشور فراهم گردد.

از آنجا که افزایش مهارت کارگران در بالا بردن سطح درآمد آنان و افزایش بهره‌وری کار و بهبود تولیدات از شرایط اساسی تسریع پیشرفت صنعتی و اقتصادی کشور است مقرر داشته‌ایم وزارت کار و امور اجتماعی از سال آینده در سطح کشور و در رشته‌های مختلف مسابقات ملی مهارت فنی برگزار نماید تا کارگران جوان با شرکت در این مسابقات سطح اطلاعات و مهارت فنی خود را بالا برند و کارگران جوان ممتاز در هر رشته بجامعه معرفی شوند.

با توجه با اهمیت خاصی که برای این اقدام قائل هستیم مقرر داشته‌ایم والا حضرت ولایتعهد ریاست عالیہ کمیته ملی مسابقات مهارت فنی را عهده‌دار شوند.

همانطور که خاطر نشان ساخته‌ایم اگرچه امروز کارگران اکثریت دوم جمعیت فعال کشور را تشکیل میدهند، ولی با توجه به رشد سریع صنعتی کشور اکثریت اول جامعه فردای ایران را کارگران تشکیل خواهند داد. به همین مناسبت باید در برنامه‌ریزی‌های آینده نیازهای اجتماعی جمعیت کارگری کشور کاملاً مدنظر برنامه ریزان قرار گیرد.

موفقیت این کنگره و پیشرفت سریع و مداوم تشکیلات و سندیکاهای کارگری کشور را خواستاریم و امیدواریم این تشکیلات مانند تمام سازمانهای کارگری کشورهای صنعتی و متمدنی دنیا جو ابگوی احتیاجات جامعه صنعتی ایران باشد و نقش خود را در بالا بردن رشد فکری و اجتماعی و اقتصادی کارگران و اشتراک مساعی روزافزون آنان در اجرای برنامه‌های مختلف کشور با شایستگی ایفا کند و بدین ترتیب سهم خویش را در پیشرفت دموکراسی جامعه ایران و رشد اقتصادی دموکراتیک آن ادا نماید.

بهام شاهنشا آریامهر بدومین کنگره بزرگ کارگران ایران که
بوسیله آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی در جلسه گشایش کنگره
خوانده شد:



از هر خرمن دانه‌ای



گراوترین قراردادهای

در تاریخ نفت جهان

خانم و انداجابلونسکی در نشریه خود نوشته است که ایران با قرارداد جدیدی که منعقد کرده است درآمد خود را چهل و پنج درصد بالا برده است.

و علاوه می‌کند: این قرار دادگران‌ترین قرار داد مالی است که در تاریخ نفت جهان منعقد گشته است و ادامه می‌دهد که صنعت نفت جهانی در مقابل «زمین سخت و صخره‌ای» که بدان عرضه شد بطور سهل و ساده «تسلیم» شد و در یک جدول مفصلی که انتشار داده، آورده است که این اقدام دولت ایران موجب می‌شود در آمد سی‌سنت در هر بشکه برای این دولت در سال ۱۹۷۱ به پنجاه سنت در سال ۱۹۷۵ برسد. و طبق این قرارداد درآمد کشور های اطراف خلیج فارس که در سال ۱۹۷۱ مبلغ (۱۴۴۰) میلیون دلار بود با ربح مرکب در سال ۱۹۷۵ بالغ بر (۱۱۲۹۰) میلیون دلار گردد.

و می‌گوید ۳۳ سنت بین راه در بهای اعلان شده همه نفت خام ها و ۵ سنت اضافه در بهای اعلان شده مربوط به تعدیل غلظت نفت، و ۲۵ سنت اضافه سالیانه بعنوان عامل تورم و یک ۵ سنت اضافه دیگر در هر بشکه بعنوان موراتوریوم پنج‌ساله و ۲ سنت در بشکه برای تعدیل اختلاف بهای حمل و نقل که بر اساس آن مالیات ۵۵ درصد و ۱۲۵ درصد پرداخت مشخص محاسبه شده بهای نفت خام را بطور

متوسط در خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ تا ۴۲ سنت بالا خواهد برد. و این

رقم که برای مدت ده ماه و نیم خواهد بود در چهار سال آینده دو برابر خواهد شد. بدین ترتیب

که در سال ۱۹۷۲ به پنجاه سنت و در سال ۱۹۷۳ به شصت و یک سنت در سال ۱۹۷۴ به هشتاد و دو سنت و در سال ۱۹۷۵ به هشتاد و سه سنت خواهد رسید.

وقتی لغو تخفیف ها و لغو هزینه های بازار یابی را که بطور متوسط حدود ۷ سنت در بشکه می‌شد در نظر بگیریم جمع افزایش بهای اعلان شده متوسط فقط در سال ۱۹۷۱ به حدود ۴۹ سنت در بشکه می‌رسد.

فکر می‌کنم این ارقام و این شکایت های غرب خود بهترین تفسیر باشد برای کاری که ایران با استقبال هرگونه خطر «برای اولین بار» در تاریخ نفت جهان به نفع کشور های تولید کننده و صاحب نفت انجام داده است. بهمین دلیل همه کشورهای تولید کننده جهان، بموقع این زحمات ایران را قدردانی کردند.



کولومب



این اثر تئاتری «ژان آنوی»، شاگرد، دوست و همکار «لویی-ژووه» که ترجمه فارسی آن «کبوتر» می‌شود ولی در فرانسه اسم یک دختر هم می‌تواند باشد، در تالار موزه ایران باستان روی صحنه آمد.

کولومب یک دختر گل فروش است که با پسری بنام ژولین نامزد می‌شود. مادر ژولین: مدام آلکساندرا یک هنرپیشه بسیار معروف تئاتر و هم‌تراز سارا برنارد است.

بین مادر و پسر بعلت طرز فکر انزوا طلب پسر، و قدرت و پول و شهرت و طرز فکر جاه طلبانه مادر، اختلافی بزرگ بوجود آمده است تا آنجا که مادر حتی راضی ببدیدار فرزند که، می‌خواهد به خدمت ارتش برود و در این فاصله زن خود را باو بسپارد، نیست. این زن فرزند دیگری بنام «آرماند» دارد که عزیزدانه مادر است و با کمک همین پسر است که «مادر»

اداره زندگی کولومب، عروشو نوهاش را قبول می‌کند.

«مادر» در قدم اول دستور می‌دهد که کاری در تئاتر به کولومب ارجاع کنند.

کولومب جوان و خوشگل و با استعداد، در کار هنرپیشگی موفق می‌شود و زیبایی او سبب می‌شود که همه مردان تئاتر از عضو آکادمی گرفته تا رئیس و حتی منشی تئاتر هم باو اظهار عشق کنند.

تا وقتی که ژولین شوهرش از سفر می‌رسد و می‌فهمد که در آن تئاتر همه زنش را دوست دارند و برادرش «آرماند» معشوق زنش شده است و داستان با یک مکالمه جالب و باز گشت به صحنه های اول آشنایی آندو تمام می‌شود.

ژان آنوی در جهان تئاتر شهرت بسزا دارد و این اثر با وجود آنکه بیست سالی از عمر آن می‌گذرد نه فقط کهنه نشده بلکه می‌توان گفت پیرس روز است و اغراق نیست اگر گفته شود که در هر زمان و هر مکان هم طراوت و لطافت و حقیقت آن از دست نمی‌رود.

اسمیل شنگله که کار تئاتری خود را در تهران آغاز و در آلمان و اروپا ادامه داده این اثر را در تهران روی صحنه آورد.

نقش کولومب را فخری خوروش بازی می‌کرد و نقش شوهر کولومب را علی نصیریان.

جمیله شیخی در نقش مدام آلکساندرا بازی می‌کرد و اسمیل شنگله نقش آرماند را.

محمد علی کشاورز در نقش رئیس تئاتر، اسمیل داورفر نقش امیل روبن عضو آکادمی و شاعر محبوب، و پیس با همکاری عده دیگر از هنرپیشگان میتوان گفت موفق بود.

بازیگران کاملاً محیط و فضا و شخصیت‌های نمایشنامه را درک کرده و بخوبی از عهده نقش خود برآمده بودند تا جائیکه می‌توان گفت کار را تا سطح بازیگران خوب حرفه‌ای بالا برده بودند.

میتوان امیدوار بود که با کمک گروه «تئاتر جوان» علاقمند بکار تئاتر، اسمیل شنگله بتواند توفیق‌های بیشتری در کار تئاتر بدست آورد بشرط آنکه در راهی که می‌رود انحرافی بوجود نیاید و سطح کار هنرمندان هم اقل در پایه‌ای که در کولومب دیده‌شد

باقی بماند.



مصر می‌گوید بین چهار تاشش ماه می‌توان کانال سوئز را پاک کرد.



رئیس و مدیر عامل کانال سوئز (معشور احمد معشور) در گفتگویی که روز یازدهم فوریه امسال با نماینده «پترولیوم اینتلیجنس ویکلی» کرد گفت که با مقامات مختلف جهان تماس گرفته و با آنها تذکر داده آمده باشند تا موافقی را که از جنک ژوئن ۱۹۶۷ در کار کانال بوجود آمده برطرف کنند. عامل زمان عامل اصلی در رسیدن به هدف است و کار اصلی به یک مقطعه کار سپرده خواهد شد تا او کار را به مقطعه کار های دیگر ارجاع کند.

در سال ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷ کانال سوئز در مدت ۱۰۵ روز برای کشتی رانی آماده شده بود.

«وقتی کانال سوئز باز شود بدون تردید بهای نفت و بهای حمل و نقل نفت پایین خواهد آمد» این نظر را احمد معشور صریحاً اعلام داشت و علاوه کرد که مصرف کننده اروپائی بطور کلی نمی‌داند که بسته شدن کانال از ۶ تا ده درصد در درآمد وی اثر دارد.

قبل از سال ۱۹۶۷ هفتاد در صد حجم حمل و نقل کانال را مواد نفتی تامین می‌کرد.

برنامه اصلی که گویا حدود شش سال اجرای آن طول می‌کشد اینست که ترتیبی داده شود تا کشتی هائی بین ۲۵۰ هزار تا ۲۹۰ هزار تن هم بتوانند از کانال بگذرند.

مرحله اول عمیق کردن کانال از ۳۸ «فوت» (پا) تا ۵۳ «فوت» است و مرحله دوم عمیق کردن آن تا ۶۷ فوت است.

هزینه این کار را بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار تخمین زده‌اند. و بنظر احمد معشور از لحاظ تامین اعتبارات مالی، مشکلی در میان نیست. چون صدی پنجاه از این هزینه با پول مصری انجام خواهد شد و صدی پنجاه باقی مانده بوسیله منابع دیگر قابل تامین می‌-

باشد، که از جمله نانک جهانی را باید ذکر کرد که حاضر شده نه فقط کمک لازم را بکند بلکه آماده است تا تمام مبلغ مورد نیاز را بپردازد.

«مرکز توسعه کویت» هم باتمام امکانات خودش آماده مشارکت در این کار می باشد و یک گروه وابسته به دولت ایتالیا هم پیشنهاد کرده که حاضر است تمام هزینه این طرح را قبول کند.

عقیده احمد معشور اینست که هزینه مربوط به این کار با عوائد یکسال مثلاً عوائد سال ۱۹۸۰ قابل پرداخت خواهد بود.

وقتی مصری ها با همه خطرهای همجواری با اسرائیل در فکر استفاده از کانال باشند آیا کشور های دیگر مثل کشور ما نباید در زمینه استفاده سریع تر از خاک خود بوسیله خطوط لوله، برای صدور بکشور های دیگر بیندیشند؟



انسان، يك اتفاق بيش نيست



اخيرا در فرانسه فروش دو كتاب از كتاب «نيم تنه زرد» برنده جايزه گونكور بيشتر شد. درباره كتاب اول كه الان پرفروش ترين كتابهاي فرانسه است و ژنرال دوگل آنرا نوشته و «خاطرات اميد» نام دارد در شماره ۲۵ تلاش صحبت كرديم. اما كتاب پرفروش ديگر كتابي است كه ظاهرا سخت تر و مشكل تر از دو كتاب اول بنظر مي رسد و مربوط است به (آزمائشي درباره فلسفه طبيعي بيولوژي جديد). و نام كتاب اينست:

اتفاق و الزام

Le Hasard et La Necessité نویسنده كتاب، ژاك مونو Jacques Monod شصت سال دارد و برنده جايزه نوبل طب در سال ۱۹۶۵ شد.

او بجای آنكه خود را در چهارچوب كارش محدود سازد اکنون زيسك و خطر ورود در دنياي فلسفه را پذيرفته و در كتاب

خودش از اكتشافات علمي درباره مختصات اسيددزوكسي ريبونوكليك بحث مي كند.

درباره علم مي انديشد و از راه علم به فلسفه مي رسد و در آنجا با کمک علم كه آنرا وسيله كار و استدلال اش مي داند اساسي ترين سئوال ها را درباره اصل و نسب و ماجرای، انسان، مطرح مي كند. او پس از دريافت جايزه نوبل در سال ۱۹۶۷ كرسی حيات شناسي هسته اي (بيولوژي نوكلر) را در كولژدوفرانس بوجود آورد.

كتاب مونو بيش از نويست صفحه ندارد ولي در آن نويسنده كوشش مي كند كه راز زندگي را بشكافد.

در اين كتاب او پيام اطمينان بخشي برای انسان ندارد و بصراحت مي گويد:

«زندگي جز يك اتفاق نيست و انسان هم جز يك اتفاق چيز ديگري نيست.

«واز آنجا كه انسان ميوه اتفاق و تصادف است. بايد بالاخره از روياي هزارساله خود بيدار شود و حقيقت «تنهائي مطلق» و «بيگانه بودن محض» خود را كشف كند. بشر امروزي مي داند كه همانند يك كولي در حاشيه علم قرارداد و بايد در آنجا زندگي كند.

دنيا در مقابل موسيقي او كرو و در مقابل اميدهاي وي و رنج هاش وحتي جنايت هاش بي اعتناست. ژاك مونو مي گويد همه موجودات زنده صاحب يك «نقشه» هستند و يك «هدف» دارند.

«هدف را به يوناني تلوس Telos مي گویند و قانون را به يوناني Nomos. نوموس مي گویند و قانون همه موجودات زنده آنست كه بسوی يك هدف بروند.

اما موجودات زنده يك اخلاق و يك نوع مختصات ديگر هم دارند. اينها ماشين هائي هستند كه خودشان خود را مي سازند، دستگاه هائي هستند كه خودشان خود را بوجود مي آورند. يك نوع قاطعيت «دترمینیسم» Determinisme داخلي موجب پيدایش بسيار معضل و مشكل موجودات زنده مي شود.

يك فرد مطلع از كار حساب گرهای برقی و كومپيوترها ناچار است اعتراف كند كه هر موجود زنده، نشانه و نماينده تعدادي اطلاعات

است بسيار و بي شمار.

و چنين فردي وقتی بدنبال اين اطلاعات مي رود متوجه مي شود كه موجودات زنده در عين حال خود ماشين هائي هستند كه ماشين هائي شبیه خود بوجود مي آورند. و دارای این قدرت هستند كه بدون هيچ گونه تغيير، اطلاعات مربوط به وجود خود را منتقل كنند. اين حالت و اخلاق را ژاك مونو تغيير ناپذيري (Invariance) مي خواند.

ومي گويد «قانون هدف» (Teleoncmie تله اونومي) واصل تغيير ناپذيري (انواريانس) هر كدام شرايط خاص شيميايي خود را دارند.

تله اونومي به پروتئين ها مربوط مي شود و انواريانس مربوط به اسيد نوكليك مي گردد.

تمام مشكل در اينست كه بدانيم كدام يك از اين دو مشخصه موجود زنده، برديگري مسلط مي گردد.

اكثري سيستم هاي فلسفي و ايدئولوژي هاي آنها، اينطور اظهار عقیده مي كنند كه تله اونومي پيوسته مسلط است و تحول انساني بوسيله يك طرح تله اونوميك اصلي هدايت مي شود.

طرح پروژه و هدف تحول آنها در اينست كه بر انسان و انسانيت مسلط گردد.

متاسفانه اين يك روياو خيال بيش نيست. چون در حقيقت انواريانس است كه بر تله اونومي مسلط مي گردد.

به معنای ديگر در آغاز يك هدف وجود ندارد بلكه آن چه كه هست توانائي موجودات زنده است در اينكه بطور مشابه موجود قبلي تولد شود.

بنابراين چگونه جنس انساني مي تواند پيش برود و تحول يابد؟ جواب اين سئوال آنست كه تحول اين جنس مديون خطاهائي است كه در كار توليد مانند خودش انجام مي گيرد.

بدین معنی كه سلول عامل اصلي موجود زنده «رؤيا» ياش اينست كه سلول ديگري را كاملا به مانند خودش بوجود آورد.

اما بعضي اوقات يك اشتباه موجب آن مي شود كه اختلاف كوچكي بين سلول مادر و سلول دختر بوجود آيد.

و بنا بر اصل و مشخصه تغيير ناپذيري «انواريانس» اين اختلاف هم بنوبه خود محفوظ مي ماند. بدین معنی كه وقتی سلول دختر به نوبه خود سلول ديگري بوجود مي آورد اين سلول هم با حفظ آن اختلاف، شبیه سلول مادر مي شود. بدین طريق تغييرات و دگر گونگي ها بوجود مي آيند.

البته اين گونه اشتباه ها بالنسبه كم ياب است، اما اين كم يابي با توجه به تعداد سلول هاي زنده در يك لحظه خود قابل توجه و حجييم است.

انسان تركيبي است از ده هزار ميليارد سلول.

و بنظر ژاك مونو تعداد دگر گوني ها و تغييرات در افراد انساني هم اکنون بين يكصد تا يك هزار ميليارد سلول تفاوت مي كند.

مسئول تغيير ناپذيري «انواريانس» امروز شناخته شده است و آن همان اسيددزوكسي ريبونوكليك است كه در هسته هر سلول قرار دارد و اسم کوتاه علمي آن «ادن» adn است.

تشكيل اين «ادن» مشخصات سلول جديد را كه در حال تكوين است تعيين مي كند.

اما «ادن» محافظه كار و مخالف هر گونه تغيير است.

و تغيير سلول وقتی پيش مي آيد تابع يك پروژه و طرح معلوم نيست بلكه يك اتفاق، يك اشتباه، و روي داد و يك پيش آمد است و برخورد ادن با پروتئين هم در اين ماشين ظريف (كه موجب ايجاد زندگي مي شود) آنهم سبب يك اتفاق است كه هيچكس آنرا نمي خواسته و طلب نمي كرده و ممكن بود كه هيچگاه هم بوجود نيايد.

انسان در يك قمار طبيعت برنده اصلي شده در صورتيكه شانس بعمره آمدنش تقريباً صفر بوده است.

شايد هم بتوان گفت كه در چندين برد و باخت توفيق پافته زيرا كه خطاها و اشتباهات مكرر، اتفاق و تصادف موجب گشته كه انسان از سلول اول زنده تا انسان امروزي برسد.

البته تصادف و اتفاق در اين تحول، يار و ياورى هم بنام «الزام» داشته است و در اينجا نظريه مونو باكمي اختلاف به نظر داروين برديك مي شود. داروين گفته بود كه در اين

«جنگ برای هستی» آنکه با طبیعت خود را بهتر منطبق می‌سازد در نبرد با طبیعت باقی می‌ماند و از بین نمی‌رود.

اما مونو می‌گوید در این اشتباه‌ها و تصادف‌ها و اتفاق‌ها هم یک نوع انتخاب میان اشتباه‌ها خطاهای «خوب» و «بد» خود بخود انجام گشته و انتخاب طبیعت فقط بر قسمتی از آنچه که بروی عرضه گشته متکی بوده است.

و درباره هوش و خرد انسانی می‌گوید:

اما آدمی صاحب هوش و خرد گشته است که آن باعث تولید و بوجود آمدن اندیشه‌ها می‌شود. انسان دارای مغزی است که همانند

حیوان‌ها فقط اطلاعاتی را دریافت

نمی‌کند، که بهم منطبق سازد و آنرا تغییر دهد بلکه انسان قادر است اطلاعات تازه خلق کند و آنها را به افراد دیگر منتقل سازد.

اما مونو فرضیه‌ای را مطرح می‌سازد و آن اینست: تحولی که موجب تمیز و سوا شدن انسان از سایر موجودات گشته بعلمت زبان آدم است.

آنگاه از «زیجان تروپ» و باصطلاح خودش یکی از دورترین اجداد انسان سخن می‌گوید.

این جد بسیار دور آدم که از میمون جلوتر بوده دارای یک مغز بسیار کوچک بوده است اما بر حسب اتفاق، چندتا از سلول‌های مغزش خطائی مرتکب شدند و سلول‌هایی شبیه خودشان را تولید نکردند.

و این «خطای مفید» موجب شد که «زیجان تروپ» بتواند از زبان استفاده کند.

و باز هم در اثر پیش‌آمدها

و تصادف‌های دیگر که موجب تولید

سلول‌های دیگر شد زبان توسعه

یافت و جلو رفت و مغز هم همانند

آن. و بدین ترتیب هوش انسانی و

خرد و تمیز آدمی بوجود آمد.

در اینجا مونو با شدت ماتریالیسم دیالکتیک مارکس و انگلس را مورد حمله قرار می‌دهد و فلسفه این دو را «آنی‌مالیسم» فلسفه

«حیوانیت» می‌خواند.

می‌گوید مارکس و انگلس برای روشن کردن قوانین طبیعت این خطارا مرتکب شدند که خواستند قوانینی را که بر طبیعت حکومت

می‌کند، با کمک قوانینی که بر

روان حکومت می‌کند تفسیر و

توجیه کنند.

و چون فکر می‌کردند اندیشه و فکر بشکل دیالکتیک عمل می‌کند خواستند ثابت کنند که طبیعت هم بهمین طریق عمل می‌کند. در صورتیکه نه فقط طبیعت بشکل دیالکتیک و منطبق عمل نمی‌کند بلکه از طریق خطاهای مداوم و اشتباهات مکرر عمل می‌کند.

کتاب وی که مجال بحث در باره آن بیش از اینها در اینجا نیست، اخیرا سروصدای بسیار در همه محافل فرانسه و اروپا به وجود آورده است.

مارکسیست‌ها از یک طرف، و مسیحی‌ها از طرف دیگر با وحمله ور شده‌اند.

حتی «فرانسواداگونه» استاد فلسفه علوم در دانشگاه ادبیات لیون هم اخیرا در روزنامه لوموند درباره این کتاب چنین نوشت:

«آیا مونو تفسیر بعضی از وقایع را بشکل درام عرضه نکرده است؟ آیا راست است که تنها تصادف و اتفاق در تغییر «ژن‌ها» موثر است...؟»

بهر حال اکنون کتاب مونو نقل مجالس و نقل محافل مطالع و اندیشمند دنیای غرب شده است. زیرا امروز مسئله حدود و ثغور علم و توانائی دانش مطرح گشته است.

و اکنون قیام علیه «علم» (که موجب اینهمه پیشرفت‌ها شده) در همه جا مشهود است و داستان آلودگی هیروشیما و بمب‌های هسته‌ای همه‌جا سرو صداها برانگیخته است.

ولی ژاک مونو اکنون به مردم روی زمین پیشنهاد می‌کند که از یک «اخلاق» و بقول خودش «رویه و روال» که فقط متکی به علم باشد باید پیروی کنند.

و با اتکا به علم در مقابل همه این فریادها می‌گوید:

«انسان مطلقا اهمیت ندارد و همین نکته است که انسان هیچگاه قبول ندارد.»

دنیای ما بار دیگر در مقابل دو نظریه مخالف و متضاد قرار گرفته است. یکی انسان را مرکز و

مبداء و حتی مقصد همه چیز می‌پندارد و دیگری پیدایش آدمی را مدیون یک اتفاق و یک اشتباه می‌پندارد. این دومی که «اتفاق» را عامل اصلی می‌پندارد کسی است که یکی از مهم‌ترین جوائز علمی دنیا یعنی جایزه نوبل را در دست دارد. حال بر سر این دو راهی که کتاب‌ها عرضه می‌کنند کدام راه را باید انتخاب کرد؟



مبارزه با آلودگی‌ها



کار مبارزه با آلودگی‌ها هر لحظه در دنیای امروز جدی و جدی‌تر می‌شود، تا آنجا که ژاپن صرفه‌جو تصمیم گرفته از ماه نوامبر نفت خام وارداتی را که یک درصد یا از یک درصد کمتر گوگرد داشته باشد، هر بشکه‌ای نیم سنت آمریکائی از عوارض گمرکی معاف کند.

این رقم در بودجه پیشنهادی سال ۱۹۷۱ ژاپن هم ذکر شده است. از طرف دیگر طبق خبری که از توکیو مخابره شده با توجه به آلودگی هوا و آب رفت‌رفته اشکالاتی در بدست آوردن جا برای ساختمان تصفیه خانه‌ها بوجود آمده و در کشور های عمده مصرف کننده روز بروز این موضوع مسئله‌ای مشکل و مشکل‌تر و چه بسا غیر قابل حل می‌شود.

یکی از شرکت‌های تصفیه ژاپن بنا بنوشته پترولیوم اینتلیجنس ویکلی در شماره ۲۸ دسامبر، پیشنهاد کرده است که کار تصفیه مواد نفتی در سواحل خلیج فارس انجام گیرد. و پس از تصفیه، مواد نفتی و محصولات تصفیه شده را به ژاپن حمل کنند. قبلا یک موسسه دیگر پیشنهاد کرده بود که دستگاه‌های تصفیه بر روی کشتی‌های حامل نفت خام نصب گردد و این مواد خام را تصفیه کنند.

در همین اوان تایمز (اول ژانویه ۱۹۷۱) خبر داد که نیکسون

اخیرا قانونی را امضاء کرده است که طبق آن صنعت موتور سازی امریکا مکلف شده اتوموبیل‌هایی بسازد که هوا و فضا را آلوده نکند. آخرین مهلت این قانون تا سال ۱۹۷۵ محدود شده است.

در امریکا و در بیشتر کشور های دنیا موتور اتوموبیل‌ها موجب هشتاد درصد آلودگی هوا می‌شود. این قانون خشن و سخت رادنیاییکی از مهم‌ترین قدم‌های امریکا برای تامین «هوای پاک» که در سال ۱۹۷۰ از کنگره امریکا گذشت تلقی می‌کند. اوامری که خطاب به صنعت اتوموبیل صادر گشته، این صنعت را مکلف ساخته که تا سال ۱۹۷۵ موتور هایی بسازند که در آن‌ها مقدار مونوکسید کربون و هیدروکربون که در فضا منتشر می‌شود تا ۹۰ درصد از سطح کنونی پایین بیاید.

آیا مسوولین نظارت در صنایع موتوری ایران و سازندگان موتور و صنایع وابسته بدان با علاقه‌ای که باید در کار پاک نگاهداشتن هوا و آب فضای ایران داشته باشند و نیز مسوولان و مجریانی مانند آقای دکتر گل‌سرخی، در این امر که همه کشورهای صنعتی را تهدید می‌کند و امریکا را وادار به اجرای قانونی باین شدت کرده، چه گام‌هایی برداشته‌اند؟



«در میان مردم»



مجموعه پنج قصه از ناصر خاکی اخیرا منتشر شده که «در میان مردم» نام دارد. ناصر خاکی در این کتاب از دید خودش زندگی مردم را نه فقط دیده بلکه احساس کرده و با سبک روان و ساده‌ای فکر و اندیشه و حس خود را به خواننده منتقل می‌کند.

یکی از آن پنج قصه بنام آدم خیالاتی داستان فیروزه‌تراشی است سلیمان نام که چهل سال در مشهد کمانه را توی چوب چرخ سنباده داخل کرده، عینکش را با تنبلی و آرامی بچشمش گذاشته

و دو سیم کج آنرا در بیخ گوش خود رد نموده ، سنک فیروزه را بقلم چسبانیده و کمانه را حرکت داده است ...

تا روزی که «... دست سفید و کوچکی از لای چادر بیرون آمد . بوی یاسمن ، با تکان چادر بیشتر بیرون ریخت و سلیمان فقط يك ثانیه توانست صورتی را که چادر سیاه باحد و بیرحمی در پشت خود پنهان کرده بود ببیند . دختر پانزده ساله یا شانزده ساله ای بود . چادرش نزدیک بود بیفتد . بزحمت توانست آنرا بگیرد رنگش از این ناشی گری قدری سرخ شد مثل سیبی که سرخی ملایمی پیدا کرده باشد ...»

بعد افکار و احساس سلیمان را بیان می کند و دنباله زندگی را می گیرد . در این داستان و چهار داستان دیگر...

در این کتاب رویهم ناصرخاکی سعی کرده اثرها و قطعه هایی از زندگی را در کارهای خودش منعکس کند .

این پنج قصه «در میان مردم ساده و کوتاه و لطیف بنظر آمد



«اژدهای خوش یمن»



در این شماره اخیر کوریه که اونسکو چاپ می کند مطلبی بود دردناک از برخورد کشتی «فوکور یاماروا» به زبان ژاپنی که معنی فارسی آن «اژدهای خوش یمن» است با يك انفجار هیدروژنی در اول مارس ۱۹۵۴ .

ساعت سه صبح ، این کشتی به آبهای جزایر مارشال در اقیانوس آرام رسیده بود و خود را آماده می کرد که از آنجا ماهی تون شکار کند . دو ساعت بعد نوری خیره کننده سیاهی شب را می درد و یکی از ملوانان فریاد بر می آورد «خورشید از مغرب طلوع می کند» چند دقیقه بعد تکان عظیمی کشتی را می لرزاند و سپس دو انفجار مهیب از دور بگوش می رسد .

محاسبه بر مبنای زمان ، دیدن نور و شنیدن صدا ، ناخدا را باین نتیجه می رساند که حادثه در ۱۴۰ کیلومتری روی داده است و ناخدا روی نقشه ای که در اختیار دارد

باین حساب ، مجمع الجزایر کوچکی را که بی کینی نام دارد ، ملاحظه می کند.

آنگاه بخاری عجیب کشتی را آلوده می کند و کشتی پراز قطرات سفید رنگی می شود که به صورت های ملوانان می چسبد و از لباس آنها هم می گذرد .

«اژدهای خوش یمن» تصمیم می گیرد هر طور شده با طی چهار هزار کیلومتر خود را به بندرگاه اصلی یعنی بندر بایزو برساند .

سفر ۱۵ روز طول می کشد . هر ۲۳ نفر دریانورد در طی سفر بیمار می شوند . وقتی به بندر می رسند بآنها می گویند آنچه دیده اند انفجار يك بمب هیدروژنی بوده است.

همه مسافران کشتی «اژدهای خوش یمن» در توکیو بستری می شوند . در ماه سپتامبر همان سال مسئول رادیوی کشتی که گوبویوما نام دارد ، جان می سپرد .

این کشتی اکنون بدستور فرماندار توکیو و بنابه خواسته کنگره ژاپن و شورای سندیکا های آن کشور محفوظ مانده است .

ژاپنی ها که خود اولین قربانیان جنگ اتمی در هیروشیما و ناکازاکی بودند ، در موزه های این دو شهر ، وحشت ناشی از سلاح های هسته ای را نشان می دهند.

این «اژدهای خوش یمن» هم که در فاصله ۱۴۰ کیلومتری انفجار يك بمب اتمی همسرانشینان آن یا کشته یا مریض شدند بعنوان نمونه ای دیگر از قربانی های انفجار های هسته ای باقی خواهد ماند.

می گویند سازمان ملل متحد امیدوار است ده سال آینده را به دهه خلع سلاح مبدل کند زیرا طبق آماری که سالنامه اسپری چاپ است کهلم تهیه کرده از سال ۱۹۱۳ تاکنون «باتوجه باین که درآمد جهانی اقلاً پنج برابر گشته در واقع مخارجی که «صرف بخش نظامی» می شود ده برابر افزایش یافته است .»

و این مبلغ چهل درصد بیش از مخارجی است که تمام کشورها صرف آموزش می کنند و بیش از سه برابر هزینه ای است که مجموع کشور های جهان برای بهداشت اختصاص می دهند . و بدتر از همه اینها ، مسابقه تسلیحاتی قاره ها را آلوده کرده که تاکنون مصون مانده

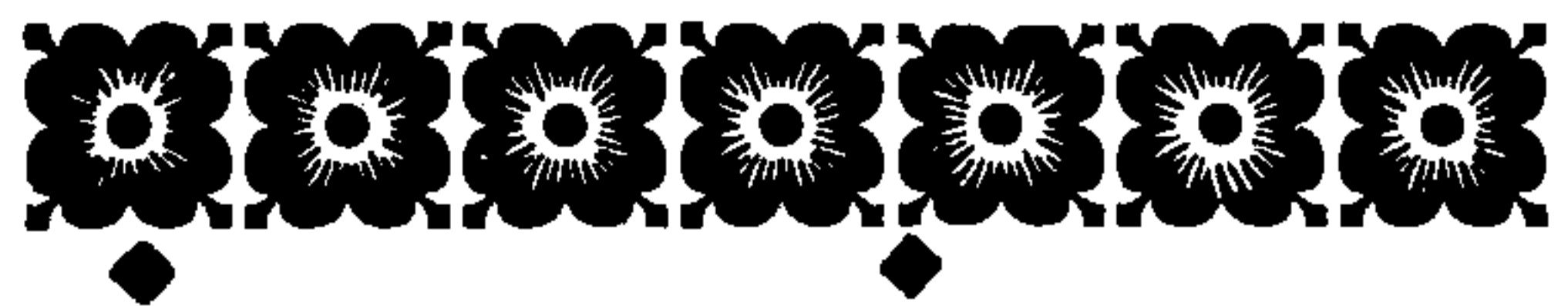
بودند.

در پایان مدیر آن نشریه رابرت نیلا اینطور نتیجه گرفته است :

افزایش مخارج نظامی را در جهان و بویژه پیشرفت تکنولوژیک بیش از پیش سریع در سیستم سلاح ها ، خطری وحشتناک در بردارد کوششهایی که تاکنون بخاطر متوقف ساختن یا کند کردن یا دگرگون ساختن این وضع بعمل آمده ابداً قابل مقایسه با میزان خطر نیست و تنها محدود کردن تسلیحات و خلع سلاح می تواند در تخفیف بحران ها و تیره گی های موجود موثر باشد.

اگر این مطالب درست باشد . باین سرعتی که کشورها بسوی تسلیحات می روند و با هزینه هایی که صرف تسلیحات می کنند آیا کشور هایی که می خواهند در صلح و صفا و آرامش زندگی کنند می توانند بدون قدرت نظامی و بدون اسلحه و بدون افراد کاردان و خبره در سیستم های نو دفاعی دست روی دست بگذارند و در انتظار تقدیر باشند ؟

خوشه چین



نوروز



* در این روز انسان از عالم مینوی بدنای خاکی پا
نهاد ، تا هریمن را از زمین براند .
* نوروز منسوب به جمشید پادشاه اساطیری هند و
ایرانی است ، یعنی این جشن مربوط بزمانی است که مردم
هند و ایران باهمدیگر میزیسته اند .

نوروز جشن بهاری مردم سرزمین ما است
که بخاطر قدمت بسیارش گفتنی بسیاری
درباره اش گفته اند ولی کمتر کسی از مردم
این مرز و بوم است که آنطور که باید این
جشن ملی را بشناسد و ما در آستانه آغاز سال
جدید بادکتر فرهوشی استاد تاریخ دانشکده
ادبیات درباره نوروز مصاحبه‌یی انجام دادیم
تا آشنائی راستین با روح و اساس واقعی و
اصیل نوروز دست دهد.
دکتر فرهوشی درباره چگونگی پیدا شدن
نوروز می‌گوید :

کلمه نوروز مرکب از نو ، و روز یعنی
روز نو و بنابر اساطیر کهن ایرانی در این روز
بود انسان که بصورت دنیوی در عالم مینو
میزیسته است بروی زمین آمد و کالبد زمین
گرفت . توضیح بیشتر این است که ایرانیان
قدیم عقیده داشتند وقتی اهورامزدا انسان
را آفرید ، انسان که بصورت مثالی آفریده
شده بود در عالم مینو میزیست تا اینکه در
برابر قدرت اهورایی نیروی اهریمنی هم
آفریده شد و اهریمن قصد تباہ کردن دنیای
نیکی ها را داشت فرورهای انسانی یا انسانهای
مثالی که در عالم مینو بودند داوطلب می شدند
که به زمین بیایند و صورت مادی بگیرند
تا اهریمن و سپاهش را از زمین بیرون
برانند و بنابر اساطیر ایرانی اولین انسان
که کیومرث باشد در همین روز های نوروز
قدم بدنای خاکی نهاد. ایرانیان باستان معتقد
بودند فرورها یا ارواح جاودانی باین جهت
بروی زمین آمدند که اهریمن و نیروی او را
از بین ببرند. بنابراین انسان در جهان هستی
فقط يك وظیفه دارد و آن وظیفه، جنگ با
نیرو های اهریمنی و بدی است و باز ایرانیان
معتقد بودند که این جنگ ۹ هزار سال طول
می کشد و در پایان سال نهم وقتی دیگر
آخرین نیرو های بدی از دنیای مادی رانده
شدند آنوقت دیگر علتی برای زندگی خاکی
باقی نمی ماند و دوران زندگی بسته می شود
و همه انسانها در دنیای معنوی و دربارگاه
اهورامزدا زندگی جاویدان خواهند داشت .
پس بنابراین وجود انسان روی زمین بخاطر
وجود اهریمن آفریده شده و اگر نیروی
اهریمن نبود بنابر اساطیر ایران کهن، انسانی

هم در عالم مادی وجود نداشت .
ایرانیان قدیم عقیده داشتند که چون
اولین فرورهای انسانی در نخستین روز های
سال نو زمین آمدند همواره در نوروز ارواح
پدران برای دیدار دودمان خودشان بزمین
می آیند و بهمین جهت است که باید خانه
تکانی کرد و اتاقها را سفید نمود و در اطاقها
گل گذاشت تا از مهمانان آسمانی پذیرایی
بعمل آید و باز بهمین مناسبت است که این
ماه که در نخستین روزهایش فرورها بزمین
می آیند منسوب به فرورها شده و فروردین
نامیده می شود ، یعنی ماهی که مخصوص
ارواح نیاگان است .

در زمان ابوریحان بیرونی غذایی در
روی بام منازل خود می گذاشته اند ، تا در
در گذشتگان را بزبان بیاورند. بنابر این نوروز،
روز های نوروز که ارواح پدران از سفر
آسمانی بزمین می آیند غذای خوبی داشته
باشند و این رسم هنوز هم در برخی از
روستاها معمول است .

معمولا تصور می کردند که این ارواح
پدران مدت ده روز یعنی از ۲۵ اسفند تا ۵
فروردین مهمان خانواده های خود هستند ،
بهمین مناسبت است که خانواده های ایرانی
سعی می کنند در این روزها در خانه و خانواده
صلح و صفا برقرار باشد و احیانا اگر کدورتی
در خانواده هست در ایام عید بادید و بازدید
این کدورت را از بین ببرند .

در برخی از روستاها و شهرهای ایران
هنوز این رسم برجای مانده است که بخاطر
خشنودی ارواح پدران آسمانی در روزهای
قبل از عید و یا شب جمعه قبل از نوروز بنام
همه در گذشتگان خانواده با آرد و شکر، حلوا
درست می کنند و بر سر مزار آنها می برند و
هم چنین در بین خانواده های زرتشتی هندی رسم
براین است که در هنگام نوروز یکی از اطاق
های خانه را سفید می کردند و گل و آینه
می گذاردند و این اتاق مخصوص پذیرایی از
ارواح آسمانی است و در بعضی خانواده ها
رسم براین است که قبل از تحویل سال و
در هنگام عید مخصوصا باید که نام همه
در گذشتگان را بزبان بیاورند بنابراین نوروز،
روزهای پذیرایی از ارواح در گذشتگان است،

ارواحی که چون بزمین بیایند نباید در
خانواده خود ناراحتی و نارضایی ببینند زیرا
در این صورت ناخرسند برجایگاه خود باز
خواهند گشت و برکت از خانواده خواهند رفت
و اگر خانواده در صلح و صفا باشد ارواح
پدران برکت به خانواده خود ارزانی خواهند
کرد و خانواده به یمن شادمانی ارواح پدران،
در آرامش بسر خواهد برد . از اینها گذشته
بنا با ساطیر ایران باستان اول نوروز مصادف
است با روزی که جمشید به پادشاهی نشسته
است و بهمین مناسبت نوروز جمشیدی هم
می نامند .

تلاش - بنظر شما نوروز قدمت چند ساله
دارد و در آغاز بر گزاریش همراه با چه
مراسمی بوده و این مراسم تاکنون چه
دگرگونی هایی را پذیرفته است ؟

فرهوشی : بایستی گفت که نوروز یکی
از کهن ترین جشن های ملت ایران و قدمتی
در حدود ۳ تا ۴ هزار سال دارد و همانطور
که قبلا گفتم این نوروز منسوب به جمشید
پادشاه اساطیری هند و ایرانی است یعنی
این جشن مربوط بزمانی می شود که مردم هند
و ایرانی با همدیگر میزیستند .

ریشه نوروز را می توان بزمان های
بالاتری نیز برد و به ملل هند و اروپایی
منسوب کرد زیرا جشن بهاری در میان
بسیاری از ملت های هند و اروپایی وجود
داشته و هنوز هم وجود دارد .

بنابر آنچه که از مطالعه تاریخ و تقویم
های ایران قدیم بر می آید نوروز مخصوص
ایرانیان شرقی بوده ، یعنی يك جشن اول
سال اوستایی است و بعد ها اندك اندك در
تمام فلات ایران گسترده شده است . ما می-
دانیم که پادشاهان هخامنشی بهار را در تخت
جمشید می گذراندند و نوروز با مراسم با
شکوهی در تخت جمشید برپا می شد و نمایندگان
ملل هدیه های نوروز به پیشگاه پادشاهان
هخامنشی تقدیم می کردند و نقوش برجسته
پلکانهای تخت جمشید نموداری است از این
مراسم .

از زمان ساسانیان اطلاعات مستقیمی در-
باره نحوه برگزاری نوروز در دست نیست .

صفحه هفتم

از ترکیه جشن نوروز برپا می‌شود. ایرانیان کلمی هم نوروز را با مراسم آن برگزار می‌نمایند.

تلاش: آیا در ملل دیگر جشنهایی نزدیک به نوروز برگزار می‌شود؟

فره‌وشی: در این مورد باید بگویم که این جشن بهاری و فصلی است. ایرانیان باستان دو جشن فصلی داشتند، نوروز که در اعتدال بهاری است و مهرگان که در اعتدال پاییزی است. در میان مردم سرزمین‌های دیگر اقوامی از اروپا را می‌شناسیم که جشن‌هایی شبیه به نوروز برپا می‌داشتند مثلاً در روم باستان جشنی برپا می‌شد بنام «روزاریا» که در آن گل سرخ برگور در گنشتگان خود تثار می‌کردند که تقریباً یک جشن بهاری برای ارواح در گنشتگان بوده است. در مللی هم که هند و اروپایی نیستند جشن بهاری وجود دارد مثلاً: ژاپونی‌ها آمدن فصل بهار را جشن می‌گیرند.

تلاش: آنچه که امروز بنام نوروز برگزار می‌شود چه تفاوت‌هایی با برگزاری نوروز در ازمنه گذشته دارد؟

فره‌وشی: تقریباً می‌شود گفت که: جشن نوروز از گذشته تا بحال چندان تغییری نکرده است و تنها تغییرات آن در قسمتهای مذهبی آن است مثلاً از زمان ساسانیان، ایرانیان زرتشتی روز قبل از نوروز با تشکده‌ها می‌رفتند و مراسم دعا و نیایش برپا می‌داشتند که تا امروز بین زرتشتیان حفظ گردیده است ولی ایرانیان مسلمان این رسم را دیگر بجای نمی‌آورند. در قدیم برای ارواح در گنشتگان غذا در روی بام‌ها می‌گذاشتند و امروز در روستاها شب قبل از نوروز حلوا می‌پزند و بر سر گور در گنشتگان خود می‌برند. این مراسم اندک‌اندک در شهرها متروک شده است.

تلاش: می‌خواستم راجع به اهمیت آتش در ایران باستان و مخصوصاً برگزاری برخی از جشنهای نوروزی چون مراسم «چهارشنبه سوری» بپرسم؟

فره‌وشی: برای اینکه به اهمیت آتش در ایران قدیم پی ببریم باید بدانیم که چون در آنروز کاروسایل روشن کردن آتش بسیار محدود بوده این کار بسختی میسر می‌شده است. برای پی بردن به اهمیت آتش نزد اقوام ابتدائی بایستی بزمان‌های خیلی دور برگردیم که در سرمای زمستان تنها پناه مردم آتش بود و پس. یعنی اگر بخواهیم با اهمیت آتش در آنروز گاران بیشتر پی ببریم باید خودمان را جای مردمان تمدنهای اولیه بشری بگذاریم و آنوقت است که می‌فهمیم کشف آتش چه واقعه مهمی بوده و آتش چه مقام بزرگی در زندگی مردمان آنروز داشته است و اگر امروز ما با آتش چندان اهمیت نمی‌دهیم بخاطر این است که با یک کبریت می‌توانیم آتش تولید کنیم ولی مردم آنروز می‌بایست آنقدر

و اما این جشن که برپا کردندش حفظ شده بود در زمان خلفا مجدداً شکوه و جلال خود را باز می‌یابد و از لابلای کتاب‌های مورخان ایرانی و عرب تقریباً می‌توانیم مراسم نوروزی را که در پیشگاه پادشاهان برپا می‌شد دریابیم.

معمولاً قبل از نوروز در صحن دوبار شاهى دوازده ستون از خشت خام می‌ساختند و بروی هر کدام یکی از حبوبات را می‌کاشتند و همین رسم است که امروز بصورت سبزه سبز کردن در بین خانواده‌ها باقی مانده است و تصور می‌کردند هر کدام از این حبوبات که بهتر رشد کرد در سال جدید این گیاه می‌بایستی بهتر بروید و از همان دانه بیشتر می‌کاشتند. در صبح نوروز شخص خوشنامی به دربارشاهی می‌رفت و خوانچه‌یی را که محتوی میوه و نقل و شیرینی بوده به پیش پادشاه می‌برد و می‌گفت که: آورنده خوشبختی برای پادشاه است.

تلاش: در دوره اسلامی نوروز چه شکلی بخود گرفت؟ و آیا در این دوره هیچ تغییری پیش نیامد و یا قسمتهایی از مراسم خود را از دست داد.

فره‌وشی: در دوره اسلامی جشن نوروز و مهرگان از بین رفت، از این جهت که این اعیاد جنبه مذهبی نداشته و ایرانیان نه تنها این دو جشن نوروز و مهرگان را حفظ کردند بلکه خلفا هم این دو جشن را بعنوان جشن ملی برپا می‌کردند.

در طول تاریخ می‌بینیم که بعضی از رسوم نوروز کنار گذاشته شده است و این تغییرات بیشتر در شکل مذهبی آن رسوم داده شده است، مانند خواندن اوستا و گذاشتن کتاب اوستا در خوان نوروزی که بجای آن امروز کتاب مقدس قرآن گذاشته می‌شود.

همچنین می‌بینیم که گاهی اوقات برگزاری نوروز را ممنوع کرده‌اند ولی هر بار ایرانیان برای برگزاری آیین دیرین خود پافشاری کرده‌اند. مثلاً چندی قبل برگزاری نوروز که یکی از اعیاد ملی کردهای عراق است از طرف حکومت وقت عراق ممنوع گردید ولی کردها مقاومت کردند تا این که دوباره توانستند این جشن ملی را برقرار نمایند.

جشن نوروز تنها منحصر به ایرانیان نیست بلکه بسیاری از اقوام آسیای میانه که روزگاری جزو شاهنشاهی ایران بودند و یا نوعی از فلسفه و تفکر ایرانی متأثر بوده‌اند این جشن را از یاد نبرده‌اند و هنوز هم آنرا برپا می‌دارند مثلاً در مصر اقوام قبطی که از اقوام مصر قدیم هستند این جشن را برگزار می‌نمایند و همچنین درویش‌های یوگسلاوی این جشن را با اسم فارسی آن یعنی «نوروز» برگزار می‌کنند و در قسمت‌هایی



چوبی را بر چوبی دیگر می‌مالیدند تا آتش از آن برخیزد .

آتش یکی از مایه‌های حیاتی آدمی بود و باین سختی بدست می‌آمد و می‌باید حفظ میگردید که خاموش نشود و خانواده‌ها می‌باید پاسبان این آتشها باشند تا هر وقت کسی نیاز بآتش داشت بتواند از همین آتش بخانه خود ببرد و آتش اجاق خود را بیافروزد . در تمدنهای اولیه معمولاً هر خانواده‌یی آتش را در خانه خود حفظ می‌کرد و تقریباً تمام افراد خانواده بدور این آتش جمع می‌شدند چه در تابستان موقع پختن غذا و چه در زمستان ها برای گرم شدن و از همین جا است که کلمه "دودمان" پارسی سرچشمه گرفته است و دودمان بمعنی خانه آتش و دود است . یعنی خانواده بنوعی بستگی بآتش و باصطلاح امروزی اجاق خانوادگی داشته است . و این آتش که با این زحمت بدست می‌آمد باید بطور مستمر نگاهداری میشد و هر اسم کهنی رفته رفته جنبه مقدس بخود می‌گیرد و اصولاً پرستیدن آتش در نزدنیان ما بمعنی امروزی معمول نبوده است . اینان بآتش احترام می‌گذاشتند و خود کلمه پرستش در اوستائی مرکب از دو واژه "پئیری" و "ستا" است یعنی بدور چیزی ایستادن و پرستیدن آتش در واقع بمعنی ایستادن بدور آتش است . یعنی همین کاری که همه ما در زمستانها انجام می‌دهیم .

ایرانیان قدیم عقیده داشتند که این آتش که در خدمت بشر بکار می‌رود عنصری است که برای سعادت و رفاه بشر از طرف خدا فرستاده شده است و از اینرو بدان احترام می‌گذاشتند . در ایران قدیم در همه خانواده‌ها جایی برای نگاهداری آتش وجود داشت و چون در ایران قدیم آتش مقدس شمرده می‌شد برای آن سراهایی می‌ساختند تا آنرا خوب نگاهداری کنند که خاموش نشود و گاهی در اعیاد برای تقدیس آتش بآنجا می‌رفتند و در شبهای قبل از نوروز رفتن بآتشکده در ایران باستان معمول بود و مردم در خانه‌های خود و حتی بر بالای بامها نیز آتش می‌افروختند و همین امر است که چهارشنبه سوری را بوجود آورده است . در ایران قدیم ایام هفته وجود نداشته است و گویا یکی از آتش افروزی‌های نوروز در دوران اسلامی به شب چهارشنبه افتاده و از آن پس شب چهارشنبه یا عصر سه شنبه برای آتش افروزی قبل از نوروز مرسوم شده است . و این آتش افروزی هم رابطی با اساطیری با خود نوروز دارد بدین معنی که این آتش افروزی بدین سبب است که راه را به مهمانان آسمانی که قبلاً ذکر آن رفت بنمایانند و دودمانها را بآنها نشان بدهند و بهمین سبب در غروب روز سه شنبه هنگامی که هوا تاریک می‌شود ، آتش چهارشنبه سوری در خانواده‌ها افروخته می‌شود . و معمولاً بنا بر رسم ایران کهن عدد ۳ و ۷ اعداد مقدس بشمار می‌روند و هنوز هم رسم است که ۳ و یا ۷ توده آتش روشن

می‌کنند و برگرد آن بشادی می‌پردازند .

تلاش : تهیه هفت‌سین هم یکی از رسوم جالب نوروز است ، ممکن است در این مورد هم توضیح بدهید ؟

فره‌وشی : لغت هفت سین همانطور که از ترکیب کلمه‌اش معلوم است ، قسمت‌اولش عدد هفت است و هفت عدد مقدس ایران قدیم و بطور کلی دنیای قدیم است . در ایران عدد هفت از آنرو مقدس بوده که تعداد «آمشاسپندان» یا فرشتگان جاویدان هفت است .

اما درباره قسمت دومش که سین باشد تعبیرهای مختلفی شده است . بعضی‌ها هفت سین را همانطور که امروز معمول است بصورت سین‌القبائی تصور کرده‌اند و بهمین جهت در مراسم هفت سین از چیزهایی استفاده می‌کنند و آنها را در خوان نوروزی می‌گذارند که اول نامشان با سین شروع شده باشد و احیاناً در این مورد هنگامی که چیزی نیابند که اول آن سین باشد از سیخ و سه پایه و هر چه که با سین شروع شود هم استفاده می‌کنند . در این مورد باید بگویم که این سنت کاملاً غلط است هر چند که رایج است ، زیرا که در دوره قبل از اسلام نام حرف «س» سین نبود و علاوه بر این حرف «س» حرف مقدس نیست که چیزهای مقدس خوان نوروزی با آن شروع شود . برخی اندیشیده‌اند که شاید کلمه سین تحریفی از چین بمعنی چین باشد یعنی هفت چیزی که در خوان نوروزی چیده می‌شود ولی به عقیده من این نیز درست نیست و من تصور می‌کنم هفت‌سین را بایستی به نوعی دیگر معنی کرد ، در دوره ساسانی روابط تجارتي میان ایران و چین رونقی بسیار داشت و اشیاء ایرانی را به چین می‌فرستادند و از چین نیز ظرفهای منقش زیبایی بایران می‌آوردند و این تجارت تا همین اواخر پای برجا بود و ظروف چین که هنوز نام چین را دربردارد مبین آن است و همین ظروف است که بمناسبت پربهائی در مراسم نوروزی از آنها استفاده می‌شد ، اما اصل لغت چین در فارسی سین است و این نام در پهلوی و در عربی و در زبان فرانسه هم بصورت سین تلفظ می‌شود و واژه فارسی سین که امروز بکار می‌رود ، از همین کلمه مشتق شده است و مرکب است از سین باضافه يك علامت نسبت پهلوی ؛ و «سینیک» تلفظ می‌شده و سپس در فارسی سینی شده است و سینی عبارت از خوانی است که در آن بتوان چیزی نهاد و معمولاً این خوان از ظروف منقش چینیان بوده است . البته بعدها هر ظرفی هم که در خود ایران از فلز ساخته شد نام سینی بخود گرفت و ریشه کلمه سینی که امروز معمول است از همین جا برخاسته است . بنا بر این سینی یعنی خوان یا خوانچه ، یا بشقاب و ظرف و در مراسم هفت سین چنانکه می‌دانیم هفت

ظرف در سفره هفت سین گذاشته می‌شد و بهمین علت است که آنرا هفت سین می‌نامند یعنی خوانی که محتوی هفت ظرف است . معمولاً چیزهایی که در خوان نوروزی گذاشته می‌شود عبارتند از : چند گیاه سبز شده که بیشتر مردم در این مورد از گندم و جو و عدس و نخود استفاده می‌کنند . در ایران قدیم مخصوصاً رویاندن جومیمنت بیشتری داشته‌است . ظروف دیگر شامل نقل و شیرینی است ، ظرف آبی هم می‌گذارند و در درون آن چند سکه طلا می‌ریزند و گاهی هم در ظرف آب دیگری نارنج را شناور می‌کنند ، در ظرف دیگری مقداری گندم و یا آرد می‌گذارند . در ظرفی بلورین و یا کاسه پراز آبی ماهی می‌گذارند و در نزد ایرانیان زرتشتی رسم بر این است که در وسط خوان نوروزی ظرفی می‌گذارند که سه یا هفت انار بر روی آن گذاشته شده است و معمولاً اناری را که در وسط قرار گرفته است با هفت شمع کوچک تزیین می‌کنند و آنها را به هنگام نوروز روشن می‌کنند ، گذاشتن لاله و چراغ و آینه جزو لوازم هفت‌سین است . چیز مهمی که در هفت سین نباید فراموش کرد تخم مرغ است .

تلاش : مقصود از گذاشتن این اشیاء در سفره نوروزی چیست ؟

فره‌وشی : هر کدام از این چیزها که بر شمرديم در آیین ایران قدیم نماینده و یا مظهر اندیشه فلسفی خاصی بوده است ، سبزه نماینده فراوانی و شادابی سال است و علاوه بر این رنگ سبز در ایران قدیم رنگ مقدسی شمرده می‌شد ، گندم نماینده فراوانی و برکت و نان است که گذاشتن آن در خوان نوروزی علامت آرزوی نعمت و فراوانی در سال جدید است .

سکه نشان ثروت و دارائی و ضمناً نشانه فرشته شهریور است که یکی از فرشتگان مقدس ایران قدیم است . آب علامت صفا و روشنی دل است و نیز نماینده «بغدخت‌اناهیتا» فرشته بزرگ ایران قدیم است و چون چنانکه دیدیم جشن نوروز با آفرینش و تولد همبستگی دارد ، از اینرو فرشته‌یی که موکل بر تولد است می‌باید در این سفره نشانی از خود داشته باشد و ماهی نیز علامت دیگری از ناهید فرشته باروری و برکت و زایش و عشق و محبت در ایران باستان است .

نارنج بر روی آب علامت گوی زمین در میان آسمان است که می‌بایست آخرین گردش را طی کند و بسوی سال جدید بگردد . انار یکی از میوه‌های بسیار مقدس ایران قدیم است و سنت تقدس انار امروز نیز در میان مردم در سنت‌های عامیانه محفوظ است و آنرا میوه بهشتی می‌نامند ، انار بخاطر سبزی تنه و برگهایش و گل آتشینش که بشکل آتشدان است همواره مورد تقدس ایرانیان قدیم بوده است و نیز دانه‌های فراوان داخل آن نماینده برکت و فراوانی است و عدد ۳

یا ۷ آثار نماینده سه اصل گفتار نیک، کردار نیک و پندار نیک است و یانمودار هفت امشاسبند است که از فرشتگان آئین ایران قدیم هستند و در هر مراسمی ۳ یا ۷ یا ۲۱ اعداد مقدسی هستند و معمولاً سعی می‌شود که تعداد اشیاء آئین بنابر این اعداد باشند.

آئینه نماینده نکته‌یی در آیین قدیم اوستایی ایران است. اصل این واژه در پهلوی «ادونک» است و بمعنی فرم و شکل است. ادونک یکی از اجزاء تشکیل دهنده اسان زنده است، بنابراین آئینه نشان دهنده فرم و شکل است که بمناسبت نامش و نیز بخاطر صفا و پاکی آن در خوان نوروزی گذاشته می‌شود و اما تخم مرغ که بخاطر نطفه‌یی که دربر دارد نماینده خاص نوروز بشمار می‌آید، تعداد تخم مرغ‌ها در خوان نوروزی قاعدتاً باید ۳ و یا ۷ و یا ۲۱ باشد.

«استرابو» مورخ دوران قدیم نقل می‌کند که: ایرانیان قدیم به هنگام نوروز جشن‌های ازدواج بر پا می‌کردند و هنوز نیز در روستاها مراسم عقد و ازدواجی که در نوروز بسته شود یمن و میمنتی دارد زیرا همانطور که گفته شد نوروز تولد اولین انسان در دنیای مادی است.

تلاش: گفتید که نارنج شناور در آب در خوان نوروزی نشاندگرددش زمین است، آیا بنظر شما ایرانیان قدیم معتقد به گردش زمین بوده‌اند؟

فره‌وشی: باید دانست که علم نجوم در ایران قدیم پیشرفت بسیار کرده بود بطوری که قسمتی از اوستای مفقود شده که به هنگام حمله اسکندر سوزانده شد و نیز قسمت بزرگی از اوستای دوران ساسانی در علم نجوم بوده است. ایرانیان نه تنها روش خاصی در نجوم داشته‌اند بلکه علم نجوم هندی و یونانی را نیز در دوره ساسانی فرا گرفته بودند. از نشانه‌هایی که در اوستا درباره ماه و خورشید در دست داریم چنین بر می‌آید که ایرانیان قدیم از زمانهای خیلی پیش می‌دانستند که ستارگان بصورت گویهائی در آسمان شناورند و حرکت می‌کنند.

تلاش: و اما در مورد سیزده آیین ایرانیان باستان هم روز ۱۳ فروردین را محسی می‌دانستند؟

فره‌وشی: در مورد سیزده باید بگویم که در متونی که در دست داریم هیچگاه یادی از ۱۳ نشده ولی در عقاید عامیانه و آداب و رسوم محلی از دیرباز مردم روز سیزده نوروز را به صحرا می‌رفتند و بشادمانی و خوشی می‌گذراندند.

عدد ۱۳ در ایران قدیم نحسی نداشته است و من تصور می‌کنم که مراسم روز ۱۳ بعد از اسلام در ایران رایج شده است و مردمان برای اینکه در آغاز سال ۱۳ برای آنها نحوستی ببار نیاورد آنرا جشن می‌گرفتند و سعی می‌کردند که هر چه بیشتر در این روز

شادی و خوشی کنند تا سیزده دامنگیر آنها نشود و بهمین جهت است که سبزه‌های نوروزی که جنبه مقدس دارند در این روز در آب روان ریخته می‌شوند و این خود نمودار هدایایی است که تقدیم فرشته آبها می‌شود تا از نحوست عدد ۱۳ کاسته گردد.

تلاش: گاه‌شماری در ایران باستان به چه صورتی انجام می‌گرفت و چه تفاوت‌هایی با گاه‌شماری امروز داشت؟

فره‌وشی: مأخذ تقویم اوستایی نوروز است یعنی ابتدای تعادل بهاری همانطور که گویا مبدأ تقدیم ایرانیان جنوبی مهرگان بوده یعنی ابتدای تعادل پائیزی، بنابراین مبدأ سال، يك علت منطقی نجومی داشته و سال ایرانیان قدیم خورشیدی بود و ایرانیان سال را به ۱۲ ماه ۳۰ روزه تقسیم کرده بودند که جمعا ۳۶۰ روز می‌شد که هر کدام از روزهای ماه‌های نام ویژه‌ای داشته، بنابراین هفته و یا ایام هفته مرسوم نبوده. هر يك از روزهای ماه و هر يك از ماههای سال بنام فرشته‌ای که موکل بر آن ماه و روز بوده نامیده می‌شده و ایرانیان قدیم اگر می‌خواستند مثلاً روز ۱۶ ماه را ذکر کنند می‌گفتند مهرروز در مهرماه یعنی روز شانزدهم ماه مهر که جشن مهرگان بود. سال ایرانیان ۳۶۰ روز داشته و پنج روز کسری را که از سال زیاد می‌آمد «پنج‌ه دزدیده» یا «خمس‌ه مسترقه» می‌نامیدند و این ۵ روز مخصوص گاتاه‌ها بود یعنی سرودهای زرتشت و به روزهای «کاساتیک» موسوم بوده، اما کسری ۳۶۵ روز حساب نمی‌شد. بنابراین همین چند ساعت که حساب نمیشد موجب می‌شود سال در عین اینکه خورشیدی است اندکی گردان باشد، بنابراین گاهی سال را ۱۳ ماهه حساب می‌کردند و موقع سال نوراً بجای اصلی خود می‌بردند که بحثی جداگانه دارد و این کار بیشتر در مواقع پریشانی‌های تاریخی ایران صورت می‌گرفت ولی در هر صورت پادشاهان ایران سعی می‌کردند که حتماً نوروز در جای خود باشد که وصول مالیات‌ها به اشکال برنخورد و از این جهت

است که می‌بینیم هنوز در بعضی از روستاهای شمال نام فروردین بر ماهی از زمستان و یا تابستان گذاشته شده است و این بخاطر حساب نکردن کبیسه‌های سال بود که ماهها از جای ثابت خود تغییر پیدا کرده‌اند و در زمانهای نسبتاً متأخر که سال ثابت مانده است در همان جای خود مانده‌اند، اما شمارش سالها در دوره‌های پیش از اسلام مانند امروز نبود و مبدأ سال در ایران قدیم بر اصل نوروز حلول سال نبود بلکه بر اساس جلوس پادشاهی بود و هنگامی که می‌خواستند از سال یا روزی یاد کنند مثلاً می‌گفتند سال نهم از سلطنت شاپور یکم و کتیبه‌های چندی موجود است که بهمین ترتیب تاریخ گذاری شده است، بعد از یزدگرد که دیگر ایران در سده نخستین تقویم نداشت تقویم ایرانیان زرتشتی بنابر جلوس یزدگرد نهاده شد و از این تاریخ، تاریخ یزدگردی رواج یافت تا اینکه در دوره‌های اسلامی مخصوصاً در دوره ملک‌شاه سلجوقی خیام نیشابوری و دیگر منجمان سال شماری جدیدی وضع کردند.

در میان پارسیان امروز سال یزدگردی رواج دارد و هنوز هم در پایان بعضی از کتابها و نامه‌نگاری پارسیان، سال یزدگردی را می‌آورند و استاد فقید «پورداد» خود در نوشته‌های خود همیشه سال شمسی را همراه با سال یزدگردی و مادی می‌آوردند.

تلاش: ممکن است در مورد سال مادی توضیح بیشتر بفرمایید؟

فره‌وشی: سال مادی، سالی است که بوسیله استاد پورداد پیشنهاد و منبای آن فتح «نینوا» توسط پادشاه ماد «هووخشتر» است. معمولاً مبدأ سال شماری، یا ظهور و رسالت پیامبری است و یا يك واقعه تاریخی بزرگ و فتح «نینوا» یکی از وقایع بزرگ تاریخی جهانی است زیرا در این سال بود که دولت نیرومندی چون آشور که بر قسمت بزرگی از جهان آنروز حکومت می‌کرد و بارها خاک ایران را مورد تاخت و تاز قرار داده بود، برچیده شد.

تلاش: از اطلاعاتی که در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم.

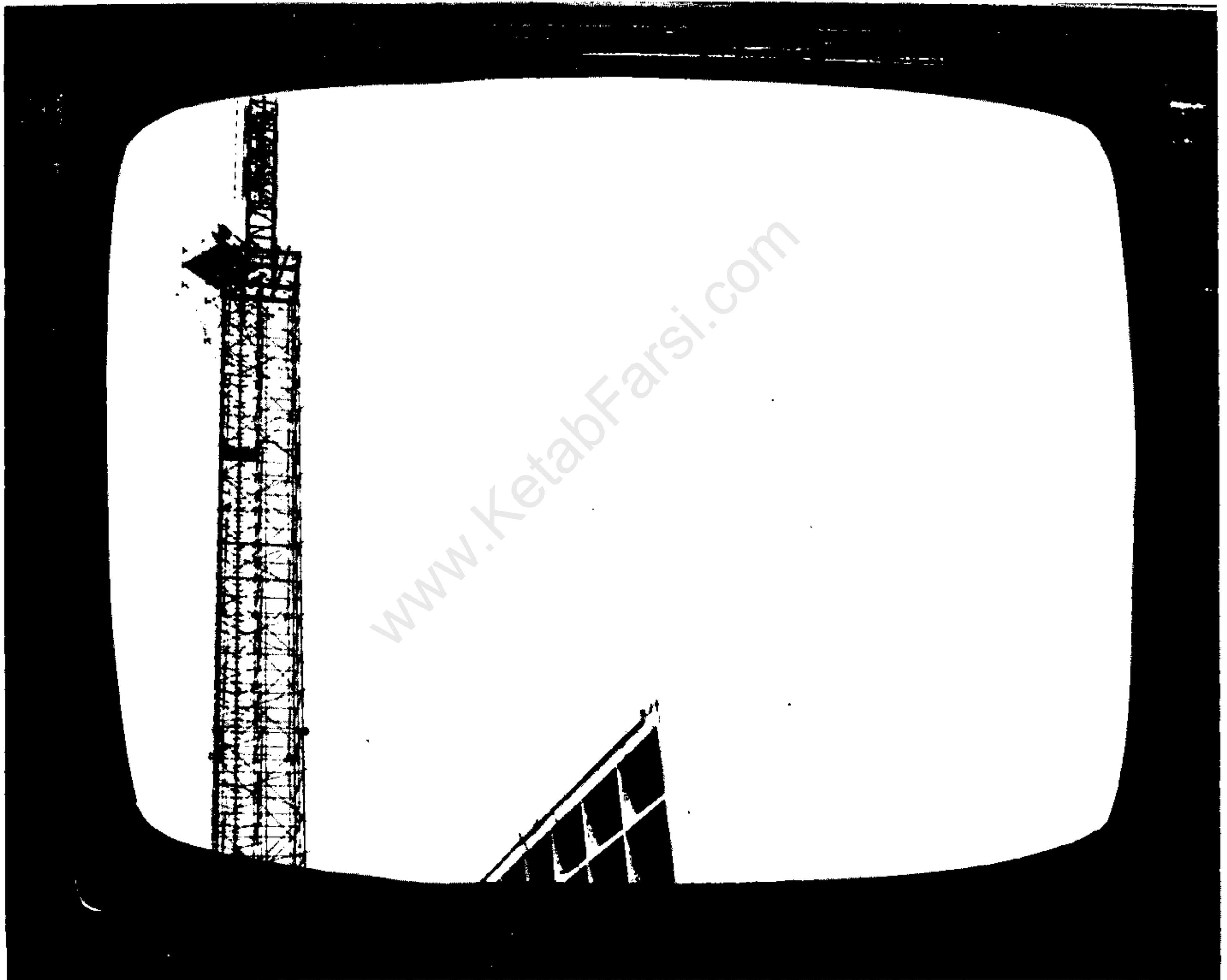


گفتگو با آقای مهندس رضا قطبی

در باره

تلویزیون ملی ایران

در این گفتگو آقایان جعفریان، دکتر محمودی و صفاری نیز شرکت کردند.



تلاش - اگر آقایان بخاطر داشته باشند در گفت و شنودی که در شماره نهم تلاش داشتیم ، گفته بودید که یکی از هدفهای اصلی تلویزیون آماده کردن مردم برای زندگی فردا و زندگی بهتر است بعد از سه سال، تصور میکنید چند درصد در این راه به هدف و فکری که داشتید رسیده‌اید و چه راههایی را برای این منظور انتخاب کردید. و بالاخره در پایان برنامه چهارم و پنجم تا چه حد باین هدف‌ها نزدیک خواهید شد ؟

قطبی - در مورد اینکه گفته بودیم وظیفه تلویزیون آماده کردن مردم برای زندگی فردای آنها است يك توضیح لازم است و آن اینکه مقصود از این فردا هم بمفهوم ظاهری و واقعی و هم بمعنی مجازی بوده ، یعنی مقصود فردای شیئی است که مردم برنامه تلویزیون را تماشا میکنند و هم فردای زندگی یا بکلام دیگر آینده آنها . در باره فردای همان شبی که مردم برنامه ما را تماشا می‌کنند باید بگویم که در حقیقت مربوط

می‌شود بهمان برنامه‌های سرگرم کننده تلویزیون .
مردمی که سراسر روز را کار کرده‌اند و شب بخانه می‌آیند در خانه احتیاج بیک مقدار تفریح سالم دارند و تلویزیون موظف است که این برنامه را برای آنها فراهم کند .
حال تلویزیون تا چه اندازه در اینراه موفق بوده ، فکر میکنم با توضیحی که آقای محمودی باتوجه به محتویات برنامه‌ها و بخصوص آماری که در این مورد وجود دارد

خواهند داد میتوانند آن درصد مورد نظر را معلوم کنند. توضیحاتی که من می‌دهم بیشتر جنبه کیفی و کلی دارد و درصد کمی آنرا آقای محمودی خواهند گفت. و اما در مورد اینکه بخواهیم مردم را برای فردائی که آینده آنها باید باشد آماده کنیم، اگر بگوئیم، صد درصد چنین کاری شده چنین ادعائی زیاده‌است. تلویزیون نمی‌تواند چنین ادعائی داشته

باشد که تنها وسیله آماده کردن مردم برای فردا و آینده باشد. این وظیفه با آموزش و پرورش است. بایدها و مادرها است و سهمی که تلویزیون در این کار دارد بطور کلی سهم آگاه کننده و آموزشی است. و تلویزیون سعی کرده است که این سهم را با وجود تمام مشکلاتی که در پیش داشته بانجام برساند، حال تا چه حد موفقیت بدست آمده الان نمی‌توانم يك درصد دقیقی را برایتان بگویم. لکن می‌توانم تشریح کنم که این وظیفه به چه طریق عملی شده و تا چه اندازه این کوشش در راه صحیح بوده یا نبوده است. اگر برای تربیت يك آدم لااقل هیجده سال وقت صرف می‌کنند، نقش تلویزیون که انجام يك گوشه‌ای از این تربیت است در عرض سه سال چقدر میتواند باشد؟ اما کاری که تلویزیون میتواند است بکند این بوده که راهش را پیدا کند که از چه راهی می‌خواهد و می‌تواند مردم را برای زندگی فردا آماده کند و برای اینکار باید قبل از هر چیز مردم را آگاه کند. آگاه بودن نه تنها از مسائلی که مردم با آن سرو کار دارند و یا آگاه بودن از وضع اجتماعی که در آن زندگی میکنند بلکه آگاه بودن از مسائلی که فردا برایشان مطرح خواهد شد و فکر می‌کنم سهم تلویزیون برای زندگی فردا یعنی آینده همان آگاه ساختن آنها از مسائل و مشکلات و نحوه زندگی آینده باشد. ما در این راه و در این مورد به مشکلات زیادی برخورد خواهیم کرد.

در سال ۱۳۷۰ یعنی بیست سال دیگر تقریباً بیش از نیمی از مردم ما از روستاها به شهرها خواهند رفت. در حالیکه اکنون در حدود ۷۵ درصد از جمعیت روستا نشین هستند. در سال ۱۳۷۰ اکثر روستا نشینان ما یعنی کسانی که در این چند سال آینده دنیا می‌آیند و بیست سال دیگر بیست یا سی ساله خواهند شد، شهر نشین میشوند. در آن زمان ما حدود بیست و پنج میلیون نفر شهر نشین خواهیم داشت. یعنی دوبرابر کسانی که در سال ۱۳۵۰ در شهرها و نقاط بیش از پنجاهزار نفر جمعیتی زندگی می‌کنند. فکر می‌کنم در وهله اول آماده کردن این روستا نشینان برای زندگی آیند مسئله مهمی است و در این زمینه ما کوشش کردیم با گسترش شبکه و ایجاد باشگاههای تلویزیون روستائی که باز آقای محمودی درباره اش توضیح خواهند داد، مردم روستا

در گذشته، سعی کردند مشکلات را از مردم بخصوص جوانان مخفی بدارند و نگویند که در اطراف ما چه میگذرد

هفت مرکز تولید که بیشتر جنبه خبری دارند در زاهدان، کرمان، اهواز، اصفهان، سنندج، مهاباد، ساری و بابل تاسیس خواهد شد.

بزودی تلویزیون ملی يك تاتر كوچك با ظرفیت سیصد نفر برای تولید برنامه و همچنین ارائه تاتر در سطح بالا خواهد ساخت.

قیمت تلویزیون رنگی حدود ده هزار تومان است. تهیه يك دقیقه برنامه تلویزیون رنگی تقریباً هفت برابر يك دقیقه برنامه سیاه و سفید خرج دارد.

تا چند ماه دیگر، يك فرستنده پرقدرت، بین نوشهر و یابلس در ارتفاع ۱۹۸۰ متر آغاز بکار خواهد کرد.

بخاطر هدفهای تلویزیون ملی ایران، بطور حتم تا سال ۱۳۵۴ تلویزیون رنگی شروع بکار خواهد کرد.

بدون توجه بخواست مردم نمیتوان برنامه داشت. اگر ما بلد نیستیم برنامه خوب و آموزنده درست کنیم و اینگونه برنامه‌ها خسته کننده است، این تقصیر مردم نیست.

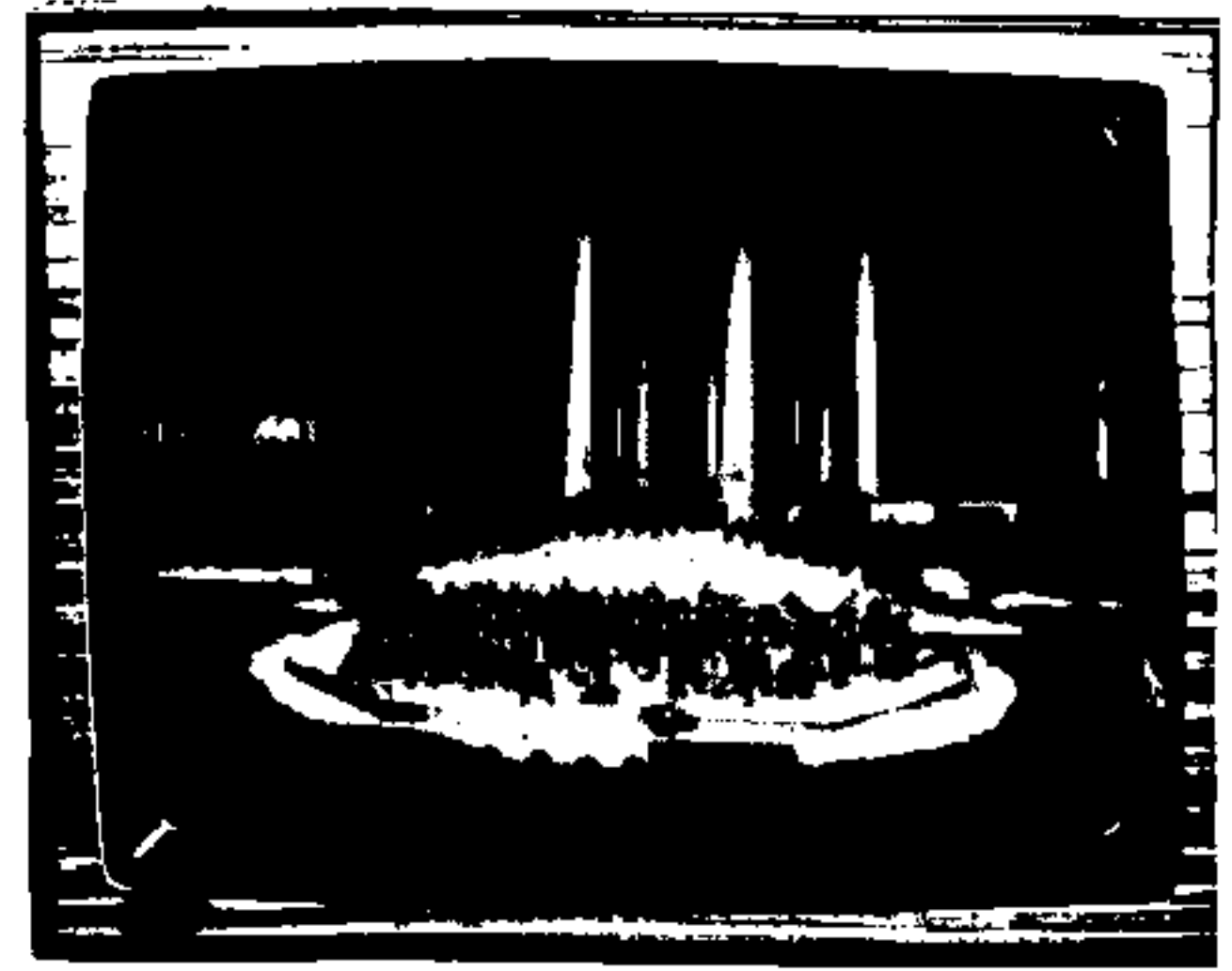
مردم با تلویزیون همکاری بسیار تردید دارند. نامه می‌نویسند، انتقاد می‌کنند، تلفن می‌کنند و پیشنهاد میدهند.

با وجود توجه بخواست مردم، رسالتی را که تلویزیون دارد نمی‌توان ندیده گرفت.

تایرنامه پنجم مجموعاً ۱۶ مرکز تلویزیونی در سراسر کشور بوجود خواهد آمد.

بیش از ۴۹۰ ساعت در هفته برنامه از تلویزیون ملی ایران پخش می‌گردد

در سال ۱۳۷۰ شاید ۲۵ میلیون جمعیت کشور شهر نشین باشند. مشکلات را باید آنچنان که هست با مردم در میان گذاشت.



ارکستر سمفونیک تهران در جشن هنر شیراز

نشین را از مسائل اجتماع آگاه سازیم. البته تا آن مقدار که برایمان مقدور و ممکن بود فردا، فردای جوانهای امروز است. کودکان، خردسالان و جوانها که در ۱۵ تا ۲۰ سال آینده کسانی خواهند بود که زمام امور مملکت و کارهای اساسی را انجام خواهند داد. مسائلی که این نسل با آن مواجه خواهند بود خیلی پیچیده تر و مبهم تر و مشکل تر از آنست که بعنوان برخورد دوندل امروز اکنون گرفتارش هستیم. اگر در حال حاضر در کشور ما که يك مملکت کهنسال و سنتی است در نتیجه ارتباط با دنیای خارج با مسائل بغرنج و پیچیده ای مواجه هستیم مسائل و مشکلات ۲۰ سال آینده بمراتب مهم تر است. در حال حاضر مسائل مبتلا به مشکلاتی که مردم اروپائی و امریکا دارند و برخوردهای جوانان بانسلی بزرگتر مقداریش هم بکشور ما آمده و ما که می گوئیم می خواهیم بعنوان يك قدرت در مقابل تمام قدرتهای دیگر بایستیم و از تمامیت ارضی خودمان، نه تنها از تمامیت ارضی بلکه از استقلال فکری خودمان هم دفاع کنیم. بالطبع با مسائلی روبرو می شویم. از جمله یکی اینست که برای حفظ سیاست مستقل ملی افراد مملکت ما آگاه باشند و برای حفظ این استقلال فکری باید مردم را بامسائل گوناگون جهانی و داخلی آشنا ساخت. باید مردم را آشنا کرد با تمام راه هایی که دشمن از آن استفاده میکند برای رخنه و نفوذ کردن در کار يك کشور، و برای منهدم کردن پایه های فکری مردم آن جامعه.

وقتی صحبت از زندگی فردا و آگاهی مردم از زندگی آینده می کنیم شکی نیست که فقط آگاهی از مشکلات نیست بلکه کوششی هم باید بشود برای آشنائی مردم با مظاهر خوب زندگی. البته ارائه طریق که کار تلویزیون نیست. بلکه تلویزیون بعنوان يك وسیله ارتباط جمعی و يك وسیله نشر ارائه طرق سهمی دارد ولی آن سهم این نیست که تلویزیون فکر بکند و راهی را پیدا و ارائه کند. کسانی که وظیفه هدایت جامعه را بعهده دارند بایستی طرق گوناگون را پیدا کنند و اصول و طرح کار را بریزند.

بعد از این کلیات از آقای دکتر محمودی و آقای جعفریان خواهش می کنم که روی برنامه هایی که در این راه موفق بوده و یا کوششهایی که شده است توضیح بدهند. در مورد اصول برنامه آقای دکتر محمودی و در مورد آن چیزی که مربوط به آگاهی سیاسی - اجتماعی مردم و در حقیقت آماده ساختن زمینه های فکری است، آقای جعفریان صحبت خواهد کرد. فقط باختصار میتوانم بگویم که از شهریور ۱۳۲۰ و بخصوص زمانی که اجنبی در ایران بود افکار و عقاید در وطن ما مورد تجاوز قرار گرفت و سالها طول کشید تا اینکه بتوانیم آن تزلزلی را که بطور کلی در زمینه های فکری بوجود آورده بودند که بیشتر از همه تحقیر ارزشهای ملی بود و در افکار جوانان نفوذ کرده بود، از میان برداریم. بعد از بیست سال توانستیم جلوی این پیش آمدها را بگیریم. و انقلاب سفید در این طریق نقش قاطع و اساسی داشت.

دکتر محمودی - چون سؤال در این زمینه بود که برای زندگی آینده و فردا تلویزیون چکار کرده است همانطور که توضیح داده شد درباره جدول برنامه ها مثلاً برنامه اول تلویزیون که ۵۴ ساعت برنامه در هفته پخش می کند، صحبت می کنیم. آن قسمت که مربوط به آماده کردن مردم بعنوان فردای امشب یعنی سرگرمی مردم که بیایند خانه و برنامه های امشب را ببینند، آسوده خاطر و سرگرم بشوند، ما این کار را در مدت کوتاه باین ترتیب انجام داده ایم که ۲۷ درصد برنامه های ما فیلمهای پی در پی و سینمایی است. اگر سریال های نمایشی خودمان را هم در همان برنامه اول حساب کنیم، اگرچه با هدف خاصی تهیه میشود و هدفهای فرهنگی و ملی در آن منظور میشود بالاخره يك سرگرمی نیز میباشد. اینها نیز در حدود شش درصد برنامه هفتگی میشود. اگر موسیقی را هم جزء برنامه های آرامش بخش و سرگرم کننده بحساب بیاوریم که در حدود هفت درصد میشود در جمع می بینیم که در حدود ۳۳ درصد یعنی يك سوم

برنامه ها بدین منظور است. حال تا چه حد به هدف رسیده ایم و آیا مردم از نظر سرگرمی برنامه های جالب و مورد خواست خود را یافته اند یا خبر بحث دیگری است. و اما در باره آینده فکری، باز روی برنامه اول مثال میزنیم که روی شبکه سراسری می رود. ما حداقل روزی ۴۵ دقیقه برنامه داریم که ۱۱۵ درصد آنرا برنامه کودکان تشکیل میدهد. ۶۳ درصد برنامه هفتگی جوانان است که مجموعاً ۱۸ تا ۱۹ درصد برنامه های ما برای کسانی است که فردای دیگری را میسازند. آموزش روستائی در حدود ۴ درصد کل برنامه های اول است که با همین هدف تهیه میشود. اینها بجز برنامه های دیگری است که برای افزایش اطلاعات عمومی و از جمله مسابقات است که طبیعی است در آنها هم این هدف رعایت میشود. بدین ترتیب روشن میشود که در تنظیم برنامه ها این اصول رعایت شده و در این زمینه کار کرده ایم و جلو هم رفته ایم.

جعفریان - من فکر می کنم که از نظر تجاوز بیگانگان به حریم فکری مردم ما در سالهای تاریک، وضع ایران خیلی شبیه است به سایر کشورهای خاورمیانه. از نظر تأثراتی که شاید طی دو قرن اخیر پذیرفته منتهی باین تفاوت که ما همیشه استقلال داشته ایم و تاریخ استقلال اغلب کشور های خاورمیانه معطوف است به نیم قرن اخیر، چون عوامل خارجی در آنجا نفوذ و تأثیر بیشتر داشتند و همین دلیل آثار نفوذ خارجی در کشورهای خاورمیانه از کشور ما بیشتر است. بهر صورت از پاره ای جهات باهم تشابه داریم که اگر این خطوط مشترک و این تشابه را مورد توجه قرار بدهیم، بمقدار وسیعی به مشکلات امروزمان واقف خواهیم شد و آن اینست که از دو قرن پیش که استعمار در آسیا بخصوص در خاورمیانه از نظر اهمیتی که داشته رخنه کرده و به اعمال نفوذ و راه گشودن برای استعمار بهر شکلی تلاش کرده کوشش این بوده که مانع یکپارچگی و وحدت ملی کشورهای این منطقه بشود. باید قبول کنیم که ما هم از آثار دسائسی که در زمینه تجاوز



خانه قمرخانم

فکری استعمارگران در خاورمیانه داشتند مصون نماندیم و آنچه میتوان اشاره کرد اینستکه آنها همیشه تلاش کرده‌اند که مردم وطن ما بهمه چیز بی‌اعتقاد باشند و هیچ چیز را باور نکنند. این دیرباوری نه‌ایکه بمفهوم داشتن آن شك مقدس نیست بلکه نوعی لاابالگیری و بی‌قیدی و صوفی‌گری بمفهوم منفی آن و بمفهوم درون‌گرایی قرن سیزدهم باینطرف را در ایران تشویق کردند. البته يك دوره نسبتاً شکوفانی داشتیم — نسبتاً می‌گویم باین دلیل که قبل از اینکه به يك توفیق کامل برسد یا مرحله تکامل قابل اتکائی را طی کند در سال ۱۳۲۰ قطع شد و در آن دوره مقداری باین دیرباوری و یاس مبارزه شد. منتهی در عمل و در پرتو پیشرفت‌ها اما نه از نظر فکر و از جنبه پرورش فکری و نه از نظر تبلیغات. برای اینکه زمان کافی برای اینکار نبوده و همانطور که می‌دانیم اگر ما دانشگاهی داشتیم در هفت سال اخیر سلطنت رضاشاه کبیر بوده و همین طور رشد روزنامه‌ها و رادیو، تلویزیون هم که نداشتیم. رادیو هم اگر داشتیم در آن مرحله نبوده که قابل استفاده برای توده‌های مردم باشد و آنهم در دو سال آخر آن زمان بود. اصولاً رادیو در آن زمان بصورت لوکس بود.

بهرحال جامعه ما که آثار بیش از يك قرن تجاوز فکری را قبل از آغاز دوران پهلوی تحمل کرده بود بگونه جامعه‌ای بیمار برخورد کرد با حوادث ۱۳۲۰ که از آن بعد جزئیاتش برای همه روشن است. این حوادث خیلی از کشورهای خاورمیانه را در کام خود فرو برد. ما هنوز آثار تششت و تفرقه را در کشورهای خاورمیانه می‌بینیم که خوشبختانه ما توانستیم بارهبری صحیح و با اتکاء به فرهنگ غنی و با سابقه‌مان زودتر و سریعتر از همه به محو آثار آن یاس آفرینی و تردیدها توفیق پیدا کنیم.

اما از سوی دیگر مواجه شدیم با يك قدرت دوم و يك استعمار تازه نفس و مدرن که از راه افکار و عقاید، کشورهای دنیا را بصورت مستعمره در می‌آورد و اینها با کیسه‌های مملو از افکار و عقاید صادراتی به ایران آمدند. زمینه آماده بود. یعنی هم

صفحه چهاردهم

بسبب جنگ و هم آن ویرانیا و خرابیهائی که بود و هم تششت فکری و هم دیرباوری و هم تردید. این زمینه را استعمار کهنه از قبل فراهم آورده بود و در آن دوره مردم را بشکل موثری از مسایل ملی منحرف ساختند و تنها چیزی را که برای مردم مطرح کردند زندگی بشکل دون‌مادیش بود و سعی کردند که معنویت و همبستگی ملی را از مردم بگیرند.

در هر حال از ۱۳۳۲ تا ۴۱، در این نه سال ما توانستیم يك تکیه گاهی در مملکت پیدا کنیم برای حرکت. همان حرکتی که از سال ۱۳۴۱ با جهش انقلابی آغاز شد، بر اساس آن امکاناتی که بدست آمده بود. این حرکتی که از آغاز بمقدار وسیعی از آن یاس‌ها و بدبینی‌ها کاست و ضد حرکت و ضد انقلاب را درهم کوبید.

ولی همانطور که می‌دانیم باید بصراحت اعتراف کنیم که هنوز آن بدبینی‌ها و آن بذره‌های یاس و نومیدی که در این کشور کاشته شده آثارش وجود دارد و همان کسانی هستند که ما بآنها می‌گوئیم روشنفکر حرفه‌ای یعنی کسانی که بصورت طفیلی از مزایای اجتماعی بهره می‌گیرند و جز عیبجوئی بی اساس هنری ندارند. و از وزیر و وکیل و هر قدرت و شغلی در این مملکت بعنوان اینکه خوب کار نمی‌کنند و یا کم کار می‌کنند انتقاد میکنند ولی خودشان اگر يك میلیونیم قدرت يك وزیر را بدست بیاورند کارهائی میکنند که از حد جرم و جنایت کمتر نخواهد بود. و آنچه که بآن خو کرده‌اند تنبلی و لاابالگیری و يك نوع و راجی‌است بنام اظهار نظر درباره مسائل که هیچ نوع اطلاعی درباره‌اش ندارند.

بهمین دلیل ما امروز می‌بینیم که جامعه ما هنوز دوره نقاهت تجاوز توطئه‌آمیز بیگانه را کاملاً پشت سر نگذاشته است و در گوشه و کنار و یروس‌ها و میکرب‌هائی هنوز باقی است. براساس این سوابق وقتی صحبت از تبلیغات میشود، در این مملکت يك مفهوم نابجائی را در مغزها منعکس میکند و حتی غالباً گفته میشود که ما برویم تبلیغات غیر مستقیم بکنیم. مفهومش اینست که بمردم

نگوئیم که در مملکتان چه اتفاقی افتاده. غیر مستقیم بگوئیم برای اینکه سوء ظنشان تحریک نشود. وقتی که ما چنین طرز فکری داریم دلیلش اینست که هنوز بآن بیماریها توجه داریم ولی بابررسی‌هائی که در تلویزیون ملی ایران کردیم باین نتیجه رسیدیم که اگر دوران نقاهتی هم وجود دارد همه گیر نیست و بعلت وجود چند مریض نباید جامعه را مریض پنداشت خاصه اینکه حرارت خورشید انقلاب در وطن ما گندزدائی کرد و با بسیاری از بیماریها به نبرد برخاست و امروز بسیاری از توده‌های مردم آگاهانه‌مایلند با همه وجودشان بامشکلات مملکتشان روبرو شوند و آن حالت صوفی منشی و بدبینی و لاابالگیری را ندارند.

بنابراین چه بهتر که مشکلات را آنچنان که هست با آنها در میان بگذاریم و اگر ناراحتی هم از خارج یا داخل مملکت داریم آنها را هم با همه مردم مملکت بخصوص با جوانان در میان بگذاریم. این تنها چیزی است که کمک میکند بآنها. یعنی مثل همین حوادثی که اخیراً پیش آمد، مایلی ساده فهمیدیم که جوان ما ناآگاه است، آنچنان که باید آگاه نیست. چرا آگاه نیست؟ بدلیل اینکه دولتهای سابق نخواستند او را آگاه بکنند. یعنی همیشه سعی کردند که مشکلات را از مردم بخصوص طبقه جوان مخفی بدارند و نگویند ما که در خاورمیانه هستیم در اطرافمان چه میگذرد و چه خطرات ما را تهدید میکند. وقتی مردم از این خطرات آگاه نباشند و ندانند که چه عواملی در مملکت در جریان است و چه تلاشهائی مبذول میشود، تا مردم وطن مابتنانند راحت در آفتاب این سرزمین تلاش مفید داشته باشند و احیاناً گاهی اظهار ناراحتی بکنند از همان آفتاب امن، از همان کار پرثمری که دارند و از همان زندگی که حد متوسطش از خیلی از کشورهای اروپائی بیشتر است تاچه برسد به آسیا. این نتیجه همین ناآگاهیهاست که مسئولیتش مستقیماً متوجه حکومتها و دستگاه‌هائی است که وظیفه داشتند مردم را آگاه بکنند و با کلیه مشکلات زندگی داخلی و خارجیشان آنها را مواجه و روبرو سازند. برای اینکه این مردم هستند که باید سرنوشت خود را بدانند. همانطور که آقای قطبسی هم اشاره کردند افراد بخصوص بابرگزیده یا تعداد معدود یا محدودی نیستند که باید در مقابل حل مسائل مملکت قیام بکنند یا شروع بکنند یا جستجوگر باشند برای راه حلها، بلکه این همه افراد يك مملکت هستند که قاعده و تکیه‌گاه و پایگاه حکومتهای امروز ما هستند و باید باشند. بنابراین همه اینها را باید آگاه کرد. در تلویزیون ملی ایران ما تدریجاً باین مسایل رسیدیم شاید از ابتدا باین نحو شروع نکردیم باین دلیل بود که تازه کار بودیم. با بررسی‌ها باین

نتایج رسیدیم و همانطور که اخیراً خودتان در برنامه‌های خبری ما یا سیاسی - اجتماعی ما یاد در تفسیرها و مباحث ما شنیدید ما این روش را دنبال کردیم و باتکاء سیاست مستقل ملی‌مان هیچ هراسی نداشتیم که هراجنبی با هر قدرتی باهراسمی و با هر عنوانی که در کار مملکت ما اخلال کرد بروشنی معرفی‌اش کنیم. از سازندگان کنفدراسیون تا گروه‌های ضد انقلاب و سردمداران خارجی آنها ... علاوه بر آن در برنامه‌های سیاسی - اجتماعی مسائل خاورمیانه را بخصوص مورد بحث قرار داده‌ایم و خودمان را ذیحق می‌دانیم که در این منطقه حیاتی جهانی مؤثر باشیم. باید حضور مؤثر داشته باشیم برای اینکه باطمینان دریافتیم که عدم حضور مؤثر مادر خاور - میانه چه مصیبت‌ها و چه ناراحتیهائی را برای ما همیشه بوجود آورده و نمی‌توانیم بی‌اعتناء به حوادث کشورهای اطرافمان زندگی بکنیم. پس ما مردم را در جریان دقیق حوادث خاور میانه قرار می‌دهیم و معتقدیم که اگر دولت ما، حکومت ما روابطی با کشورهای خارجی دارد در همان کادر روابط سیاسی است. این روابط می‌تواند دوستانه باشد و یا گاهی با درگیری‌هایی توأم باشد ولی آن چیزی که از این جریان‌ها جد است همان مسأله استقلال فکری و ملی فلسفه انقلاب ذائقه فکری ماست یعنی ما باید از موجودیت خودمان از استقلال فکری خودمان، از مکتبی که داریم دفاع بکنیم. همچنان که کشورهای که با ما دوست هستند و دوستی ما را می‌فشارند. ما می‌بینیم که از مکتبشان، از عقیده‌شان از روش عقیدتی خودشان صمیمانه دفاع می‌کنند و این حق را هم ما داریم که از افکار ملی و صحیح خودمان دفاع بکنیم. البته همانطور که آنها توقع ندارند ما مثلاً برویم و در کشورشان يك گروه‌های عجیب و غریب علیه آنها درست بکنیم و هیچوقت هم این اجازه را بما نمیدهند وطن ما هم این اجازه را نمیدهد ولی باید به جوانها بگوئیم به مردمان بگوئیم که اگر در این مملکت اتفاقی میافتد، اگر تحریکی از طرف بیگانه میشود، اگر عامل خارجی هست، اگر عوامل داخلی را توانسته‌اند تحت تأثیر قرار بدهند ما باید از این خطرات مردم را مطلع بکنیم. اگر نکنیم مردم ما آمادگی زندگی برای سالهای آینده را نخواهند داشت. برای اینکه همان طور که میدانیم روز بروز از اهمیت و ارزش مانور قدرتهای نظامی کاسته میشود و مانور و سهم قدرتهای سیاسی و فکری جای آنها را میگیرد. بنابراین مردم مملکت ما که در این منطقه دنیا يك مقام شایسته‌ای را احرار کرده‌اند که آثارش را ما در ماههای اخیر دیدیم باید آگاه باشند و باید بدانند در منطقه آنها چه میگذرد. در داخل کشورشان چه میگذرد و بنابراین ما به هیچ نوع سانسوری اعتقاد نداریم و صددرصد مؤمنیم به اینکه اگر سانسوری وجود دارد در اخباری است

که از خارج بما میرسد. یعنی همان منابع خارجی چه شرقی و چه غربی، آنها خبرها را سانسور می‌کنند برای اینکه منافعی حفظ بشود و ما همانطور که می‌دانید از شرق و غرب فیلم می‌گیریم. از شرق و غرب خبر می‌گیریم و اینها را در برابر مردم قرار می‌دهیم و خودمان هم در آن برنامه‌هایی که در حاشیه اینها داریم مردم را آگاه می‌کنیم به واقعیتهایی که می‌توانیم از طرق مختلف به جزئیاتش آگاه بشویم.

تلاش - سؤال بعدی اینست که در زمینه آگاه ساختن ایرانیان مقیم خارج بخصوص دانشجویان و جوانان آیا تلویزیون ملی برنامه‌ای دارد و اگر دارد به چه شکل است؟
قطبی - همانطور که می‌دانید امواج تلویزیونی متأسفانه محدود هستند و برد محدودی دارند، مثل امواج رادیویی نیستند که بتوانند در تمام دنیا پخش شوند، شاید در آینده باوجود آمدن ماهواره‌های ملی و برخی ماهواره‌های منطقه‌ای بشود چنین کاری را انجام داد. در حال حاضر فعالیتی که تلویزیون برای آگاهی ایرانیها و دوستان ایران در خارج از مرزهای ایران می‌کند در حدود همین مرزهاست. فرستنده‌های ما و فرستنده‌هایی که در آینده خواهیم گذاشت احتمالاً بردشان طوری خواهد بود که ایرانیهای مقیم خلیج فارس و ایرانیها و دوستان ایران در اطراف مرزهای ما بتوانند از برنامه‌های تلویزیون ملی استفاده بکنند. و اما راه دیگر، برنامه‌هایی داریم که در تلویزیون خلیج فارس مرکز آبادان اجرا می‌شود. آقای جعفریان در این مورد توضیحات بیشتری خواهند داد. فعالیت دیگری را که بفکرش هستیم، تهیه فیلمهایی است که در خارج از ایران بتواند پخش شود. ما در این مورد می‌توانیم لاقل و فعلاً دستگاه تولید کننده و تهیه کننده این فیلمها باشیم. مسأله توزیع اینها و رساندن این فیلمها به ایرانیانی که علاقمند به دیدنشان هستند با سازمان‌های دیگری است که برخی اوقات متأسفانه به دلیل همان مسأله‌یی که آقای جعفریان بآن اشاره کردند و اسمش را تبلیغات مستقیم می‌گذاریم خوب عمل نمیکنند اگر فیلمی را ما بدهیم و در سفارت ایران نشان بدهند حمل بريك تبلیغ مستقیم خواهد شد. امیدوار هستیم که دانشجویانی که تشکیلاتی درست می‌کنند و این تشکیلات انشالله مثل کنفدراسیون زیر نفوذ اجنبی قرار نگیرد و اگر تشکیلات ملی داشته باشند و خودشان اگر علاقمند باشند، ما باکمال میل این فیلمها را در اختیارشان خواهیم گذاشت و اگر لازم بدانند دوربین فیلمبرداری در اختیار آنها می‌گذاریم که بروند بمیل خودشان فیلم بگیرند و برای خودشان نمایش دهند.

تلاش - در همان گفت و شنودی که در شماره نهم تلاش بود گفته شده بود که تلویزیون

سعی میکند حتی الامکان برنامه‌ها ایرانی باشند بعد هم اینطور اظهار شده بود که يك برنامه يك ساعته ۳۰ ساعت کار استودیو لازم دارد و تلویزیون در مضیقه استودیو، کادر و لوازم فنی است درباره پیشرفت‌ها و رفع کمبودهایی که در این زمینه اگر شده است آیا ممکن است توضیح داده شود. بخصوص از لحاظ تجهیز نیروی انسانی. تلویزیون در این مدت برای تربیت افرادی که بتوانند کارهای تلویزیونی را در زمینه‌های مختلف انجام بدهند چه کرده است؟

قطبی - من کلیات امر را خدمتتان می‌گویم بعد خواهش میکنم که آقای دکتر محمودی و آقای صفاری در مورد توسعه امکانات ما در سراسر کشور که واقعاً کار مشکلی بوده توضیحاتی بشما بدهند.

در مورد اینکه گفته باشیم برنامه‌ها صد درصد ایرانی باشد من در مقدار صددرصدش يك کمی شك می‌کنم. برای اینکه من واقعاً فکر نمیکنم که اگر تلویزیون بخواهد مردم را آگاه بکند خواه ناخواه این آگاهی از اطلاعات خارج از مرزهای ایران هم باید باشد. دنیا روز بروز «بین‌المللی‌تر» میشود از لحاظ منابع آگاهی و اطلاعات. خواه نا خواه ما نمی‌توانیم برنامه‌هایمان را در يك نوع رژیونالیسم محدود کنیم و از دنیای خارج از مرزهای خودمان بی‌اطلاع باشیم. همه جای دنیا کارهای فرهنگی جالبی انجام میشود و ما بدون غرب زدگی، بدون شرق زدگی و بدون هیچ نوع تعصبی باید از تمام کارهای ارزنده‌ای که در دنیا انجام میگردد جمع آوری بکنیم و بهترینشان را در اختیار مردم خودمان قرار بدهیم ولی مسأله این بود که کوشش بکنیم در ایرانی بودن برنامه‌ها. و منظور از ایرانی بودن برنامه‌ها این نیست که فقط اسم ایرانی داشته باشد. البته در تهیه برنامه‌های ایرانی این کار انجام شده و آماری که دکتر محمودی خواهد داد و وقتی بمن دادند من باشك و تردید تلقی کردم، شما بدون تردید تلقی بکنید برای اینکه واقعاً بخود من هم ثابت شد. بهیچوجه هم مقصود ما این نیست که برنامه‌های محلی، برنامه ایرانی درست بکنیم و فقط به دلیل اینکه برنامه ایرانی است بگوئیم برنامه خوب است. ما باید برنامه خوب در جهت هدفهایی که داریم برای مردم تهیه و پخش بکنیم. و يك برنامه بد ایرانی بدتر است تا يك برنامه بد خارجی، برای اینکه برنامه خارجی را لاقل مسؤولیتی در مقابلش نداریم.

در مورد تربیت و تأمین نیروی انسانی برای تهیه برنامه‌ها ما دو کار کردیم. یکی ارتباط با مدارس که می‌توانستند نیروی انسانی جهت تهیه برنامه تلویزیونی تربیت بکنند. در ایران و در خارج از کشور و در این مورد موفقیت‌هایی داشتیم. افراد برجسته‌ای با ما همکاری کردند. اقدام دیگر ارتباط با دانشگاهها برای درست کردن دوره‌های



خانواده گرم

تخصصی بود که امیدوارم بزودی بصورت يك مرکز تحقیقاتی و تعلیماتی در حد فوق لیسانس باكمك دانشگاههای ایران تشکیل گردد. ایجاد مدرسه عالی تلویزیون و سینما بود که در دوره های دوساله و سه ساله خودش در حقیقت با تدریس و کار آموزشی های طولانی کادر تهیه برنامه را برای تلویزیون تأمین خواهد کرد. تربیت از راه کارآموزی مستقیم فارغ التحصیلان مدارس که کارشان با کار تلویزیون ارتباط پیدا میکند مثل علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ادبیات، هنرهای دراماتیک دانشکده های هنرهای زیبا که بطور کلی بادی بدن دوره هایی در تلویزیون کار خودشان را در اینجا بصورت تهیه کننده، کارگردان برنامه و بطور کلی کادر برنامه ای بوجود آوردند. بهمین ترتیب مسأله تأمین کادر فنی بود. در حال حاضر کادر فنی ما باندازه کادر تهیه برنامه قوی است و از لحاظ تعداد هم تقریباً مساوی هستند. البته در آینده وقتی کادر فنی بحد نصاب خودش برسد گسترش زیادی پیدا نخواهد کرد. در صورتیکه کادر تهیه برنامه حدنصابی نخواهد داشت و همیشه يك برنامه تازه ممکن است با يك گروه تازه ای باشد و کوشش هم کردیم که تهیه برنامه تلویزیونی فقط در کادر کارمندان تلویزیون ملی ایران محدود شود بلکه از تمام استعداد هایی که در مملکت وجود دارد آماتور یا حرفه ای استفاده بکنیم و بسیاری از برنامه های ما را گروه هایی که فعالیت های دیگری دارند ولی استعداد تهیه چنین برنامه هایی را دارند انجام می دهند. برای این کار استودیوی بیشتر، کادر فنی بیشتر لازم بود که کوشش کردیم دراینکه تأمین بشود و برای اینکه تمام این برنامه ها در تهران تهیه نشود کار دیگر بوجود آوردن شانزده مرکز تلویزیونی یعنی ۱۵ مرکز بجز تهران بود که انشاله در سال آینده اکثر اینها و در برنامه پنجم تمام این مراکز شروع بکار خواهند کرد. در مورد این مراکز آقای صفاری توضیح خواهند داد که در کجا هستند و چکار می کنند. امکاناتشان چی است و امکانات مرکز تولید تهران هم بهمین ترتیب در چه حدی است.

صفحه شانزدهم

صفاری - درباره مرکز تولید تهران که ساختمانش بزودی باتمام خواهد رسید و وسایل فنی آن هم در حال نصب است و تا چند ماه دیگر بهره برداری در آنجا شروع می شود باید بگویم که توسط چهار استودیوی خیلی بزرگ و وسایل فنی خیلی مجهز برابر بهترین وسایلی که در ممالک اروپایی است مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. این چهار استودیوی تهران سیزده دوربین از بهترین نوع خواهند داشت، دوربین هایی که برنامه های سیاه و سفید خواهند ساخت و وسایل فنی خیلی مجهز دیگری که بتوانند برنامه های ضبط و پخش را انجام بدهند. استودیوهایی که داریم خیلی وسیع هستند. يك استودیو بمساحت ۴۸۰ متر مربع خواهیم داشت يك استودیوی دیگر بمساحت ۳۵۰ متر مربع و دو استودیو که بیش از ۲۰۰ متر مربع مساحتشان میباشد. در این استودیوها می شود برنامه های خیلی کامل درست کرد. مثلاً برنامه هایی که احتیاج دارند تکنیک های خیلی قوی بکار گرفته شوند مثل برنامه های وارپته برنامه های شو، برنامه های تئاتر، برنامه هایی که جنبه تئاتر تاریخی داشته باشند و احتیاج دارند به فضای خیلی زیاد. مرکز فعلی تهران تبدیل میشود به يك مرکز پخش برای پخش همزمان دو برنامه مستقل در منطقه تهران و يك مقدار زیادی از استان مرکز یعنی تمام منطقه تهران و حومه تهران که توسط مرکز پخش و دستگاه فرستنده اش کوشش خواهد شد يك استودیوی شبکه ای بشود. علاوه بر این يك استودیوی کوچک دیگری هم در مرکز پخش خواهد بود برای اتصال دو برنامه و برنامه های منطقه ای و محلی شهرستان های مختلف روی شبکه سرتاسری «میکروویو» تلویزیونی که تا دو سال دیگر پایان خواهد رسید و این شبکه سرتاسری «میکروویو» تمام مراکز تولید شهرستانها و تمام مراکز تولید محلی و مراکز خبری را بهم دیگر متصل میکند بطوریکه شهرستان هایی که مراکز تولید بزرگ دارند منجمله شیراز، بندر عباس، آبادان، کرمانشاه، رضائیه، تبریز، مشهد و رشت می توانند ارتباط دوطرفه با تهران داشته باشند. از لحاظ گرفتن برنامه ملی که از تهران پخش

خواهد شد و ارتباط با تهران از راه برگشت، برای دادن برنامه های محلی به تهران. و این ارتباط هم زمان خواهد بود اگر بخواهیم باز هم مثال بیاوریم باید گفت در عین حال که برنامه های ملی در آبادان یا مشهد از تهران پخش میشود، ضمناً آبادان میتواند يك برنامه دیگری را به شیراز بدهد. یعنی خودش مستقیماً چنین ارتباطی داشته باشد و برنامه ای که در آبادان تولید شده باشد در تهران ضبط بشود و آماده بشود برای پخش نهایی روی شبکه ملی. تمام مراکز اصلی شهرستان ها این کار را خواهند کرد. علاوه بر این هفت مرکز تولید که بیشتر جنبه خبری دارند یعنی کوچکتر هستند ولی از لحاظ فنی کاملاً مجهز هستند و می توانند يك برنامه مستقل هم تهیه بکنند تأسیس میشوند. در زاهدان، کرمان، اهواز، اصفهان، سنج، مهاباد و ساری و یکی از شهرهای مازندران که با احتمال قوی بابل خواهد بود. نزدیک این مراکز کوچک خبری، در آینده تلویزیون ملی قصد دارد که يك تئاتر کوچکی هم بسازد که حدود دویست، سیصد نفر جمعیت بتواند در آن جا بگیرد و بشود برنامه هایی از لحاظ نیروی مستقیم مردم تولید کرد. مخصوصاً از لحاظ اینکه تلویزیون هم بتواند از آن برنامه ها استفاده بکند. برای ضبط برنامه های تئاتر ملی یا هر نوع برنامه محلی که آنجا ساخته بشود و این کار امکانات بیشتری برای ارتباط بیشتر مردم باین برنامه ها در شهرستانها خواهد داد. مثلاً مهاباد یکی از شهرستان هایی است که امکاناتش ممکن است از این لحاظ بیشتر باشد. این شهرستانها جمعاً بیش از هفتاد دوربین الکترونیکی خواهند داشت که فکر میکنم از لحاظ تعداد و مقدار وسایل فنی که موجود خواهد بود، برای تولید و پخش برنامه تلویزیون ملی حتماً اولین سیستم تولید برنامه و پخش برنامه در تمام خاورمیانه و در ردیف یکی از بهترین سیستم های تلویزیونی دنیا باشد. علاوه بر این وسایل فنی ثابت که در تهران و شهرستانها خواهند بود تعدادی واحد سیار درست خواهد شد که سه واحد سیار بزرگ در تهران و چهار واحد سیار کوچکتر در شهرستانها خواهند بود. اینها به شبکه تلویزیون اجازه میدهد که در تمام نقاط دور افتاده مخصوصاً در شهرستانها که بعضی جاها در نقاط کاملاً دور دست قرار دارد که اگر بخواهیم بوسیله دوربین های فیلمبرداری معمولی برنامه تهیه بکنیم احتیاج است باینکه يك گروه با وسایل خیلی زیاد با آنجا برود، در حالیکه بوسیله يك واحد مستقل و مجهز میشود با سرعت خیلی زیاد برنامه مورد نظر را در هر نقطه ای که در آنجا راه باشد و حتی راه خیلی بدی هم باشد در آنجا درست کرد. برای اینکه این واحدهای سیار شهرستانی می توانند در راه های خیلی خیلی بد هم عبور بکنند. می شود تمام برنامه های محلی را در خود محل ضبط

کرد و بعد توسط شبکه ملی توسط وسایل مونتاز، وسایل تدوین که در شهرستانها یا تهران هستند اینها را بفرم برنامه جداگانه‌ای ساخت یا روی شبکه ملی یا حتی برای استفاده در خارج کشور پخش کرد. در تهران این واحدهای سیار به شبکه اجازه می‌دهند که تمام برنامه‌های تشریفاتی، برنامه‌های ورزشی و تمام مراسم خاص بطور زنده و فوری ضبط و پخش بشوند یا برای پخش آینده ضبط بشوند.

تلاش - سه سوال دیگر هست یکی راجع به زیبا کنار، که علت افتادن آنتن آن چه بوده، دوم راجع به آنتنی که قرار است در کوههای البرز کار گذاشته شود و این آنتن چه نقشی خواهد داشت و سوم راجع به تلویزیون رنگی که چه موقع شروع بکار خواهد کرد در این موقعیت و در ده سال آینده چه تعداد از مردم مامیتوانند تلویزیون رنگی داشته باشند.

قطبی - ما بطور کلی اکثر وسایل مورد نیازمان را از ممالکی که خریده بودیم در مرحله اول اکثرأ نصب را بعهده خود سازنده گذاشتیم. در بعضی از نقاط در آینده ما خودمان کار نصب را با کادر فنی مجهری که آلان داریم بعهده خواهیم گرفت برای اینکه ارزان‌تر تمام می‌شود و فکر میکنم بهتر انجام خواهد شد. ولی در گذشته و برخی از کارهایی را که در یکی دو سال آینده خواهد بود طبق قراردادی که با سازندگان داشتیم خود سازندگان کار نصب را بعهده می‌گرفتند و بنابراین دکل زیبا کنار را هم ما در حقیقت بعد از نصب تحویل می‌گرفتیم. سازنده دکل موظف بود که دکل را بسازد و بیاورد نصب کند و بعد از اینکه نصب کرد در حقیقت بما می‌فروخت و پولش را از ما می‌گرفت. افتادش در اثر اشتباهی بود که خود نصب کنندگان خارجی که آمده بودند کردند و یکی از مهارها پاره شد. حالا واقعا این اشتباه در هنگام نصب بوده و یا یک اشکال اتفاقی در مهار بوجود آمده که همیشه خطر پاره شدنش ممکن است وجود داشته باشد و موجب شد که این دکل افتاد بحث دیگری است. بهرحال چون آن سازنده و نصب کننده متعهد بودند و ما قرار بود برنامه‌مان را شروع بکنیم یک دکل موقتی مجانا در اختیار ما گذاشتند و بدلیل اینکه تقصیر آنها در این اتفاقی که افتاد زیاد نبود خسارتی بجز همین که دکل موقتی در اختیار ما بگذارند از شان نخواستیم. یک دکل جدید ساخته‌اند و تا هشت ماه دیگر این دکل را نصب می‌کنند بهرحال از روزی که نصب شد و ما تحویل گرفتیم در اختیار ما خواهد بود و گرنه قبلاً هر اتفاقی که بیافتد ارتباطی به تلویزیون ملی ندارد و یک مسأله داخلی سازندگان و نصب کنندگان دستگاهی است که ما خریداری کردیم.

تلاش - این دکل که هشت ماه دیگر قرار است بکار افتد در زیبا کنار خواهد بود؟

قطبی - بله در همان محل.

صفاری - لازم است درباره مرکز فرستنده بزرگ که در ارتفاعات کوههای البرز نزدیکهای شهرستان نور که بین نوشهر و بابل قرار دارد توضیح بدهم. در ارتفاع ۱۹۸۰ متر یک مرکز فرستنده پرقدرت تا چند ماه دیگر شروع بکار می‌کند و تمام منطقه مازندران یعنی بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر تحت پوشش آن قرار می‌گیرند و می‌توانند از برنامه‌ای که در مرحله اول در رشت تولید میشود استفاده کنند و بعد بمحض اینکه منطقه شمال به شبکه ملی متصل بشود از برنامه‌های ملی که در تهران ساخته می‌شود نیز استفاده خواهند کرد. این مرکز دارای یک دکل ۶۰ متری است که روی کوه نصب میشود. این دکل نیز مثل تمام دکلهای دیگر که برای تمام فرستنده‌های دیگر از این بعد تلویزیون ملی می‌خواهد در ایران کار بگذارد توسط کارمندان فنی ایرانی تلویزیون ملی نصب خواهد شد.

تلاش - قسمت آخر سوال راجع به تلویزیون رنگی بود ...

قطبی - درباره تلویزیون رنگی مقدمه‌ای بگویم. در بدو تاسیس تلویزیون ملی از دولت و وزارت اقتصاد درخواست کردیم که تا ۵ سال ورود گیرنده یا وسایل فرستنده تلویزیون رنگی را در ایران ممنوع اعلام بکنند، بدلیل اینکه تلویزیون رنگی خیلی جالب است ولی خیلی گران است و خطر این بود که در شرایط فعلی، بدلایلی، بخصوص مردمی که امکانش را دارند و در خارج از کشور تلویزیون رنگی را دیده‌اند فشار بیاورند و این فشار باعث شود که تلویزیون ملی و یا در آن زمان تلویزیون تجارتی که وجود داشت برود بدنبال درست کردن تلویزیون رنگی و این کار خلاف هدفهایی بود که برای تلویزیون معین شده بود. این هدفها در مرحله اول مسئله آموزش و آگاهی و پخش این برنامه‌های تلویزیونی در سراسر کشور بود و بنابراین روی هدفهایی که برای تلویزیون معین شده تا ۱۳۵۴ تلویزیون رنگی در ایران وجود نخواهد داشت و بعد ۱۳۵۴ هم تلویزیون رنگی فقط در صورتی که بیش از ۷۵ درصد جمعیت کشور تحت پوشش شبکه‌ای قرار گرفته باشند شروع بکار خواهد کرد. یعنی در حقیقت دو محدودیت قرار داده شده یکی سال ۱۳۵۴ و دیگری پوشش ۷۵ درصد جمعیت کشور. مسأله مهمی که در ابتدا گفتم این بود که تلویزیون رنگی خیلی گران است. در سایر نقاط دنیا یک تلویزیون رنگی سه برابر قیمت یک تلویزیون سیاه و سفید است. معهدا در ممالکی که تلویزیون رنگی دارند قیمت یک گیرنده تلویزیون رنگی کمتر است از درآمد سرانه این ممالک. ولی در ایران قیمت یک تلویزیون رنگی در حدود چهار برابر درآمد سرانه یک ایرانی است. یعنی

تقریباً برابر درآمد یک خانواده شهرنشین ایرانی خواهد بود. یعنی در حدود ده هزار تومان. در این صورت تا زمانی که امکانات فنی داخلی کشور امکان این را ندهد که تلویزیونهای ارزان قیمتی بتوانیم در اختیار مردم قرار بدهیم باز هم بوجود آوردن تلویزیون رنگی خطا خواهد بود. معهدا ما باید پیش‌بینی آینده را بکنیم و این پیش‌بینی آینده برای تهیه برنامه رنگی عبارتست از اولاً پیش‌بینی مشخصات فنی که دستگاهها و ساختمانهای ما باید داشته باشند. برای اینکه هنگام تبدیل برنامه به برنامه رنگی که البته در چند مرحله انجام خواهد گرفت و یک دفعه از امروز به فردا تمام شبکه رنگی نخواهد شد بلکه یک ساعت در یکی از شهرها و بعد چند ساعت روی شبکه به ترتیب انجام خواهد گرفت. این تبدیل با حداقل قیمت باید انجام بگیرد. بنابراین ما ساختمانهایمان را و اکثر وسائلمان را با یک چنین پیش‌بینی تهیه کردیم. از طرف دیگر تلویزیون رنگی چیز نسبتاً مشکلی است هم از لحاظ فنی و هم بخصوص از لحاظ تولید برنامه گران تمام میشود. یک دقیقه برنامه تلویزیون رنگی در حدود (آماری که من دیدم مربوط به یک سال پیش است شاید امروز کمی تغییر کرده باشد) هفت برابر قیمت یک دقیقه برنامه تلویزیونی سفید و سیاه تمام میشود و این بودجه بهره‌برداری هنگفتی را برای تلویزیون پیش‌بینی میکند که واقعاً در شرایط فعلی باز صلاح نیست. معهدا باید متخصص‌های فنی ما با تلویزیون رنگی آشنائی داشته باشند باید دکوراتور ما، نور پرداز ما و تمام کادر تهیه برنامه با تلویزیون رنگی آشنائی پیدا کنند. باین دلیل است که در مرکز جدید تهران یک آزمایشگاه تلویزیون رنگی پیش‌بینی شده برای اینکه در پنج سال آینده که باید ما بهرحال مقدمات تلویزیون رنگی را کم‌کم فراهم کنیم متخصصان فنی و تهیه کنندگان برنامه‌مان با تلویزیون رنگی آشنائی پیدا کنند. فقط مسأله‌ای که در اینجا بی‌جواب ماند اینست که تا چه اندازه ما توانستیم برنامه‌هایی را که می‌خواستیم ایرانی باشد بالاخره ایرانی شد. و در شروع بکار تلویزیون اگر اشتباه نکنم کمتر از ثلث برنامه‌های ما را تشکیل می‌داد که در ثلث برنامه‌ها گوینده‌ای که می‌آمد فقط می‌گفت به برنامه بعدی توجه بفرمائید را هم اگر جزء آن حساب کنیم چقدر بود؟ آقای محمودی الآن میگویند که این برنامه‌ها به چه اندازه رسیده و ما چه مقدار در تهران و احتمالاً چه مقدار در شهرستانها برنامه ملی تهیه می‌کنیم.

دکتر محمودی - باید برگردیم به مصاحبه سال ۱۳۴۷. آماری که ما داریم نشان می‌دهد که در آنجا ما چهل و چند ساعت

برنامه در اوایل سال ۱۳۴۷ یا اواخر ۴۶ بخش می‌کردیم البته از یک برنامه و بازآماری که در آنجا داریم نشان می‌دهد که ما در حدود ۳۰ درصد برنامه را در داخل ایران تهیه می‌کردیم. که در داخل این ۳۰ درصد شاید چند درصد هم فیلمهای خارجی که در داخل برنامه‌ها مثل برنامه‌های کودکان و غیره استفاده می‌شد قرار داشت. این وضعی بود که ما داشتیم و هفته‌ای ۴۷ ساعت برنامه پخش می‌کردیم. امروز بعد از این که سه سال از آن وقت گذشته پخش ما در تهران آلان از دو کانال ۱۰۵ ساعت برنامه در هفته است و بایک حساب سرده‌ای که آلان من کردم بطور معمول ۴۴۲ ساعت برنامه در هفته در سراسر ایران در فرستنده‌های فعلی پخش می‌شود.

رپورتاژها هم باینها اضافه می‌شود و گاهی مسابقات فوتبال مسابقه‌های دیگر و برنامه‌های اختصاصی که براینها اضافه می‌شود. ما پخشمان یک کمی زیر ۵۰۰ ساعت است یعنی از ۴۹۰ ساعت در هفته بالاتر است و اما آمار تولیدیمان. ما در سال ۱۳۴۷ در حدود سی و یک درصد برنامه‌هایی داشتیم که در ایران بدست کارگردانها و تهیه‌کننده‌های خودمان تهیه می‌شد. و دراینها فقط یک گروه خارج از تلویزیون هم بود که با تلویزیون کار می‌کرد و در هفته یکی دو برنامه می‌داد یکی از هدفهای تلویزیون این است که گروه‌های هنرمند خارج از سازمان را هم بکار بگیرد و بر سرمایه هنری اضافه کند. امروز آماری که بان اشاره شد نشان می‌دهد که ما در

حدود هفتاد و چند درصد از برنامه‌هایمان برنامه‌هایی است که در داخل ایران و بدست کارمندیهای خودمان دارد تهیه می‌شود و عرض کنم که در این مدت ماحتی حسابهای احتمالی را کردیم. مثلاً برنامه‌هایی مثل برنامه‌های ادبی و برنامه‌های هنری که در یکی از برنامه‌های ما نزدیک به پنج درصد برنامه را تشکیل می‌دهد. همچنین فیلمهای مستند. با اینکه فیلمهای مستند تعدادیشان از برنامه‌هایی است که خود ما می‌سازیم و در حدود ۴۰ درصد برنامه ما را تشکیل می‌دهد حالا از این مجموع ۸ درصد برنامه‌ها ۶ درصد را در داخل این برنامه‌ها فکر می‌کنیم که از فیلمهای خارجی یا برنامه‌های خارجی باید استفاده بکنیم. برنامه‌های هنری، برنامه ادبی ما احتیاج باین دارد که گاهی از اینها استفاده بشود. وقتی سرگذشت یک نفر نویسنده خارجی را یک تلویزیون دیگر ساخته و خوب هم ساخته هیچ دلیلی نیست که ما استفاده نکنیم و بگوئیم که خودمان می‌رویم و زندگی شکسپیر را فیلم می‌کنیم و وقتی ما از این ۸ درصد حتی ۶ درصدش را بگوئیم که از محصولات خارجی استفاده می‌کنیم. جدول برنامه را که آلان نگاه می‌کنیم ۲۷ درصد فیلمهای پی‌درپی و سینمایی و سریال خارجی را حساب می‌کنیم. از ۸ درصد برنامه‌ای که مخلوط است با برنامه‌های خارجی حتی ۶ درصدش را بگوئیم آنها تشکیل می‌دهند می‌بینیم که فقط از این مجموع نزدیک به ۳۰ درصد برنامه از خارج تهیه می‌شود و ۷۰ درصد برنامه ما برنامه‌ای است که بدست خود ما تهیه می‌شود. برای

این کار بنده یک عرضی داشتم و چون مجله شما را حتماً دانشجویان خارج از ایران می‌خوانند از نظر تماشاگر مایک مسالهایی در اینجا داریم. وقتی یک گروه تولیدی خارجیمان که آلان به پنج تا تبدیل شده در گذشته نیمساعت یا سه ربع برنامه سرگرم‌کننده ایرانی یا سریالهای ایرانی که در قالب سرگرمی تهیه می‌شد تهیه می‌کرد و از هفته‌ای سه ربع ساعت یا حداکثر در آن سال یک ساعت بیشتر نمی‌شد حالا می‌بینید که در یک برنامه به ۵ ساعت و در یک برنامه نزدیک به ۳ ساعت رسیده و ما در حدود ۷ تا ۸ ساعت از این نوع برنامه‌ها می‌سازیم که قبلاً در تلویزیون شاید یک سریال نیم‌ساعته فقط باین صورت می‌توانستیم داشته باشیم. ولی یک مشکل داریم مشکل ما اینست که وقتی شما اجازه می‌دهید گروه کادر تهیه‌کننده ایرانی چه در داخل سازمان چه خارج سازمان شروع بکار بکنند طبیعی است که باید تحمل این را داشته باشیم که تعدادی از این برنامه‌ها و این سریالها نتوانند در کیفیت بالا و سطح بین‌المللی قرار بگیرند. اگرچه تعدادی از برنامه‌هایمان در این سطح هستند. اگرچه در سال گذشته آمار ما نشان داد که برای اولین بار در تاریخ تلویزیون ایران یکی دو برنامه سریال ساخت خودمان یا غیر سریال حتی بین ۶۰۵ برنامه‌ای آمد که محبوب‌ترین برنامه‌ها بودند. هیچ وقت جز فیلمهای سریال خارجی که پشت هم دیگر قرار می‌گرفتند اصلاً برنامه داخلی به حساب نمی‌آمد ولی برنامه شماره یک برنامه ایرانی بود و امسال هم امیدواریم آمارمان



تاسیسات تلویزیون گیلان مرکز رشت



برنامه کودک تلویزیون خلیج فارس مرکز خوزستان



افتتاح تلویزیون فارس مرکز شیراز

يك چنین چیزی نشان دهد. مشکلی که ما داریم با تعدادی از تماشاچیان بخصوص محصولی است که از خارج می آیند. اینها به يك نوع برنامه یی عادت کرده اند به يك سیستم تلویزیونی که این تلویزیون نقش خاصی را در آن اجتماع دارد. مثلاً فرض کنید شما به اروپای غربی مراجعه کنید. به اکثر ممالکش، یا آمریکا، می بینیم که در آنجا تلویزیون بخصوص در آمریکا یا انگلستان یا حتی در آلمان وقت زیادی از مردم را بخاطر دادن سرگرمی می گیرد. مثلاً مردمی که در شهرهای بزرگ هستند دسترسی به اپرا دارند به تئاتر دارند به فیلمهای تازه دارند. تلویزیون این برنامه ها را برده به دهات و روستاها و شهرهای دور دست که بیشتر جنبه سرگرمی دارد. حتی از سطح اپرا هم می گویم نه، يك کمی پائین تر.

ما در اینجا وظایف دیگری داریم و این وظایف ما را ملزم میکند که روی این زمینه برنامه درست کنیم، مثلاً شما می بینید که در تلویزیون ملی هفته ای ۵ مسابقه از دو برنامه پخش میشود این مسابقات در حالیکه در قالب جالب و سرگرم کننده امیدواریم باشد، ولی بیشتر هدفش اینست که بصورت غیر مستقیم دانش مردم را بالا ببرد. وقتی محصول ما باین برنامه ها روبرو می شوند عدم رضایت پیدا می کنند. می گویند چرا آنجا ما شب می نشستم ۶ فیلم پشت سر هم می دیدیم و در اینجا مثلاً هفته ای چندتا می بینیم. شبی يك یا يك ساعت ونیم. این بخاطر این است که ما در اینجا توجه به این تولید کردیم. در این تولید در این حد با کمبود وسایل و استودیوهایی که انشاله کمبود وسایل در آن برطرف می شود طبیعی است. مقداری کمیت فدای کیفیت این کار خواهد شد و ما ترجیح می دهیم که این تجربه را تهیه کننده ایرانی چه در کادر تلویزیون چه در خارج تلویزیون پیدا بکند و يك کمی مردم صبر و حوصله داشته باشند. همان طور که نشان داده شده هم کار آنها بهتر می شود و هم با امکانات فنی که در اختیار ما قرار می گیرد می توانیم برنامه های بهتری عرضه بکنیم.

الآن که در پایان سال ۱۳۹۴ است ما يك استودیو اضافه از آنچه که در سال ۱۳۹۶ داشتیم داریم. یعنی با اضافه شدن يك استودیو به تمام تشکیلاتی که ما داشتیم، از دو استودیویی که از تلویزیون دیگر ادغام شد فقط يکی قابل استفاده است و بایک استودیو ما توانستیم سطح تولیدمان را تا این اندازه بالا ببریم. همشان در بهترین کیفیت نیستند ولی اگر اینها مقایسه بشوند و با بی طرفی بهشان نگاه شود می بینیم که چطور این کار نضج می گیرد. گروههای خارجی اضافه می شوند، گروههای داخلی کار خودشان را می کنند. برنامه کودکی که ما روزی يك ربع یا ۲۰ دقیقه داشتیم که نصفش فیلم کارتونی خارجی بود امروز به ۵ دقیقه رسیده. یا اگر يك مسابقه تهیه

می کردیم حالا داریم هفته ای ۵ یا ۶ مسابقه تهیه می کنیم. الآن ۲۳ درصد از برنامه دوم را اخبار تشکیل می دهد و در برنامه اول ۱۲ درصد اخبار داریم، در حالیکه اگر باز به سه سال پیش برگردیم می بینیم که مانیم ساعت خبر داشتیم و آن نیم ساعت در آن چهل و چند ساعت از برنامه چقدر از برنامه را پر می کرده.

قطبی - در آن زمان اخبار ما اکثراً فیلمهای خارجی و برخی از فیلمهای داخلی از تهران بود در حالیکه در حال حاضر نه تنها مقدار فیلمهای خارجی که برای ما می رسد بیشتر شده و می توانیم انتخاب بهتری بین این فیلمها داشته باشیم بلکه در اکثر نقاط کشور فیلمبردار و خبرنگار داریم. حتی در نقاطی که ماهنوز تلویزیون نداریم. در حال حاضر واقعاً وقتی درباره اخبار ایران صحبت می کنیم اخبار تمام کشور یا مهم ترین اخبار کشور مطرح است که بصورت فیلم و مصاحبه و فیلمهایی که با صدا هستند عرضه می شود البته این کار خبرگزاری داخلی ما باید چهار مرتبه بیشتر از این که هست باشد تا بآن حد مطلوب برسد ولی بهر حال سابق فقط يك مرکز خبری در تهران داشتیم و الآن بیش از ده مرکز خبری در تمام کشور داریم.

جعفریان - سال گذشته در حدود ۲۶۰۰ فیلم خبری از کشورهای مختلف برای ما رسید و امسال تا این ساعت بیش از ۳۰۰۰ فیلم خبری در داخل ایران و از شهرهای مختلف ایران تولید شده، یعنی از خبرها و رویدادهای ایران. الآن فیلم خبری داخلیمان از خارجیمان خیلی بیشتر است و در مورد فیلمهای خارجی نیز این تفاوت هست که سابقاً فیلم را از منابع خارجی محدودی می گرفتیم. الآن از آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، مسکو، استرالیا ژاپن می گیریم. یعنی از کلیه منابع فیلم چه در شرق و چه غرب بدون اینکه اینها امتیازی نیست بهم داشته باشند از همه اینها استفاده می کنیم و خودمان نیز دو مرکز خبری که یکی در برلین و یکی در پاریس است داریم که تابع خود تلویزیون است و الآن آنجا فعالیت دارند. باین ترتیب فعالیت داخلی خبریمان خیلی بیش از خارجی است و بخصوص در شهرستانها که در آن تاریخ که مصاحبه کردیم حتی يك مرکز هم نداشتیم. الآن ده مرکز خبری در ایران داریم و ده تا هم برای سال آینده در بودجه مان پیش بینی کرده ایم یعنی در آن موقع ما اصلاً مراکز فعالی در شهرستانها نداشتیم در حالیکه الآن چند مرکز مثل رضائیه، رشت، شیراز، آبادان، کرمانشاه داریم. اینها خودشان را به سطح خیلی بالا آورده اند مثلاً در آذربایجان خوزستان ۹۰ فیلم و تهران ۹۸ فیلم تهیه کرده بود یعنی تقریباً خوزستان خودش را به سطح تهران رسانده

بود. الآن فعالیت خبری ما بیشتر متوجه شهرستانها است یعنی ماسعی کردیم این جاها که از تصویر فعالیتها مسکوت و بی تلاش مانده بود فیلم تلاشهای وطنمان را جلوی چشم مردم قرار دهیم. ولی الآن در شرق ایران ما ضعیف هستیم. مثلاً مشهد اخیراً تأسیس شد و از اول اسفند ماه شروع بکار کرد ولی خوب سایر نواحی را مانوی همان ده تا مرکز گذاشتیم که بررسی کنیم.

قطبی - در سال ۱۳۵۰ در ۱۶ نقطه در ایران مرکز خبری تلویزیونی خواهیم داشت و ۱۰ نقطه هم بر آنها علاوه خواهیم کرد. یعنی جمعاً در حدود ۲۵ یا ۲۶ نقطه خبرگزاری در ایران خواهیم داشت و بطور متوسط در هر استان دو مرکز خبری خواهیم داشت که قاعدتاً باید بدلیل اینکه متحرک هم هستند این فیلمبردارها و خبرنگارها بتوانند اکثر مطالب مهم را از آن استان بر ایمان گزارش بدهند.

جعفریان - اجازه بدهید بگویم، ده مرکز خبری که الآن ما داریم مفهومش این نیست که ده مرکز هستند که الآن خبر می دهند بلکه هر مرکز خبری خودش به يك شبکه خبری مربوط است که ما اسم افراد شبکه را گذاشتیم «خبرده» یعنی در سطح پائین تری از خبرنگار قرار دارند. فقط حوادث را با اطلاع می دهند و بعد مرکز خبری فعالیت خود را آغاز می کند. مثلاً الآن مادرخوزستان حساب می کنیم يك مرکز خبری، همین طور در استان آذربایجان و گیلان ما يك مرکز خبری حساب می کنیم. در حالیکه در هر يك از این شهرها - استانها که فقط بعنوان نمونه گفتیم کادر «خبرده» داریم.

قطبی - در گیلان در حدود هشت تا ده مرکز خبردهی داریم که اینها اطلاع میدهند. این را داریم در سراسر ایران گسترش میدهم و افرادی که خبرنگار و خبرده هستند یا سپاهیا هستند و یا بخصوص دبیر و آموزگار ها با کمک می کنند یا مردم با سودی هستند که با همه مردم ارتباط دارند و نقش سازندگی را در کشور بعهده دارند. از لحاظ ساختن افکار، اکثر خبرنگارهای ما در يك چنین حدی در شهرستانها هستند. در لنگرود در فومن در رودسر در اردبیل، دیبیرها و آموزگاران هستند که بعنوان خبرنگار با ما کار می کنند.

تلاش - چطور آمار بدست می آورید. از نظر تماشاچی به چه طریق مطلع می شوید که چه برنامه هایی را می پسند و یا نمی پسندد. درصد سلیقه ها را چطور بدست می آورید و آیا اصولاً تلویزیون این فکر را قبول دارد که باید دنباله روی خواست مردم باشد، از همان جنبه سرگرمی و یا اینکه مردم را باید به دنبال خودش بکشد و بایک حد متعادل را

اجرا کند؟ مطلب دیگری که در مصاحبه قبلی بآن اشاره کرده بودید این بود که متأسفانه مردم در اظهارنظر صادق نیستند. یعنی ولو اینکه برنامه‌های سطح پائین را خیلی دوست داشته باشند همه می‌گویند علمی می‌خواهیم، آموزشی می‌خواهیم و سطح بالا، چند درصد شما باین نتیجه رسیدید که مردم واقعاً چقدر در اظهار نظرهایی که می‌کنند صادق هستند؟ و الآن بعد از چند سال فعالیت تلویزیون، واقعاً این مشکل از بین رفته است یا خیر؟

قطبی - سؤال شما سه قسمت داشت. یکی در مورد اینکه تاجه اندازه دنبال روی خواست های مردم هستیم و یا اینکه فکر می‌کنیم ما هستیم که باید برای مردم فکر و اندیشه بدهیم. در این مورد باید بگویم که نمی‌توانیم بدون توجه به خواست مردم برنامه داشته باشیم. فقط فکر می‌کنیم، مردم که ما خودمان هم جزء آنها هستیم تا چیزی را نشناسیم نمی‌خواهیم ما دنبال ناشناخته نمی‌رویم بنابر این فکر می‌کنیم بسیاری از برنامه‌ها هستند که مردم، چون تابحال شبیه آن را ندیده‌اند نمی‌خواهند و چه بسا که در اولین برخورد باین چنین برنامه‌هایی مقداری هم انتقاد بکنند ولی عملاً دیدیم که بعد از مدتی این برنامه‌ها را می‌پسندند و متوجه می‌شوند که این برنامه مطلوبشان است. فقط قبلاً با آن آشنایی نداشته‌اند. بسیاری از برنامه‌های ما باین طریق تهیه می‌شود. یعنی برنامه‌هایی که فکر می‌کنیم هنوز اکثر مردم ندیده‌اند و نمی‌شناسند. اینها را تهیه می‌کنیم و در اختیارشان می‌گذاریم و بعد براساس نتایجی که از این برنامه‌ها بدست می‌آوریم تازه می‌گوئیم که این برنامه مورد خواست مردم بوده یا نبوده. و اما این مورد خواست مردم را اظهار علاقه مردم را به چه طریق بدست می‌آوریم؟ به طرق آماری، من نمی‌خواهم اینجا با تلفن شوخی بکنم ولی یک زمانی با تلفن کردن به منزل مردم سؤال می‌کردیم ولی بعد تلفنها قاطی شد و دیگر چنین کاری امکان پذیر نبود و ضمناً راه تلفن فقط می‌تواند نظر مردمی را که تلفن دارند بما بگوید ولی روشهای آماری هست برای سنجش افکار که در گروه سنجش افکار تلویزیون ملی ایران یا باکمک مؤسساتی که برای این کار وجود دارند، منجمله مؤسسه تحقیقات علوم اجتماعی دانشگاه تهران که چند بررسی سنجش افکار برای ما انجام داد. ما از مردم نظراتشان را در این مورد سؤال می‌کنیم مردم خیلی همکاری می‌کنند. نامه می‌نویسند، تلفن می‌کنند، انتقاد می‌کنند، راهنمایی می‌کنند. گاهی هم اتفاق می‌افتد که تشویق می‌کنند و تعریف می‌کنند ولی بطور کلی انتقادهایشان یک کمک خوبی است برای اینکه ما بدانیم تا چه اندازه برنامه‌ها مورد خواست مردم قرار گرفته. معذباً با تمام این پیروی از خواستهای مردم مانع این نمیشود که خواست دیگری که

صفحه بیستم

شاید خواست نگفته مردم باشد و آن رسالتی است که تلویزیون واقعاً باید داشته باشد ندیده بگیریم. بعضی از همکاران مطبوعاتی شما در بعضی از ستونهایشان شوخی می‌کنند که تلویزیونی که رسالت دارد، بلکه تلویزیون در زمان انقلاب باید رسالتی هم داشته باشد. تلویزیونی که در مملکتی بوجود آمده که امسال دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی تاریخیش را جشن میگیرد حتماً رسالتی در مورد فرهنگ این سرزمین دارد. این تلویزیون حتماً رسالتی برای فردای این مملکت دارد و ما ناآگاه نیستیم و این رسالت را انکار نمی‌کنیم. در مورد عقاید و افکار مردم و این طرز سنجش افکار دکتر محمودی اطلاعات بیشتری خواهد داد. در مورد اینکه مردم بعضی اوقات درست نمی‌گویند، فکر نمی‌کنم که صادق نباشد در اظهار نظرشان. اظهار نظرشان روی بعضی از مطالب که می‌گویند ما برنامه آموزنده می‌خواهیم برنامه علمی می‌خواهیم ولی در حقیقت وقتی این برنامه آموزنده یا علمی را نشان می‌دهیم انتقاد می‌کنند و واقعاً مورد علاقه‌شان نیست فکر نمی‌کنم زیاد صحیح باشد. فکر می‌کنم دو اشکال در این مورد وجود داشته باشد. یکی اینکه ما بلد نبودیم از مردم سؤال بکنیم و جوابشان را آن طور که باید تجزیه و تحلیل بکنیم. دوم کار آماری ما و روش سنجش افکار ما صحیح نبوده و گرنه مردم حرف دل خودشان را زده‌اند یا آن حرفی را که فکر می‌کردند عقیده واقعی‌شان هست زدند و ما نتوانستیم هدایت بکنیم. اگر آنها عقیده خودشان را بزبان ساده‌تر و قابل فهم‌تر و قابل تجزیه و تحلیل بما بگویند این تقصیر صداقت مردم نیست و از طرف دیگر مردم واقعاً برنامه آموزنده، برنامه آگاه‌کننده می‌خواهند اگر ما بلد نیستیم که برنامه خوب آموزنده درست بکنیم اگر برنامه آموزنده ما خسته کننده است دیگر تقصیر مردم نیست. تقصیر ماست و امیدوارم بتوانیم بهتر برنامه درست بکنیم و برنامه آموزنده ما هم آنچنان دلچسب و گیرا باشد که مطابق میل و پسند مردم قرار بگیرد و اما در مورد چگونگی این سنجش افکار و روشهای آن، گروهی داریم که با دکتر محمودی کار می‌کنند و در این مورد توضیح میدهند.

دکتر محمودی - ما آمار می‌گیریم منتها این آمار سطحی است. همه دنیا هم اینکار را می‌کنند بیشتر برای اینکه چه برنامه‌ای را بیشتر مردم تماشا می‌کنند. چه ساعتی پرايشان بهتر است. البته می‌شود استفاده‌های بهتری از این کار کرد ولی بیشتر يك حالت خیلی سطحی دارد. نوع دیگری که کار کردیم ارتباط به مسأله آموزش روستایی دارد. گویا دانشجویان خارج از مملکت گفته‌اند اگر برنامه آموزش روستایی داریم

در کدام روستا تلویزیون تماشا می‌کنند. چطور تماشا می‌کنند. در این مورد می‌توانند راحت به یونسکو در پاریس کاغذ بنویسند و از قسمت علوم اجتماعی آنجا سؤال کنند. الآن مجموعه تمام کارها و تحقیقات ما آنجاست و آنها بما تبریک گفته‌اند که این کاری که ما انجام دادیم خیلی بهتر و عمیق تر از کاری بود که در چند سال پیش در یکی از ممالک آمریکای جنوبی انجام شد. بما اطلاع داده‌اند که مدیر این پروژه از طرف یونسکو علاقمند است که خودش باز بایران بیاید و پیشنهاد کرده‌اند که در قسمت های دیگر هم چنین کاری را بکنیم که نمونه باشد برای ممالک در حال رشد. نحوه کار آموزش روستایی که همراه کار تحقیقاتی بود عمیق‌تر بود. يك کار سطحی نبود که کدام برنامه را دوست دارید. چه ساعتی می‌بینید که البته تا حدی راهنمای ما هست. در دشت قزوین ما آزمایش کردیم. در ۱۴ روستا در باشگاههای تلویزیونی برنامه‌ها را پخش کردیم. روستائیان ما در قسمتی از مملکت برق دارند. تلویزیون دارند و برنامه هائی را از جمله برنامه آموزش روستایی را می‌بینند ولی برای جاهایی که ندارند ما تا بحال ۴ باشگاه تلویزیون روستایی در اطراف تهران درست کرده‌ایم. در تمام مراکز استانها الآن مسئولین این گروه مسافرت کرده‌اند و دارند جاهایی را پیدا می‌کنند که این باشگاه را تأسیس کنند و با توسعه شبکه تعداد این باشگاهها زیاد خواهد شد. در آنجا تلویزیون گذاشته می‌شود. اغلب جاها که برق دارند احتیاجی نیست ولی در جایی که برق نباشد يك موتور برق گذاشته می‌شود و روستائیان در ساعات بخصوصی که برنامه روستائیان پخش می‌شود برنامه را تماشا می‌کنند. ۱۵ دقیقه در هفته ما این برنامه را پخش می‌کنیم که کودکان و زنها و مردهای روستایی این برنامه را می‌بینند. برنامه آموزش روستایی برنامه‌ای است برای گروههای مختلف در روستاها که هم جنبه آموزشی بمعنای اخص خودش را دارد و هم مسایل دیگری را مطرح می‌کند، پیامهای فنی و کشاورزی دارد و بسیار هم استقبال شده است.

امروز بعد از اینکه سه سال از تأسیس این باشگاهها می‌گذرد ما جا نداریم برای اینکه همه اینها را بتوانیم در این باشگاهها جای دهیم. دنبال این تجربیات اکنون، تحقیقاتی داریم می‌کنیم درباره خواستهای مردم اعتقاداتشان، سنتهایشان و میزانی که از علوم جدید اطلاع دارند. با نمونه‌ها و آزمایش های خاصی که داریم و براساس این مقدار دانش و معلومات روستائیان برنامه ساخته می‌شود تا برنامه‌ای نسازیم که وقتی پخش می‌شود آنقدر پائین و مبتذل باشد. روی تصورات غلطی که يك تهیه کننده دارد و مورد علاقه آنها نباشد و یا در سطحی نهیه بشود که ما نتوانیم يك زبان مشترك و

مکالمه صحیح با روستائیان داشته باشیم. بر اساس اینها برنامه ساخته می شود و بعد از اینکه برنامه پخش می شود در قزوین بلافاصله ارزیابی می شود که چه مقدار از این مطالب را درک کردند. چه مشکلاتی دارند چون در هر يك از باشگاههای روستایی يك نفر معلم که اغلب از سپاهیان دانش یا بهداشت است و گاهی هم معلمین روستاها ناظر برنامه هستند و اگر سؤالاتی برای آنها پیش می آید اینها پاسخ میدهند یا اگر خودشان نتوانند یا نخواهند می فرستند به تهران که ما در برنامه بعدی پاسخ آنها را می دهیم و بعد این یاد گیری فوری را اندازه گیری می کنیم. يك هفته بعد مجدداً اندازه گیری می شود که ببینیم چه مقدار از برنامه ها یادشان مانده. همچنین در برنامه های خاصی که بیشتر برنامه های بهداشتی بود که قابل اندازه گیری بود و معلوم می شد که چه تغییری در رفتار روستائیان حاصل شده مورد مطالعه قرار گرفت. مثلاً اگر دست يك بچه روستایی می برید به نحو صحیحی از آن نگهداری نمی کردند یا تمیزش نمی کردند، ما برنامه خاصی در این مورد می گذاشتیم. برای ما قابل مطالعه بود که در هفته بعد و هفته های بعد چقدر برای این کار مراجعه بداروخانه یا درمانگاه محل می کنند یا به سپاهی بهداشت مراجعه می کنند و حتی در این مورد این مواد ضد عفونی که در آنجا شاید بفروش نمی رفته مثلاً چقدر بیشتر خریداری شده یا اگر برنامه ای برای بچه های روستایی راجع به خمیر دندان و مسواک گذاشته می شد بلافاصله قابل ارزیابی بود که چه مقدار فروش خمیر دندان یا مراجعه برای آزمایش دندانان زیاد می شد. این تغییراتی است که در رفتار پیش می آمد. این البته يك کار علمی بود که در رشت و قزوین انجام شد. نتایجش بسیار خوب بود. و ما با اطلاعی که گرفتیم و با این نوع تحقیق عمیق که در روستاها کردیم داریم از نتایج آن استفاده می کنیم در برنامه هایی که در روستاهای دیگری که داریم و اینهم يك نوع تحقیقات عمیق تری است که همراه برنامه آموزش روستائی عرض کردم خدمتتان.

تلاش - سؤال دیگری که مطرح می کنیم اینست که تلویزیون يك مقدار کارهای جنبی دارد. کارهای سالونی مثل کنسرتها و برنامه های نمایشی و کار بزرگتر آن جشن هنر شیراز. توضیح بدهید، بنظر شما اجرای این برنامه ها چه تأثیری در کار تلویزیون دارد و شما برای داشتن این نوع برنامه ها چه فایده ای قائل هستید و اصولاً این فعالیتها يك مقدار از وقت تلویزیون را نمی گیرد و موجب این نمی شود که کمتر بکار اصلی پرداخته بشود و در غیر اینصورت چه تأثیرات مثبتی می تواند در کار تلویزیون داشته باشد؟

قطبی - برنامه های جنبی تلویزیون

امیدوارم هیچکدامشان سالونی نباشند. حتی اگر در سالون کنسرت برنامه بگذاریم. اصولاً این برنامه های جنبی بدلالی بوجود آمدند. فکر می کنم که هدف تلویزیون به خصوص هدف فرهنگی آن که در رأس آن فرهنگ این کشور قرار گرفته فقط بر صفحه تلویزیون تمام نمی شود، بلکه این هدف فرهنگی و فعالیتها که برای آن باید انجام بشود در خارج از این صفحه هم هست. باین دلیل وقتی ما در کشورمان باندازه کافی گروه های فعال فرهنگی و هنری نداریم و وظیفه تلویزیون است که این فعالیت را بوجود بیاورد. و این چنین گروه هایی را تشکیل بدهد. و این حقیقتی است که ما در تلویزیون، خارج از مسئله برنامه های فرهنگی و هنری باز باین مسئله بر می خوریم. بعضی از دوستان مابشوخی می گویند که يك روزی تلویزیون مجبور می شود که نانوای خودش را هم درست بکند و نان پزند و تقسیم بکند. این شوخی از این جا بوجود آمد که ما کم کم مجبور شدیم بسیاری از کارهایی را که فکر می کردیم در مملکت در جای دیگری انجام می شود یا سازمان دیگری و یا بخش خصوصی انجام می دهد خودمان انجام دهیم و این بدلیل این بود که یا این دستگاه های خارج از تلویزیون با آن سرعتی که ما می خواستیم این کارها را انجام نمی دادند و یا اصلاً چنین دستگاه هایی وجود نداشتند که چنین فعالیتی را انجام دهند. بهتر دیدیم که خودمان رأساً این فعالیت را انجام دهیم. بعضی از اوقات این کار ضروری بود برای اینکه مربوط بتوسعه کار تلویزیون می شد و بعضی اوقات لازم برای اینکه باعث بهبود برنامه های تلویزیون می شد و بدلیل واجب برای اینکه يك نوع سرمایه گذاری برای آینده تلویزیون می شد. مثلاً بوجود آوردن مدرسه عالی تلویزیون و سینما فقط بخاطر این نیست که ما چند نفر کادر فنی و نیروی انسانی و بطور کلی متخصص تربیت کنیم. بلکه برای این هم هست که کسانی از این مدرسه فارغ التحصیل می شوند و می روند در خارج از تلویزیون کار می کنند. فیلم می سازند، برنامه تهیه می کنند و نتایج این برنامه ها هم خود بخود به تلویزیون منعکس می شود. یعنی يك نوع واپس خوری وجود دارد از تمام فعالیتها که در این زمینه بوجود می آید. مورد دیگر مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی است که تلویزیون بوجود آورد، برای اینکه موسیقی مادر حال اضمحلال است و خود تلویزیون و وسایل ارتباط جمعی نیز در از بین بردن موسیقی سنتی خواه ناخواه مؤثر هستند. موسیقی را بمیل روز پخش می کنند و این میل روز متأسفانه باعث می شود که در بسیاری از نقاط دور افتاده کشور، در بسیاری از نقاطی که هنوز موسیقی اصیل بصورت اصیلش باقی مانده دستخوش مد روز بشود. آنها هم از مد روز پیروی

کنند و این موسیقی کم کم از بین برود. پس وظیفه ماست که برویم بدنیاال این موسیقی که در حال از بین رفتن است و تا آنجائیکه مقدور است لااقل برای حفظش بصورت برنامه و نوار کوشش کنیم و تا آنجائیکه می توانیم برای اینکه این موسیقی را زنده نگهداریم، با آموزش بدیگران و باتشویق مردم باینکه این موسیقی نباید از بین برود و این را کنار نگذارید فعالیت کنیم. بآنها بگوئیم کمانچه را با ویلن و ویلن را با ساکسیفون عوض نکنید. آنهم جائی برای خودش دارد. باین دلیل بدنیاال يك چنین فعالیتی رفتیم.

روزی که تلویزیون ملی شروع بکار کرد در هنرستانهای موسیقی کشور کمتر از پنج نفر یعنی کمتر از تعداد انگشتان يك دست کمانچه یاد می گرفتند. امروز این تعداد به چندین برابر رسیده، چرا؟ برای اینکه کمانچه بعنوان يك ساز اصیل ایرانی شناخته شده. ما کاری نکردیم. ما فقط به مردم یادآوری کردیم که چنین چیزی وجود دارد. مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی که يك فعالیت جنبی تلویزیون است يك چنین هدفی دارد و نتیجه اش بصورت برنامه به تلویزیون بر میگردد. کارگاه موسیقی نوجوانان نیز صورت دیگر این هدف است. موسیقی به دلایل زیادی که لازم بتوضیح نیست آنطور که باید و شاید در مملکت ما نضج نگرفته بود. ما همیشه گفته ایم که بفکر امروز نباید باشیم، بلکه بفکر فردا هم باید باشیم.

برای نضج گرفتن موسیقی از بین خردسالان شروع کردیم. این کارگاه موسیقی نوجوانان از يك طرف مکانی شده که بچه ها جمع می شوند و الآن تقاضا بقدری شده که ما فکر می کنیم این مرکز را جدا بکنیم و از تلویزیون مجزا کنیم. که يك دستگاه مستقلی باشد و تلویزیون يك مقدار بآن کمک کند. فکر می کنیم بعد از مدتی بتواند روی پای خودش بایستد. برای اینکه درخواست خیلی زیاد است این کارگاه موسیقی را بصورت صحیح و اصولی به بچه ها یاد می دهد و از طرف دیگر هر روز جمعه برای ما يك برنامه ای درست می کند که جزء موفق ترین برنامه های ما است. نمونه دیگر، کارگاه نمایش است. باز باید بگویم که تئاتر در ایران وجود دارد و سوابقی هم دارد، تعزیه وجود داشت بصورت یکی از اصیل ترین فرمهای تئاتری و یکی از جالب ترین فرمهای بین المللی از لحاظ تئاتر. ولی تئاتر امروز در ایران يك روال خاصی را گرفته بود و در يك محدوده ای در حقیقت بسته فعالیت را ارائه می کرد که تا قبل از اینکه وزارت فرهنگ و هنر این گروه ها را شهرستانها هم اعزام کند، منحصر شده بود به تهران و يك تئاتر ۲۵ شهریور و این فعالیت طوری بود که وقتی ما برای اولین بار در جشن هنر شیراز يك تئاتر مدرن

آوردیم از طرف پیشروترین مردم این مملکت که قاعدتاً دانشجویها هستند مورد انتقاد قرار گرفت. برای اینکه این تئاتر را نفهمیدند. آن روز این تئاتر برایشان يك چیز کاملاً تازه‌ای بود. هیچ آشنایی با فرم مدرن تئاتر و با فرم امروز تئاتر نداشتند. این برخورد در جشن هنر ما را متوجه کرد که تئاتر را در مملکت ما آنطور که باید و شاید نمی‌شناسند. پس باید يك نقطه‌ای وجود داشته باشد که امکان تئاتر تجربی در آن باشد. بنابراین کارگاه نمایش بوجود آمد. کارگاه نمایش از طرفی يك مرکز فعالیت برجسته تئاتری در کشور ما شده تا آنجا که در سال آینده یکی از برجسته‌ترین کارگردانها یعنی «پتر بروک» بایران می‌آید و با کارگاه نمایش بصورت يك فعالیت تئاتری یکی از جالب‌ترین تجربه‌های بین‌المللی تئاتر را در ایران انجام میدهد. از طرف دیگر این کارگاه نمایش برنامه درست میکند برای تلویزیون ملی ایران. این فعالیتهای جنبی در حقیقت جوابی هستند به نیازهایی که ما احساس می‌کردیم. این جواب در حقیقت يك نوع جواب به ضروریات فوری و يك نوع سرمایه گذاری برای آینده است. خیلی کاپیتالیستی صحبت کنم يك نوع سرمایه گذاری است که بازده فوری بصورت برنامه‌های تلویزیونی دارد. این برنامه‌های تلویزیونی البته برای ما ارزان‌ترین برنامه‌های ما نیستند ولی یکی از جالب‌ترین برنامه‌های ما هستند. درباره جشن هنر صحبت نمی‌کنیم. زیرا يك فعالیت تلویزیون ملی نیست. يك سازمانی است که براساس ایده شهبانوی ایران و بدستورایشان بوجود آمد. بریاست عالیة ایشان و با کمکهای معنوی و مادی ایشان درست شد.

البته تلویزیون در جشن هنر يك سهم اساسی دارد. سرمایه گذاری می‌کند. خرج می‌کند و بهره‌برداری هم می‌کند. برنامه‌هایی را که ما از جشن هنر تهیه می‌کنیم می‌توانم بگویم در ممالک دیگر بیش از میلیون‌ها دلار خرج می‌کنند تا نظیر آنرا تهیه کنند. باز نمی‌خواهم غلو بکنم ولی می‌توانم بگویم که در هیچيك از ممالک دیگر دنیا این چنین برنامه‌هایی را در يك تلویزیونی نتوانسته‌اند جمع بکنند و نمایش بدهند و مابذلیل وضع خاص جشن هنر و موقعیت کشورمان است که می‌توانیم برجسته‌ترین هنرمندان دنیا را که چندین ده‌هزار دلار پول می‌گیرند که يك برنامه تلویزیونی درست بکنند در يك مدت گرد هم آوریم و تقریباً بصورت رایگان که نه ولی با مخارج خیلی کمتری این برنامه‌ها را تهیه بکنیم و در سراسر ایران پخش بکنیم. در حقیقت این فعالیتهای جنبی که اگر اسمشان را گذاشته‌ایم جنبی شاید زیاد صحیح نباشد و باید بگوئیم فعالیتهای اصلی و عمیق و دورنگر و زمینه‌ای تلویزیون ملی بسیار سودمند هستند و جنبی بودنشان فقط نسبت به آن خط مستقیم تلویزیون است که جنبه

صفحه بیست و دوم

دیگری دارد.

تلاش - راجع به تلویزیون آموزشی
لطفاً بگوئید که آیا تلویزیون ملی ایران نظارتی بر کار تلویزیون آموزشی دارد و از لحاظ هماهنگی کردن برنامه‌ها و تبادل نظر آیا همکاری میان دو تلویزیون وجود دارد یا خیر و اگر هست به چه شکل است؟

قطبی - در مورد تلویزیون آموزشی باید بگویم که در ایجاد تلویزیون آموزشی تلویزیون ملی ایران مؤثر بوده ولی سهم و همکاری خاصی از لحاظ هماهنگی برنامه‌ها با تلویزیون آموزشی ندارد. تلویزیون آموزشی يك تلویزیون کاملاً مستقل است و وابسته بوزارت آموزش و پرورش است و فکر می‌کنم در مملکتی که پرچمدار مبارزه بایسواد است وجود يك تلویزیون آموزشی کاملاً ضروری است و از لحاظ مسائل آموزش و پرورش در ایران هم يك چنین تلویزیونی می‌تواند مؤثر باشد. تلویزیون ملی هرگونه کمک فنی و فکری که تابحال لازم بوده به تلویزیون آموزشی کرده‌ایم و تابحال در این مورد همکاری نزدیکی وجود داشته و در آینده هم وجود خواهد داشت و شکی نیست که تمام شبکه تلویزیون ملی در اختیار تلویزیون آموزشی برای پخش برنامه‌ها خواهد بود ولی در مورد برنامه‌ها و هماهنگی کردن آنها، تلویزیون آموزشی کاملاً مستقل کار خودش را انجام می‌دهد و تلویزیون ملی در این مورد هیچ نظارتی ندارد و شاید هم يك هماهنگی واجب نباشد. هر کدام کار خودشان را می‌کنند.

تلاش - دو سؤال آخر من یکی راجع به پخش برنامه‌های مسابقات ورزشی چه داخلی و چه خارجی است که پخش می‌شود و یا برنامه‌هایی مثل برنامه‌های فضائی و پرتاب موشکها و بطور خلاصه آنچه که از خارج گرفته می‌شود و بصورت زنده پخش می‌شود. آیا در صدیننده را بالامی‌برد و در اینصورت چند درصد بیننده بیشتر دارد. دیگر اینکه علاوه بر اینها آیا تلویزیون در صد درصد هست که برنامه هائی مثل فستیوالهای خارجی و رویدادهای هنری را در آینده بصورت زنده پخش مستقیم یا ضبط کند. در ضمن اگر راجع به فعالیتهای سازندگی تلویزیون در مورد شبکه‌های سراسر کشور توضیحی بدهید متشکر می‌شوم.

قطبی - در مورد سؤال اولتان که مربوط به استفاده از برنامه‌هایی است که توسط ماهواره به ما می‌رسد و اهمیتش در برنامه‌های شبکه‌ای، باید توضیح مختصری بدهم و در مورد گسترش شبکه‌مان و فعالیتی که در شبکه انجام شده که فعالیت مثبت و بقول دیگران چشمگیری است باید از آقای صفاری خواهش کنم که توضیح بیشتری بدهند. ایشان مستقیماً این کار را زیر نظر

دارند. و اما در مورد برنامه‌ها، هر برنامه خوبی تماشاگر زیاد دارد و مردم بآن علاقمند هستند. مردم کشور ما به برنامه‌های ورزشی بطور اخص علاقه زیادی دارند و ما کوشش کرده‌ایم که برنامه‌های جالب را حتی الامکان پخش کنیم اما چون مخارج استفاده از برنامه‌های ماهواره زیاد است جالب‌ترین برنامه‌ها را از ماهواره می‌گیریم و در نتیجه نمی‌توانم بگویم که تا چه اندازه برنامه‌هایی که توسط ماهواره به ما می‌رسد و پخش می‌شود برای مردم جالب هستند. بهرحال تعداد تماشاگر را بالا می‌برند. خود ما هم در ابتدا کوشش کردیم که برنامه‌های جالبی را در این مورد انتخاب کنیم. شکی نیست که هر کس مایل است بداند درست در لحظه‌ای که او در منزلش نشسته مثلاً در شرفخانه در آذربایجان و یا در يك ده مثل «کوار» در نزدیکیهای شیراز و یا مستقیماً يك برنامه‌ای که در آمریکا و یا در تایلند، یا در ژاپن اجرا میشود چگونه است. این بخودی خود جالب است، مساله دیدن يك برنامه در همان لحظه که اتفاق می‌افتد در چندین هزار کیلومتر دورتر برای هر کس مورد توجه و جالب است ولی برنامه‌های ما یعنی بطور کلی برنامه‌هایی که توسط ماهواره برایمان میرسد چون کران تمام میشود امکان ندارد که همه آنها را پخش کنیم. مگر آن چیزی که واقعاً بدانیم مورد نظر و مطلوب مردم است از طرف دیگر ماهواره ما در حال حاضر فقط روی یکی از کانالهای ماهواره کار میکند که اکثراً برنامه‌های تلویزیونی از آن کانال پخش میشوند.

ممالک اروپایی روی يك کانالی که F-۶ اسمش را می‌گذاریم برنامه‌های تلویزیونی‌شان را رد و بدل می‌کنند و ما از F-۷ استفاده می‌کنیم. ولی در آینده با این ماهواره جدید که فرستاده شده امکان استفاده بیشتری از این برنامه‌ها را خواهیم داشت. بخصوص در مراسم جشنهای شاهنشاهی که قسمت اصلی این برنامه به صورت رنگی پخش میشود.

این برنامه زیر نظر متخصصین تلویزیون ملی ایران تهیه و در تمام دنیا پخش خواهد شد. در مورد استفاده از ماهواره برای برنامه‌های خبری باید بگویم که به محض اینکه در اسدآباد کار ما مجدداً شروع بشود در آن صورت امکان ارتباط خبری با ممالک اروپا و آمریکایی بیشتر خواهد شد و ما باین وسیله امیدواریم که بتوانیم مردم را هم‌زمان با تلویزیونهای بزرگ دنیا و بعضی اوقات قبل از آنها بدلیل اختلاف ساعتی که وجود دارد در جریان تصویری وقایعی که در همان روز اتفاق افتاده بگذاریم. الان فیلمهای ما معمولاً با بیست و چهار ساعت تاخیر بدست می‌رسد. بعضی وقتها بدلیل حمل و نقل، چهل و هشت ساعت ممکن است فیلمی که ما در باره

يك واقعه پخش می‌کنیم تاخیر داشته باشد . البته خبر بیانی را فوری بوسیله ارتباطهایی که با تلکس و تله پرینتر و با بی‌سیم بانقاط مختلف دنیا داریم پخش می‌کنیم ولی اخبار تصویری بعضی وقتها با ۲۴ ساعت و گاهی با ۴۸ ساعت تاخیر بدست ما می‌رسد که در آنصورت با استفاده از ماهواره همزمان با آن واقعه یا با چند دقیقه تاخیر ما میتوانیم برنامه را نشان بدهیم . کار گسترش شبکه که با مشکلات خیلی زیادی همراه است بدلیل کوهستانی بودن، بدلیل تعداد کم جمعیت در هر کیلومتر مربع است . مثلاً ما در بلوچستان کمتر از ۴ نفر در هر کیلومتر مربع داریم . یا در سمنان که در حدود ۳ نفر در هر کیلومتر مربع زندگی می‌کنند و در نقاطی که تعداد نفر در هر کیلومتر بالا است . مثلاً در کردستان که شاید نزدیک به ۳۰ نفر باشد معشدا کوهستانی بودن و صعب‌العبور بودن برای امواج تلویزیونی باعث میشود که مشکلات زیادی در این مورد داشته باشیم . آقای صفاری تمام کار گسترش شبکه را بهعهده دارند . از مطالعات مقدماتی ، اجتماعی ، اقتصادی ، طرح فنی و بررسیهای فنی گرفته تا تهیه وسایل و نصب این وسایل بهعهده ایشان است که با گروهی از مهندسان جوان ما کار می‌کنند و در این مورد توضیح بیشتری می‌توانند بدهند .

صفاری - درباره گسترش شبکه تلویزیون
ملی لازم است چند کلمه درباره مشخصات جغرافیائی انسانی ایران صحبت کنیم . از چند شهر بزرگ که بگذریم که بمناسبت وضع جغرافیائی آنها می‌توانیم در آنها گذشته از تهران يك فرستنده مستقل داشته باشیم ، بقیه شهرها بمناسبت بدی راه ها و کوهستانی بودن نصب فرستنده های مستقل بسیار دشوار است . بعلاوه داشتن شبکه مستقل در شهرهای بزرگ کافی نیست ، چون این شهرها جمعیت اصلی کشور را تشکیل نمی‌دهند و بیش از چند درصد جمعیت را در بر نمی‌گیرند . شهرهای بزرگ با جمعیت نسبی ۲۵ هزار نفر در حدود ۷ میلیون نفر است .

کل جمعیت نقاط بیش از ۵۰۰۰ جمعیتی در حدود ۱۰ میلیون نفر است . این نشان می‌دهد که شهرهای بزرگ ما فقط در حدود يك چهارم کل جمعیت را تشکیل می‌دهند و این مشکل بزرگ ما است در ایجاد فرستنده های مستقل محلی برای نقاط مختلف کشور . اگر بخواهیم تمام کشور در پوشش برنامه اول قرار بگیرند می‌بایستی دو هزار فرستنده کوچک و فرستنده رله تلویزیونی داشته باشیم . بنابراین نتیجه‌ای که می‌توانیم بگیریم اینست که هر روز بیشتر احتیاج داریم به افراد فنی که نه فقط تعمیر کار تلویزیون باشند و بتوانند گیرنده های معمولی ساده را تعمیر کنند ، بلکه بهمه امور فنی وارد باشند .

قطبی - اضافه بکنم که ما احتیاج داریم
به متخصص ، مهندس در تمام رشته ها که نتیجه کار برایشان بیشتر اهمیت داشته باشد تا درآمدشان . تلویزیون از کسی کار مجانی نمی‌خواهد ولی مساله اینستکه واقعا همکار هایی داریم که شب خواب کارشان را می‌بینند و ما مجبور هستیم بعضی اینها را بزور از تلویزیون بیرون کنیم که بروند و استراحت کنند . برای اینکه واقعا آنچنان غرق در کارشان شده‌اند و آنچنان این هدف مهمی که برایشان بوجود آمده از لحاظ وطنی از لحاظ وظیفه ملی از لحاظ علاقه‌ای که بهکارشان دارند برایشان اهمیت دارد که بعضی وقتها واقعا به سلامتشان لطمه میزند . برای اینکه این طرح خوب بتواند اجرا شود احتیاج با افرادی داریم که فکر خوب ، علاقه و ایمان و تخصص داشته باشند . خوشبختانه از لحاظ مالی وضع تلویزیون بد نیست . دولت اهمیت تلویزیون را میداند و همیشه کمک کرده است . مردم خودشان کمک کرده‌اند . در رضائیه ما با کمک مردم تلویزیون را درست کردیم . در بسیاری از نقاط مردم الان قسمتی از مخارج تلویزیون را می‌پردازند برای اینکه ما بتوانیم در آنجا برنامه بگذاریم بنابراین مساله مالی آنقدر مهم نیست آنچه که ما احتیاج داریم تخصص است ولی تخصص با علاقه و با ایمان است .

صفاری - شهرها یعنی نقاط بیش از ۵۰۰۰ نفر کمتر از نصف جمعیت شاید در حدود سی و پنج درصد کل جمعیت کشور را تشکیل میدهند . پس اگر ما در نظر بگیریم که تعداد شهرهای بزرگ اینقدر کم و جمعیت اینقدر پراکنده است و با در نظر گرفتن اینکه این شهرستانها یا دهستانها و دهات کوچک همه‌شان در نقاطی قرار گرفته‌اند که آنجا رودخانه یا چشمه‌ای بوده و این نقاطی که آب داشته‌اند همه‌شان در دره‌ها یا لب کوهها قرار گرفته‌اند این نشان میدهد که با در نظر گرفتن وسعت فوق‌العاده کشور ایران که مثلاً سه برابر کشور فرانسه است که بزرگترین کشور اروپایی بجز کشور شوروی است و در حدود ده برابر انگلستان وسعت دارد می‌بینیم که چه مشکلات فوق‌العاده‌ای از لحاظ پوشش بیش از سی یا چهل درصد جمعیت ایران از لحاظ تلویزیونی می‌توانیم داشته باشیم . با این حال ما پیش بینی کردیم که در آخر برنامه چهارم حدود ۶۰ درصد جمعیت ایران بتوانند از تلویزیون استفاده کنند .

قطبی - من می‌خواهم اینجا يك « کردیتی »
به گروه گسترش شبکه خودمان بدهم و يك مساله‌ای را بگویم . در اولین طرح تلویزیونی که توسط مهندسان خارجی تهیه شده بود فقط

سه شهر ایران یعنی تهران - آبادان و رشت پیش‌بینی شده بود که تلویزیون داشته باشند . با دو فرستنده اضافه در اهواز - با همان بودجه اولین طرحی که باز با کمک مهندسان خارجی برای برنامه چهارم تهیه شد ، پوشش ۳۸ درصد کشور تهیه شده بود . مهندسین گسترش شبکه ما با همان بودجه و با توجه به بالا رفتن قیمت‌ها طرحشان را طوری تهیه کردند که بیش از نیمی از مردم کشور یعنی در حدود ۶۰ درصد احتمالاً خواهند کردند . مهم اینستکه این ۲۲ درصد آخر یعنی از ۳۸ درصد تا ۶۰ درصد گرانترینش خواهد بود . یعنی هر درصدی که بعد از سی درصد اولیه فرستنده در تهران که در حدود ۴ میلیون نفر یعنی در حدود ۱۶ درصد جمعیت کشور را می‌پوشاند ، درصد های بعدی بترتیب گران‌تر خواهند شد . یعنی مخارج سرانه که در اصفهان با اضافه کردن يك فرستنده در حدود نفری ۱۵ ریال بوده برای نقاطی ممکن است در حدود ۲۰۰ تومان بشود .

صفاری - اگر شهرهای بیش از ۵۰۰۰ نفر را در نظر بگیریم
و بخواهیم همه آنها تحت پوشش قرار بگیرند بایستی ۲۵۰ فرستنده در ایران داشته باشیم . البته در اینصورت می‌شود گفت که تعدادی از شهرستانهای بیش از دو هزار نفری هم تحت پوشش قرار می‌گیرند . برای اینکه تمام شهرستانهای بیش از ۲۰۰۰ نفر همه پوشش داشته باشند می‌بایست ۸۰۰ فرستنده تلویزیونی داشت که البته این آمار صحیح نیست بدلیل اینکه مطالعات روی نقشه و در دفتر صحیح نیستند برای صحت کار ایجاب میکند که بعد از اینکه اولین قسمت مطالعات انجام شد يك گروه مهندس که فهم فنی آنها بالا باشد بروند و در محلی که باید فرستنده تلویزیونی گذاشته شود با شرایط جوی و شرایط محلی و نبودن راه و نبودن وسیله و سختی ارتباط با مردم مطالعه کنند که چه باید کرد .

با این حال می‌توانیم بگوئیم که الان پوشش نیمه غربی ایران یعنی خطی که از تهران به اصفهان و به شیراز و بندر عباس میرود تمام شده است . این قسمت غرب ایران فکر میکنم بیش از ۶۵ درصد جمعیت ایران



صفحه بیستم

باشد . البته این ۶۵ درصد کاملاً تحت پوشش قرار نخواهند گرفت ولی میشود گفت که در بعضی از مناطق کردستان ، کرمانشاهان ، آذربایجان شرقی و غربی و مخصوصاً خوزستان نسبت پوشش در آخر برنامه چهارم قابل توجه باشد و شاید در این مناطق پر جمعیت بیش از ۷۰ درصد جمعیت تحت پوشش قرار بگیرد . الان مطالعات ما برای تاسیس ۹۰ ایستگاه کوچک یا بزرگ برای فرستنده های متوسط یا کم ، تمام شده و تمام وسایل سفارش داده شده است . توضیحی که می توانم بدهم اینست که بجای مقدار خیلی مختصر کسب تجربه و کمک توسط مهندسین خارجی تمام این کارها توسط مهندسین ایرانی انجام شده که البته با کمبود تجربه گاهی شاید کمی کندتر پیش رفته اند ولی با در نظر گرفتن اینکه مهندسین ایرانی برای مملکت خودشان کار میکردند و قیمت کارشان برایشان مطرح نبود فکر می کنم خیلی این طرح بهتر انجام شده . می توانیم بگوئیم که تا آخر برنامه چهارم تمام منطقه غربی ایران پوشش تمام خواهد شد و تمام کار های مطالعاتی منطقه شرق پایان خواهد رسید و مقداری از پوشش مناطق شمال خراسان و خط مشهد و بیرجند و زاهدان هم شروع خواهد شد . بنابراین ضمن اینکه برنامه اول یعنی برنامه ملی که از تهران سرچشمه می گیرد و توسط شهرستانهای مختلف که مرکز تولید دارند و از لحاظ دادن مقداری برنامه به استان خودشان باین برنامه کمک کنند می توانیم بگوئیم احتیاج خواهد بود به اقلاً ۲۰۰ فرستنده برای پوشش تمام مناطق بیش از ۲۰۰۰ نفری و اگر بعداً بخواهیم به شهرستانهای کوچکتر و دهستانهای کوچکتر از این برسیم البته تعداد فرستنده ها به سرعت بالا میرود . می خواستم در آخر مثالی بیاورم که برای يك پوشش تقریباً صد درصد در ممالک اروپایی به چه نتایجی رسیده اند . مثلاً در کشور فرانسه یا ایتالیا ، در تمام نقاطی که در آن فرستنده هست برق شبکه ملی وجود دارد و میشود از همان برق استفاده کرد . جاده تا نوك تمام کوهها وجود دارد و تاسیس ایستگاههای رله تلویزیونی از این لحاظ تقریباً مشکلی ندارد بجز اینکه باید يك برنامه ریزی صحیح انجام بگیرد و علاوه بر این اکثریت جمعیت در نقاط مسطح قرار گرفته اند و مثلاً در بلژیک یا هلند فقط با سه فرستنده می توان تمام مملکت را پوشاند و یا در فرانسه شاید بیش از دو سوم جمعیتشان در نقاط مسطح زندگی می کنند . در صورتیکه در ایران دو سوم شاید در نقاط کوهستانی زندگی می کنند . و تقریباً ۹۰ درصد شهرهای بزرگ ایران در ارتفاعات بین ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ متر قرار گرفته اند .





برندگان مدال طلا در نمایشگاه انجمن باغبانی ایران

سه‌شنبه ۳۰ بهمن نمایشگاه انجمن باغبانی ایران در کاخ مرکزی جوانان بوسله آقای هودا نخست‌وزیر گشایش یافت. این نمایشگاه تا ۳۳ بهمن نیز دائر بود. این انجمن پس از اخذ آراء اعضاء اکنون به‌دبیری خانم فروزان، مدیریت آقای محمود ظهیر و ریاست خانم لیلا هودا فعالیت می‌کند. پس از مراسم افتتاح نمایشگاه جوایزی به بهترین تهیه‌کنندگان انواع گل، میوه و سبزی داده شد. برندگان مدال طلا عبارت بودند از:

سازمان عمرانی جیرفت از لحاظ پرورش برنئال، نارنگی و گریب فروت (سورخ)، دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران از لحاظ پرورش کاکتوس و آماریس، کاخ جوانان رضاییه از لحاظ پرورش انگور، آب و برق خوزستان از لحاظ تهیه انواع سبزیجات، مؤسسه ایران فلور برنده جایزه بهترین تهیه‌کننده گل، گل‌فروشی «گل‌بانو» از لحاظ تهیه گل، سازمان بارکهای خیرداری پایتخت از لحاظ تهیه بهترین گل میخک، آقای فاسم محمدي بعنوان بهترین تهیه‌کننده گل سیگلایم، آقای غلامحسین ابراهیمی بهترین تهیه‌کننده گیاهان آبارنئان، گل‌فروشی کریستال برای تهیه‌بهترین سبدگل، خانم هنایون مازندی برای تهیه بهترین توت‌فرنگی، آقای فیروز معزی بهترین تهیه‌کننده سبب ایرانی، خانم سیمین اتحادیه اسکندری بهترین آرایش برای سبزی، خانم منیره رحیمی نژاد بهترین آرایش گل بسک اروپائی و خانم «موتوکو» بهترین آرایش گل بسک ژاپنی.



سه نقاشی
از خانم فرح
نقاش که
در گالری
هنر جدید
(شرازه
طباطبائی)
به نمایش
گذاشته شد



ده
نقاشی
از
محمد
پولادی



شب که شد چرا مردم نمیرن تو
خونه شون بخوابن



شب می آید



و نور به حجاب می نشیند . دایه سیاه و ظلمانی شب به آغوش می کشدمان و در لحظه های تاریکی ثنن های هفت رنگ پناهمان می دهد و شبمان با هزار جلوه شروع می شود .

با مردمی که شب را لحظه ای می انگارند و آنان که قرنی بدنبال خورشید می دوند ، و بانتظار روز ماتم می گیرند همدم می شویم . بدل شبهای تهران فرو می روم و عایدم مرواریدهای سیاه و سفید خاطرات این راه است .

شب هنگام به میان مردم تهران که هزارها غم و شادی در دل دارند می رویم که هر کدام سهمی از آن می بریم ، همان شبهایی که برف بر سر تهران باریده و یا شبهایی که در گرما غوطه ورنند .

جام شب نمای تهران را به پیش می گیرم و از همه افسانه های آن سخن می گویم .

از خارج شهر و از زندگی چادر نشین ها شروع می کنیم . کارگرانی که از شهرستان ها به تهران آمده در میانشان عده ای هستند که زن و بچه هایشان را نیز به همراه دارند و جمعی رنج دوری از خانواده را تحمل می کنند برای اینکه در این شهر پر- هیاهو کار کنند و زندگی خانواده شان را تامین نمایند .

شب این مردم دیر نمی باید پس از صرف شام و گفتگوئی کوتاه به رختخواب پناه می برند . در حالیکه مردان تنها به رقص و پایکوبی و آواز خوانی مشغولند و هر گروه ترانه های يك محل را می خوانند . یکی به زبان بلوچی ، یکی ترکی یکی مازندرانی و خلاصه مجمعی از اغلب شهرستان ها و دههای ایران در این گوشه شهر تشکیل شده است و به این ترتیب می کوشند غم جدائی از خانواده و شهر و ده و دیار خودشان را فراموش کنند . اما خیلی زود بیاد فعالیت روز بعد می افتند و به استراحت می پردازند و پاسی به نیم شب مانده سکوت حکمفرما می شود و گاه گاه صدای جیرجیرك ها و سگهای ولگرد این سکوت را می شکند .

به کوی نهم آیان و خانه های قرینه اش می رسیم يك شهر كوچك با منازل نقلی و آجرهای قرمز .

بچه ها درس می خوانند و شبشان به انجام تکالیف می گذرد اغلب مادران این بچه ها

سواد کافی ندارند و بنابراین اجبارا باید در کلاسهای پیکار با بیسوادی تحصیل کنند پارك بزرگی که وسط این شهر كوچك ساخته اند میعادگاه خوبی برای زنان است .

به زندگی جاهل ها و جوانان جاهل نما می رسیم که عموما طبقه لوطی منش جنوب نشین شهر هستند این طبقه بصورت دسته جمعی حرکت می کنند . پاتوق این طبقه کافه های مرکزی تهران است از قبیل کافه های سوسن ، کریستال ، مشعل ، جمشید که برنامه ای شامل رقص و آواز ایرانی و گاهی هم برای تنوع از برنامه های عربی و هندی استفاده می شود .

هر دسته يك سر دسته دارد که دیگران از او حساب می برند و معمولا پول خرج کن این گروه است وقتی وارد کافه ای می شوند عموما ادای جاهل های قدیم را درمی آورند و تعارفاتی نسبت بهم می کنند مانند « غلامتم » ، « خبر پیش » و « صفای قدمت » و اغلب در بین این تعارفات سوگند هائی نیز یاد می کنند مثل به « پوریای ولی » چاکرتم ، « به مولا یارتم » .

بگذریم سر میز می نشینند و دستور عرق کشمش با جوجه کباب یا شیشلیك می دهند کسی که پول خرج کن و پهلوان دسته است عرق ها را در لیوان می ریزد . و همه بسلامتی هم و یا بسلامتی هر چه « مرد » است می نوشند همین که سرها از باده گرم شد تازه متوجه رقاصه ای که نیمه عریان با آهنگ عربی می - رقص می شوند و این فریاد بلند می شود که مثلا عایشه لختش قشنگه (عایشه اسم یکی از رقاصه هایی است که عربی می رقصد) و بلافاصله رقاصه لخت تر می شود .

رابطه و تماس تماشاچیان با صحنه خیلی نزدیک است . برخلاف کاپاره هائی که در شمال شهر قرار گرفته . اگر از آواز خواننده ای خوششان بیاید وقتی کار خواننده تمام شد و رفت با زدن قاشق و چنگال به بشقاب و میز ابراز تمایل به آواز مجدد خواننده می کنند . گاهی در گوشه ای از کافه صدای آواز بلند می شود . این آواز خوانی ممکن است با اعتراض روبرو شود که گاه به دعوا و بهم خوردن کافه منجر می گردد و یا با استقبال توام می گردد .

لازم به تذکر است که وقتی رقاصه ای می رقصد یکی از افرادی که سرش از باده گرم است بلند می شود کلاه شاپوی خود را به رقاصه می دهد و خود کیز با او روی سن می رقصد و رقاصه نیز اگر کسی را در کافه پیدا کند که بتواند سر بر او بگذارد شروع به شوخی با او می کند که اغلب باعث تفریح دیگران می شود . لوطی ها پس از ساعتی که نشستند و مشروب خوردند و بقول معروف لول لول شدند تازه بقول خودشان شروع به شب گردی می کنند و به بارهای مختلف برای آبخو خوری می روند . در این بارها عده ای

زن « بارمن » یا زن بار هستند که گاهی جاهل ها با گرفتن يك یا چند فیش که قیمت هر کدام بیش از ۲۰۰ ریال نیست دمی را با آنها به صحبت و درد دل می پردازند .

در قهوه خانه ها - خوب حالا به قهوه خانه ها می رسیم که تعدادشان در شهر ما زیاد است و يك عده جوانان امروزی هم که عموما از طبقه دانش آموزند به مشتریهای سابق قهوه خانه اضافه شده اند . در این قهوه خانه ها هم طبق معمول قهوه خانه ها اگر بخواهند برای یکنفر احترام زیادی قائل شوند برایش دستور چای قندپهلومی دهند . سرگرمی های معمول در قهوه خانه « گل بازی » و « ترنا بازی » است .

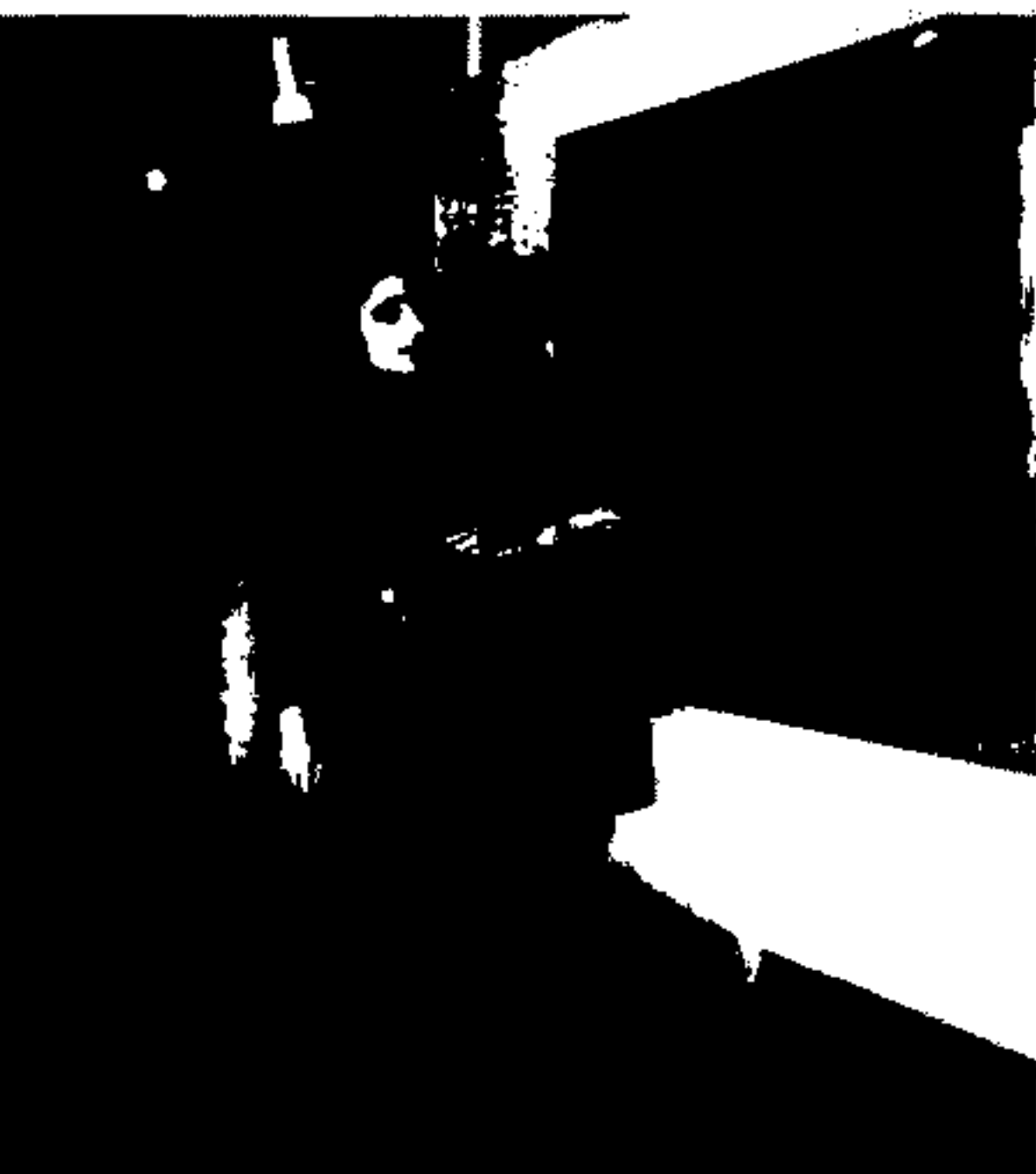
گل بازی : اصولا گل به شیئی می گویند که گرد است مثل دانه تسبیح . این بازی بوسیله دو گروه که در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند انجام می گیرد . بازی به این ترتیب است که اوستای هر دسته گل را بطوری که کسی متوجه نشود به یکی از افراد تیم خود می دهد و گروه دیگر باید بگویند گل در دست کدام يك از بازیکنان طرف مقابل است . البته این بازی در شبهای ماه مبارك رمضان رونق بیشتری دارد و گاهی تا صبح ادامه پیدا می کند .

ترنا بازی : این بازی با قاپ استخوان گوسفند صورت می گیرد و عده ای که در این بازی شرکت دارند هر کدام يك مرتبه قاپ را بالا می اندازند . البته باید بگویم که باعلامت های مخصوص سطوح مختلف قاپ معلوم شده که کدام امیر و کدام وزیر و کدام جلاد است . بعد از آن که امیر و وزیر و جلاد معلوم شد امیر به وزیر دستور می دهد که هريك از بازیکنان چکار کنند به یکی می - گویند يك دور چای همه را مهمان کند یکی باید مقداری میوه بخرد و خلاصه هر کسی باید کاری را انجام دهد و اگر کسی در وظیفه قصور کرد نوبت جلاد می رسد که با شلاقی که از پارچه بافته شده و بسیار هم درد دارد ضرباتی به مقصر بزند .

و این جا قرارگاه جعبه جادو است : به مقر حکومت جعبه جادو می رسیم . آتن تلویزیون بر فراز پشت بامها برافراشته شده و حکایت از جنجال خانه می کند . در محله های پایین وقتی يك نفر وسعش می رسد تلویزیون بخرد با فخر زیاد افراد محله را خبر می کند که برای تماشای بعضی برنامه های جالب تلویزیون می توانند بخانه او بیایند . اما اگر کمی بالاتر بیائیم همه خانواده ها از وجود این نعمت برخوردار هستند . خانه ای که تلویزیون دارد هیچ گاه خالی از هیجان نیست . دختر مدرسه هایی که عاشق هنرپیشگان مرد فیلم های سریال می شوند . و پسرهایی که آرزو می کنند همسرشان شبیه فلان زن بازیگر باشد . و بچه هائی که دلشان می خواهد کار های قهرمانی فیلم های و سترن انجام دهند . زن هائی که از ترس شوهرانشان زیر -



عروس خانم



بازدید از يك گالری



در يك ساندویچ فروشی

چشمی هنرپیشه های خوش تیپ را نگاه می کنند . وشوهرانی که با دیدن يك فیلم سksi چهارتا چشم دیگر هم قرض می کنند و گاهی بر سر همین مسائل كوچك اختلافات و جنگ و دعوای شدید بر پا می شود که البته از بودن و داشتن تلویزیون سرچشمه می گیرد . پسر بچه های شیطانی که به تقلید فیلم های کابوی به هفت تیر کشی مشغول می شوند و در نتیجه جنگ و گریز مقداری از اسباب و اثاثیه منزل را می شکنند یا غیر قابل استفاده می کنند . و موقعی که مدارس باز می شود این هیجان به آشوبی سخت مبدل می گردد . از يك طرف بچه های دازیگوش دلشان می خواهد بجای درس خواندن فیلم های تلویزیون را تماشا کنند و از طرف صدای فریاد پدر یا مادر بلند می شود که چرا تلویزیون را خاموش نمی کنی و درسهایت را نمی خوانی خلاصه همیشه حرف و حرف بخاطر این جعبه جادو .

اکثر خانواده هایی که تلویزیون دارند کمتر شبهای خود را بیرون از خانه می گذرانند چون خود را با تلویزیون مشغول



در کافه رستوران شهرزاد

می کنند .

خانواده هائی هم هستند که بعضی از شبهای خود را با خوردن شام در يك رستوران و دیدن يك فيلم خوب سینمائی رنگ و جلای بیشتر می دهند .

به تاریکخانه هائی می رسیم که با چراغ های قرمز رنگ و شمعهای زیبا تزئین شده است .

به سرزمین اندامهای مصنوعی می رسیم مژه ، ناخن، سینه و باسن وهمه وهمه مصنوعی برای زیباتر بودن ، خانمها مصنوعی شده اند.

برخلاف پسر و دختر جنوب نشین که ایده آلمان دیدار زیرچشمی است در این جا آزادی مطلق حکومت می کند . می می اجازه دارد تا سحر با دوست پسرش از این کافه به آن کافه برود و امثال می می خانمها بسیار بسیار زیادند ، و سال آینده هم لابد چند درصد بیشتر خواهد شد ، از پله ها پایین می - رویم رنگ قرمز کم رنگ که با تاریکی بهم آمیخته و معجونی از اختلاط سبک های غربی

و شرقی است این زیرزمین را تزئین کرده در بزرگی که به سبک درهای قدیمی ایرانی تزئین شده برویمان باز می گردد و يك دنیا هیاهو و جنجال و حرکت و معجونی از عطرها و بوها و رنگ های مختلف درهم آمیخته .

يك مرتبه در میان آن شور و هیجان نور های قرمز محو می شود و در تاریکی رویائی این زیرزمین تانگوی آرامی نواخته می شود ، سرها بروی شانه ها می افتند و دختر و پسر و زن و مرد بروی هم آغوش می - گشایند .

افراد مختلفی بهم آمیخته اند سريك میز پدر و مادری همراه دختر و پسرشان آمده اند شاید آنها مخالف شب زنده داری فرزندانش با غریبه ها هستند. خواهر و برادر هر قدر بخواهند می توانند با یکدیگر برقصند. سرمیز دیگری يك دختر و پسر زیر گوش یکدیگر نجوا می کنند و از رویای پرسعادت زندگی سخن می رانند . و بر سرمیزی آنطرف تر چند

زن و شوهر جوان. یکی با دامن میسی ژوپ و دیگری با يك پیراهن سیاه بلند و چکمه مشکی و موهای شبق گونه ای که بردوشش آویخته به گفتگو مشغول هستند .

همه رنگ همه فرم . یکی وسط روسری های یزدی خودمان را سوراخ کرده و بجای بلوز پوشیده، آن دیگری بامدل تکراری آمده، پسر های هیپی و جوان هائی که با لباس تمام رسمی آمده اند .

و این است زندگی شبانه ی گروهی که از نیمه شب شروع می شود با يك یا چند پیمانانه شراب خلر شیراز یا شراب قزوین و یا ویسکی و جامی از شراب فرانسه شام صرف می شود



قهوه خانه ای در شب



آماره کردن حلیم



اتومبیل ها در جلوی یکی از کاباره های شمال شهر
صفحه بیستم



جمعی دیگر می‌شوم . پیداست که تا صبح مشغول خواهند بود . بعد از چندی از این محیط زده می‌شوند صورت حساب آورده می‌شود میزبان دو اسکناس ۵۰۰ تومانی و یک ۲۰ تومانی توی بشقاب می‌گذارد یک شام مفصل و خوب بعد به یکی دیگر از دانسینگ‌ها می‌روند . اینجا تا ۵ صبح باز است و برای تنوع به مشتریانی که تا ساعت ۵ صبح بیدار مانده‌اند و رقصیده‌اند و نوشیده‌اند سیرابی و یا کله‌پاچه گوسفند بعنوان صبحانه داده می‌شود .

بعد از صرف صبحانه در حالیکه از شدت خواب چشمها باز نمی‌شود و همه دانسینگ‌ها پس از یک شب هیا هو به خواب رفته‌اند این جوانان پرشور و شر هم‌سوی بستر می‌روند تا روز را بخواب سپری کنند .

سری هم به کاباره‌های بالای شهر می‌زنیم با برنامه‌های متنوع و جالبش صدای خواننده اسپانیولی همراه با استپ مردی جوان و زیبا . بعد برنامه‌ای از سرزمین وحشی و گرم افریقا و بعد ژاپونی‌ها وارد می‌شود با آن چشم‌های کوچک و سربالا و موسیقی غم‌آلودشان و برنامه خودشان را به نحوی دل‌پسند و درخور تحسین حضار ارائه می‌دهند . در بعضی از این کاباره‌ها هم برنامه شامل قسمت‌های داخلی و خارجی است . یک رقص قاسم آبادی بعد از رقص اسپانیولی و یک آواز ایرانی در مایه سه‌گانه . پس از سرو صدا و هیجان موزیک‌جاز، شاید این نوع موسیقی هم آهنگی نداشته باشد ، اما باید همه مشتری‌ها راضی باشند .

در بعضی کاباره‌ها هم فقط از هنرمندان ایرانی استفاده می‌شود . این کاباره‌ها همیشه یک تکخال دارند یعنی از وجود یکی از محبوب‌ترین و بهترین خواننده‌ها استفاده می‌کنند .

شهرت مسئله مهمی است روزگاری بود که وقتی به کافه سوسن می‌رفتی سوسن‌رو می‌دید که برنامه اجرا می‌کند در حالیکه هیچکدام از مشتریها توجهی با و ندارند اما حالا بخاطر موفقیت آهنگهایش از او دعوت می‌شود که در رادیو بخواند و یا در کاباره‌های درجه اول برنامه اجرا کند . و با این شعری که امروز در میان مردم اوج گرفته سوسن تضمین خوبی است برای هر کاباره‌ای که در آن برنامه اجرا کند ؛ زنی که از شبی ۵۰ تومان درآمد شروع کرد و امروز برای هر ساعت ۱۵۰۰ تومان می‌گیرد . چرا که اشعار تصنیف‌هایش از دل برخاسته و خواننده‌ای آن را خوانده که در میان مردم و سرمیز آنها زندگی می‌کند .

دل از مهر تو برکندم

رفتم بار سفر بندم

ولی دیدم بازم مثل همیشه

نمیشه ، نمیشه ، چکنم این دلم راضی

نمیشه

شامی که شامل پیش غذا، غذای اصلی و دسر است و از ۵۰ تومان تا بیش از ۱۰۰ تومان برای هر نفر آب می‌خورد . و حالا نوبت آن رسیده است که از پول خرج شده و انرژی حاصله بهره‌برداری شود . سول ، جرگ ، پاپکورن ، مامبو ، سامبا ، و برای تنوع و استراحت یک تانگوی چیک توچیک . و بعد جامی دیگر و حرارتی تازه و مطبوع .

از سرمیز کناریم نوای عاشقانه برخواسته در حالیکه مشروب چشمها را گرفته و بدن‌ها را هیجان زده کرده روی میز با چوب کبریت‌های مخصوص دانسینگ طرحی خوب و روشن برای آینده‌ای مشترک ریخته می‌شود . ولی آیا چند چوب کبریت استقامت این بار سنگین را دارد ؟

به پسرها نگاه کنید باشلوارهای تنگ که از زانو به پایین یک مرتبه گشاد می‌شود . بلوزهای رنگارنگ ، گردنبند های بزرگ و انگشتری که انگشتان مانیکور کرده‌شان را زینت می‌دهد . عطر های متنوع و گرانقیمت خارجی و بیشتر پاریسی . پیمانه‌ها و جامهای ویسکی و شراب و شامپانی و یک دنیا بی خبری بعد از یک روز ، روزی که برای بر طرف کردن شب زنده‌داری شب قبل به استراحت گذشته . در این میان متوجه جمعی می‌شوم که اندکی به محیط ناشناس هستند . سه زوج خوشبخت که بعد از یک هفته کار و فعالیت چشمگیر و خسته‌کننده به اینجا آمده‌اند تا با رقص و هیجان و تماشای این عجایب کار و فعالیت را فراموش کنند . برای اینکه به صرفه‌مقرون‌تر باشد با خوردن یک ساندویچ در بیرون دانسینگ شکم خود را سیر کرده‌اند . یک بطر عرق چند کانادا و پپسی و برای اینکه حساب درست درآید یک بشقاب غذای سرد .

در این دانسینگ‌ها اصولا برای هر نفر، خوردن بیست تومان غذا اجباری است .

با خوردن اولین گیللاس مشروب گرم می‌شوند و با جامهای بعدی گرم و گرم‌تر و می‌رقصند . صدای خنده‌شان بلندتر از سایرین است و در قبال هر ریالی که هر زن و شوهر می‌پردازند بیش از ده برابر لذت به غنیمت می‌برند چون این پول به کمک صرفه‌جویی در لباس و غذا پس‌انداز شده و مطابق قراری که گذاشته‌اند ماهی دو شب به این تاریکخانه‌ها می‌آیند و دوشادوش شوهرانشان به رقص مشغول می‌شوند . و آنقدر خود را تکان می‌دهند که همه رنج کار و سختی یک هفته فرو می‌ریزد . و بالاخره موقع رفتن می‌رسد حساب میز را می‌پردازند و بیرون می‌آیند اینها اغلب ماشین ندارند در نتیجه منتظر تاکسی و احيانا سواری‌های شخصی می‌شوند تا بلکه پول کمتری خرج شود . سوار ماشین می‌شوند و بعد حساب «دنگ» ها را می‌کنند . حتی پول تاکسی که آنها را به این دانسینگ آورده حساب می‌کنند ...

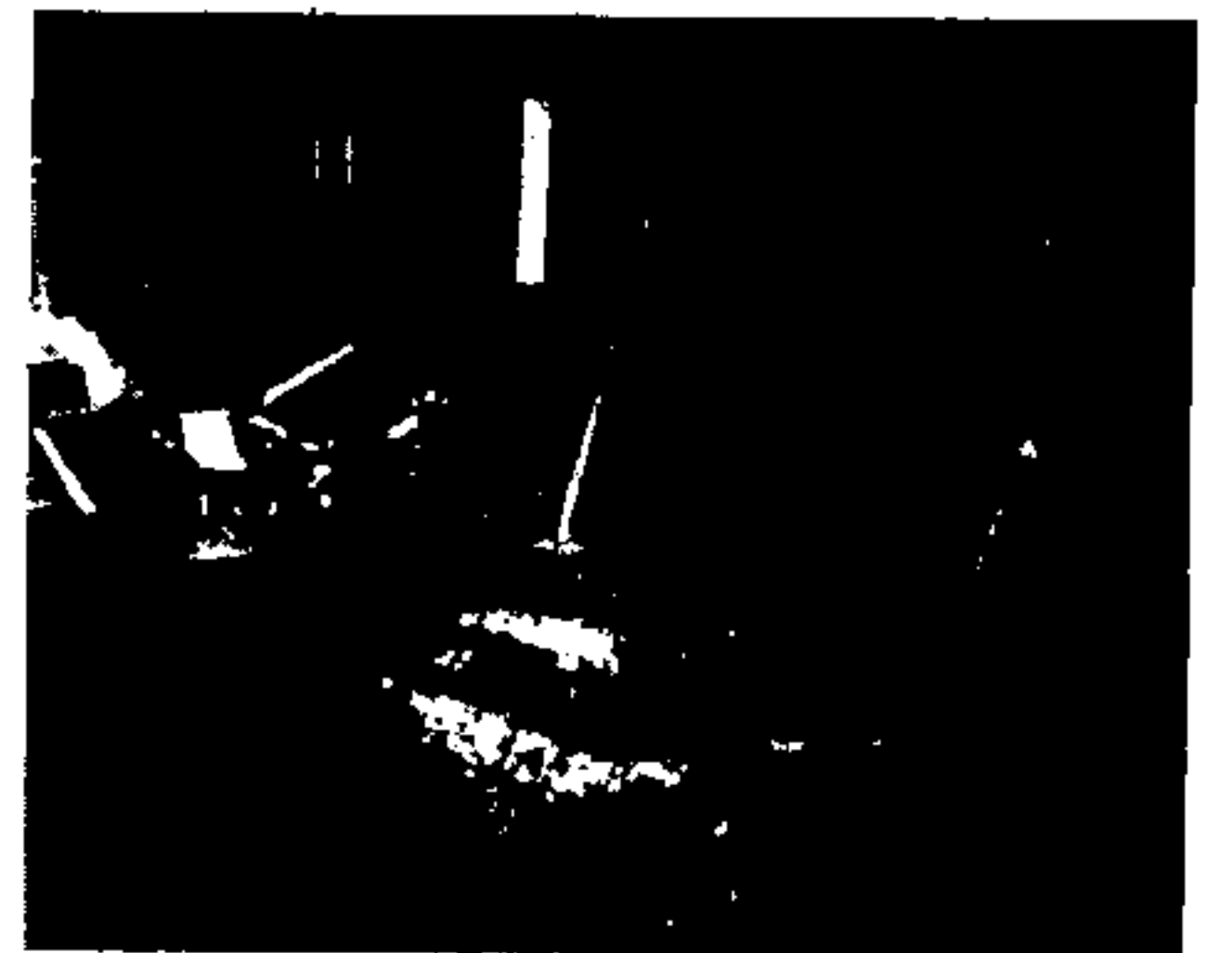
بدرقه‌شان می‌کنم و برمی‌گردم متوجه



پمپ بنزین



شب در یک خیاطی



شب کاری در پل تجریش



پلیس راهنمایی

می‌خواهم بجای ۶۰ سال زندگی روزانه، ۱۲۰ سال زندگی شبانه داشته باشم.

قرائت قرآن

مردمی در این شهر هستند که پایه‌های ایمانشان همچون ستون‌های پولادین برجای استوار است آنها که بزرگترین لذت و خوشبختی شبهای روشنشان تفکر در باره آخرتی است که امکان دارد بانماز و طاعت به بهشت منجر شود. مردمی که این دنیای بزرگ را بیهای خوب فروخته‌اند زنانی که موی سرشان را از نامحرم می‌پوشانند و بامرد غیر همکلام نمی‌شوند. دوره‌های دوستانه و حرف‌هایشان متفاوت است. این مردم مؤمن شبهایشان را به قرائت و ختم قرآن می‌پردازند بخصوص شبهای سرد و بلند زمستان را. همه با هم دل به یکسو می‌سپارند و در حالیکه از پرده پرریای ظواهر زندگی چشم پوشیده‌اند خود را به نوای خوشی که کسی با تانی و دقت کتاب آسمانی را می‌خواند می‌سپارند. از مشکلات مذهبی می‌گویند و حدیث می‌خوانند و همه چیز را در نام خدا و کتاب خدا جستجو می‌کنند. مردم خود باخته‌ای که حتی شبهای خود را فروخته‌اند. دست از لذات و خواسته‌های جسمانی کشیده‌اند و فقط بیاری‌خداایشان تنها بدنبال خوبی و صفای باطن هستند.

و در این شبهای تاریک که زندگی روزانه و فعالیت مردم چون مریضی به بستر احتضار می‌افتد کار و زندگی جمعی دیگر از نوآغاز می‌گردد فعالیتی که زندگیش بعد از اذان مغرب جان می‌گیرد.

و حقیقت این است که زندگی واقعی شب تهران کارست و فعالیت. و این خوشگذرانی‌ها متعلق به کسانی است که بایده‌شب را در پس روزی سخت و پر فعالیت به استراحت و خوشی بگذرانند.

قسمت مهم زندگی شب تهران متعلق به مردمی است که به بهانه‌های مختلف فعالیت شبانه را به روز کاری ترجیح می‌دهند.

برای آنکه از زندگی واقعی شب‌های تهران آگاه شویم. همراه بایک‌راننده تاکسی شب‌کار شروع بکاوش می‌کنیم. راننده‌ای که فکر می‌کند کار در شب بخاطر دوری از شلوغی و هیاهو راحت‌تر و بهتر است.

جلوی تاکسی می‌نشینم و همراه باراننده‌ای که تمام زوایا و گوشه و کناره‌های فعالیت شبانه تهران را می‌شناسد به پویش می‌پردازیم. هنوز ساعتی از گردش شبانه‌مان نگذشته که متوجه می‌شوم خیابان - شاهرزاحد واسطی است بین خواب و بیداری، استراحت و کار. در حالیکه خیابانهای شمال شهر به شب تسلیم گشته‌اند و جز جلوی چند دانسینگ و کاباره ویا داروخانه‌های شبانه‌روزی همه جا سکوت و

سکوت و سکوت است.

اگر از این خط واسط بطرف بالای شهر حرکت کنید خواب را، شب را، باهمه سنگینی و جبروتش احساس خواهید کرد. همه جا خلوت و نیمه تاریک است و من جز پاسانهای شبگرد و خانه‌پاها کسی دیگری را در خیابان نمی‌بینم. از خط مرزی خیابان شاهرزاحد بطرف خیابان منوچهری می‌آئیم. روشن و پریها هو. و سیگاری و بلیط فروش و دوره گرد همه فراموش کرده‌اند که شب از نیمه گذشته. جمعی به خنده‌اند و گروهی بر اثر افراط در مشروب خوری به نزاع. جمعی پیاده می‌روند، گروهی با ماشین‌های شخصی و عده‌ای به انتظار رسیدن یک تاکسی شب کار خدا خدا می‌کنند.

و کمی پایین‌تر مغازه آب‌میوه و ساندویچ فروشی چشم گشوده و منتظر ورود مشتریان شبانه است.

بی‌اختیار از صاحب مغازه سؤال می‌کنم چرا شبها؟ و این مرد میانه‌سال خوشرو می‌گوید.

خانم، تهران شبها هم زندگی می‌کند و من در این زندگی شبانه هم شریک هستم.

من زندگی را دوست دارم و می‌خواهم حداکثر استفاده را از عمرم بکنم می‌خواهم بجای ۶۰ سال زندگی روزانه، ۱۲۰ سال زندگی شبانه روزی داشته باشم.

جوابی است که کمتر بدان اندیشیده‌ایم «۱۲۰ سال زندگی شبانه روزی»

جمع مشتریان این مغازه کم نیستند. راننده‌های تاکسی و کامیونهای مصالح ساختمانی، شبگردان و خوش گذرانها سیگاری و بلیط فروش و پاسبان پست شب که برای گریز از خواب مرتباً چای و قهوه می‌نوشد.

مردمی که نسبت به خورشید و ماه بی تفاوت می‌نگرند و در هر حال می‌کوشند واقعا زنده باشند با چشمانی باز و هوشیار.

یک مرد مسن می‌خواهد که سوارش کنیم و بعد آدرس کلاتری ۹ را می‌دهد. می‌گوید «دخترم هر شب از شوهر مستش کتک می‌خورد دیگر طاقت ندارم می‌خوام برم کلاتری شکایتش را بکنم. نمی‌تونم ببینم به دختر نازکتر از گل من یک قلدر کتک بزند».

در کلاتری

جلوی کلاتری پیاده‌اش می‌کنیم در حالی که هیاهو و شلوغی داخل کلاتری به بیرون هم راه یافته. اغلب کلاتریها در بخش‌های مختلف تهران تا صبح کشیک دارند. و حتی تاموقعی که سپیده صادق شروع به تابیدن می‌کند به رفع گرفتاریها، اختلافها و بیگومگوهای زن و شوهرها دوست‌ها و بقیه شکایت‌های مردم مشغولند.

ویزیت ۵۰ ریالی برای هر نوع بیماری مردی بر اثر تصادف دست و پایش مجروح شده و شاید هم شکسته، به کمکش می‌رویم

و به طرف بیمارستان سینا حرکت می‌کنیم. بیمارستان مصدومین و سرو دست و پا و گردن شکسته‌ها، گروهی خیلی زود مرخص می‌شوند و جمعی باید ماهها و ماهها بستری شوند.

چند خیابان آنطرف‌تر «درمانگاه استخر» شلوغ و پریها هوست با ویزیت ۵۰ ریالی برای درمان هر نوع بیماری: کشیدن دندان، آزمایش خون، گرفتگی گلو، چشم پزشکی زنان، کودکان، آزمایشگاه، پانسمان تزریقات عفونی، پوست، رادیو لوژی و شاید خیلی رشته‌های دیگر که با گروه کثیری پزشک و پرستار و نرس و کمک پرستار تا صبح به مداوای بیماران مشغولند.

می‌گویند اشعه‌خورشید باعث تسکین درد های جسمانی است. و این دلیل کافی است تا ما را به بیمارستانها بکشاند. در شب بی‌خورشید بسوی بیمارانی می‌رویم که در هر لحظه از زندگی ملال‌آور خود هزار بار مرگ را به چشم می‌نشانند. و سفید جامگانی که چون مادران مهربان واز خود گذشته سعیشان در راه نجات بیماران از چنگال مهیب و وحشتناک درد و مرض است.

بیماری بیهوش می‌شود. پدر خانواده‌ای جان می‌بازد و عمل زنی با موفقیت تمام می‌شود در حالیکه در یک آن ساکنین اطاق انتظار جمعی خدای را سپاس می‌کنند برای نجات بیمارشان و گروهی از دل‌آه می‌آورند برای مصیبت سختشان و بس افسرده و غمینند. و تنها کلمات امیدبخش پرستاران شب زنده دار است که می‌تواند گاه تسلی بیماران باشد.

دردی تلخ که پیش درآمد تولدی شیرین است مردی که برای اولین بار پدر می‌شود خانواده‌ای بعد از چندین دختر صاحب یک پسر می‌شود. صدای فریاد مادری که از خدایش آرزوی بچه‌ای سالم می‌خواهد، اوج می‌گیرد. و باز شاهد مخلوطی از تلخی و شیرینی می‌شویم.

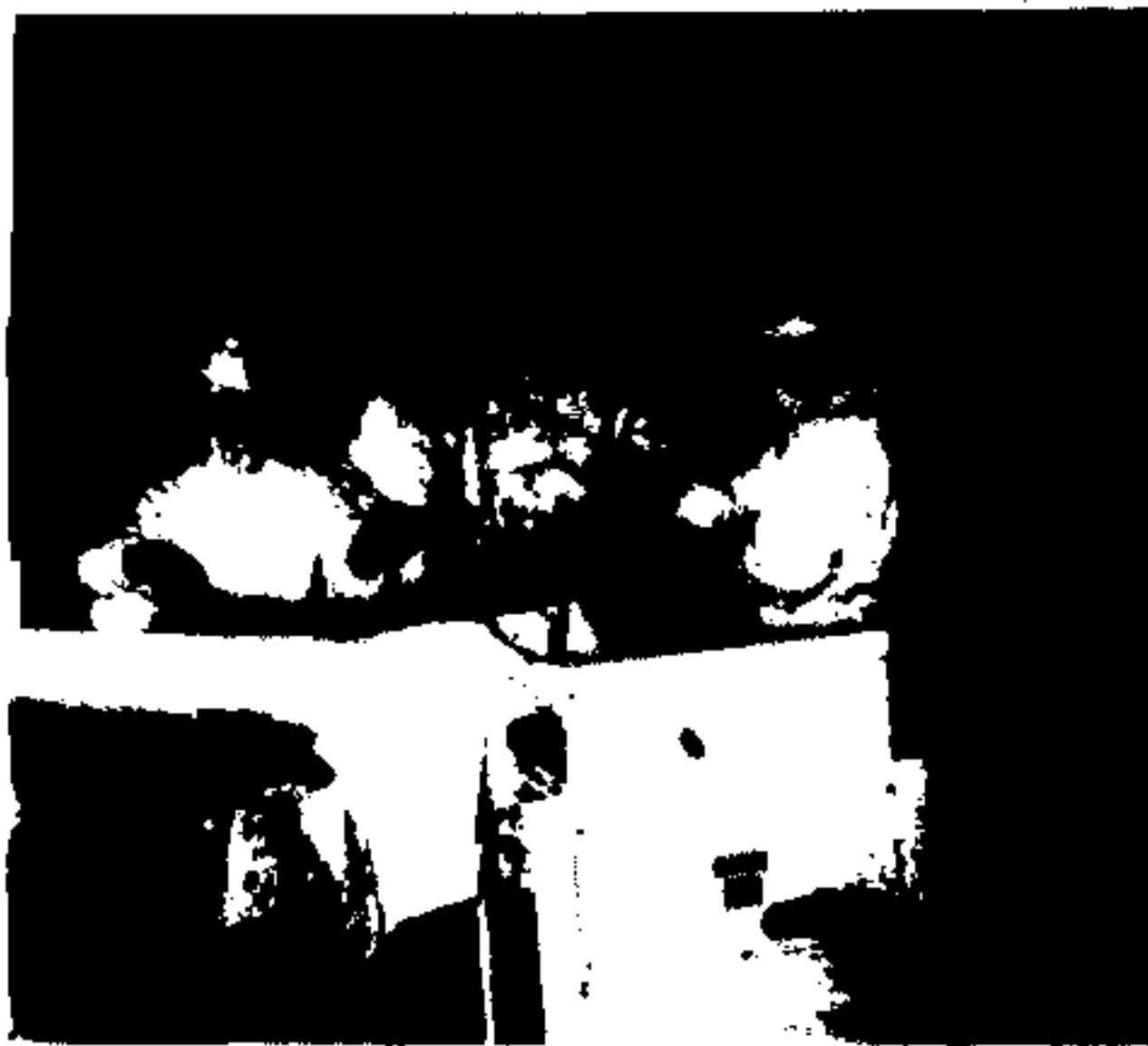
ساعت که به حدود ۵ صبح می‌رسد مراسم صبحگاه و نیایش به درگاه خدای بزرگ برای حفظ جان و مال و ناموس مردم ایران از حلقوم هزاران جوان سپاهی و سرباز به آسمان می‌رود. «خداوندا شاهنشاه و کشور ما را از گزند دشمن و حوادث شوم حفظ فرما» و یکمرتبه صدای «آمین» حتی آسمان را می‌لرزاند.

توزیع لبنیات

همراه با کوشش گروه کثیری که سعی دارند هرچه زودتر وسایل صبحانه مردم را فراهم آورند کارخانه‌های تهیه و توزیع لبنیات هم می‌کوشند و نتیجه این فعالیت شبانه‌روزی از ساعت ۵ ر به بعد بوسیله کامیون‌های مخصوص توزیع می‌گردد تا مبادا گروهی وقت خوردن صبحانه را نیابند

حلیم فروشی

در دیگهای خیلی بزرگ حلیم گوشت،



در اطاق عمل

دربروی مشتاقان خود می‌بندند اما آنها که فریفته مطالعه‌اند و تعدادشان هم کم نیست دست از کار نمی‌کشند در پارکهای مختلف در اطاقها و حتی کنار خیابان روی يك نیمکت سخت مشغولند گاهی تا حدود ساعات بعد از نیمه‌شب همچنان چشم از کتاب بر نمی‌گیرند و پی بیشتر آموختن هستند و تعداد مردان و زنانی که عادت کرده‌اند یکی دو ساعت قبل از خوابیدن مطالعه کنند در این شهر پر هیاهو کم نیست.

میدان میوه و سبزی

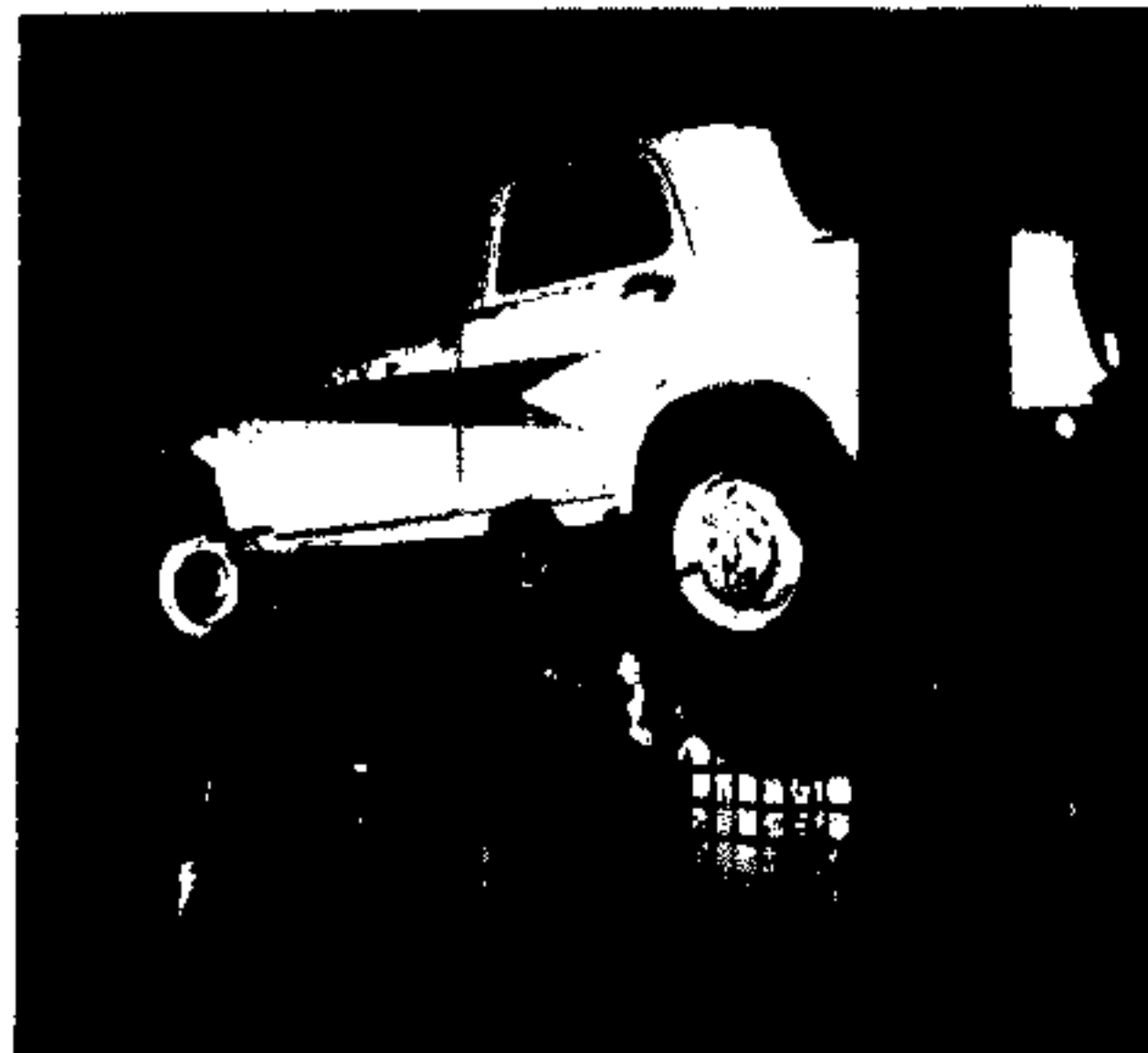
گروه کثیری کارگر مشغول پیاده کردن بار کامیون‌های بزرگ هستند در جعبه‌هایی که بروی هم چیده شده و فضای بسیار وسیعی را گرفته هر نوع میوه فصل که بخواهید وجود دارد. تنها روز جمعه است که این میدان چند هزار متری روی آرامش بخود می‌بیند و در کنارش میدان سبزی فروشان که در تترك و فعالیت است يك کامیون می‌رود و در عوض چند کامیون دیگر از راه می‌رسند یکی از شمال یکی از جنوب یکی بار پرتقال شهسوار دارد و آن دیگری پر از لیموی شیراز است. حدود ساعت ۵ صبح ورود کامیون‌ها رو بکاهش می‌رود و در عوض تعداد تاکسی‌بارها رو به افزایش می‌نهد. هر سبزی و میوه‌فروش با يك تاکسی‌بار برای خرید می‌آیند و بازار چانه زدن گرم است و گرم.

باشگاه بولینگ

سری یکی از باشگاههای بولینگ می‌زنیم سالی شلوغ و پر هیاهو که فعالیتش را تا ساعت ۱۲ شب ادامه می‌دهد. در قسمت فوقانی این سالن قسمتهای مختلفی مثل استخر سر پوشیده، زمین والیبال، اسکیت روی یخ، و غیره وجود دارد که تا ساعت ۱۰ شب درهایش بروی اعضا باز است.

حق اشتراك سالیانه برای يك نفر ۳۰۰۰ ریال و برای يك خانواده ۵۰۰۰ ریال تعیین شده است.

می‌کنند و من بهمه آنجاها که بدم و می‌دانم جالب است می‌روم. پیرمرد آنچنان از شب سخن می‌گفت که گویی حسن معشوقه‌اش را می‌خواست بیان کند. او واقعا عاشق شب



در تعمیرگاه اتومبیل



سیگار فروش

می‌آیند. آنها که اهل مطالعه بیشتری هستند و می‌خواهند در جریان آخرین تحولات باشند کنار تخت روزنامه و مجله فروش صف می‌کشند. و بعد يك کافه می‌روند و شروع بمطالعه می‌کنند معمولا در هر خیابانی یکی دو تا از نوع کافه‌ها وجود دارد که مخصوص تیپ جوان اهل مطالعه است. گروهی پسر و دختر جوان گرد يك میز جمع شده‌اند و با شدت و حرارت زیاد از تئوری‌های خود حمایت می‌کنند. یکی موافق سیاست امریکاست و آن یکی از تجهیزات چین صحبت می‌کند. یکی طرفدار هنر پیکاسوست و آن یکی کلاسیک را هنری اصیل می‌شناسد و سطح معلومات بقدری بالاست که انسان از دیدن این همه جوان با مطالعه بخود می‌بالد.

گالری‌های نقاشی

هیاهوی اصلی از ساعت ۵ به بعد شروع می‌شود. گروه کثیری جوان که عاشق و فریفته هنر هستند به نمایشگاه‌های مختلف می‌روند و با نقاشان به بحث می‌نشینند و به انتقاد و یا تشویق آنها می‌پردازند. خوشبختانه در چند سال اخیر با افتتاح گالری‌های مختلف هنر نقاشی مدرن در ایران رو به تکامل رفته است. و مشتاقان و هواداران بیشتری یافته.

کتاب

ساعت به ۵ که می‌رسد خانه‌های کتاب



داروخانه شبانه روزی

بوقلمون و غیره آماده است. گروهی کارگر شب تا صبح زحمت کشیده‌اند و با چوب‌های مخصوص گندم و گوشت را پرورده‌اند. در حالیکه گروه کثیری جلوی پیش‌خوان حلیم‌فروش سرگذر خان صف کشیده‌اند و منتظر نوبت هستند.

چه آنها که در شب زنده‌داری شب تهران شریک بوده‌اند و چه آنها که چشم‌فرو بسته‌اند و ساعاتی را در رویای شیرین خود سپری نموده‌اند.

اتوبوس‌های شرکت واحد اتوبوسرانی غرغش اولین اتوبوس شرکت واحد اتوبوسرانی ندای صبح را بگوش می‌رساند ساعت ۵ به بامداد است و اتوبوس‌های دو طبقه و يك طبقه و مینی‌بوسها بعد از اینک که در ۳ توقفگاه بزرگ تهران دقیقا معاینه شده‌اند و احیانا اگر عیب و نقصی داشته‌اند توسط گروهی کارگر تعمیر گشته‌اند کار روزانه خویش را شروع نموده‌اند.

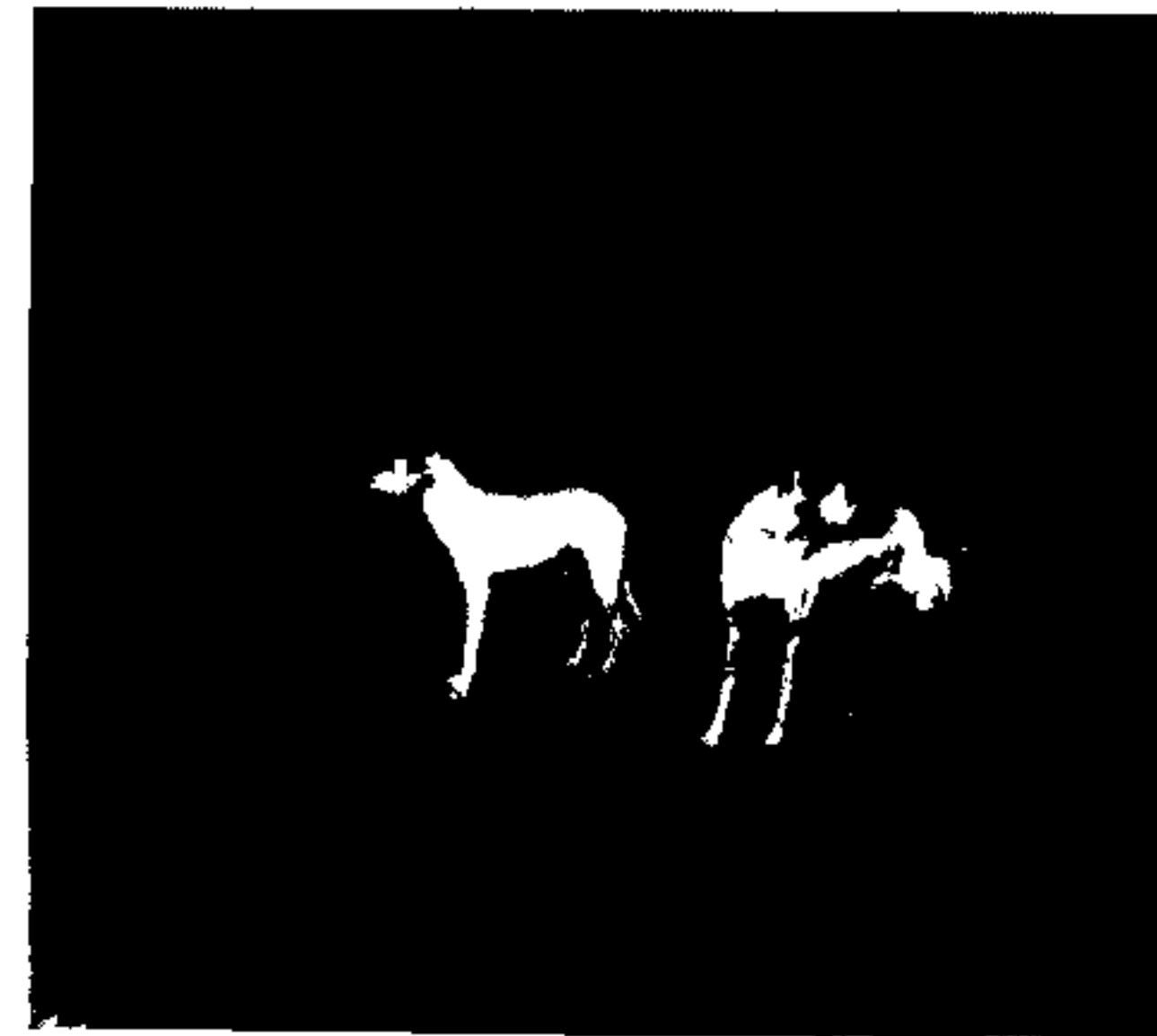
و بعد شبی پایان می‌رسد. شبی که اشکها و خنده‌ها، غمها و شادیه‌ها، امیدها و ناامیدی بسیار فراوان را در دل خویش حفظ کرده و چه عجیب می‌نماید که این شب این بار سنگین رازها را سالم به روزی که می‌آید تسلیم می‌کند...

غروب

آفتاب به پشت کوه رسیده و در حالیکه کاسب‌های بازار یکی بعد از دیگری با عجله در مغازه‌های خود را پایین می‌کشند خرید و هیاهوی بسیار در فروشگاههای خیابان‌های مختلف شروع می‌شود.

از مغازه‌های پارچه‌فروشی تا کتاب‌فروشی‌های بزرگ آنقدر شلوغ است که گاهی ناچار می‌شویم برای يك خرید کوچک حتی تا ۱۵ دقیقه منتظر بمانیم.

ساعت حدود ۶ بعد از ظهر است. آنها که مشغول تحصیل هستند اغلب در این موقع از روز برای خرید مایحتاج خود به خیابان



سگ ها در شب

بود.

رفتگرها

پس از مدتی این سوو آنسو رفتن اولین رفتگر تهران شروع بکار می کند عقربه ساعت هنوز به عدد ۲ نرسیده است. یکی از همین رفتگرها می گفت کار ما حداکثر تا ساعت ۵ صبح ادامه دارد و حسن کارمان این است که در محیطی خلوت و ساکت کار می کنیم. البته گاهی اوقات بر اثر مواجه شدن بایک مردمست و یا اتفاقات دیگر سرمان کمی گرم می شود.

تجدید خط کشی خیابانها

به چهارراه یوسف آباد رسیده ایم. گروهی کارگر مشغول تجدید خط کشی خیابان هستند بایکی از آنها سر درد دل را باز می کنم. «ای خانم انشاالله همیشه قرار باشد خیابانهای بالای شهر را خط کشی کنیم. و اسه اینکه اونجا خلوت و ما راحت کارمونوو انجام میدیم ولی در پایین شهر که خیلی شلوغ بعضی وقتها مجبور می شیم دو یا حتی سه مرتبه یک نقطه رو خط کشی کنیم. از بس پیاده و سواره می آد و میره من نمی دونم چرا مردم شب که شد نمیرن توی خونه هاشون بخوابند؟»

«ظرف پنج دقیقه پنچری ماشینتان گرفته

می شود.»

این اعلانی است که پشت شیشه یک مغازه لاستیک فروشی زده شده چند کارگر مشغول کارند و چند ماشین هم کنار خیابان متوقف شده. این کارگران شبها به گرفتن پنچری ماشین های شب کار که بیشتر تاکسی و کرایه و کامیون است مشغول هستند. و تا ساعت ۶ صبح که گروه «روزکار» می آیند کار می کنند البته در اینجا قانونی وجود ندارد هر کس دلش خواست شب کار می کند و هر کس دلش خواست روز کار می کند.

خیاطی های شبانه تهران

نزدیک عید است و خیاطی ها پر رونق و سرشان آنقدر شلوغ است که می بایست تا صبح کار کنند اما باز هم مجبورند بر اثر کثرت کار به گروهی بدقولی کنند. کتری چای به روی آتش گرم نگه داشته می شود و هر لحظه که خواب به چشمان یکی از کارگران رخند می کند با خوردن یک

استکان چای آنرا از چشمانش دور می کند. کامیونهای مصالح ساختمانی صدایشان حدود ساعت ۴ به اوج می رسد. حتما می دانید که حرکت این کامیون ها در ساعات روز قدغن است خوب مجبورند شب شن و ماسه و سنگ و آجر و گچ را از صحرا و از پای کوره های آجر و گچ به محل مورد نظر حمل کنند این کامیونها تا حدود ساعت ۶ صبح مجاز بکارند و تا همان ساعت به کار مشغول.

شرکت های اتوبوسرانی

ساعت ورود و خروج اتوبوسهای شرکت های مسافربری را اغلب راننده های تاکسی می دانند و بهمین جهت در همان ساعت های معین جلوی این گاراژها محل اجتماع تاکسی ها می شود در کنار در بزرگ گاراژ یک بادیه چندمنی روی یک چراغ پریموس گذاشته اند و حتی از این فاصله چند متری بخار شیر داغ که مشتری را بخود می خواند دیده می شود می بینم مسافران خسته از راهی طولانی با خوردن یک لیوان شیر داغ بسیار موافق اند. در اغلب خیابان های جنوب شهر تهران از ساعت ۳ به بعد بساط شیر فروش های دوره گرد گسترده است.

البته بموازات بنگاههای مسافربری، بنگاههای باربری هم دست از فعالیت نکشیده اند و تلاش پی گیر روزانه شان را تا روز بعد گسترش داده اند. حتی بی لحظه ای آرامش.

سالن بزرگ راه آهن

همواره شلوغ و شلوغ است. آدمها و چمدانها بهم آمیخته اند و جز صدای سوت قطار هیچ دعوتی نمی تواند این گروه کثیر را وادار بسکوت کند. جمعی در کنار بار هایشان در سالن ایستگاه قطار مشغول گفتگو هستند. گروهی هم در تریای ایستگاه راه آهن گرد آمده اند جمعی با چادرهای مشکی و قیافه های روحانی همراه با خانواده شان قصد زیارت حضر رضا (ع) را دارند و جمعی دیگر برای گردش و تنوع بسوی آبادان و خرمشهر می روند.

هر چند لحظه یکبار از بلندگو گروهی بسوار شدن دعوت می شوند. و در عوض از در ورودی جمعی تازه وارد داخل می شوند.

«شب کارها» شبهای تهران را تسخیر کرده اند. شب هنگام هر گوشه ای از پایتخت نشانه هایی از تلاش پی گیر مردان و زنان است آنها که بغلط یا صحیح راه خود را از مسیر فعالیت معمول روزانه بکلی جدا کرده اند.

اداره آتش نشانی که در آرامش حالت آماده به رزمی را دارد و کشیک های شبانه که آماده مبارزه با هر گونه آتش سوزی احتمالی هستند.

فرودگاه در اینجا حکایت خواب سنگین بعد از نیمه شب متروک شده، گروه زیادی

از منتظران در سالن عمومی فرودگاه گرد هم آمده اند و گروههای دیگر در تریا و رستوران تراس و اطراف محوطه فرودگاه پراکنده اند اما مردمی که در این محوطه گرد آمده اند همه مستقبل و بدرقه کننده نیستند و جمع کثیری جزو شب کارهای تهران بزرگ هستند. مسؤولان اطلاعاتی باربران، متصدیان کنترل، ناظران گمرکی، خلیانان و کمک هایشان، مهماندارها، راننده ها و کمک راننده ها مراقبان پروازها و پیشخدمت ها از آن جمله اند.

فرودگاه مهرآباد فرودگاهی تمام وقت است و برنامه ی پروازهایش مگر در موارد اضطراری و استثنائی هرگز قطع نمی شود از این جهت به هنگام شب نیز همسان روز گروه زیادی در این مرکز بزرگ ارتباطی فعالیت می کنند باید اضافه کنم که پروازهای داخلی معمولا در روز انجام می گیرد و تعداد آن کم و بیش معلوم است. ولی پروازهای خارجی ساعت و تعداد معینی ندارد و حتی در بعضی از شبها تعداد پروازها حتی از مقدار پرواز های روز هم بیشتر است و شاید جالب توجه باشد که بدانید مشتریان تریای فرودگاه را فقط مستقلین یا بدرقه کنندگان تشکیل نمی دهند بلکه این تریا یکی از پاتوق های مورد علاقه جوانان است که به قصد تفریح و گردش تریا و سالن فرودگاه را انتخاب کرده اند.

بنزین - از دیگر شب کاران شهر می توانیم کارگران پمپ های بنزین را نام ببریم لابد می دانید که شیفت کار جایگاه های بنزین یکی از ۸ صبح تا ۸ شب و دیگری از ۸ شب تا ۸ صبح است و کارگران آن بنوبت یک هفته شب و یک هفته روز کار می کنند.

نانوایی ها - یکی از کارگران نانوایی تعریف می کرد که:

«کار خمیرگیری از ساعت ۲ بعد از نیمه شب شروع می شود ولی بطور کلی کار ما تا ۱۲ الی ۱۳ ساعت بعد ادامه دارد. و برای این کار روزانه ۱۸ تومان می گیریم و موظف هستیم خمیرگیری هر تقار را ظرف یک ساعت و نیم تمام کنیم. دکان نانوایی در حقیقت خانه ماست چون بیشتر زندگیمان در اینجا می گذرد بجز من یک شاطر، یک نون درآر، یک ترازو دار و یک پادو نیز در این نانوایی ها فعالیت دارند که کارشان معمولا از ساعت ۴ صبح شروع می شود.

پخت در ساعت ۵ انجام می گیرد و مشتریها از ساعت ۵ به بعد برای خرید نان مراجعه می کنند.

کارگران شب کار کله پزی

فعالیت آنها از ساعت ۳ بعد از نیمه شب آغاز می شود و تا ساعت ۵ به الی ۱۰ بعد از ظهر ادامه دارد، در این فاصله فقط یک ساعت ناهاری دارند. یکی از کارگران در جواب سؤال که مشتریان کی به سروقت شما می آیند می گوید گهگاه مشتریها از ساعت ۳ بعد از نیمه شب پیدایشان می شود ولی



در بولینگ



کفافی

و آنجا گروهی کارمند که گاهی پیام آور خوشی هستند و بندرت حامل خبری بد از همه چیز خبر دارند و صندوقچه اسرارند اما برایشان چه فرق می کند چون در هر حال هدف و منظورشان برقراری مداوم ارتباط بین آنهاست که دل بهم بسته اند، پدر و مادر، خواهر و برادر، زن و شوهر دوست و آشنا یا مامورین موسسات دولتی و غیر دولتی.

کشتارگاه

باوسائل جدید برای تامین گوشت مورد نیاز شهر بزرگ تهران از ساعت ۳ بعداز نیمه شب فعالیت خویش را شروع می کند. و کامیونهای حمل گوشت از ساعت ۵ به بعد گوشت مورد نیاز را به قصابی ها تحویل می دهند. در تهران ۴ کشتارگاه بزرگ در ۴ منطقه مختلف قرار دارد و طبق آمار شهرداری هرایرانی در هر نقطه مملکت روزانه ۴۸ گرم گوشت مصرف می کند.

یادگان های نظامی

ساعت حدود ۵ ر۴ بامداد است به مقابل در ورودی یکی از یادگانهای تهران رسیده ایم صدای شیپور «بیدارباش» نواخته می شود و اولین دسته از مردمی که می بایست پس از استراحتی کامل فعالیت روزانه را شروع نمایند سر از بالین برمی دارند.

از مهناز عطارها



در اداره تلفن (۰۸)



ساندویچ فروشی چهارراه استانبول

کاریر

که تا سپیده صبح در تلاش کاری مداوم است و می کوشد تا با امواج و سیمها و وسایل مختلف و مجهز ارتباطی تمام نقاط کشور را باتمام دنیا مرتبط سازد.

فروش اصلی سر صبح انجام می گیرد و در یکی دوساعت اول روز سرمان برآستی شلوغست چون عده زیادی از مشتریان دائمی هستند. و صبحانه آنها را فقط کله و پنجه تشکیل می دهد. و می توانم بگویم حتی به این صبحانه معتاد هستند.

مشتریان ما از همه قماش هستند. اداری و کاسب ورزش کار و کارگر.

ورزش - محیطی بسته باطاقهای تو در تو که در گوشه و کنار آن میز بلیارد قرار گرفته و عده زیادی در دستهای دو و چهار نفری مشغول بازی هستند و جمعی نیز به تماشا کردن اکتفا می کنند.

شکل، اندازه و نوع ابزار این بازی مختلف است و این نشان می دهد که این بازی به چندین طریقه انجام پذیر است. در اینجا باید اضافه کنم که بازی بلیارد حدود ۲۵ سال قبل از اروپا به سوقاتی آورده شد. این بازی در آغاز جنبه کاملاً ورزشی داشت و تنها بعنوان مبارزه و قدرت بازی انجام می گرفت بازی مرسوم آن زمان «پیرامید» بود و در آن از گوی «شار» بزرگ و چوبدستی های سنگین استفاده می شود و حتی امروز هم در ایران رواج دارد.

قدیمترین باشگاه بلیارد باشگاه «هارکوپ» است ولی امروز حدود یکصد سالن بلیارد در ایران وجود دارد. در مدت ۲۵ سالی که بازی بلیارد به ایران آمده دو نوع آن رواج یافته یکی کارامبول «بازی ایتالیایی» که با ۳ گوی و تعدادی مهره چوبی انجام می گیرد و «سنوکر» بازی انگلیسی با گوی های رنگین و کوچک که جنبه فکری نیز دارد و تقریباً برای هر ساعت بازی بلیارد برای استفاده از میز مبلغی حدود ۲۰ تا ۲۵ ریال باید پرداخت.

صفحه دوم

مشکل اساسی تئاتر ایران، نداشتن سنت تئاتری است

شخصیت‌هایی چون محمدعلی فروغی و فرزین با گروه‌های تئاتری کشور ما در تماس بودند

کارنامه تئاتر ایران
از اواخر ۱۳۴۴ تا اواخر ۱۳۴۸

از نورالدین شفیعی

وقت، فرزین سفیر ایران در آلمان نیز با این گروه در تماس بودند. مرکز فعالیت این گروه «گراند هتل» در خیابان لاله‌زار بود.

بعد از کمپانی ایران گروه‌های دیگری از جمله کمپانی اخوان (۱۳۰۳) به کوشش محمود ظهیرالدینی، جامعه باربد (۱۳۰۵) وسیله مهرتاش، سیروس (۱۳۰۸) وسیله آرداش نازاریان، نکبسا (۱۳۰۹) بهمت ارباب افلاطون شاهرخ و از همه مهم‌تر «استودیو درام کرمانشاهی» وسیله میرسیف‌الدین کرمانشاهی تأسیس شد. میرسیف‌الدین کرمانشاهی بر اثر عدم سازگاری و عدم همکاری گروه از کار تئاتر یکسره دست کشید و بعدها (۱۳۱۲) خودکشی کرد.

در ۱۳۱۹ تئاتر تهران به مدیریت احمد دهقان تأسیس شد. در این تئاتر بود که برای نخستین بار خواندن تصنیف و ترانه در فاصله پرده‌ها (انترلود) و قبل از شروع بازی (پرلود) متداول شد. تئاترهای دیگری در تهران و شهرستانها پدید آمد که در رأس آنها باید از فردوسی و سعدی نام برد. در این دو تئاتر عبدالحسین نوشین بازیهایی به صحنه آورد.

چند سال پیش گروه سینما تئاتر آناهیتا به وسیله مصطفی اسکویی و همسرش مهین اسکویی تشکیل شد ولی دیری نپایید و تلاش محمدعلی جعفری برای برپا کردن تالار کسری نیز به نتیجه نرسید.

با تشکیل وزارت فرهنگ و هنر تئاتر صورت تازه‌ای بخود گرفته است. تالار ۲۵ شهریور زیر نظر این وزارتخانه بازیهای ایرانی را در فصل‌های تئاتری به طور مداوم و مرتب اجرا می‌کند، تالار رودکی ساخته شد که گرچه خاص باله، اپرا و کنسرت است مع الوصف گاهی مورد استفاده گروه‌های تئاتری نیز قرار می‌گیرد. همراه این گونه کوششها در تهران، در شهرستانها نیز فعالیت‌هایی انجام می‌گیرد، در مشهد حبیب اژدری و احمدعلی‌پور، در همدان همراه، و در اصفهان فرهنگمندان و ارحام صدر و...

در کنار گروه‌های ثابت تئاتری گروهی منفرد هم جداگانه در سالن‌های انجمن‌های فرهنگی و هر جای دیگری که بتوان از صحنه آن استفاده کرد بازیهایی به صحنه می‌کشند.

در کنار تئاتر، از نمایشنامه نویسی در ایران باید گفت که هنوز یکی از اشکالات است. گفته می‌شود که زبان فارسی هنوز قوام دراماتیک لازم را نیافته است. در این راه هر ساله کوششهایی می‌شود. مسابقه نمایشنامه نویسی جشن هنر، وزارت فرهنگ و هنر و تلویزیون و غیره ظرف چند سال اخیر نمایشنامه‌های نسبتاً خوبی به تئاتر ایران عرضه کرده است.

در اینجا باید از نقد تئاتر هم سخن گفت که در ایران اغلب بانظرها و حب و بغض‌های شخصی توأم است. شرط «دانش عمومی» را گویا

صرف نظر از تعزیه‌ها که بیشتر تظاهرات مذهبی است تا نمایش اگر از ابتدا شروع کنیم، به (میزان‌تروپ) مولیر که «مردم‌گریز» ترجمه شده می‌رسیم و به عنوان مترجم مزین‌الدوله (نقاشباشی) که به دستور ناصرالدین شاه بازی‌های مولیر را به فارسی برگردانده و به عنوان اولین تئاتر به تالار مدرسه دارالفنون که با وجود کوچکی، تالار درست و زیبایی بوده است و شبیه آنچه در آن روزگار می‌شد در اروپا دید و گنجایش سیصد نفر تماشاچی را داشته است. تأسیس آن بعهد مزین‌الدوله و ضمناً بازیهای اولیه‌ای هم که در آن اجرا شد نمایشنامه‌هایی بود که خود او به ذوق و سلیقه شخصی از مولیر به فارسی برگردانده بود. (۱)

با ایجاد تالار دارالفنون تئاتر به شکل امروزی در ایران آغاز شد و رفته رفته گروه‌های کوچکی گاه‌گاه اینجا و آنجا آغاز به کار کرد. اولین آنها گروهی به نام «فرهنگ» بود متشکل از روشنفکران آنروزگار که بیشتر جنبه‌های سیاسی داشت تا هنری و چند بازی توسط این گروه در باغهای بزرگ تهران مثل پارک امین‌الدوله، پارک اتابک و پارک ظل‌السلطان اجرا شد و درآمد آنها صرف مدرسه‌ای شد به نام «فرهنگ» که گروه ایجاد کننده آن، گروه تشکیل‌دهنده تئاتر مزبور بودند.

دیگر از این گروه‌ها، گروه «ملی» است که در آن سیدعبدالحکیم محقق‌الدوله، انتظام السلطنه، میرزا هاشم بهنام، رضا آهی، سرهنگ احمدعلی زند، اعظم‌السلطان، حاجی میرزا زکی‌خان، حاجی میرزا اسدالله شالفروش، سید علی‌خان نصر، محمود علیخان ملکی، نصرالله بهنام، یوسف مشار اعظم و حسن طبیب زاده کوششهایی می‌کردند. از این گروه نمایشهایی از مولیر در خیابان لاله‌زار به صحنه آمد.

بعد از چندی گروه کمپانی ایران توسط سیدعلی‌خان نصر که تازه از اروپا برگشته بود با امتیاز وزارت معارف بوجود آمد که در آن چهره‌هایی چون عنایت‌الله شیبانی، محمدعلی ملکی، منشی باشی (بهرای) احمد محمودی، کمال‌الوزار، مهدی نامدار، سیدرضا هنری، رفیع حالتی، محمود ظهیرالدینی، فضل‌الله بایگان، طبیب‌زاده، حسین خیرخواه، نعمت معیری، سید جلال‌الدین مرعشی، میرزا نصرالله‌خان، محمود الهی، داود دیبا، مهدی مشایخی، احمد درخشان، علی‌اصغر گرمسیری، صادق بهرامی، میرمهدی ورزنده، غلامعلی فکری و نقشینه و از بانوان ساراخاتون، شکوفه و ملوک‌حسینی در آن همکاری داشتند و دانشمندی چون محمدعلی فروغی نخست‌وزیر

منتقدین برای خود لازم نمی‌دانند. منتقد تئاتر در ایران ضمناً اغلب منتقد فیلم، کتاب، شعر، معماری، نقاشی و انواع هنرها است لذا هیچگاه نمی‌تواند در رشته تخصصی خود دانش لازم را بدست آورد تا با کمک آن دست بقضاوت زند.

و بعد به مشکلات می‌رسیم

مشکل اساسی تئاتر ایران نداشتن سنت تئاتری است. از سنت نمایشهای مذهبی نمی‌گوییم زیرا که در اساس همواره تئاتر را از مذهب گرفته‌اند ولی بعد این پدیده جدید، خود سنتی خاص خود یافته و به راه خود رفته است. در میانه سالهای قرن هفتم تا دوازدهم تئاتر و نمایشهای مذهبی اروپا درهم ادغام شدند ولی بعدها این هردو راه خود را رفتند چنانچه امروزه نیز در اروپا نمایش مذهبی را جدا از تئاتر عرضه می‌کنند. ساختن ترکیبی از سنتهای نمایش مذهبی و اصول تئاتر تلفیق نامانوسی است و نتیجه چیزی مثل تئاتر اسپانیا در قرون چهارده تا هفده می‌شود که اصولاً نمی‌توانست پذیرفته شود.

اشکال دیگر؛ که در اصل ناشی از نداشتن ادبیات سنتی نمایشی است. نداشتن گیرنده (تماشاچی) در آنسوی صحنه است و یا داشتن گیرنده‌هایی ضعیف و بسیار ضعیف که با معیارهای سنجش بسیار ابتدایی و انتظاراتی بسیار زیاد چشم به عاملان و ایفاگران تئاتر می‌دوزند و در نتیجه حتی اگر کار عاملان فوق‌خوب باشد، بنظر آنها جلوه لازم را ندارد، این اشکالات دیگر مسأله نان و آب و اسفالت نیستند که با کمیسیون بتوان آن را حل کرد و تنها راه حل ممکن زمان است و کوشش؛ و اندکی ایمان به روزی که بتوانیم همه آنچه را که امروزه کرده‌ایم بعنوان سنت یا لاقط پایه‌های سنت تئاتر ایران معرفی کنیم.

همانطور که گفته شد، گذشته از کارگروههای زنده و فعال و آنانکه برنامه‌های مرتبی دارند، در حاشیه نیز فعالیت‌هایی توسط گروههای جوان عموماً دانشجوی در سالن‌های انجمن‌های فرهنگی، دانشکده‌ها، دبیرستان‌ها و سایر محل‌ها انجام می‌گردد که خالی از فایده نیست.

(فعالیت این گروهها و فعالیت‌های جزئی گروههای زنده را تحت عنوان «در حاشیه» در کنار این کارنامه گنجانده‌ایم) ولی این گروهها به خاطر نداشتن پشتوانه مالی کافی، گرفتاریهای تحصیل و غیره به زودی در سایر رشته‌های «شاید لازم‌تر» از نظر خانواده‌شان، دوستانشان، و حتی فرزندان‌شان کشیده می‌شوند و لذا ناچارند وابستگی به سازمانهای هنری پیدا کنند که این نیز تا حدود زیادی از آزادی انتخاب و سلیقه‌شان می‌کاهد و نتیجه کار، معمولاً چندان درخشان نیست.

کارنامه‌هایی که می‌بینید کوشش‌های انجام شده در تئاتر ایران را از آخرین ماههای سال ۴۴ تا آخرین ماههای سال ۴۸ می‌نمایاند.

۱- بنیاد نمایش در ایران - ص ۵۹



شکوه نجم‌آبادی - محمدعلی کشاورز - جمیله شیخی

«غروب در دیاری غریب» و «قصه‌ی ماه پنهان»

نویسنده : بهرام بیضایی
کارگردان : عباس جوانمرد
بازیگران : حسن کسبیان - جمشید لایق - نصرت پرتوی

محل : تالار ۲۵ شهر یور (سال ۴۵)
این هردو بازی بازگوینده پیکار جوادانی فرشته و اهریمن است و، محتوی بازیها در واقع کلی گویی هایی بود در باره این نبرد دائمی به زعم نویسنده . دیو که ستم ها کشیده است و سر آخر معصومانه تن بکشتن می دهد نیک است و بخشیده می شود و پهلوان هم که در می یابد بیهوده او را به کشتن دیو تحریک کرده اند نیز بی گناه می باشد .
شکل خاص بازیها که به نوعی خیمه شب بازی می مانست و کارگردانی دقیق و وسواسی جوانمرد روتق بسیاری به آنها داده بود . این بازیها (هردو) در فستیوال تئاتر «سارل برنارد» در پاریس اجرا شد و مورد توجه نیز قرار گرفت .
حرکات دقیق بازیگران یکی دیگر از علل موفقیت این دو نمایش در پاریس بود .

«چوب به دستهای ورزیل» :
نویسنده : گوهر مراد (دکتر غلامحسین سعدی)

کارگردان : جعفر والی
بازیگران : لایق - مشایخی و ...
محل : تالار ۲۵ شهر یور سال ۴۵
«چوب به دستهای ورزیل» نمایشی بود تمثیلی و برای مدتی بهترین نمایشنامه ایرانی خوانده شد . گرچه در سطح بعضی منتقدان تئاتر این نقد ظاهرا پذیرفته شده بود که تمثیلها بسیار ضعیف و سمبل ها به شدت سطحی بوده و راه حل های نمایانده شده توسط نویسنده غیر واقع و غیر منطقی بنظر می رسید مع الوصف نمایش در میان سایر بازی های تالار ۲۵ شهر یور یکی از موفق ترین آنها بود .

بازی در روستایی به وقوع می پیوندد که مردم در آن به شادی می زیستند و تا ... که گراز به ورزیل حمله می کند و به مزارعشان . آنها از دیگران کمک می گیرند «دیگران» گرازان را می پراکنند و خود جانشین آنها می شوند و باقی داستان .

«حادثه در ویشی»

نویسنده : آرتور میلر

مترجم : خبره زاده

کارگردان : ناصر رحمانی نژاد

بازیگران : ایرج راد - فراهانی - گلکار - رحمانی نژاد - (گروه تئاتر مهر)

محل : انجمن ایران و امریکا (سال ۴۵)

«حادثه در ویشی» واقعیهایی است از روزگاران که نازیسم در اروپا رشد می کرد

و فرانسه اشغال شده زیر چکمه های سربازان هیتلری خرد می شد ؛ و نویسنده خود می - گوید : نمایش نامه «حادثه در ویشی» بر پایه داستانی قرار دارد که در حدود ده سال پیش ، از دوستی اروپایی شنیدم .

«گروه تئاتر مهر» با مدیریت ناصر رحمانی نژاد یک گروه تئاتری غیر حرفه ای است که گاه گاه در یکی از سالن های شهر نمایشی می دهد .

«بلبل سرگشته» :

نویسنده و کارگردان : علی نصیریان
بازیگران : عصمت صفوی - خورش - انتظامی - مشایخی

محل : تالار ۲۵ شهر یور (سال ۴۵)
آنچه در گذشته در تالار فارابی اداره هنر های زیبای کشور اجرا شده بود ، فاصله بسیار داشت با آنچه چند سال بعد نصیریان در تالار ۲۵ شهر یور به روی صحنه آورد . گویا نویسنده و کارگردان در نظر داشته است با تغییرات اساسی در شکل محتوی داستان بازی آن را جالب تر و «دلپذیر» تر از گذشته کند ولی در این مورد کامیاب نگردیده بود .

«بلبل سرگشته» انعکاسی است از یک قصه فولکلور .

«خانه بی بزرگتر» :

نویسنده : فریده فرجام

کارگردان : جعفر والی

بازیگران : نصرت پرتوی - فخری خورش

محل : تالار ۲۵ شهر یور (سال ۴۵)
«خانه بی بزرگتر» معمولا به خانه بی پدر اطلاق می شود ولی در بازی فریده فرجام منظور خانه بی ست که در آن دختری دم بخت

و جوان در انتظار شوهر است و مادرش نیز از اینکه مردی در این خانه بعنوان شوهر دخترش جانشین و یا لااقل یادآور شوی قبلیش شود ، بدش نمی آید .

بازی در مجموع توفیقی نمی یابد و می شود گفت اگر کارگردانی درخشان والی نمی - بود ، شاید این بازی به صحنه آورده نمی - شد .

«آندورا» :

نویسنده : ماکس فریش

مترجم و کارگردان : حمید سمندریان

بازیگران : مشایخی - فرید - کشاورز - داوودفر

محل : تالار دانشکده هنرهای زیبا (سال ۴۵)

«آندورا» در واقع وقوع دو دادرسی است در آن واحد ، و نویسنده در آن داور می خواهد ؛ به عبارت دیگر آندورا محاکمه ای است در محاکمه ، و نویسنده ذهنیت خویش را بدون داور شخصی در دهان بازیگر می گذارد و از بیننده می شنود .

آندورا داستان مردی ست که فرزند نامشروع خود را از کشور سیاهپوشهای همسایه به شهر خویش : «آندورا» می آورد و او را به دروغ یک طفل یهودی معرفی می کند . کودک بزرگ می شود و هنگامی که نیروی اشغالی سیاهپوشهای ضدیهود «آندورا» را اشغال می کنند ، همه مردم شهر جوان را بعنوان تنها یهودی معرفی می کنند و در آخرین لحظات حتی اعتراف پدر نیز او را از مرگ نمی رهاوند .

بازی باروالی سخت عاطفی کارگردانی شد ، حال آنکه تئاتر فریش تئاتری کوبنده و محکم است و روالی احساسی و ساده ندارد .



«مستاجر» :

نویسنده : پرویز صیاد

کارگردان : داوود رشیدی

بازیگران : فنی زاده - جمیله شیخی

محل : تالار ۲۵ شهرپور (۴۵)

این نخستین نمایشنامه طولانی پرویز صیاد بود. صیاد از کسانی است که هنوز هم اعتقاد دارد که می‌توان با استفاده از امکانات تئاتر بومی، شکل خاصی از تئاتر در ایران به وجود آورد که بتوان آن را تئاتر صد درصد وطنی نامید. در این زمینه فعالیت‌هایی هم کرده است.

مستاجر از این «تر» قدیمی صیاد مایه می‌گیرد و رویهم‌رفته تنها از روح آسان پسندی تماشاگران بهره می‌گیرد. این اولین بازی ایرانی بود که داوود رشیدی کارگردانی آن را بعهدہ داشت.

«روزنه آبی» :

نویسنده : اکبر رادی

کارگردان : (شاهین سرکسیان) -

آربی آوانسیان

بازیگران : لاله تقیان - مهتاج نجومی -

منصور طبیبی

محل : انجمن ایران و آمریکا (سال

۴۵)

در «روزنه آبی» با جوانی روبرو می-

شویم که در خلاء دست و پا می‌زند. اما در

عین حال از پا نمی‌نشیند و در جستجوی روزنه‌یی است که از آن آسمان «آبی» تر را بنگرد. ولی زمانی که می‌خواهند او را دوباره به ساختن آنچه ویران کرده است بکشند حتی مبارزه نیز می‌کند.

شاهین سرکسیان دست‌اندرکار تمرین نمایشنامه بود که اجل مهلتش نداد و آرپی آوانسیان دنباله کار او را گرفت و نمایش به روی صحنه آمد. کار آوانسیان در این بازی تنها ادامه میزانشی بود که سرکسیان داده بود.

«خانواده آقای آریین‌فر» :

نویسنده : محسن یلقانی

کارگردان : عباس مغفوریان

بازیگران : مشایخی - فرزانه تاییدی

محل : تالار ۲۵ شهرپور

«خانواده» ماجرای یک تاجر ورشکسته

است که در برگشت از زندان خود را

موجودی عاطل تصور می‌کند و تنه‌اراه نجات

به عقیده او برگشت پسرش از اروپاست،

که باید و همه کارها را درست کند و

حوادثی که در حاشیه اتفاق می‌افتد. محسن

یلقانی که چند سال قبل جایزه اول نمایشنامه

نویسی اداره هنرهای زیبای کشور را برده

بود. قبلاً آثاری در کتاب هفته منتشر کرده

بود که اقبال بهتری داشتند.

بازی مشایخی در این نمایش درخشان بود.

«همراهان و محاکمه» :

نویسندگان : محسن یلقانی و یدالله زندیه

کارگردان : هوشنگ انصاری‌فر

بازیگران : پیر حکایتی - کورش

اصفهانی - درویش و پیمان.

محل : انجمن ایران و آمریکا

گروه تئاتر دانشکده ادبیات و نمایشنامه

یک پرده‌یی از یلقانی و زندیه را در سالن

انجمن ایران و آمریکا به صحنه آورد.

در آخرین شب نمایش این بازی‌ها،

هنگامی که آخرین قسمتهای نمایش اجرا

می‌شد، ناگهان تماشاگر بی‌شکبی به میان

صحنه دوید و شروع به اعتراض کرد.

گروهی پنداشتند که شاید اینهم قسمتی از

بازی‌ست که در آن به روش بعضی از آثار

«پیراندللو» مرز میان تماشاگر و بازیگر از

میان برداشته شده است. لیکن پرده در میان

حیرت حاضرین پایین افتاد.

«بازی آخر» :

نویسنده : ساموئل بکت

ترجمه : ع - عطاءاللهی

کارگردان : رکن‌الدین خسروی

بازیگران : گروهی از دانشجویان



شهر قصه



آندورا

محل : انجمن ایران و امریکا (۴۶)
این یکی از جنجالی ترین آثار «بکت» است که بعد از «در انتظار گودو» از معروف ترین آثار اوست . گرچه در زمینه اجرای آثار این نویسنده ایرلندی در ایران کوشی قبلاً بعمل نیامده بود ولی «خسروی» با جسارت، انجام این مهم را بعهده گرفت و تا اندازه زیادی نیز موفق بود .
بازی آخر که به غلط «پایان بازی» ترجمه شده بود در واقع انکاری است از یکرشته واقعیات که فاقد زیبایی لازم هستند برای پذیرفتن ...

«شاه عباس و پیرپاره دوز» :

نویسنده : پرویز صیاد

کارگردان : عزت الله انتظامی

بازیگران : نصیریان - انتظامی - تأییدی - زندی

محل : تالار ۲۵ شهریور (۴۶)

پرویز صیاد در دنباله کوششهایش برای به ثمر رساندن يك تئاتر ملی با استفاده از امکانات بومی تئاتر در ایران دومین اثرش را به صحنه آورد و این گرچه برای اونهاش دهنده وسعت نظری بیشتر بشمار می رود ولی نشان دهنده این بود که صیاد در چهارچوب مسائل بومی هنوز آن روشن بینی لازم را نیافته است . شاه عباس و مرد پاره دوز در واقع کوششی است در نمایش نقش بی اهمیت انسان در برابر زندگی مدرن که در ذهن صیاد تفاوتی با ماشینیسم ندارد .

«رؤیا و استعمال دخانیات ممنوع» :

نویسنده و کارگردان : علی نصیریان

بازیگران : انتظامی - نصیریان - والی

و جمیله شیخی

محل : تالار ۲۵ شهریور (۴۶)

رؤیا و استعمال دخانیات ممنوع دو بازی تگ پرده ای نصیریان بود که در مقایسه با بلبل سرگشته گرچه اندکی پیشرفته تر بود ولی ضمناً نشان دهنده پیشرفت نصیریان در یافتن يك نظر کلی بود . با این همه پیشرفت سریع او را در شکل ها و فرم های تئاتری صریحاً نشان می داد .

«میراث و ضیافت» :

نویسنده و کارگردان : بهرام بیضایی

بازیگران : مشایخی - کسبیان - بهمن

مفید - مهرک نالایق و دولت آبادی

محل : تالار ۲۵ شهریور (۴۶)

میراث را می توان بي شك يك نمایش سمبوليك بسیار ضعیف دانست . ماجرا جدالی است بین سه برادر که نماینده سه نسلاند و لذا سه اندیشه برسر خانه موروثی شان در سردارند : برادر بزرگ که «مرتجع» است . برادر کوچک که تجددخواه است و برادر میانی که میانه روست و در میانه جدال این هرسه دزدان خانه را خالی می کنند . نمایش با تانی آغاز می شود و با عجله به نتیجه می رسد .

ضیافت ، نیز گرچه از سمبل های حکمی بهره می گیرد ولی مع الوصف در رده موضوع انتخاب شده اش مستقیم تر به نتیجه می رسد . این ماجرای چوپانی است که در نگهداری گوسفنداش به دهبان (دوستش) اطمینان می کند و در نتیجه گله اش دسته جمعی از میان می رود .

«ماشین نویسها» و «بیر»

نویسنده : موری شیزگال (امریکایی)

مترجم و کارگردان : پرویز صیاد

بازیگران : صیاد - آپیک و مهبان

محل : انجمن ایران و امریکا (۴۶)

وقتی علایم و اشارات در دنیای روز به پوچی متمایل شود دیگر از روابط چه می ماند ، جز چهره ای که منعکس کننده همه عوامل پوچ و پوچ کننده است . این درواقع سخن و شعار «ماشین نویسها» است . کارگردانی این بازی صورت ایرانی شده بی بود از اجرایی که صیاد در طول اقامتش در امریکا دیده بود .

در «بیر» از زمینه ای کاملاً شبیه «ماشین نویسها» استفاده می شود و با این تفاوت که در این مرحله عصیان به نوع بسیار ابتدایی در آن مطرح می شود . کارگردانی صیاد با ضعف هایی که داشت موفق بنظر می رسید .

هانری چهارم

نویسنده : لوئیجی پیرآندللو

مترجم و کارگردان : بهمن محصص

بازیگران : کاوه مخبری - نادر

کوکلائی و ...

محل : انجمن ایران و ایتالیا (۴۶)

در آثار پیرآندللو همیشه چرخشهایی

وجود دارد از واقعیت به رؤیا و از رؤیا به واقعیت ها .

محصص در این بازی شاید به لحاظ کوچکی (بسیار کوچکی) صحنه صد درصد موفق بنظر نمی آمد ولی بازی درخشان کاوه مخبری نوید درخشش يك بازیگر بسیار خوب را می داد .

مادمازل ژولی :

نویسنده : اوگوست استریندبرگ

مترجم : شاهین سرکیسیان

کارگردان : آربی آوانسیان

بازیگران : مهتاج نجومی و ...

محل : انجمن ایران و امریکا (۴۶)

مادمازل ژولی نمایشی بود با دیدی صد درصد بدبینانه نسبت به طبقه اشراف که «استریندبرگ» با همه کوششی که در کتمان آن کرد خود همیشه یکی از آنان بود .

به زعم بسیاری نمایش می بایست در خدمت القاء مبارزه مدام دو طبقه اجتماعی باقی بماند ولی آوانسیان بیشتر يك حالت رماتیک به آن داده بود .

«درس» در بسته» :

نویسندگان : اوژن یونسکو و ژان پل

سارتر

مترجم و کارگردان : پری صابری
بازیگران : مریم معرفت - کشاورز - شیخی و دیگر اعضا تئاتری بازارگاد .

محل : انجمن ایران و امریکا (۴۶)

گرچه درس را نمایشی در نشان دادن بیرحمی دانش بیشتری در قرن اخیر معرفی کرده اند ولی مثل همه آثار دیگر یونسکو تنها يك شکل خالص تئاتری است . پری صابری از آن يك بازی موفق و مسؤول ساخت .

در بسته را به نام دوزخ در ابتدای برگشت حمید سمندریان از آلمان، در سالن اداره هنرهای زیبا دیدیم .

در بسته شرح ساده ایی است از گرفتاری وهم درد بودن و درد داشتن همدردان در يك فضای بسته .

آی با کلاه - آی بی کلاه

نویسنده : گوهر مراد

کارگردان : جعفر والی

بازیگران : نصیریان - انتظامی - فنی -

زاده - فرید - داوود فر و ...

محل : تالار ۲۵ شهریور (۴۷)

فضای تمثیلی دکتر ساعدی در این بازی از روستا به شهر کشیده می شود . این بازی از دو قسمت کاملاً مجزا تشکیل شده بود (دو پرده) . قسمت اول که مبتدا بود و حاکی از فرو افتادن ناهماهنگی و عدم تفاهم میان اعضا يك محله و قسمت دوم نتیجه برآیند خارجی وجود چنین ناهماهنگی را نمایش می دهد و اینکه ناهماهنگی فاصله می اندازد، عدم اعتماد پیش می آورد و ... تا که تفرقه بیافتد و راهزنان با فراغ بال به آنچه می خواهند برسند .

ساعدی در پر کردن فاصله های موجود فوق العاده درخشان است . او از يك مایه معمولی می تواند بازی بی بطول ساعتها بیافریند و حتی می تواند تلولوء آن مدتها برسر زبانها بماند .

آی با کلاه - آی بی کلاه - مدتها نقل

محافل بوده و برای چندی بهترین و پرسرو صداترین بازی سال بود .

«چوب زیر بغل» :

نویسنده و کارگردان : بهمن فرسی

بازیگران : فرشته حقیقت - فرخنده

باور و دیگر اعضا گروه آریان

محل : انجمن ایران و امریکا (۴۷)

«چوب زیر بغل» از کارهای ابتدایی بهمن فرسی بود و از ایرادهایی که بر آن گرفته شد، یکی این بود که کار در ساختمان و محیط دارای نقص هایی بود که بیشتر عدم هماهنگی آن با روز و کهنگی آن بود . فرسی از سمبل های ظاهراً بدون ارتباط باهم استفاده می کند - این ایرادی دیگرست که براو گرفته شده مثلاً : گفته شد که :

نمی‌توان با «رستم چوب زیر بغل گرفته» تا فردوسی را فراموش کرد.
کار فرسی گرچه در بازار موفق نبود ولی یکی از کارهای خوب تاثیر ایران بود گرچه در سرو صدای دیگر کارهای جاری از آن صرف نظر شد.

«در انتظار گودو» :

نویسنده : ساموئل بکت (برنده جایزه نوبل ۱۹۶۹).

مترجم و کارگردان : داوود رشیدی
بازیگران داوود رشیدی - پرویز صیاد - سیروس افهمی - پرویز کاردان
محل : انجمن ایران و آمریکا (۴۷)

با اجرای ایرانی درانتظار گودو موج هایی از مخالفت و موافقت برخاست. گروهی کوشش داوود رشیدی را ستودند ولی واقعیت آن بود که صیاد از این بازی يك نمایش تخته حوضی ساخته بود و در آن همه کوشش خندانند تماشاگران بود حال آنکه درانتظار گودو يك کمده اندوهبار لقب گرفته است. اجرایی بود از جهت آشنا کردن تماشاگران با آثار بکت و تاثیر پوچی و با ارزش.

«یرما» :

نویسنده : فدریکو گارسیا لورکا
مترجم و کارگران : پری صابری - مترجم اشعار یدالله رؤیایی

بازیگران : خوروش - گودرزی - عصمت صفوی - لاله تقیان و ...
محل : تالار رودکی (سال ۴۷)

نمایش یرما به دو دلیل پرسرو صدا شد: یکی آنکه اولین اثر نمایشی «لورکا» بود که در ایران به صحنه می‌آمد و دیگر آنکه اولین تاثیر يك گروه ایرانی بود که در تالار رودکی اجرا شد.

یرما سخنی است از فاجعه نازی در زمینه یی بارور و ثمرزا. گرچه به عقیده منتقدان پری صابری در اجرا و کارگردانی این بازی آنطور که انتظار می‌رفت درخشان نبود ولی خود او در جواب (در سؤالی که در یکی از مصاحبه‌هایی که در تلاش چاپ شد از او شد) گفته است که این سخن بیشتر از روی غرض بوده است تا حقیقت واقع.

هرکول و طویله اوجیاس :

نویسنده : فردریک دورنهایت
مترجم و کارگردان : حمید سمندریان
بازیگران : پرویز صیاد - ثریا قاسمی - شهناز جابری زاده و ...

محل : انجمن ایران و آمریکا (سال ۴۷)

فردریک دورنهایت وسیله حمید سمندریان به تاثیر ایران معرفی شد و هرکول و طویله اوجیاس اونیز وسیله خود او معرفی - ترجمه و کارگردانی شد. این یکی از ابتدایی ترین بازیهای دورنهایت است که رویهم‌رفته چندان موفق نیست و همواره بعنوان يك

نویسنده درجه دو (حتی در زادگاهش) سویس قلمداد می‌شود. گفته شد که سمندریان در کارگردانی این بازی موفق بود.
«شهر قصه» :

نویسنده و کارگردان : بیژن مفید
بازیگران : جمیله مفید - فرهاد صوفی - رشید کنعانی و ...

محل : تالار ۲۵ شهرپور - جشن هنر شیراز و تلویزیون ملی ایران (سال ۴۷)
شهر قصه بازی جنجالی سال - برنده جایزه اول جشن هنر و موفق‌ترین بازی در طول کوتاه تاثیر ایران را بیژن مفید خود نوشته و کارگردانی کرده بود. شهر قصه شكل خاص تاثیرش را داشت ضمن آنکه از يك رشته داستان‌های عامیانه بهره گرفته بود و گویای مسایل بسیاری از درگیریهای روزانه نیز بود. در واقع شكل خاص نمایشی شهر قصه تلفیقی بود از موزیک ایرانی - مالک حیوانات و نوعی شعر ریتمیک.

این نمایش بر اثر اقبال فوق‌العاده تماشاگران برای مدتها در تالار ۲۵ شهرپور نمایش داده می‌شد.

حکومت زمانخان

نویسنده : میرزا ملکم خان ناظم الدوله (تنظیم ایرج زهری)

کارگردان : رکن‌الدین خسروی
بازیگران : کشاورز - شیخی - سروش پورحسینی ...

حکومت زمانخان در واقع مأخوذ بود از نمایش نامه میرزا ملکم خان و جریانی بود در انتقاد از دستگاههای حکومتی محلی در دوران قاجار ...

خسروی در کار اجرای نمایش از دو شخصیت «شوخی» و «شنگ» که به پیشنهاد ایرج زهری در نمایش وارد شده بودند استفاده می‌کند، برای برگرداندن فضای کهنه کار به يك فضای تازه‌تر و نیز برای پر کردن صحنه‌های خالی در میان تابلوهای مختلف.

پژوهشی نو و ژرف و سترک در سنگواره های دوره بیست و پنجم زمین شناسی

نویسنده : عباس نعلبندیان
کارگردان : آربی آوانسیان
بازیگران : مهتاج نجومی - کامبیز ابراهیمی و خیلی‌های دیگر ...

محل : جشن هنر شیراز - انجمن ایران و آمریکا - تلویزیون ملی ایران (۴۷)
يك بازی موفق از نظر روشنفکران و يك بازی خیلی مدرن از نظر بینندگان عادی و در مجموع نشان فلسفی از جستجوهای که به ثمر نمی‌رسد و تلاشهایی که بیهوده می‌ماند.

نعلبندیان نشان داد که ذهنی سریع و خلاق دارد ولی بعضی گفتند تجربه لازم را هنوز بدست نیاورده بود.

گروهی نیز موفقیت آوانسیان را در این کارگردانی ذکر کردند (متن این نمایشنامه در يك ضمیمه تلاش پس از نمایش آن به چاپ رسید).

«دیکته» و «زاویه» :

نویسنده : دکتر غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)

کارگردان : داوود رشیدی
بازیگران : فرید - شیراندازی - فنی زاده و گروهی دیگر ...

محل : تالار ۲۵ شهرپور (۴۸)
گوهر مراد پس از سیر در فضاهای دیگر و شاید بسته‌تر اینك جهان بینی می‌کند و «دیکته» و «زاویه» را می‌نویسد. دیکته از يك فضای بسیار باز (در سطح جهانی) و مسایل مبتلا به جهان سخن می‌گوید: بازار تمثیلات ضعیف و ازبیدان قوی كمك می‌گیرد. زاویه محدودتر است و روشنفکرانه تر و جدالی که در يك فضای بسته انجام می‌گیرد. داوود رشیدی کارگردان در یکی از مصاحبه‌هایش این کار را یکی از بهترین کارهای خود دانست.

«سلطان مار» :

نویسنده و کارگردان : بهرام بیضایی
بازیگران : گروهی از بازیگران وزارت فرهنگ و هنر.

محل : تالار ۲۵ شهرپور (۴۸)
بهرام بیضایی بعد از نمایش نویسی به تحقیق در تاثیر روی آورد و رساله نمایش در ایران را نوشت و بعد از آن کوشید کارهایش را نیز کارگردانی کند. در اولین کارگردانی هیچ موفق نبود ولی گویا این تجربه‌یی شده بود که بتواند سلطان مار را بهتر از میراث و ضیافت کارگردانی کند. کار او بسیار بی‌سرو صدا تلقی شد.
«صاعقه» :

نویسنده : آستروفسکی (روسی)
مترجم و کارگردان : مهین اسکویی
بازیگران : شیراندازی - اسکویی و

گروهی از بازیگران گروه تئاتری زمان وابسته به وزارت فرهنگ و هنر
محل : تالار موزه (۴۸)

مهین اسکویی هنوز بعد از دوران دراز اقامتش در ایران متعقد به تاثیر استانیسلاوسکی است و ظاهراً جز این متد قدیمی تاثیر رتالیست هیچ تاثیر دیگری را پذیرا نیست و در مدت سرپرستی‌اش در گروه تئاتر و سینما آناهیتا حتی آثار مدرن‌تر را نیز با این شیوه کارگردانی کرد.

آستروفسکی نویسنده متعهد و مسؤولی است در قبال جامعه و مهین اسکویی نیز در جستجوی نوعی مسؤولیت است.

اولین همه - گرچه شامل تمام نیست و همه هم درخشان نیست ولی نشان دهنده يك

چیز می‌تواند باشد، و آن اینکه تئاتر، نیست با قدم‌ها و صورتهای ابتدایی می‌رود که به صورت يك پدیده لازم اجتماعی مورد تأیید طبقات اجتماعی جامعه ایرانی درآید، می‌رود که مشخص‌کننده يك رشته ارزشها باشد، نقد کند، شکوه کند و اهرمی باشد در پیش برد فرهنگ و استعدادها و می‌کوشد که بشناسد و لذا شناخته شود.

گرچه گاهی کوشش‌ها در سطح می‌مانند و زرفای کافی برای ستوده شدن ندارند ولی باید اگرهم حتی‌اندک، همراه ستود و خوشباشی گفت. شاید از این راه پیشرفتی باشد و در نتیجه پیش برد و تعالی، به امید، و در حاشیه:

بهترین بابای دنیا:

اثر دکتر غلامحسین ساعدی (گوهر مراد) به کارگردانی انتظامی در تالار ۲۵ شهریور اجرا شد.

درباره این نمایش نوشته شد که:

«هشدار است به پدران و مادران به خصوص آن دسته که بدون اندیشه‌های انسانی از فرزندانشان دور می‌افتند و می‌پندارند که پس از سالها جدایی و دوری نیز هنوز فرزندی خواهند داشت که با آغوش باز در انتظارشان باشند...»
استثناء و قاعده:

اثر برشت و خاموشی دریا اثر ورکور به کارگردانی رکن‌الدین خسروی با همکاری گروه تئاتر دانشجویان دانشگاه تهران در سالن نمایش

دانشگاه به روی صحنه آمد.

صندلی‌ها

اثر یونسکو در انجمن ایران و امریکا به کارگردانی بهمن محمص نقاش به روی صحنه آمد.

مراسم روز جهانی تئاتر با پیام رنه مائو رئیس جهانی سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران گشوده شد.

ترانه‌بی برای باران

توسط گروه فرهنگی آتش به روی صحنه آمد. فعالیتی بود ولی عجله در آماده کردن بازی، آن را سخت ناموفق کرده بود.

رلف شاره

استاد فرانسوی «مایم» برنامه بسیار جالبی برای



لونه شغال

علاقه‌مندان اجرا کرد و مدت چند هفته نیز به تدریس، مایم در دانشکده‌های زیبای پرداخت.

شاهین سرکیسیان

مجلس یادبود شاهین سرکیسیان هنرمند تئاتر در باشگاه آزارات توسط گروه آیین برگزار شد که در آن جمعی از دوستان و شاگردان او شرکت داشتند.

درباره شاهین سرکیسیان

از بهمن فرسی :

فرزندان این سرزمین در میان همه درگیرها و باخت‌ها و سوخته‌های هستی سرانجام به‌آرزوی سرد و سیاهی می‌رسند. به آرزوی مرگی آسان.

شاهین سرکیسیان، مردی از خاندان پراکنده و جورکش تئاتر، در نخستین ساعات روز ۷ آبان شاید به چوگان مرگی از میان رفت.

شاهین عاشق تئاتر بود، عاشقی بی‌بهره و صادق و جورکش و یگانه در میان همه آن دیگران که من می‌شناسم، به حکم یقین کسی چون او نیست.

پنجری

نمایشنامه شیرین (صرفا شیرین) «پنجری» از فردریش دورنهایت در استیتو گوته به کارگردانی گلاوس آدلر به اجرای رادیویی به روی صحنه آمد.

— صندلی‌های یونسکو به کارگردانی بهمن محمض در تلویزیون ملی نمایش داده شد.

محل

قصه کوتاه صادق هدایت که وسیله کمال شفیع به شکل بازی کوتاهی تنظیم گردیده بود در تلویزیون ملی به نمایش گذاشته شد.

عروسی فیگارو

در هتل رامبر توسط گروه هنری آناهیتا اجرا شد که با هو و جنجال تماشاچی‌ها مواجه شد تا آنجا که مصطفی اسکویی به روی صحنه آمد و گفت که از این قبیل عدم استقبال ناراحت نخواهد شد همانطور که سال گذشته شده بود.

چهل گیس

نوشته علی حاتمی به کارگردانی زهرا خواجه نوری در تلویزیون ملی نمایش داده شد.

حادثه درویشی

توسط گروه تئاتری مهر دوباره به روی صحنه آمد.

آنتیگون

اثر ژان آنوی وسیله گروه «تئاتر دوپاری» که به دعوت انجمن فرهنگی ایران و فرانسه به تهران آمده بود به مدت یک شب در سالن نمایش دانشکده هنرهای زیبا اجرا شد.

اجرای این اثر، فوق‌العاده مورد توجه قرار گرفت.

تئاتر در شهرستانها

گروه هنرمندان تئاتر فرهنگ و هنر برای اجرای دو نمایشنامه کم‌دی «خشت اول» و «شادوران مادر خانم» به شهرستانهای مشهد، بجنورد، زاهدان، سقز و یانه سفر کردند.

صفحه چلم

علی نصیریان — انتظامی و خورش و صفوی همراه این گروه بودند.

تیار تفرنگی

نمایشنامه تیار تفرنگی نوشته سیروس ابراهیم زاده در سالن انجمن ایران و آمریکا برای مدت چند شب به کارگردانی نویسنده و بازیگری چند چهره جوان به روی صحنه آمد.

دوازده مرد خشمگین

اثر معروف رجینالدروز (امریکایی) در تالار دانشکده حقوق به کارگردانی پرویز صیاد به صحنه آمد. در این اثر گروهی از دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران با موفقیت کار را به انجام رساندند.

نمایشنامه دلال

توسط گروه تئاتر کوچک به زبان انگلیسی در انجمن ایران و آمریکا به روی صحنه آمد.

گروه تئاتری میترا

آنتیگون اثر ژان آنوی را به مدت یک شب به مناسبت روز جهانی تئاتر به کارگردانی رکن الدین خسروی و بازیگری ثریا قاسمی و کشاورز به روی صحنه آورد.

باغ وحش

اثر ادوارد آلبی به کارگردانی عباس مغفوربان و با شرکت او و انتظامی در سالن اجتماعات کاخ مرکزی جوانان به صحنه آمد.

گروه تئاتر

انگلیسی دانشگاه پهلوی نمایش دایره گچی قفقازی را به صحنه آوردند.

چه کسی از سخنرانی بدش می‌آید؟

اثر نورالدین شفیع در کاخ جوانان به روی صحنه آمد.

حادثه درویشی

برای بار دیگر توسط گروه تئاتری مهر در انجمن ایران و آمریکا با کارگردانی ناصر رحمانی نژاد به روی صحنه آمد.

سرایدار

اثر هارولد پینتر توسط گروه تئاتر کوچک به زبان انگلیسی در محل انجمن ایران و آمریکا به روی صحنه آمد.

رستم و سهراب

مصطفی اسکویی سرپرست گروه هنری آناهیتا نمایش رستم و سهراب را در تالار نمایشات هنرکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران کارگردانی کرد. مریک تأسف‌آور حسینعلی ویدا در نقش رستم بعدها هنگام اجرای این نمایش در تالار فرهنگ اتفاق افتاد.

در دانشگاه

گروه هنری دانشکده دامپزشکی چند برنامه هنری در تالار فردوسی دانشکده ادبیات اجرا کرد. در این میان «در منطقه جنگی» اثر یوجین اونیل نیز اجرا شد.

کارول واستریپ‌تیز

اثر اسلاو میر مروزک به کارگردانی کشاورز به روی صحنه آمد.

نشریه مرکز ملی تئاتر

نشریه‌ی حاوی مقالات مربوط به تئاتر توسط مرکز ملی تئاتر ایران وابسته به انستیتوی بین‌المللی تئاتر و کمیسیون ملی یونسکو در ایران منتشر می‌شود.

سرایدار

اثر هاری پینتر به کارگردانی پرویز صیاد در تالار موزه اجرا شد.

دکتر استوگمان

اثر هنریک افسن به کارگردانی سعید سلطان پور و بازیگری ناصر رحمانی نژاد — صادق هائقی و گروهی دیگر در انجمن ایران و آمریکا به روی صحنه آمد.

لونه شغال

گروه تئاتر مردم، نمایشنامه لونه شغال را در تالار ۲۵ شهریور به کارگردانی انتظامی و بازیگری شهابی — صفوی و محرابی به روی صحنه آورد. «آنکه می‌گوید آری و آنکه می‌گوید نه» را عباس جوانمرد همراه «قصه طلسم و مرد ماهیگیر» از علی حاتمی توأمآ در تالار موزه به روی صحنه آورد.

پرواربندان

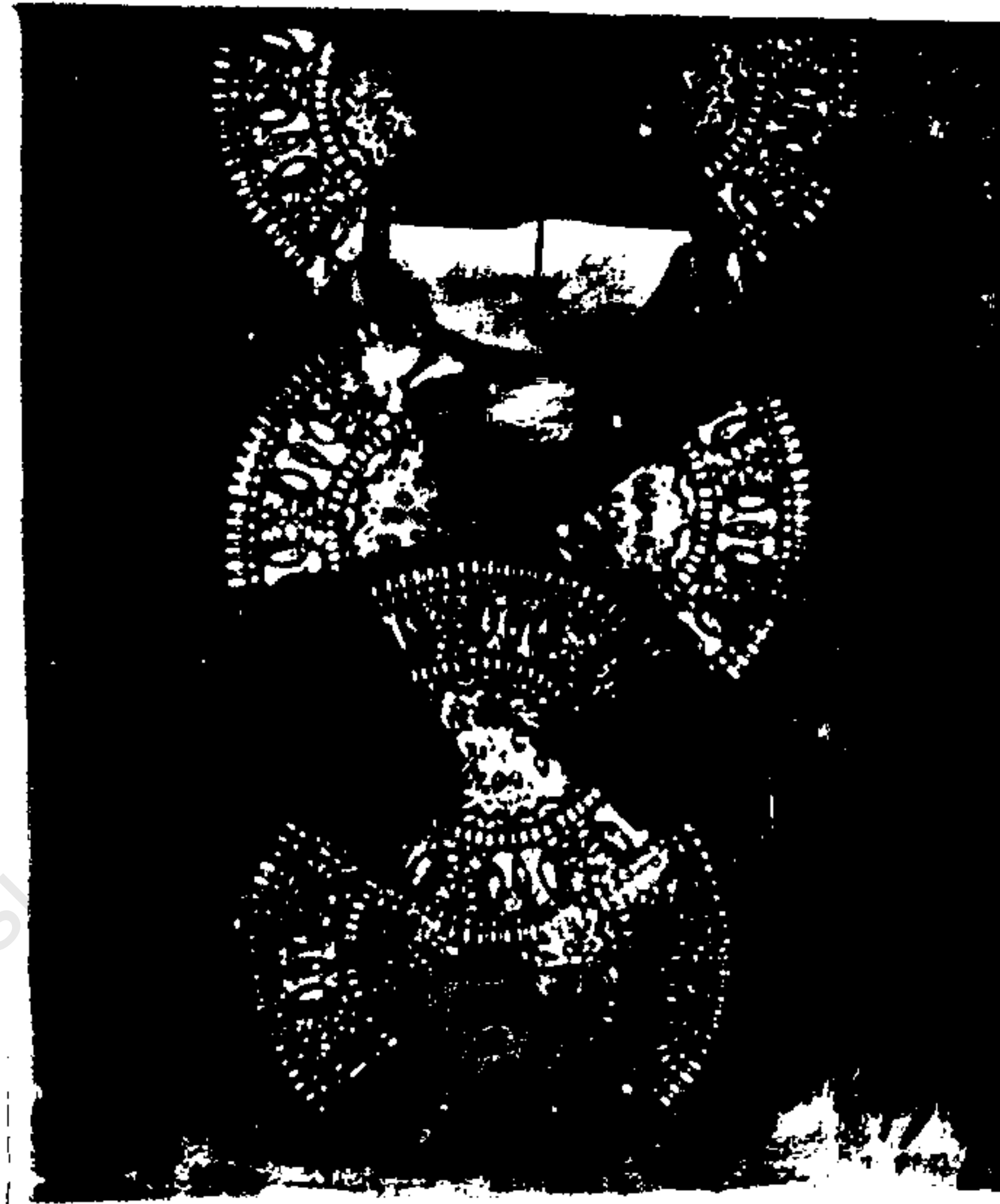
اثر گوهرمراد با کارگردانی محمدعلی جعفری در تالار ۲۵ شهریور اجرا شد.

پیراندللو

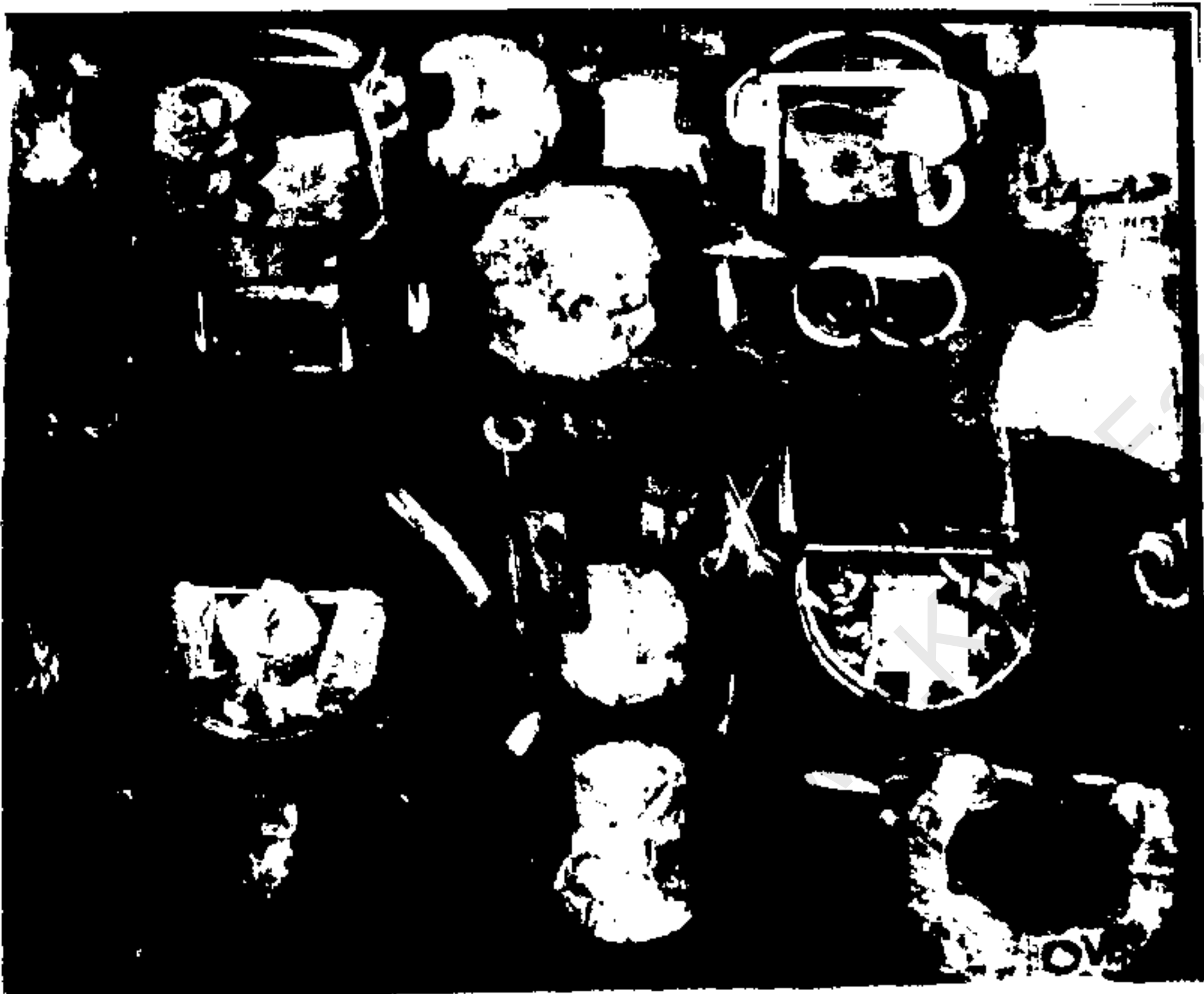
امشب از خود می‌سازیم اثر پیراندللو در تالار فردوسی به کارگردانی پری صابری اجرا شد. از پشت شیشه‌ها

نوشته اکبر رادی در تالار ۲۵ شهریور به کارگردانی رکن‌الدین خسروی به صحنه آمد.

سَنَقاشی از ناصر اویسی که
در گالری نگارنمایش داده شد



دُونَقاشی از منوچهر صفرزاده که در آلا رقد رنمایش داده شد



سه نقاشی از آقای ارج تطفیل
که در گالری مس نمایش داده
شد.



سه نقاشی از خانم میشل باستن که در خانه آفتاب نمایش داده شد.



«کارشناسان جنگل و مراتع عقیده دارند که بز حیوانی است که خسارات جبران ناپذیری به جنگل و مراتع وارد میسازد. از سرشاخه درختان جوان سدجوع میکند و همچنین قادر است علوفه را از انتهای ساقه بمصرف برساند و حتی بوته را از بیخ و بن از زمین بکند و بخاطر همین خصایص است که عده ای اعتقاد دارند باید با انهدام نوع این حیوان در ایران پرداخت.

«باتوجه باینکه کلیه این عوارض در نتیجه پرورش غلط و گسترده بز در کشور و عدم رعایت در تغذیه مناسب و اجرا نکردن اصلاح نژاد در این حیوانات عملی است و شاید قسمتی از خرابی و انهدام مراتع نیز در اثر چرای بی رویه بزها در مملکت صورت گرفته است باید توجه داشت که کمبود گوشت در ایران و اینکه کشور ما برای جبران نیازمندیهای پروتئین حیوانی ناچار است مرتباً هزاران تن گوشت و دام زنده از خارج وارد کند میتوان با اتخاذ روشی صحیح و منطقی و بخصوص عادت دادن بزها به پرورش فشرده و نگاهداری در نقاط سر بسته و تغذیه آنها بطریق دستی و اصلاح نژاد بسیاری از این نقایص را مرتفع ساخت و روش صحیح پرورش بز را نیز نظیر حیوانات دیگر مانند گاو - گوسفند بدون اینکه لطمه ای بمراتع و جنگلها وارد شود عملی ساخت.

«گذشته از بزهای شیری و گوشتی که متأسفانه در ایران هنوز نژادهای مطلوب و اصلاح شده ای از آنها وجود ندارد و مسلماً یکی از دلایلی که مبارزه باین حیوانات را در ایران تا حدی موجه میسازد همین کمی محصول میباشد، تعدادی از نژادهای بز در ایران وجود دارند که استعداد تولید محصولاتی دیگر نظیر کرکهای ظریفی را دارند و از بابت عرضه داشتن این فرآورده قیمتی، مورد توجه میباشد.

«ذکر این نکته ضرور است که امروزه بغیر از فعالیتهای عمده و پرارزش دامپروری نظیر پرورش گاو یا گوسفند و غیره بمنظور تأمین شیر و گوشت که در زمره اساسی ترین محصولات دامی بشمار میرود و اجرای آن از زمانهای بسیار قدیم نیز معمول بوده و در حال حاضر نیز بطرز مدرن و جدید و با گسترشی مطلوب و رضایت بخش صورت میگیرد، پاره ای از فعالیتهای جدید و پرمفعت در این حرفه وجود دارد که بآن «تولید نو» نام گراورده اند که از جمله آن میتوان «پرورش حیوانات پوستی» بمنظور تولید پوستهای قیمتی و زینتی «پرورش حیوانات لذیذ گوشت» نظیر ماهی قزل آلا، کبک و دراج و غیره را نام برد که پرورش بزهای تولید کننده کرکهای ظریف و ارزنده نظیر بز آنقوره تولید کننده محصول «موهر» بز کشمیر و بالاخره بز مرغز در زمره آنها قرار گرفته اند.

«این فعالیتهای گذشته از اینکه موجب ازدیاد ثروت و بنیه مالی روستاییان می شود و تنوعی بکار آنها می بخشد، از نظر اینکه پایان زندگی بکشتارگاه ختم میشود لذا در خلال تولید محصول ارزنده بر تولید گوشت نیز در سطح مملکتی افزوده می شود و بعبارت دیگر «باجرای یک فعالیت، دو بهره عاید دامپرور میگردد.



بز مرغز

تولید کننده محصول کرک

نوشته - دکتر محمد ستاری

باینکه در ایران از زمانهای بسیار قدیم پرورش بز معمول و متداول بوده است و هم اکنون نیز در بسیاری از مراکز دامپروری کشور متجاوز از نصف گله‌های گوسفندان را بزهای نژاد محلی تشکیل میدهند، ولی باید اذعان کرد که هنوز مطالعه و بررسیهای دقیقی در شناسایی استعداد های نژادی این حیوانات در کشور بعمل نیامده و استاندارد و مشخصات نژادی برای هیچیک تدوین و تنظیم نشده است.

تنها مطالعاتیکه در این زمینه بعمل آمده بررسی‌هایی است که توسط بخش پرورش گوسفند مؤسسه دامپروری و تحقیقاتی امین آباد دانشگاه تهران با همکاری افراد مطلع و پرورش دهندگان بصیر صورت گرفته و موفق گردیده است اطلاعاتی در زمینه دو نژاد از بزهای مستعد تولید کرک «بز نژاد رائین» در استان کرمان و «بز نژاد مرغز» در استان کردستان بدست آورد. بدیهی است با تنظیم این اطلاعات طرحهای اصلاحی بموقع تدوین و در صورت امکان بمرحله اجرا درخواهد آمد.

همانطوریکه گفته شد هر دوی این نژادها استعداد تولید کرک‌های ظریف را داشته و از نظر تولید این محصول مورد توجه میباشد و مسلماً چنانچه در اصلاح نژاد و کیفیت پرورش آنها دقت لازم معمول گردد میتوان واحدهای اقتصادی و پر ارزشی از این بزها در کشور پرورش داد و در عین حال بر میزان تولید شیر و گوشت آنها نیز بمقدار قابل توجهی افزود.

بز از نظر جانور شناسی و عوامل ژنتیکی پستانداران از نظر جانور شناسی بدو رده تخم گذاران Prototheria و زنده زایان Eutheria تقسیم میشوند.

رده زنده زایان شامل کلیه پستانداران زنده‌زای حقیقی میباشد و بدو دسته کیسه داران (Marsupials) *Didelphia* جفت‌داران *Monodelphia* تقسیم میشوند. در راسته کیسه داران جفت کاملاً رشد نمی‌کند و برعکس در راسته جفت داران رشد جفت بطور طبیعی صورت میگیرد و خود از راسته‌های متعدد تشکیل یافته است که عبارتند از راسته حشره خواران *Insectivora* راسته خفاشها *Chiroptera* راسته بی‌دندانان *Edentat* راسته *Pholidota* راسته جوندگان *Rodentia* راسته گوشتخواران *Carnivora* راسته جفت‌سمها *Artiodactyla* راسته تک‌سمیها *Perissodactyl* راسته خرطوم داران *Proboscidea* راسته نهنگها *Cetacea* بالاخره راسته پرمیماها *Primate*

در راسته جفت سمها که قبلاً نام برده شده است انگشت سوم و چهارم رشد زیادی کرده و تشکیل یک جفت‌سم اصلی را میدهند. از سایر انگشتان نیز فقط آثاری دیده می

صفحه ۱۰۰

شود.

جفت سمها را نیز بنوبه خود سه راسته تقسیم میکنند: ۱- راسته *Suiformes* که در آن خوک وحشی و اهلی واسب آبی قرار گرفته ۲- راسته *Tylopoda* که در آن فامیل شترها *Camelidae* جای گرفته و شتر ولاما در جزو آنها هستند و بالاخره راسته *Ruminantia* یا نشخوار کنندگان که جفت‌سم های علف‌خوار هستند و معده آنها از چهار قسمت شکمبه و نگاری - هزارلا و شیردان تشکیل شده است.

راسته نشخوار کنندگان نیز بنوبه خود بچند طبقه بزرگ تقسیم میشوند و یکی از طبقات، *Bovidae* است که خود سه گروه تقسیم بندی شده است.

باید دانست یکی از وجوه تمایز سه گروه فوق بواسطه توپر بودن و یا توخالی بودن شاخ آنها است. بدین معنی که در گروه *Antilopines* دامها دارای شاخهای توپری میباشد مانند گوزن و غزال و در گروه دوم یعنی *Ovinés* دامها دارای شاخهایی هستند نه مجوف نظیر گوسفند و بز و در گروه سوم یعنی *Bovines* دامها دارای شاخهای توخالی هستند و مجاری مرکزی شاخ از طرفین به سینوسهای استخوان پیشانی نیز مربوط است نظیر گاو میش و گاو.

بز از نظر حیوان شناسی بگوسفند خیلی نزدیک است و شاید دارای سلف مشترک نیز باشد و امروزه این امر حتی بوسیله علم ژنتیک نیز کم و بیش مورد تأیید قرار گرفته است. در اوایل اهلی شدن بز انسان بیش از گوسفندان باین حیوان توجه داشت لذا گوسفند همه‌جا از بز کمتر بوده رفته رفته از تعداد بزها کاسته شد و گوسفندا جایگزین آنها گشتند.

سلف وحشی بزهای آسیا و آفریقا «بز خنجرى شاخ» *Capra aegagrus* نامیده میشود که شاخهایش مانند خنجر بطرف عقب برگشته و محل زندگی آنها در نواحی بحر خزر و افغانستان و بلوچستان بوده است. بزهای وحشی دیگری نیز در آسیا وجود داشت که بنام «شاخ پیچ» *Capra falconeri* معروف هستند و دارای شاخهای طویل پیچیده میباشد که در ترکستان و افغانستان و جبال هیمالیای غربی زندگی میکردند. در دو هزار سال قبل از تولد مسیح یعنی همان موقعی که گوسفند دنبه‌دار پیدا شده نسل بز شاخ پیچ رو بانقراض نهاده و بز دیگری موسوم به «بز مارپیچی شاخ» *Capra persica* که شاخهایش مارپیچی شکل و به طرف بالا و عقب متمایل است روبافزایش نهاد.

بز اهلی *Capra Hircus* آنقوره - بز کشمیر - بز مرزی و بالاخره بز مرغز که ذیلاً درباره آن مطالبی عنوان خواهد شد

از نسل بزهای وحشی مزبور هستند. چنانچه از نظر ژنتیکی بخواهیم نژاد بز را مورد مطالعه قرار دهیم بدلائل زیر ثابت شده است که بز قبل از گوسفند وجود داشته و برائش موتاسیونهای ژنتیکی و کروموزمی تبدیل بگوسفند شده است.

۱- تعداد کروموزمهای بز ۶۰ عدد است در صورتیکه تعداد کروموزمهای گوسفند ۵۴ عدد میباشد.

۲- در گوسفند ۴۸ عدد از ۵۴ عدد کروموزمها آکروساتتریک میباشد و ۶ عدد آن متاستاتتریک، در صورتیکه کلیه کروموزم های بز ۶۰ عدد آکروساتتریک اند.

بنا به عقیده ما کینو *Makino* که با استدلال قوی توأم است میتوان ادعا کرد که در جریان تکامل، ۱۲ عدد از کروموزمهای بز بهم پیوسته گشته و تبدیل به ۶ کروموزم متاستاتتریک شده است و بالاخره در اثر این چنین تغییر و تبدیلی در کروموزمها که همراه با موتاسیونهای مربوط بوده است موجبات پیدایش گوسفند در طبیعت فراهم گردیده است.

سابقه پرورش بز مرغز در ایران باینکه صنایع مربوط بنساجی با استفاده از الیافی نظیر کرک - موهر - موی کشمیر که همه آنها از بزهای مستعد بدست میآید طی یکی دو قرن اخیر در دنیا متداول گردیده است ولی دوره استفاده از این الیاف بطور عادی و طبیعی حتی از تاریخ مدون بشر هم قدمت بیشتری دارد.

بطوریکه از نوشته‌های انجیل برمیآید موهر و کرک و الیاف نظیر دیگر در زمان حضرت موسی نیز مورد استفاده قرار میگرفته و در همان ایام و مدتها قبل از آن نیز این رشته‌های ظریف و درخشان در تهیه پوشاک اهمیت و اعتبار فراوانی داشته است.

سنگواره‌ها و اجساد کشف شده در لرستان - ایلام - کردستان و نواحی دور و نزدیک ثابت می‌کند که مرکز اصلی پرورش این نژادها در آسیای صغیر آن روز ترکیه و نواحی غربی ایران امروزی بوده است.

در مورد چگونگی ورود بزهای تولید کننده الیاف ظریف نظیر بز آنقوره و بز مرغز و نظایر دیگر باین نواحی، تاریخ شناسان حدس میزنند که صحرائشینان و بربر های ساکن فلات تبت در اثر ناملایماتی که بآنها وارد میشده است جایگاه خود را ترک کرده و آواره و سرگردان از طریق ایران و راههای اصلی ساحلی دریای خزر بعد از گذشتن از دریاچه وان به ترکیه رفته و در اثر این فعل و انفعالات در مسیر آنها پرورش بزهای تولید کننده کرک و نظایر دیگر میسر گشته است.

تا زمانیکه صنایع نساجی دنیا احتیاجی به الیاف کرک یا موهر و موی کشمیر پیدا نکردند تولید این محصول در حد معمولی و بسیار ناچیز بوده و اصولاً بازارهایی نیز

در ممالك خارجی برای این فرآورده‌ها وجود نداشت ولی در سال ۱۸۳۵ که برای اولین بار انگلستان بکمک ماشینهای مخصوص نساجی پی بارزش کرک و موهر و موی کشمیر در نساجی و بافت پارچه‌های ظریف وارزنده برد روز بروز براهمیت این کالا افزوده شد و دیگر پرورش عادی بزهای مستعد تولید کننده کرک کفاف نیازمندیهای مصرف کنندگان را نمیداد.

قبل از این تحول و در آن زمان قسمت اعظم الیاف نامبرده بخصوص موهر از کشور ترکیه باروپا صادر میگردد ولی از آن بعد بتدریج سایر ممالك تولید کننده از جمله ایران نیز در ردیف صادر کنندگان کرک درآمد بطوریکه در حال حاضر یکی از اقلام صادراتی کشور ما را کرک تشکیل میدهد.

در ایران با اینکه کیفیت کرک بز مرغز در حد خود ممتاز میباشد ولی بر اثر عدم توجه به پرورش آن مقدار تولید بسیار کم است و تعداد بزهای اصیل در مراکز اصلی پرورش یعنی نواحی سقز - بانه - مریوان از ۳۰ هزار رأس تجاوز نمی‌کند.

مشخصات بز مرغز

بز مرغز را میتوان در زمره یکی از حیوانات مقاوم و کاملاً روستایی بشمار آورد. تجربه نشان داده است که این حیوانات را میتوان همراه با گوسفند و گاو نگاهداری کرد و حیوان را به پرورش محبوس نیز عادت داد و اتفاقاً این روش پرورش بامنافع اقتصادی بیشتری نیز توأم میباشد و خدمات مربوط نیز به حداقل تقلیل مییابد.

بزهای مرغز چنانچه اصیل باشند دارای بدنی کشیده و متناسب بوده - جلو سینه آنها عریض و عمیق میباشد. بزهاییکه کوتاه و باصطلاح خپله بنظر میرسند نباید برای جفتگیری و نگاهداری خریداری و یا وارد گله شوند.

صاف بودن پشت - برآمدگی متناسب دنده‌ها - عریض بودن پشت و کمر - داشتن دست و پاهایی قوی و چابک از مشخصات بسیار مطلوب بزهای اصیل مرغز بشمار می‌رود.

سر حیوان ظریف و متوسط بابرآمدگی خفیف در ناحیه پیشانی و روی بینی میباشد. گوشهای بلند و پهن و افتاده جزء مشخصات مورد توجه میباشد.

رنگ الیاف بخاطر اختلاط متعدد و نابجائیکه در بین بزهای محلی بعمل آمده است الوان ولی مرغوب ترین آن رنگهای سفید - خرمائی - وحنایی میباشد.

شاخ در نر و ماده وجود دارد ولی در نرها طولتر میباشد. شاخها در بزهای اصیل پرنک خاکستری درخشان است و محل رویش آنها فاصله‌دار میباشد. شاخهاییکه برنگ قهوه‌ای سیر است و یا بسیاهی گرایش دارد، چندان مورد نظر نیست. گردن حیوان نیز

طولیل و باریک است و از کرک پوشیده میباشد.

موها بلند، مجعد و شبیه ابریشم است - دم کوتاه و پس از انشعاب در جهت بالا، امتداد یافته است. در بزهای مرغز سر - دستها، پاها و تنه حیوان پوشیده از کرک بوده و میزان گسترش کرک در بدن گاهی از ۸۵ درصد هم بیشتر میشود.

مقدار کرک سالیانه بزهای ماده ۱۲۵ و بزهای نر ۲ کیلوگرم میباشد که مسلماً با اصلاح نژاد حیوان و بهبود بخشیدن به نحوه پرورش میتوان بطور قابل ملاحظه‌یی به کیفیت و کمیت محصول کرک افزود.

محصول شیر روزانه در این نژاد بین ۱ تا ۱۲۵ لیتر بطور حداکثر میباشد و باین ترتیب ملاحظه میشود که بز مرغز از نظر تولید شیر نیز کمتر از سایر نژادها نبوده و در جمع تولید مقدار قابل توجهی محصول تولید مینماید. دوره شیرواری ۶ ماه و مقدار چربی شیر نیز نسبتاً زیاد میباشد.

محصول گوشت نیز مناسب است و در اثر پرواربندی که بندرت در محل صورت میگیرد ممکنست وزن لاشه به ۱۵ الی ۱۸ کیلوگرم برسد. میزان زایش یکبار در سال و تعداد دوقلو زایی از ۱۲ الی ۱۵ درصد تجاوز نمی‌کند.

محل نگهداری بزها - چگونگی پرورش و نوع تغذیه رویهمرفته چندان مناسب نیست و مسلماً برای احیای این نژاد باید بتعویض کلی آنها پرداخت و روشهای جدید دامپروری را جایگزین عملیات قدیم و کم استفاده سابق ساخت.

نوعی از بزهای مرغز که در کردستان بنام بزهای مرزی نامیده میشود دارای کرکهای مخصوصی است که از حیث لطافت حد وسط بین پشم و مو میباشد و هر قدر سن حیوان کمتر باشد لطافت - ظرافت و چین و شکن تار کرکها بیشتر بوده و جلای مخصوص ابریشمی در آن دیده میشود.

محصول سالیانه مو و کرک بزها در کردستان جمعاً ۵۰۰ تا ۸۰۰ تن میباشد که از این الیاف در محل برای صنایع دستی و بافت شالهای زیبا و پارچه‌های دستباف استفاده میشود و از انواع کرکهای درجه ۲ چادر و منسوجات نظیر آن تهیه میشود، ولی همان طوریکه گفته شد قسمت اعظم کرکهای تولیدی بخارج صادر میگردد.

مشخصات کرک بز مرغز بر طبق آزمایش‌هاییکه در بخش تکنولوژی پشم دپارتمان اصلاح نژاد و تغذیه دام دانشکده دامپزشکی بعمل آمده عبارتست از:

راندمان ۹۲ درصد ظرافت (قطر الیاف) ۱۰ تا ۱۵ میکرون، طول متوسط ۱۴۰۵ سانتیمتر.

در حال این کرک در ردیف یکی از بهترین الیاف مرغوب حیوانی طبقه بندی شده و

پارچه‌های حاصله از آن نرم - همراه با جلا و شفافیت خاصی میباشد.

تارهای کرک را میتوان با انواع الیاف ونخهای مصنوعی و طبیعی دیگر که در تهیه منسوجات بمصرف میرسد نظیر پشم - مو - والیاف گیاهی نظیر کتان - کف - پنبه - و همچنین الیاف مصنوعی مانند پرلون و نایلون مخلوط کرد و از اجتماع آنها منسوجات متعددی که هر یک دارای ارزش و مرغوبیت مخصوص بخود میباشد تهیه و بیازار عرضه داشت.

الیاف کرک در ایران از نژادهای دیگری از بزها بنام «نژاد رائین» که در کرمان پرورش داده میشود بدست میآید و نژادهایی از شترهانی (نژاد کلکو) کرکهای یکدست و مرغوبی تولید مینمایند. حسن تولید محصول در این نژادها، اینستکه میزان اختلاط کرک با مو در حداقل ممکن است و باصطلاح محصول تولیدی کم و بیش و بطور یکدست از کرک تشکیل یافته است در صورتی که نژادهای دیگر بز در ایران که تولید مو و کرک می‌کنند محصول کرک بسیار ناچیز و غیر مرغوب است و بعلاوه میزان اختلاط آنها بامو فوق‌العاده میباشد. معمولاً برای عرضه نمودن محصول کرک در بازار باید سعی شود کلاً بطور یکدست و عاری از الیاف مو باشد تا بتواند حداکثر قیمت را عاید دامدار یکند زیرا در غیر اینصورت قیمت کرک که لااقل ۲ تا ۴ برابر مو میباشد بنحو فاحشی تنزل می‌کند و گاهی با قیمت مو خرید و فروش میشود.



فارسی در کاربردهای اختصاصی ، مانند نامه نگاری اداری ، روزنامه نویسی ، نوشته های فضائی ، نمایشنامه نویسی و ...



بطور کلی باید دانست که زبان يك عنصر ثابت نیست بلکه بطور دائم در تغییر و تحول است .
نطق های رسمی را به دقت گوش بدهید و آنها را با هم مقایسه کنید خواهید دید که تنوع و
زیبایی در آن ناچیز است و همه مکرر است .
فارسی بدترین و ناهنجارترین کاربرد را در امور اداری دارد . مکاتبات اداری بیشتر غلط
و بی بند و بار و مهمتر از همه قالبی است .
نثر روزنامه یی در گذشته اگر چه از ذوق هنری مایه نمی گرفت ولی از فن درست نویسی و
ادبیانه نویسی بیشتر از امروز مایه داشت ولی امروز غالباً از خدا رانده و از خانه مانده است.
نمایشنامه عکس بر گردان زندگی است.



ن والقلم وما یسطرون .
سوگند به قلم و آنچه با آن مینویسند .
اقرء وربك الاکرم . الذی علم بالقلم .
بخوان و پروردگار تو کریم است .
پروردگاری که نوشتن را باقلم آموخت .
گروهی انبوه در جهان امروز به زبانی
سخن میگویند که پارسی نام دارد . گذشته از
مردمی که در حدود جغرافیائی کشور ایران
زندگی میکنند در نقاط دیگر جهان نیز
زبان فارسی رواج دارد . در حقیقت حدود
جغرافیائی کشور بر حدود جغرافیائی زبان
فارسی منطبق نیست .

ما میخواهیم بینیم زبانی که این گروه
وسیع از مردم از آن استفاده میکنند نزد
هر فارسی زبان ، یکپارچه و یکدست و بی کم
وکاست است . یعنی هر فارسی زبانی همه
واژه ها و ترکیب های موجود را در زبانی
که کلاً فارسی خوانده میشود با يك تلفظ و
یکسان بکار میبرد .

بی شک عبارت «زبان فارسی» يك اسم
کلی است که مسمای آن به اجزاء و بخش ها
و قسمت های متعددی تقسیم میشود که هر يك
با دیگری از جهات گوناگون کم و بیش

اختلاف دارد یعنی زبان فارسی در چهار
چوب خود تقسیم های دیگری دارد و در
حقیقت يك کلید نیست که بهر قفلی بخورد
بلکه یکدسته کلید است که مجموع آن قفل
های متعدد را باز میکند .

زبانی که سمنانی ها یا سرخه یی ها یا
سنگسریها بدان صحبت میکنند فارسی است
اما نه آن فارسی رسمی و استاندارد که
بدان برای سراسر کشور نامه مینویسند و
روزنامه و کتاب منتشر میکنند ، در مدارس
تدریس میکنند و دستگاه دولتی با آن سخن

میگوید و رادیو و تلویزیون مطالبش را بدان بخش میکند بلکه زبانی است که در یک حوزه محدود از کشور بدان سخن گفته میشود. برای اینکه تفاوت این دو دسته وسیله تفهیم و تفاهم معین باشد آنچه را که ارتباط کلی بین مردم ایجاد میکند زبان نامیده و آنچه را در میان مردم یک منطقه و یا یک قوم و قبیله پل تفهیم و تفاهم است لهجه یا گویش گفته اند.

پس ملاحظه میکنیم که از این جهت زبان فارسی یک تقسیم دو گانه پیدا میکند، زبان و لهجه یا گویش.

در بحث ما سخن بر سر زبان فارسی است و نه گویش ها و میخواهیم ببینیم آیا همین زبان فارسی که «زبان» است نه لهجه یا گویش در سطح های مختلف یکسان بکار میرود یا باز هم در چهار چوب زبان بودنش کار بردهای مختلف و متفاوت دارد.

ممکن است یک فارسی زبان گذشته از زبان رسمی کشور به یک گویش محلی نیز سخن یا احیاناً شعر بگوید یا کتاب و مقاله و داستان بنویسد.

ولی ما با آنچه بنام لهجه و گویش شناخته میشود در این گفتار کاری نداریم. بحث پیرامون آن نوع از زبان فارسی است که در سراسر کشور و در محدود جغرافیائی ایران بدان گفتگو میشود و فارسی زبانان آن را می فهمند و از ظرافت ها، نازک کاریها و لطایف آن لذت میبرند.

بطور کلی باید دانست که زبان یک عنصر ثابت نیست بلکه بطور دائم در تغییر و تحول است. تغییر در زبان گفتاری بیش از زبان نوشتاری حادث میشود زیرا زبان نوشتاری حالت ثبوت و ضبط شده دارد و از سیلان و تحرك زبان گفتاری برخوردار نیست. شاید زبان نوشتاری را بتوان به سنگ ها و صخره های کوهستانها و دامنه ها تشبیه کرد که بعزت ثباتی که دارند کمتر دستخوش فرسایش میشوند و فرسایش آنها گذشته از ببطء و کندی در جهت صاف و صیقل کردن نیست و خشونت و زبری و تیزی برجای میماند.

زبان گفتاری به سنگ های بستر رودخانه های پر آب شباهت دارد. همچنانکه جریان آب این سنگ ها را بر روی هم می غلتاند و به یکدیگر میزند که در نتیجه صاف و بی زاویه میشوند و خشونت آن ها از بین میرود زبان گفتاری نیز بر اثر سیلان و جریان دایمی نرم تر و صاف تر است. تلفظ آن همیشه از زبان نوشتاری آسان تر است و انعطاف بیشتری دارد و اگر چه موارد استعمالش محدود است گویاتر و موثر تر است.

مثلاً تیغ هی میتراشه، هی میتراشه حسین منو هل داد، رضا تقی را هو کرد، «میرم خونه»، «بهش می گم»، که از گفتن آنها بصورت ادبی از لحاظ معنی پربارتر و از لحاظ تلفظ آسانتر است.

تحول در زبان، هم کلی است و هم جزئی. نگفته پیداست که تغییر هر کیفیت مبتنی موجب تغییر کمیت میگردد و بالعکس، بنابراین وقتی اجزاء زبان که در این بحث کوچکترین واحد آن «کلمه» در نظر گرفته شده تغییر میکند موجب تغییر در جمله و عبارت و حتی مفهوم میشود. تغییر و تحول در تمام عالم هستی بدو صورت روی میدهد تدریجی و ناگهانی. زبان هم از این قاعده کلی مستثنا نیست. تحول کلی را در زبان های ایرانی میتوانیم در تبدیل زبان فارسی باستان به پارسی میانه و از آن بفارسی دری مشاهده کنیم که بحث در علل و اسباب این گونه تحولات در حوصله این جلسه نیست. اما تغییر تدریجی همیشه وجود دارد و عوامل بسیار میتواند موجب آن گردد که شاید مهمترین آنها عامل ارتباط و آمیزش اهل زبانهای مختلف با یکدیگر باشد. عامل دیگر را می توان کاربرد دانست.

هر چه از زبانی بیشتر استفاده شود بیشتر دستخوش تحول می گردد و این تحول غالباً در جهت آسانی گفتار سیر میکند چنانکه واژه خشروئیریه *Xašsaravaeiriya* به شهریور و رثوخشن *Raoxšana* به روشن تبدیل شده است و کلمه خواب *Xovab* در فارسی دری به خواب *Xab* بدل شده است.

تغییر و تحول در کاربرد های زبان نیز متفاوت است و از نظر شدت و ضعف اختلاف دارد. در برخی از کاربردها از کلمه و عبارتی که حدود و ثغور معین و مشخص نداشته باشد و از القاء مفهوم واحد مشخص در اذهان عاجز بماند نمیتوان استفاده کرد. در اینگونه کاربرد ها زبان از تحول کمتری برخوردار است. مثلاً در کاربرد زبان برای مسائل قضائی و حقوقی تحرك ناچیز است و بهمین علت کمتر میتوان دگرگونی در آن دید.

در زبان ادبی خاص که آن را در زبان فرانسه *Belle Lettre* میگویند تغییر بیشتر است. چه اینگونه نوشته ها از تخیل و ذوق و قدرت آفرینندگی نویسنده و شاعر مایه میگیرد و در ردیف مطالب هنری قرار دارد و مانند هنرهای دیگر مرز نمی شناسد و به زمان و مکان مقید نمیشود. قاعده و قانون را وحی منزل نمیداند بلکه با شکستن الگو های از پیش تعیین شده راه رشد و توسعه خود را پیدا میکند.

شاعر و نویسنده با اتکاء به نفس و قدرت خلاقه خود دستور و قاعده می آفریند. سعدی «اولیتر» بکار می برد و ناصر خسرو «بودش» و آن دیگری «پیدایش».

در نثر ادبی مخصوصاً کلمات طوری انتخاب و ترکیب می شوند که مفهوم آن ها در یک خط مشخص پایان نرسد، بلکه همچنانکه از انداختن سنگی در دریاچه ای یک

سلسله امواج حلقوی تو در تو ایجاد میشود و دامنه پیدا می کند و موجی موج دیگر را برمی انگیزد، یک کلمه و عبارت ادبی در ذهن خواننده باید چنین کند. اندیشه او را بدور ببرد و اندیشه ای در پی اندیشه ای در ذهن او بیدار شود و باصطلاح دیگر معانی و مفاهیم مختلف را در ذهن تداعی کند.

در آثار ادبی جلوه های گوناگون زندگی و طبیعت منعکس است. ادبیات آئینه است. نهایت اینکه آئینه ای بی نهایت نامحدود. هیچ رنگ و جلوه ای در عالم هستی نیست که ادبیات نتواند آن را نشان بدهد. اگر در آثار ادبی نقشی از آب و هوای مریخ آنچنانکه هست دیده نشود دلیل آن اینست که در این آئینه از زاویه مناسب نگاه نکرده ایم. میدان اندیشه آدمی باز است و ادبیات نگارگر اندیشه آدمی است.

هزاران سال قبل از اینکه انسان بتواند جسم سنگین خود را از روی کره خاکی جدا کند اندیشه او عمق آسمانها را شکافته، از عالم ناسوت به ملکوت و سرانجام به لاهوت رسیده است.

بدین سبب است که کاربرد زبان در ادبیات خاص با کاربرد آن در مواضع دیگر فرق می کند همچنانکه در هر یک از آن مواضع با دیگری.

حافظ می گوید.
گرچه گرد آلود فقرم شرم باد از همتم
گر به آب چشمه خورشید دامن ترکیم.
زبان قضائی «آب چشمه خورشید» را نمی پذیرد و برای آن معنی و مفهومی قایل نیست زیرا آن زبان بر بنیان واقعیت های زندگی استوار است. برای قانون خوب و بد از نظر اخلاقی و نظم اجتماعی مفهوم دارد. قانون تابع منطقی است که مقدمه فلسفه و در حقیقت مدخل آنست. اما در عالم ادب هیچ واژه ای از نظر بد و خوب معنی، ارزیابی نمی شود. هر کلمه به شرطی که در سر جای خودش و در مواضع دقیق و حساب شده ادبی، از نظر دستوری و بدیع و بیان بکار برود ارزشمند است اگر چه ذکر آن با اخلاق یا قانون مغایرت داشته باشد. اخلاق، کلمات و عبارات و تعابیر را از نظر معنی زشت و زیبا میکند، سیاست به مصلحت می اندیشد، در نثر اداری رعایت مراتب مداخله میکند، ولی در ادب اینطور نیست. در ادب نازیبا، واژه یا اصطلاح یا تعبیری است که در جای خود بکار نرفته باشد ولو آنکه جدا از عبارت بهترین و زیباترین مفاهیم را دارا باشد.

زلف آشفته و خو کرده و خندان لب مست پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست نرگش عربده جو و لبش افسوس کنان نیمه شب مست بیالین من آمد بنشست شاید همه اعمالی را که معشوقه حافظ در این دوبیت انجام داده از نظر قانون و اخلاق جرم و مردود باشد اما هیچ کس

منکر جای برجسته این اشعار در ادب فارسی نیست.

منطق ادب منطق دیگری است و ادبیات را نمیتوان و نباید با منطق ارسطو که از اصل نادرست است و یک ترازوی نامیزان و غیر دقیق و غیر علمی است مقایسه کرد. پس کاربرد زبان در مواضع و جایهای مختلف کاملاً متفاوت است.

۱- کاربرد زبان در سیاست

اینهمه سخنرانی در مجامع مختلف می-شنوید یا متن آنها را در جایهای گوناگون میخوانید. اگر موضوع آنها یکی است شیوه بیان آنها نیز تفاوت چندانی ندارد مثلاً سخنرانیهایی که به مناسبت یک رویداد بزرگ سیاسی میشود، اگر نه همه، بلکه بیشتر آنها دارای یک ستون فقرات کوچک و نازک و خرد است مثلاً اعزام سپاهیان انقلاب به روستاها. من بدون اینکه قصد تبلیغی داشته باشم میگویم ستون فقرات این کار عظیم را در زبان سیاست یک جمله تشکیل میدهد «اعزام سپاهیان انقلاب، جهل و فقر و بیماری را از روستاها ریشه کن میکند».

اگر سخنران یا نویسنده اهل سیاست باشد و یکساعت حرف بزند و یا ده صفحه بنویسد همین مفهوم را تکرار میکند یعنی از روی یک نوشته از اینگونه، اگر فرهنگی یا دوستانه و از تشکیلات گردد، از یک نوشته ادبی در همین زمینه و حجم فرهنگی که چند برابر واژه با تعبیرهای زیبا و دلنشین دارد

بوجود می آید. نطق های رسمی را به دقت گوش بدهید و آنها را باهم مقایسه کنید خواهید دید که تنوع و زیبایی در آن ناچیز است و همه مکرر است و گفته اند:

مکرر گر همه قند است خاطر را کند رنجه زیاد ام بد آید بسکه خواندم چشم بادامی ملاحظاتی سیاسی و مصلحت اندیشی عامل اصلی تنگی دایره این زبان است و دیگر اینکه سیاستمدار را با ادیب فاصله بسیار است. البته ممکن است ادیبی در امور سیاسی دخالت داشته باشد یا بالعکس سیاستمداری با ادب آشنا باشد. هر قدر نزدیکی میان ادب و سیاست بیشتر باشد فاصله کاربرد زبان در سیاست و ادب کمتر میشود.

بهر حال زبان ادب از تکرار گریزانست و آن را نازیبا میدانند. زیرا زبان ادب پر تحرك و شکوهمند است. ادیب دارای خلاقیت هنری است. زبان اورنگ و جلوه دیگر دارد، خشک و رسمی نیست. اینجاست که می-بینیم این زبان، دیگر است و زبان سیاست دیگر.

من یک قطعه در باره سپاهیان انقلاب انتخاب کرده ام که به زبان ادبی نوشته شده است ولی چون وقت کوتاه است از خواندن صرف نظر می کنم.

اینک تا آنجا که وقت اجازه بدهد به بعضی دیگر از کاربرد های زبان اشاره می-کنم.

۲- کاربرد زبان در مکاتبات اداری

شاید با جرات و بدون معذرت خواهی بتوان گفت: فارسی بدترین و ناهنجارترین کاربرد را در امور اداری دارد. مکاتبات اداری بیشتر غلط و بی بند و بار و مهمتر از همه قالبی است.

اگر اینطور نبود، اینهمه کارمندی که در حدود شش کلاس ابتدایی سواد دارند نمیتوانستند آن را بیاموزند و پشت میزها بنشینند و چرخ عظیم اداره مملکت را بد یا خوب، درست یا نادرست و تند یا کند بچرخانند.

در نوشته های اداری سعی در رعایت اختصار میشود ولی این اختصار صرف نظر از اینکه همیشه با موازین زبان انطباق ندارد غالباً مغلطه معنی نیز هست. شاهکار نویسندگان بش نویس های اداری برای کوتاه کردن نامه حذف افعال است.

مثلاً:

دایره کارگزینی

از طرف مقام ریاست دستور داده شده که عده ای به آلمان اعزام تا مسایل مورد احتیاج را مورد مطالعه و گزارش آن را تهیه و بوسیله اداره انتشارات چاپ و برای مقامات مملکتی ارسال دارد. خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به انتخاب این عده اقدام و نتیجه را اعلام دارند.

در این نوشته «گردد»، پس از «اعزام» و «قرار دهند» پس از «مطالعه» و «نمایند» پس از «تهیه» و «نمایند» یا «گردد» پس از «چاپ» حذف شده است و فاعل فعل «دارد» نیز معلوم نیست که رئیس اداره، رئیس دایره کارگزینی، ابلاغ کننده دستور، اداره انتشارات، یا عده اعزامی است.

و اگر بخواهیم بجای هر فعل محذوف فعل بعدی را قرار دهیم نوشته مضحکی خواهیم داشت. پس از «اقوام» نیز فعل محذوف است.

یک نمونه دیگر:

«آقای احمدی از آمدن خودداری ولی آقای رضائی وظایف خود را به مورد اجرا گزارده خواهشمند است دستور فرمایید ایشان را تشویق موجبات دلگرمی او را فراهم آورند»

در این نامه بروشنی معلوم نیست که آقای احمدی خودداری کرده یا نکرده و مراد از ایشان، رضایی تنهاست یا احمدی نیز باید تشویق بشود و این ضمیر چرا در جای دیگر به مفرد بدل شده است. فعل متمم تشویق مثبت است یا منفی و چون فعلی در جمله نیست به قرینه باید «آورند» را گذاشت که چه مضحك میشود.

ممکن است بعضی بگویند: وقتی مقصود کلی از نامه معلوم و مفهوم شود کافی است. می گوییم: شما ممکن است با اشاره هم مقصود خود را به دیگری تفهیم نمایید. دیگر

این وسیله تفهیم در مبحث زبان و کاربرد آن جای نمی گیرد. چنانکه گنگان و لالان نیز با آنکه مقاصد خود را تفهیم می کنند از ردیف لالان و گنگان خارج و زباندار نامیده نمی شوند. گذشته از این در مواردی نیز مقصود نویسنده مفهوم نمی شود یعنی نامه وافی به مقصود نیست.

اگر بخواهیم اشکال نامه های اداری را از نظر دستوری مورد گفتگو قرار دهیم سخن بدرازا می کشد.

گفتیم آفت سلامت و صحت و زیبایی نامه های اداری رعایت اختصار بنحو مغلطه است. اما در همین نامه های اداری که فعل و نیز گاهی حروف اضافه را بر رعایت اختصار حذف می کنند به جمله هایی از این نوع برخورد می کنیم که درازنویسی پیورده ایست.

بهمورد اجرا گزاردن بجای «کردن» اقدام مقتضی بعمل آوردن بجای «کردن» مورد تعقیب قراردادن بجای «دنبال کردن» اطلاع حاصل نمودن بجای «دریافتن»

خریداری کردن بجای «خریدن» حضور بهم رسانیدن بجای «حاضر شدن» بدتر از همه اینها، این کلمه «مورد» است که در اصل به معنی ورود شتر به آبخورد بوده، بعد به معنی اعم محل ورود و جای فرود آمدن شده است. این کلمه کم کم دارد در تمام نامه های اداری مسند نشین می - شود.

مورد دقت، مورد مطالعه، به مورد اجرا، مورد بررسی، به مورد نمایش، مورد اقدام، مورد تعقیب، در مورد فلان، مورد خرید، مورد فروش، مورد بی مهری، مورد آزمایش، در این مورد، مورد شکایت، مورد موافقت، مورد تقاضا، و هزاران «مورد» دیگر که در نامه های اداری بکار می رود.

۲- کاربرد روزنامه یی

این زبان همانست که در اخبار، تفسیرها، سرمقاله ها، و رپرتاژ های روزنامه ها مرتباً مطالعه می کنید. سطحی، ساده، پر- غلط، غالباً خشک و دور از موازین دستوری و ادبی است. حلاوت و شیرینی ندارد. فاقد شکوه و زیبایی است. در گوش نغمه لالایی نمی خواند و موجب یک انفعال نفسانی از بد و خوب نمی شود. کلمات و ترکیبها محدود است و اخیراً در همان سبک و سیاق، سخت در حال تحول و نزدیک شدن به زبان محاوره است که البته عیب آن نیست. آسانترین راه مشاهده تحول زبان روزنامه یی را در مقایسه اخبار مندرج در روزنامه اطلاعات این روزها و اطلاعات چهل سال پیشی که برای نمونه در هر شماره درج می شود میتوان مشاهده کرد. نشر روزنامه یی در گذشته اگرچه از ذوق هنری مایه نمی گرفت ولی از فن درست نویسی و ادبیانه - نویسی بیشتر از امروز مایه داشت ولی امروز غالباً از خدا رانده و از خانه مانده است.

در تالیف قانون و مطالب مربوط به آن اصل بر اینست که به قول فقها کلمه‌های انتخاب شده از اشتراك لفظی که عبارت از تعدد معانی مختلفه برای لفظ واحد و لغت واحد میشود برکنار باشد. مثلاً در قانون از کلماتی مانند عین یا شیر و غیره نباید بکار برود مگر آنکه معنی آن دقیقاً تعیین شده باشد. فقها نیز آن را جایز نمی‌شمردند و می‌گویند برای شارع استعمال لفظ واحد در اکثر از معنی واحد جایز نیست. مثلاً نمی‌توان گفت اگر کسی عینی را تباه کرد صد تومان جریمه شود. چه عین نزدیک به هفتاد معنی دارد. یا مثلاً اگر کسی شیر را از بین ببرد به پانزده روز زندان محکوم می‌شود.

در کاربرد قانونی، کلماتی بکار می‌رود که دارای حصر معنی است و گذشته از آن از ابهام و ابهام بدور است.

بله، در زبان قانون تنها يك معنی دارد و آن پاسخ مثبت است به پرسش، در حالیکه در زبان محاوره می‌تواند معانی متعددی را به شنونده القا کند و البته بستگی به این دارد که تکیه و کشش در ادای آن چگونه باشد. گذشته از این هاسم‌های معنی مثل سعادت‌مند، خوشبخت، بلند، کوتاه، که مفهوم معین و مشخص ندارد و حدود و ثغور آن از لحاظ معنی شناخته نیست در قانون بکار نمی‌رود. تعداد واژه‌هایی که در انشای قانون بکار می‌رود محدود و انشای آن قالبی و یکدست و یکنواخت است و تغییر و تحول در زبان قانون بطئی صورت می‌گیرد، بطوریکه اولین قانون مدون در ایران با آخرین آن از نظر سبك نگارش فرق چندانی ندارد و چون غالباً دارای اصطلاحات خاص است که بیشتر آنها از فقه اسلامی در آن راه بسته و یا ترجمه از اصطلاحات فرنگی است فهم و درك آن برای عوام خیلی آسان نیست و در پاره‌بی موارد من حتی در اینکه مشتغلین به آن، آن را بدرستی فهمیده باشند گاهی تردید می‌کنم.

صدور حکم‌های مختلف با يك مستند از محاکم متعدد و گاهی يك محکمه، مبین این حقیقت است که با این همه دقت، قوانین آنطور که باید تدوین نشده است و اگر قانون بنحوی تدوین شود که هر کس از آن استنباطی جداگانه داشته باشد معنی آن اینست که واضع، دقت لازم را در تدوین آن بکار نبرده و باصلاح آن را جامع و مانع تدوین نکرده است.

۴- کاربرد فارسی برای کارهای روزانه مقصود از این کاربرد، زبانست که مابا آن سبزی می‌خریم، با سلمانی راجع به چگونگی اصلاح سر و صورت خود صحبت می‌کنیم، با اهل خانه سخن می‌گوییم و در جایهای دیگری از این گونه بکار می‌بریم. در تمام پهنه این کاربرد حدود لغات به

چهار صد نمی‌رسد و کلمات در آن شکسته می‌شود. بجای «برویم»، «بریم»، و بجای بگوئیم «بگیم» و بجای «می‌زند»، «می‌زنه» بکار می‌بریم. اما این کاربرد مشخصه دیگری دارد که دارای ارزش فراوانی است. آن مشخصه اینست که هر طبقه و گروه و هر صنف و رده و دسته اجتماعی در محاوره، زبانی مخصوص خود دارد با تکیه کلامیایی که خاص آن طبقه و گروه و صنف و دسته است و از همین مشخصه است که داستان نویسان امروز برای معرفی بهتر قهرمانان داستان خود سود می‌جویند. مثلاً اگر شما بخوانید، احمد گفت: «خوش اومدی داش، زت زیاد، کرتیم». فوراً از احمد تصویریك باباشمل داش مشدی در ذهن شما مجسم می‌شود.

در حقیقت نحوه کاربرد زبانی هر کس معرف شخصیت اوست.

۵- کاربرد زبان در داستان نویسی

زبان در داستان نویسی صرف نظر از آشفتگی‌هایی که دارد به سه صورت بکار می‌رود. عامیانه، ادبی و ادبی-عامیانه. يك داستان ممکن است تماماً بصورت يك نقل قول مستقیم نوشته شود. در این صورت عامیانه نوشته می‌شود و این بستگی به شخصیت کسی دارد که داستان از زبان او بازگو می‌شود. هرچه راوی داستان عوام‌تر باشد زبان داستان عامیانه‌تر می‌گردد و بالعکس حتی زبان وقتی بصورت نقل قول مستقیم است هیچ ادیبی هم از گفتار عامیانه برکنار نمی‌ماند، ولی باز هم بین گفتار او و دیگر مردم تفاوت است.

ادیب در زبان گفتاری از نظر ادبی تسامح می‌ورزد، جمله‌ها را بریده و کوتاه و کلمات را شکسته ادا می‌کند در حالیکه در نوشتن دچار این بی‌دقتی نمی‌شود.

در داستان‌هایی که بزبان ادبی نوشته می‌شود همه اشخاص و قهرمانان داستان به زبان ادبی سخن می‌گویند حتی رفتگر بسواد، چاقو کش، داش مشدی یا یکم، از افراد فلان صنف که هر يك زبانی جداگانه دارند. عبارات، سلیس و پخته واژه‌ها صحیح و سالم و بی فرسایش بکار می‌رود. ادیبانی که در داستان نویسی چنین زبانی را بکار می‌برند از کار برد زبان عوام ننگ دارند، البته می‌کشند قهرمانان خود را بنحوی انتخاب کنند که باصلاح لفظ قلم حرف زدن با آنان تناسب داشته باشد ولی غالباً در این کوشش توفیق نمی‌یابند چه ناچار اشخاصی از عامه مردم در داستان راه پیدا می‌کنند که اصلاً سواد ندارند.

ولی این دسته از نویسندگان، گفتارهای این افراد را هم ادیبانه می‌نویسند، که البته این درست نیست. اما آنانکه رعایت اصل امانت ادبی را در داستان نویسی می‌کنند، آنچه در توصیف مناظر و صحنه‌های داستان و حالات افراد

می‌نویسند ادیبانه و کامل و به زبان نوشتاری ادبی است و آنچه از قول قهرمانان و اشخاص داستان نقل می‌کنند متناسب با شخصیت و تحصیلات و موقعیت اجتماعی قهرمانان می‌نویسند و این پسندیده‌ترین شیوه‌ها در داستان نویسی است البته هر سه نوع نوشته ادبی است و از ذوق و هنر و قدرت آفرینندگی نویسنده مایه دارد.

۶- کاربرد زبان در نمایشنامه نویسی

در نمایشنامه نویسی کار نوشتن بسی دشوار است. غالباً ضرورت سخن گفتن هنرپیشه و بازیگر در روی صحنه آنچنانکه بازندگی عادی منطبق باشد ایجاب می‌کند که نمایشنامه ساده و روان باشد به نحوی که ادای عبارات ایجاد مشکل برای هنرپیشه نکند چه نمایشنامه عکس برگردان زندگی است و نمایش جلوه آن یا شاید بهتر است بگوئیم زندگی نمایش است آنچنانکه نصرت گفت:

زندگی بازیست،
ما خود صحنه می‌سازیم تا بازیگر بازیچه
های خویشان باشیم.

وای ازین درد درون فرسای
من بازیگر بازیچه‌های دیگران بودم
گرچه می‌دانستم این افسانه را از پیش
زندگی بازیست.

در نمایشنامه گفتگوها (Dialogue)

نباید مصنوعی باشد. از این رویان در کاربردش برای نمایشنامه نویسی شدیداً بر زبان گفتار منطبق می‌شود.

زبان گفتاری برای انواع نمایشنامه‌ها بکار می‌رود مثل نمایشنامه برای صحنه، نمایشنامه تلویزیونی، نمایشنامه رادیویی، نمایشنامه عروسکی و «سناریو» یعنی نمایشنامه برای فیلم. تنها نمایشنامه لال بازی (Pantomime) از این قاعده مستثنی است چه بازیکن این نمایش که میم (mime) نامیده می‌شود به گفتار نیازمند نیست زیرا هنرپیشه تنها باحالات و حرکات عضلات صورت و اندام های دیگر خود ایفای نقش می‌کند.

در این گونه نمایشنامه‌هاست که نویسنده می‌تواند ادیبانه بنویسد زیرا وظیفه او تنها توصیف صحنه و اعمالی است که بازیکنان در روی آن باید انجام دهند و نیز نمایشنامه‌هایی در سطح عالی، یا نمایشنامه‌هایی که به شعر ممکن است باشد از این قاعده کلی تبعیت نکند.

بطور کلی در نمایشنامه نویسی هر جا که توصیف صحنه است، زبان گفتاری متروك می‌ماند و چون در فیلمنامه (Scenario) توصیف صحنه غالباً بر گفتگو (Dialogue) غلبه دارد از این رو در این نوع نمایشنامه بیشتر بالفظ قلم روبرو می‌شویم.

۷- کاربرد زبان در نامه نویسی

نامه نویسی را از نظر اینکه عادی و نوشته افراد کم سواد باشد یا نوشته ادیبان و در شمار مکاتبات ادبی به دو دسته تقسیم می‌توان کرد. زبان در نامه نگاری افراد کم سواد محدود و قالبی است. معمولاً بعد از عنوان با: «امیدوارم

همیشه سلامت بوده باشید. اگر از حال اینجانبان خواسته باشید ملالی نیست بجز دوری شما که امیدوارم آنهم به زودی رفع گردد... شروع وباسلام به عمه و خاله و سکنه و صغری پایان می یابد.

اما در نامه های ادیبانه این روزگار دو روش بکار می رود. زبان ادیبان کهنسال و سنت گرا و زبان ادیبان نوآور و تجدد طلب. زبان ادیبان سنت گرا سخت و جمله هادر نهایت جزالت و استحکام است و کلمات مانند حلقه های زنجیری است که هر حلقه به حلقه دیگر جوش خورده باشد. محتوی نامه ها سنگین و کمتر به طنز آلوده است. برعکس نامه های گروهی دیگر ساده و روان و دور از تکلف های نگارش به سبک قدیم است. صمیمیت در بیان این گروه بیشتر است زیرا تحت تأثیر قالب های از پیش تعیین شده نیستند و تعارف های بیمورد در آن کمتر دیده میشود و نوشته در عین سلاست و سلامت کلمات، به زبان محاوره نزدیک است و در حقیقت مانند زنجیریست که هر حلقه بادهنه جوش خورده، در حلقه دیگر براحتی حرکت می کند.

۸ - کاربرد زبان در مقاله های ادبی
این زبان یکی از بهترین زبانهاست چهار نظریان مفاهیم و استواری جمله ها و عمق مطالب دارای خصایصی است که در دیگر انواع نوشته ها یا کاربردهای زبان دیده نمی شود. نویسندگان بزرگ در مقاله های خود این زبان را بکار می برند. مقالات محققان استادان زبان فارسی به این زبان نوشته شده و می شود. من اگر بخوام شواهد آن را بیان کنم وقت زیادی از شما عزیزان خواهد گرفت. سلامت لفظ و صحت ترکیب و گوشنوازی آهنگ و قوت استدلال و نظم منطقی مطالب از مشخصات این کاربرد است. اغلاط دستوری در اینگونه نوشته ها نادرست و شیوه بیان یا طرز تعبیر (Expression) دلچسب و گاهی شگفت انگیز است.

۹ - کاربرد در مسایل فنی
زبانی که در رشته های علمی مانند پزشکی، داروسازی، دامپزشکی، مکانیک، معماری، دندانپزشکی، فیزیک، شیمی، ریاضیات، و مسایل مجرد هنری بکار می رود زبانی مغلق، پیچیده و پر از اصطلاحات خاص علمی مهجور است که غالباً از زبان فرانسه یا زبان های دیگر اروپایی بفارسی داخل شده است و یا اگر اصل فارسی دارد باز هم برای عامه مردم نامفهوم است و چون اشخاص مشغول به این فنون غالباً با زبان و ادب فارسی بیگانه اند، هر یک زبانی خاص خود دارند، مثلاً به این چند عبارت از یک نقد هنری گوش دهید حالتی که در یک پرسوناژ تابلوی رئالیسم می یابیم و فرماسیونی را دار است که کاراکتر تابلوی ناتورالیسم با فقدان آن اهمیت و ارزش آن کاراکتر را در برجسته کردن حالت اجتماع فاقد است.

۱۰ - کاربرد فارسی در تلگراف

یکی از موارد جالب کاربرد فارسی تلگراف است. از آنجا که در تلگراف به بهای هر کلمه پول دریافت می گردد، تهیه کنندگان تلگراف سعی میکنند مطالب خود را در کوتاه ترین عبارات بیان کنند. از این رو در حذف مطالب راه افراط را طی می کنند. مثلاً کسی که میخواهد بنویسد که اتومبیل بگاراژ برود و او را که از مشهد باز می گردد بخانه ببرد و سلامت خود را هم خبر بدهد از مشهد می نویسد: «سلامت مشهد ساعت ۴ تی بی تی تهران احمد». مفهوم این اینست که من سلامت هستم و از مشهد روز جمعه ساعت مثلاً پنج بعد از ظهر بوسیله اتوبوس تی بی تی حرکت می کنم و روز شنبه ساعت ۴ به تهران می رسم اتومبیل به گاراژ تی بی تی بفرستید یا در گاراژ تی بی تی به استقبال من بیایید.

۱۱ - کاربرد فارسی در ارتش و سازمانهای نظامی

در حقیقت باید گفت ارتش و سازمانهای نظامی یک دستگاه خاصی را تشکیل می دهند که در آنها کاربرد زبان یک کاربرد اختصاصی است که گاهی برای افراد دیگر مفهوم نیست. در ارتش گذشته از مکاتباتی که به تمامی رمز است در نامه های عادی نیز غالباً کلماتی به رمز وجود دارد. این رمزها به علاوه اصطلاحات خاص نظامی، فهم مطلب را برای خواننده غیر نظامی دشوار می کند. اصطلاحاتی مانند، آهنگ تیر (تعداد شلیک در مدت معین)، اتوزیر (نوعی هواپیما) اخگر خود کار، اختلاف احتمالی در سمت، ادوات ترفیعی (ادوات مخصوص پیاده و سوار) اغفال تاکتیکی یا استراتژیکی، احراف مغناطیسی، بالن دیرپژابل نرم و سخت، بالستیک خارجی و داخلی، به فارسی در این کاربرد وضع مخصوصی می دهد که آن را از کاربرد در مواضع دیگر متمایز می سازد.

این را نیز به تناسب موضوع یادآور شوم که در ارتش ایران تاکنون چندین بار فرهنگستان گونه هایی تشکیل گردیده است که برای مقامات و اقرارها و سازمانهای ارتشی نام های فارسی تهیه کند. این فرهنگستان گونه ها نیز لغاتی را در برابر لغات خارجی وضع کرده اند. در سه چهار سال اخیر نیز مجمعی از دانشمندان کشور برای وضع لغت فارسی در برابر لغات خارجی و یا عربی مستعمل در فارسی که در ارتش بکار می رود تشکیل گردید. این مجمع شاید در حدود ۱۰۰ لغت پیشنهاد کرده است که بعضی از آن ها را با صورت غیر فارسی شان یاد می کنیم. تیربار = مسلسل، آبنگاری = هیدروگرافی، آمار = تدارک، هموند = عضو، آفند = تعرض، ترابری = حمل و نقل، ترادا = سنت با تیرادیسیون، ژرفاشوب = فلات قاره، دانستنی ها یا آگاهیها = اطلاعات، رونویسی روبرداری = کپی، روشی برگزید =

طریقی اتخاذ شود و... و البته روش وضع لغت بسیار پسندیده و لازم است مشروط بر آنکه افراد صاحب صلاحیت برای آن انتخاب شوند و از سر صبر و شکیبایی و دقت به وضع لغات مبادرت نمایند.

فارسی کاربردهای دیگر مثل نوشتن کتاب علمی و داستان برای کودکان و جوانان و نوشتن کتاب و روزنامه و برای بانوان، و کاربرد در امور بانکی و واحدهای اقتصادی دیگر دارد که بعلاوه طول گفتار از بحث پیرامون آنها خود داری می کنم.

آنچه مسلم است زبان در انواع کاربرد های خود روز بروز ساده تروبی پیرایه تر می گردد. نویسندگان امروزی به توده عظیم مردم توجه دارد. علم و سواد خواندن و نوشتن از انحصار شاهزادگان و اشراف و بزرگان و یا از محدوده مدارس مذهبی قدیم بیرون آمده و عمومیت یافته است و لسی در این عمومیت رشد در طول و عرض است و عمودی نیست یعنی بیش از عمق به سطح معلومات توجه می گردد مگر در مدارس عالی که تعلیم اختصاصی تر می شود تا به حد تخصص می رسد. بسیاری از افراد جامعه خواندن و نوشتن می دانند و چون نویسندگان غالباً بدنبال خواننده بیشتر می روند برای اینکه توده کم سواد نوشته های آنها را ادراک نمایند بجانب سادگی و روانی و محاوره گرایش یافته اند. آنچه گفتیم درباره نوشته هایی بود که از سستی و غلط بری هستند و یا اشتباه و لغزش در آنها اندک است و بعضی از آنها دارای ارزش ادبی و گاهی هنری می باشند و حداقل دارای آن ارزش هستند که در مواقع کاربرد زبان مورد بحث و بررسی قرار گیرند. ولی در این روزگار که بسیار کسان سواد خواندن و نوشتن آموخته اند کم نیستند بی مایگانی که می پندارند از راه قلم می توانند به نام و نانی برسند و بی آنکه اسباب بزرگی آماده کرده باشند «خود کاری» و برگی چند کاغذ را سرمایه کار خود قرار داده اند و می خواهند بر جای بزرگان تکیه بزنند.

باید در پایان این مقال اضافه کنم اینست که امروز زبان فارسی در کاربردهای مختلف به طرف سادگی، روانی و دلپذیری به پیش می رود و هم اکنون نیش سبز جوانه های زبانی پر شکوه و سیال از زیر خار و خاشاک و سنگلاخ تشرایق باردو مصنوعی چون تاریخ و صاف بیرون زده است. کاربردهای مختلف به زبان قدرت و قوت بیان دقیق ترین و مجرد ترین مفاهیم را می بخشد که با اندک دقت و رهبری می تواند نیازمندیهای اجتماع پر کثرت و متنوع امروز را بدون سودجویی بسیار و نا معقول از زبان های بیگانه مرتفع سازد.

از نظر وزن و آهنگ نثر بشعر نزدیک می شود. تشبیهات تازه و دقیق و تعبیرهای شیرین و دلپذیر بر توانگری زبان افزوده است. زبان ماروی در پیشرفت دارد که همواره چنین باد.

چه گوشتی باید خورد

از دکتر محمد حسن منزوی فر

چه گوشتی برای خوردن مناسب است ؟

در هر زمان و در هر برنامه‌ای که در رادیو و تلویزیون و مطبوعات و کتب مختلف راجع به گوشت و اهمیت آن مطالبی گفته و نوشته شده بیشتر به مواد متشکله گوشت و اهمیت آن در تغذیه انسان توجه شده و مگر در مورد گوشت‌های منجمد به رنگ و طعم و تردی و زودپزی و بعضی خصوصیات دیگر گوشت که بیشتر مورد توجه عامه مردم و محترف کنندگان است توجهی نگردیده .

گوشت که جزئی از غذا های ما را تشکیل می‌دهد ترکیبی است از بافت‌های عضلانی، پیوندی، چربی و رگ‌ها و غیره که مقدار و اجزاء متشکله آن به نژاد، سن، نوع پرورش و نحوه زندگی دام و امثالهم بستگی دارد . بطوریکه مثلاً در گوشت دام‌های مسن چربی و بافت پیوندی بیشتری دیده میشود تا در دام‌های جوان که گوشتشان عموماً دارای آب بیشتر و چربی و رگ‌و پی کمتری می‌باشد که این خود سبب مرغوبیت گوشت و در بسیاری از ممالک دلیل وجود اختلاف قیمت بین گوشت دام‌های جوان و مسن میگردد . (۱) ضمن اینکه عوامل فوق‌الذکر در رنگ، طعم، بو، تردی و زود پزی گوشت موثرند یک عامل بسیار مهم دیگر نیز وجود دارد و آن «بیات» بودن گوشت است . زیرا گوشت حیوانات بلافاصله پس از ذبح قابلیت طبخ و مصرف خوراك نداشته و بخاطر سفتی و دارا بودن کلیکوژن زیاد که بگوشت مزه شیرین نامطبوعی میبخشد برای طبخ غذا مناسب نبوده بسیار ثقیل الهضم نیز میباشد . این حالت

سفت شدن عضلات که با از دست رفتن شفافیت ظاهری سلولهای بافت ماهیچه‌ای همراه است به جمود نعشی یا صلابت موسوم است. بعدها و بمرور زمان که کلیکوژن عضلات به اسیدهای لاکتیک و پیرویک تبدیل و PH گوشت که بین ۷٫۲ تا ۷٫۵ است به ۵٫۸ تا ۵٫۵ رسیده و در اثر فعل و انفعالاتی که توسط آنزیمها برای تغییر شکل قسمتی از مواد پروتئینی بافت پیوندی و عضلانی در گوشت صورت میگیرد، گوشت حالت سفتی خود را از دست داده واصطلاحاً میرسد. (۴). زمان لازم برای رفع جمود نعشی بعوامل مختلفی بستگی دارد که از آن جمله مقدار کلیکوژن گوشت و میزان خستگی حیوان قبل از ذبح است. هر قدر دام خسته‌تر باشد گوشتش دارای کلیکوژن کمتر بوده و مقدار تولید اسیدهای فوق‌الذکر در آن کمتر و بهمان نسبت گوشت دیرتر خواهد رسید. بنابراین فروش گوشت دامها بلافاصله پس از کشتار و همچنین خود داری خریدار از خرید گوشت بیات که قبلاً در دستگاه های خنک کننده و دور از گرد و غبار نگهداری شده باشد هیچکدام صحیح و منطقی نمیشد و اینکه قصابها بهنگام فروش گوشت تازه بر خریداران منت می‌گذارند که آنها گوشتی که هنوز دارای گرمای بدن حیوان است خریداری میکنند عملی غلط محسوب و در صورتیکه قرار باشد گوشت خریداری شده پس از مدت کوتاهی بمصرف طبخ غذا برسد بایستی از خرید چنین گوشتی امتناع ورزید. جالب آنکه اگر خانم خانه‌داری از قصاب محله‌ده بار گوشت از عضو و دام معین و برای طبخ غذای معینی خریداری نماید اکثراً مزه و طعم و تردی و زودپزی گوشت هر مرتبه با دفعات دیگر متناسب با درجه رسیدگی آن فرق خواهد داشت زیرا ممکن است قصاب یکبار گوشتی که در آن جمود نعشی وجود دارد عرضه کند که مسلماً سفت و دیر پز می‌باشد و بار دیگر گوشتی بیات بفروشد که از جهت مزه تردی، زود پزی و غیره با گوشت بار اول تفاوت بسیار خواهد داشت. اغلب دیده میشود که مصرف کنندگان بنا حق گناه دیرپز بودن و نامطبوع بودن گوشت را بگردن فروشنده که با نان گوشتی از حیوان پیرو یا ماده فروخته می‌اندازند در حالی که حقیقت جز این بوده و علت واقعی احتمالاً تازه بودن گوشت می‌باشد.

پس از اطلاع از چگونگی تغییراتی که در گوشت صورت میگیرد تا آنرا ترد و مطلوب سازد غالباً لاشه حیوانات را پس از ذبح مدت‌ها در فضای آزاد و در گرمای معمولی آویزان مینمودند تا کمی از گرمای آن گرفته شده و همچنین در اثر گذشت زمان گوشت برسد. ولی از آنجا که این عمل خطر آلودگی گوشت را به میکروبهای گونا-

گون دربر میداشت: پس از مدتی طرد و سعی شد لاشه را در سالنهای مخصوص و در درجه حرارت و رطوبت معینی نگهداری کنند. در حال حاضر بجز در موارد اضطراری کسه لاشه باید پس از مدتی کوتاه بعد از ذبح به

مصرف طبخ برسد و در این قبیل موارد لاشه را برای رسیدن گوشتش در سالنهای با حرارت ۳۷ درجه سانتیگراد و رطوبت نسبی بالا قرار میدهند، عموماً در کشتارگاهها سالنهای سرد احداث و لاشه ها را بلافاصله پس از ذبح بدانجا برده و مدتی حداکثر تا سه هفته نگهداری میکنند. اینگونه سالنها دارای حرارتی در حدود صفر تا نیم درجه زیر صفر و رطوبت نسبی ۹۰ درصد میباشد. زمان لازم جهت رسیده شدن گوشت بستگی به بزرگی لاشه نیز دارد بطوری که مثلاً لاشه گاو پس از ده روز ماندن در سالنهای مزبور قابل استفاده شده و برای لاشه‌های گوسفند، بز و خوک زمان کوتاهیتری لازم خواهد بود. همچنین در صورتیکه گرمای سالنها بالاتر از صفر درجه باشد گوشت زودتر از وقت معمول رسیده و زودتر میتواند مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال لاشه گاو در حرارت ۵ درجه شش روزه، در ۲۰ درجه یک‌روزه و در ۳۵ درجه هفت ساعته میرسد (۳).

از آنجا که برای انتقال برودت تمام نقاط سالن ازوانتی لاتور استفاده میگردد باید شدت جریان هوا طوری انتخاب گردد که باعث تبخیر شدید رطوبت گوشت نشود. در صورت عدم رعایت این مطلب علاوه بر از دست رفتن مقداری از وزن لاشه، سطح خارجی گوشت نیز خشک و چروکیده و بدرنک میشود که آنرا میتوان سرما سوز نامید. اینعمل با نامرغوب شدن گوشت و خسارات مادی همراه میباشد لذا برای جلوگیری از اینگونه خسارات سعی میگردد ضمن ایجاد برودت لازم میزان رطوبت نسبی سالنها را نیز بالا برد البته تا حدی که منجر به نشستن ذرات آب هوا بر روی لاشه نگردد. زیرا گوشت مرطوب مناسبترین محل برای تکثیر میکروبها بوده و وسائل فساد سریع لاشه را فراهم مینماید. بنابراین بهتر است با پائین آوردن رطوبت هوا که سبب کند شدن فعالیت و تکثیر باکتریها و طولانی شدن دوره نگهداری گوشت میگردد (تا حد ۹۰٪ مجاز) کم شدن مقدار ناچیزی از وزن لاشه را بی‌اهمیت شمرده و بخاطر داشتن گوشتی

سالم با استقبال خسارت مختصر ناشی از نقصان وزن لاشه رفت. در جدول زیر طول زمان نگهداری گوشت نسبت به میزان درجه حرارت و رطوبت نسبی هوای سردخانه مشاهده میگردد: (۲).

نوع گوشت	درجه حرارت هوا به سانتیگراد	درصد رطوبت نسبی هوا	مدت نگهداری به هفته
گوشت گاو	۱۵- تا صفر	۹۰	۴ تا ۵
گوشت گاو در ۱۰٪ CO ₂	۱۵	۹۰ تا ۹۵	۷
گوشت گوساله	۱ تا صفر	۹۰	۱ تا ۳
گوشت گوسفند	۱ تا صفر	۹۰ تا ۸۵	۱ تا ۲
گوشت خوک	۱۵ تا صفر	۹۰ تا ۸۵	۱ تا ۲

لاشه حیوانات ذبح شده به لحاظ داشتن مواد غذایی زیاد و رطوبت و حرارت مطلوب محیط مناسبی برای زندگی و تکثیر میکروبها، باکتریها و قارچها بوده و برخلاف بسیاری از مواد خوراکی که طبیعت آنها را بطور آماده در دسترس انسان قرار داده (مثلاً اکثر میوه‌ها) گوشت از ابتدای عمل ذبح تا مراحل پوست کندن و بیرون آوردن امعاء و احشاء از درون شکم با چاقو و سایر ابزار و همچنین هوا در تماس بوده و خود بخود آلوده به میکروب میگردد. حتی یقین به آلوده بودن گوشت بعدی است که یافتن گوشتی عاری از میکروب عملاً غیر ممکن بنظر میرسد لذا برای تحصیل گوشتی سالم با حداقل عوامل فساد باید:

- ۱- حتی المقدور از بکار بردن چاقو و ابزار آلوده جهت ذبح حیوان خودداری نمود.
- ۲- با تسریع و تسهیل کار در کشتارگاهها زمان بین آغاز و اتمام ذبح را که لاشه با هوای آلوده در تماس است کوتاه نمود.
- ۳- با پائین آوردن درجه حرارت گوشت سرعت فعالیت و تکثیر باکتریها را کاهش داد.

از آنجا که در نگهداری گوشت برای زمانهای طولانی عامل سوم اهمیت بیشتری دارد، در این مقاله بطور مختصر درباره انجاماد گوشت و سردخانه ها بحث خواهد شد.

در کشورهایی که نوسانات عرضه دام و قیمت گوشت در فصول مختلف چندان زیاد نیست خرید دام در زمان و فور و ذبح و نگهداری لاشه آنها بصورت منجمد جهت مصرف در فصولی که میزان عرضه دام در بازار پائین است مقرون بصرفه نیست زیرا هزینه احداث سردخانه و راه اندازی ماشینها و نگهداری و استهلاک آنها بمراتب بالاتر از مخارجی است که باید صرف خرید علوفه و تامین اصطبل جهت نگهداری دامهای اضافی زمان و فور برای ماههای دیگر نمود. از اینرو اغلب در این کشورها ساختن سالنهای سرد در کشتارگاهها جهت نگهداری گوشت برای زمانهای کوتاه اکتفا میگردد.

برعکس در ممالک صادر کننده گوشت و کشور هایی که در فصول معینی از سال عرضه دام در آنها بیش از حد معمول بالا است در بسیاری از کشتارگاهها تاسیساتی جهت انجماد لاشه های دام ایجاد و در اثر پرودت زیاد گوشت را بصورت منجمد در آورده و برای مدتی طولانی نگهداری می کنند.

استفاده از پرودت جهت انجماد گوشت همزمان با پیدایش ماشینهای مبرد آغاز گشته و اولین بار با احداث تونل انجماد در استرالیا (شهر سیدنی) لاشه دامهای زیادی را بصورت منجمد در آورده و بدون ظهور آثار فساد در آنها ماههای متمادی در سردخانه های مخصوص نگهداری شدند. ابتدا میزان پرودت تونلهای مزبور بین ۶ تا ۱۰ درجه انتخاب شد نتیجتاً سرعت انجماد در گوشت بطئی بود بطوریکه برای انجماد یک ران گاو ۶ تا ۸ روز وقت لازم بود. در حرارت مزبور سرعت انتقال سرما در گوشت که از سمت خارج بداخل میباشد بالغ بر یک میلیتر در هر ساعت میباشد و تجربه نشان داده که گوشتی که در این شرایط منجمد شده باشد نمیتوان بیش از سه ماه نگهداری نمود. مهمترین آنکه چنین گوشتی پس از خروج از حالت انجماد مقدار معتناهی از عصاره یا آب خود را از دست میدهد. زیرا در این درجه پرودت ذرات درشت یخ در پروتوپلاسم سلولها بوجود میآید که اغلب باعث پاره شدن جدار سلولها شده و بهنگام باز شدن گوشت قسمتی از عصاره آن بخارج راه خواهد یافت. بعد ها یعنی بین سالهای ۱۹۱۶ تا ۱۹۲۵ بجای حرارتهای فوق سعی گردید با پائین آوردن درجه پرودت سرعت انجماد را بالا برده و زمان مورد لزوم را نیز کوتاه نمود. در این شرایط بجای ایجاد کریستال درشت یخ در پروتوپلاسم، کریستالهای ریز یخ ایجاد گشته و بعدها در طول باز شدن گوشت ذرات یخ آب شده و بخاطر نداشتن راه خروج از سلولها در گوشت باقی میمانند. نتیجتاً گوشت مزبور مانند گوشت تازه دارای طراوت و عصاره زیاد بوده و از نظر طعم و بو و آبداری اختلاف چندانی با گوشت تازه ندارد.

در صورتیکه سرعت انتقال پرودت در گوشت کمتر از ده میلیتر در ساعت باشد آنرا انجماد بطئی و اگر بیش از پنجاه میلیتر در ساعت باشد «انجماد سریع» مینامند. در صورتیکه سرعت پرودت در گوشت کمتر از ۳ میلیتر در ثانیه باشد در اینصورت در تکه گوشتهای بزرگ مثل ران گاو با وجود منجمد بودن قسمت خارجی گوشت درونش غیر منجمد باقی مانده و فساد گوشت را از سمت داخل بخارج سبب خواهد شد. در طول چهل سال گذشته سعی گردیده با تکمیل و توسعه ماشینها سرعت انتقال پرودت در گوشت هرچه

بیشتر بالا برده شود تا آنجا که امروزه بکمک ماشینهای مدرن توانسته اند سرعت انجمادی معادل دویست میلیتر در ساعت در گوشت حاصل نمایند. در حال حاضر برای انجماد تکه های بزرگ گوشت مثل لاشه، حرارت تونلهای انجماد را بین ۴۰- تا ۴۵- درجه و شدت جریان هوا را در آنها بین

زمان کوتاه در سردخانه حرارت ۱۵- درجه و برای زمانهای طولانی تر حرارت ۱۸- تا ۲۸- درجه کافی میباشد. در جدول زیر طول زمان نگهداری گوشت منجمد نسبت بمیزان درجه حرارت و رطوبت نسبی هوای سردخانه مشاهده می گردد (۲).

نوع گوشت	درجه حرارت هوا به سانتی گراد	درصد رطوبت نسبی هوا	مدت نگهداری به ماه
گوشت گاو	۱۲-	۹۵ تا ۱۰۰	۵ تا ۸
گوشت گوسفند	۱۲-	۹۵ تا ۱۰۰	۳ تا ۶
گوشت گوسفند	۱۸- تا ۲۰-	۹۵ تا ۱۰۰	۶ تا ۱۰
گوشت خوک	۱۲-	۹۵ تا ۱۰۰	۲ تا ۳
گوشت خوک	۱۸-	۹۵ تا ۱۰۰	۴ تا ۶
گوشت خوک	۲۳-	۹۵ تا ۱۰۰	۸ تا ۱۲

بهنگام مصرف گوشت منجمد باید پس از خروج لاشه از سردخانه آنرا مدتی در محلی نگهداری کرد تا از حالت انجماد خارج حرارت این محل صفر درجه است که در صورت گرمتر بودن محیط عصاره زیادی از گوشت خارج خواهد شد بطوری که در شرایط کاملاً مساوی عصاره خارج شده از گوشتی که در حرارت صفر درجه قرار داده شده ۴٫۰ تا ۶٫۰ درصد و در حرارت ۵+ درجه ۲٫۳ تا ۳٫۳ درصد و در ۲۴+ درجه ۰٫۳ تا ۰٫۴ درصد وزن گوشت میباشد. بعلاوه در صورت بالا بودن درجه حرارت هوا آب حاصله از آب شدن یخ گوشت سبب مرطوب شدن لاشه گشته و محیط مناسبی برای زندگی و تکثیر باکتریها و قارچ های گوناگون میشود که باعث فساد گوشت و مسمومیت میگردد. برای تسریع در باز شدن گوشت بجای بالا بردن حرارت هوا از جریان هوا استفاده کرده و در سالنهایی که جهت این کار در نظر گرفته میشوند واتتی لاتور های قوی تعبیه و یا همچنانکه در ممالک متحده امریکا معمول است از چراغهای با نور ماوراء بنفش UV استفاده میگردد. بنابراین انداختن گوشت منجمد به داخل آب گرم و یا دیک در دقایقی قبل از طبخ غذا و همچنین نهادن چراغهای مولد گرما مثل پریموس و بخاری و امثالهم در زیر لاشه منجمد مغایر با مرغوبیت گوشت است.

۳ تا ۵ متر در هر ثانیه انتخاب میکنند. در اکثر کشتارگاههای ممالک خارج سردخانه های کوچکی احداث میگردد که بنگهداری اعضاء درونی و کله و پاچه دامها برای مدت دو تا سه ماه اختصاص دارد. درجه حرارت اینگونه سردخانه ها حدود ۱۰ درجه است که برای منظور فوق کاملاً کافی بنظر میرسد ولی در کشتارگاههای شهر های بزرگ که سالانه مقدار قابل ملاحظه ای گوشت منجمد وارداتی کشور را انبار و نگهداری میکنند سردخانه هایشان دارای پرودت زیادتری است که متناسب با زمان نگهداری و مصرف تعیین میگردد. البته ایجاد پرودت زیاد در سردخانه ها تنها بخاطر سالم نگهداشتن نیست بلکه از فساد چربی روی گوشت (چربی Subkutan) و همچنین چربی داخل حفره شکم و درون عضلات که در صورت توقف در هوای گرم تند شده و گوشت را بکلی نامرغوب میسازد جلوگیری مینماید. بنا به نتایج آزمایش Kuprianoff گوشت کم چربی گاو در حرارت ۱۸- درجه تا ۱۵ ماه و گوشت خوک بخاطر داشتن چربی زیاد در همان حرارت فقط برای ۱۲ ماه قابل نگهداری میباشد. از این رو در کشورهایی که گوشت خوک قسمت اعظم گوشت مصرفی مردم را تشکیل میدهد برای نگهداری لاشه خوک در سردخانه ها بجای حرارت ۱۸- درجه از حرارت ۲۸- درجه استفاده میگردد. پائین بودن درجه حرارت سردخانه ها یک استفاده دیگر نیز دارد و آن جلوگیری از نقصان وزن گوشت بخاطر منجمد شدن سطح خارجی و جلوگیری از Subli ration ذرات یخ میباشد.

گوشتهای تازه مرتب رطوبت خود را به هوای سردخانه پس داده و قسمتهای درونی گوشت نیز رطوبت به قسمتهای خارجی هدایت کرده و مجدداً در اثر تبخیر باعث کم شدن وزن لاشه میگردد. معمولاً جهت نگهداری گوشت برای

1) M.H. Monzavifar

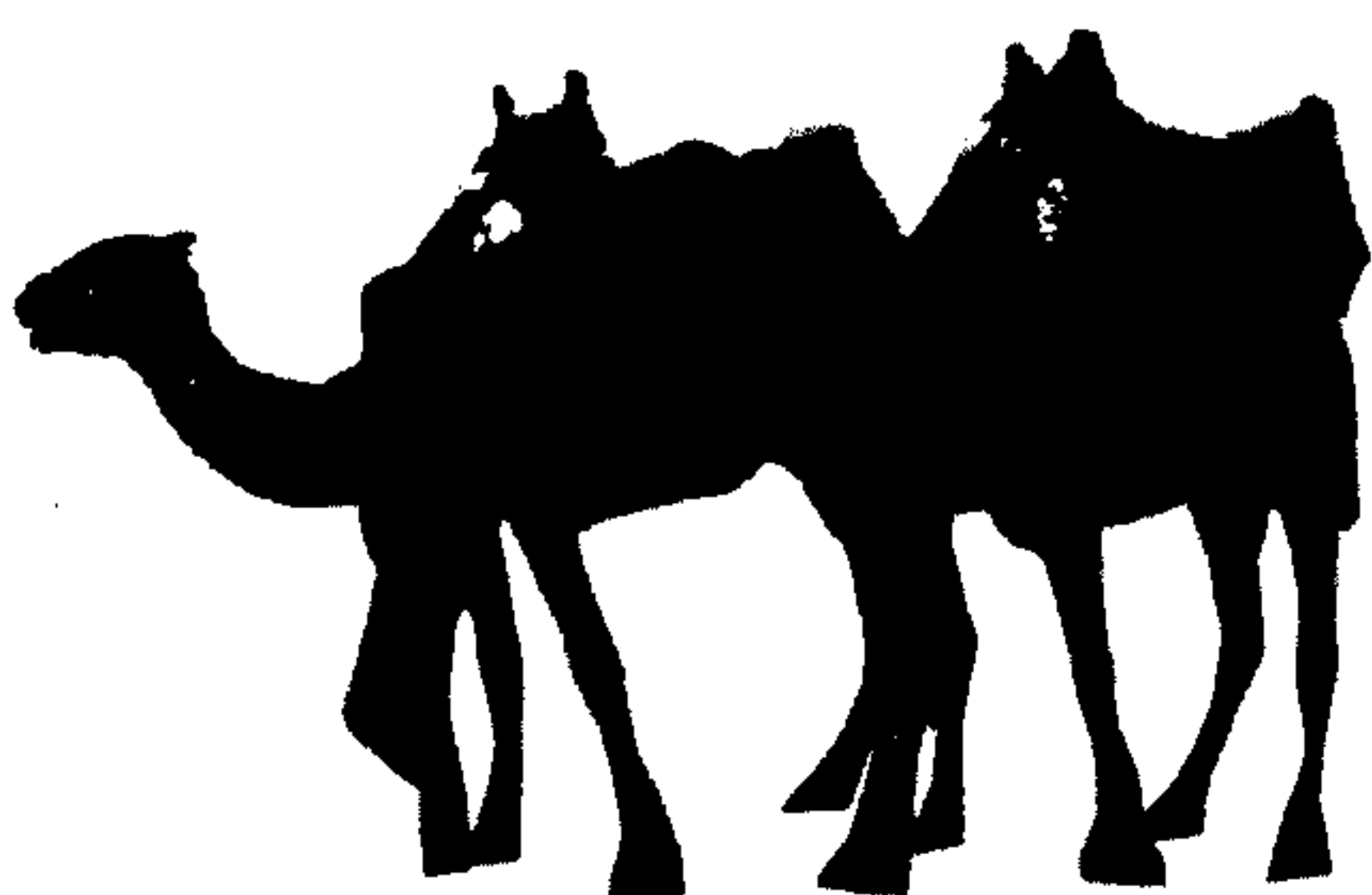
Die Eignung verschiedener Rinderrassen zur Fleischerzeugung nach unterschiedlichen Mastmethoden 1965

2) Commission IV

Recommended conditions for cold storage of perishable foodstuffs International institute of Refrigeration 1959.

3) H. Wagemann. H. Keller

Lehrbuch der Schlachthofkunde 1958

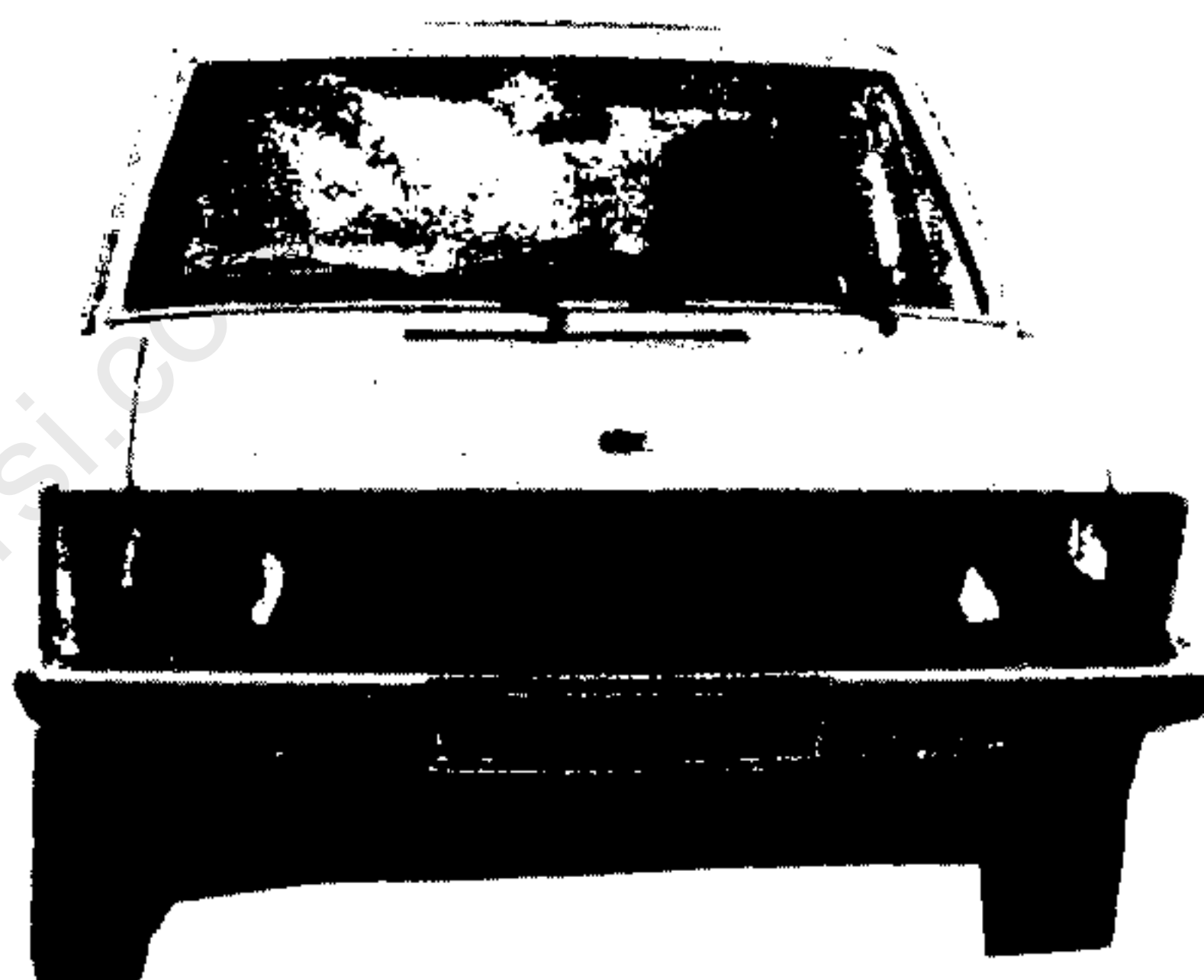


اختلاف

و

ترکیب

جامعه‌های انسانی
در شهر و روستا



نشریه تلاش

از دکتر اصغر نیشابوری

استادیار اکولوژی دانشکده علوم دانشگاه تبریز

مقاله‌ای تحت عنوان «اختلاف

ترکیب جامعه‌های انسانی در شهر و

روستا» به پیوست تقدیم می‌شود

هدف اصلی نوشته بیان برخی از مسائل اکولوژی است
وسعی شده مقاله مورد توجه خواننده باشد.

ولی از لابلای هدف اساسی نکات دیگری در مورد
اهمیت اکولوژی و مخصوصاً فورم حفاظت منابع طبیعی
گوشزد گردد.

انگیزه ارسال این نوشته برای مجله وزین تلاش دو
دلیل زیر است:

اولاً - مجله تلاش را کسانی می‌خوانند و یا عبارت
بہتر در میان خوانندگان تلاش کسانی هستند که در اتخاذ
تصمیم‌های مهم و تعیین سرنوشت این کشور دخالت دارند و
عطف توجه آنان به مسائل اکولوژی خالی از فایده نیست.
ثانیاً نگارنده در ضمن اقامت خود در فرانسه برای
چندین سال از اشتراک مجله وزین شما بهره‌مند بوده و تگارش
این مقاله سعی ناچیزی است برای ادای سپاس و کوششی است
برای ادای دینی که هر فرد در قبال جامعه خود برعهده دارد.



بسیاری از ما در نوشته‌ها و گفتارهای مختلف داستان «تسلط انسان بر طبیعت» را شنیده‌ایم و اغلب بعنوان موجودی وابسته به اجتماع انسانی از پیروزی هموعان خود در جدال با طبیعت لذت برده‌ایم. بشر تا قرن بیستم از تسلط و چیرگی خود بر طبیعت دم زده و بزعم خویش ریشه‌های حکومت خود را روز بروز استوارتر ساخته است، ولی بدون تردید در نیمه اخیر قرن بیستم و قرن آینده شاهد تحولات عمیق در این مسأله خواهیم بود. کمتر کسی را خواهیم یافت که از پیروزی انسانها بر طبیعت سخن گوید و چون اسلاف خود از چیرگی انسان بر محیط احساس غرور و افتخار کند.

امروز دیگر صحبت از مصائب و مشکلاتی است که تسلط و دخالت انسان در محیط پیش پای او نهاده و بجای آنکه عزم و اراده فهمیده‌گان در جهت تسلط بیشتر بر طبیعت تمرکز یابد صحبت از عقد معاهده صلح با محیط است. جستجوها در جهت درك مقتضیات و خواسته محیط‌ها پیش میرود و هدف پژوهش‌ها بجای تحمیل بی‌حساب اراده انسان بر محیط، در جهت تطبیق معقول خواسته‌های بشر با عوامل طبیعت سیر میکنند.

گذشتگان ما نسبت به مسائل طبیعت بی توجه و بیمهر بوده‌اند. کیفر اعمال آنان را با آنکه خود نیز از آن بی‌نصیب نمانده‌اند نسل حاضر می‌پردازد. بهمین قیاس جامعه کنونی بشر علاوه بر مسؤولیت مهم در قبال خود، از نظر حفاظت طبیعت وظیفه گرانی در قبال آیندگان برعهده دارد و ملزم است که بدان توجه کند.

تمام کشورهای جهان بیش و کم از مصائبی که قصور نسل‌های گذشته ببار آورده متضررند و آگاهانه در رفع آن قدم بر میدارند ولی بندرت در جهان کشوری میتوان یافت که منابع طبیعی آن نظیر کشور ایران بدون حساب مورد چپاول و تجاوز انسان قرار گیرد و دخالت انسان در محیط طبیعی بدین حد توأم بالجام گسیختگی و بی‌توجهی باشد. هروجیبی از خاک مفلوک این کشور ورق گویائی از کتاب قطور وحکایت اسف‌انگیزی از داستان بی‌پایان غفلت گذشتگان و بی‌نظمی در قبال ودایع طبیعت است.

بی‌توجهی و اهمال نسل حاضر برای امروز جای اسف و برای فردا جای پشیمانی و افسوس خواهد بود. وقت آن رسیده که در کشور ما نیز اهمیت حفاظت طبیعت بازگو شود و از همان عامه مردم بطرق مقتضی از مسؤولیت عظیمی که هر فرد در مقابل این مسأله حیاتی دارد آگاهی یابد.

در این نوشته هدف ذکر آثار سوء دخالت انسان در طبیعت نیست بلکه غرض بیان این نکته است که ترکیب و شکل جامعه‌های انسانی نیز از تأثیر مداخلات بشر بی‌نصیب نمی‌ماند. خواهیم دید که کم و کیف تحولات جامعه بشر بخوبی شناخته نشده، بهمین دلیل

کوشیده‌ایم که طرح‌هایی برای بررسی در این گونه مسائل پیشنهاد کنیم زیرا موضوع تغییر و تحول در جامعه‌های بشری مسأله‌ایست عمیقاً در خور توجه و تعمق و کشور ما بدلایلی که اشاره خواهد رفت از جهات گوناگون امکان پژوهش و بررسی در این زمینه را دارد و میتواند سهم شایسته‌ای در شناخت گرفتاریهای بشر و مسائل مربوط به جامعه شناسی ادا کند.

قبل از طرح مطالب اساسی ذکر مختصری از مقدمات رفته و کوشش برای این بوده که در این رهگذر صحبت از مسائلی باشد که خصوصیات دخالت انسان در سیمای طبیعت را ترسیم و تجسم بخشد.

انسان صرف نظر از وجوه تمایز خود با سایر جانداران، موجود زنده‌ایست و همانند هر جاندار دیگر روابط متقابلی با محیط زیست خود دارد. از یکسو تحت تأثیر عوامل مختلف محیط است و از سوی دیگر مثل هر جاندار دیگر روی محیط زندگی خود اثر می‌گذارد. منتها تأثیر انسان بلحاظ دارا بودن شعور و فهم، عمیق‌تر از سایر جانداران است. نه تنها فرد انسانی از دیدگاه محیط و طبیعت قابل مقایسه با جانداران دیگر است، جامعه‌های انسانی نیز از دیدهای مختلف یا اجتماعاتی که سایر موجودات زنده پدید می‌آورند قابل مقایسه و شبیه‌اند. این تشابه و قیاس از آن جا ناشی است که عوامل طبیعت به یکسان در تکوین و تکامل موجودات زنده اثر می‌کنند و فرقی بین ذی‌شعور و فاقد شعور قائل نمی‌گردند.

ابناء بشر در دوره‌هایی از حیات خود که هنوز فهم و درك خویش را بکار ننگرفته بودند، اطاعت بی‌چون و چرائی را در قبال طبیعت گردن می‌نهادند. گسترش و تکثیر آنان در دامن طبیعت درست براساس همان قوانین و تعادل زیستی بود که امروز بر تکثیر و اشاعه يك جانور در جنگل بکسر و دور افتاده‌ای حکمفرما است. يك پرنده یا خرنده در يك محیط طبیعی فرزندان متعدد بوجود می‌آورد. در محیط زیست او آفات گوناگون و عوامل نامساعد فراوان وجود دارند که عده زیادی از فرزندان او را از محیط حذف می‌کنند، گروه اندکی باقی می‌مانند که بهتر از سایرین با شرایط نامطلوب انطباق یافته‌اند. از بین این گروه منتخب گروه دومی برگزیده میشوند که میتوانند غذای خود را در محیط آمیخته با رقابت جنگل تأمین کنند.

محیط‌های طبیعی تحت حکومت استثناء ناپذیر «قانون بقای انسب» که رحم و شفقت را معنائی در قاموس او نیست تکوین می‌یابند. بهر يك از موجودات زنده مکان و فضای محدودی اختصاص می‌یابد که با قدرت رقابت حیاتی آن موجود و امکانات و محدودیت‌های سایر زندگانی محیط رابطه و تناسب دارد. این صلح پایدار محیط‌های زنده در شرایط

طبیعی است که بدان «تعادل بیولوژیکی» نام می‌نهم. انسان موجود زنده‌ای است و صرف نظر از مسائل و مباحثی که در مورد منشاء آن مطرح است در تکامل و تکوین خود مستثنی از قوانین طبیعت نبوده و در عین حال هرگز تمایلی به اطاعت از محیط نداشته است. پیدایش انسان مبنای تحول و دگرگونیهای عمیق در نظام طبیعت بوده و شعور و فهم انسان تنها و مهمترین عاملی است که تعادل زیستی محیط را برهم زده است.

افزایش و تکثیر انسانها این نتیجه را بدنبال داشته که شرایط طبیعی تعادل محیط قادر بتأمین نیازمندیهای غذایی انسان نباشد و بشر از بین گیاهان و جانوران موجود در محیط به پرورش و گسترش آنهایی پرداخته که بهتر جوابگوی حوائج او بوده‌اند.

انتخاب انسان بر انتخاب طبیعت چیرگی یافته و نتیجه امر موجودات اهلی گیاهی و دامی امروزند که بخش مهمی از توجه و علم بشر بشناخت آنها اختصاص یافته است.

این موجودات اهلی و مفید تنها از يك نظر در خور عنایت‌اند و آن اینکه بدرد مصرف انسان می‌خورند و گر نه از لحاظ حیات طبیعی و در محیط رقابت زیستی جای قابل توجهی ندارند. گاوان هزار کیلوئی که نسلهای متمادی از اصلاح نژاد برخوردار بوده و یا مرغان گوشتی که بمشین ساکت و عملاً بی‌تحرك سنتز و تهیه غذا تبدیل شده‌اند آنی بدون حفاظت و حمایت انسان قدرت زندگی و بقادر طبیعت را ندارند.

برای آنکه امکان زیست و پرورش این موجودات مفید فراهم شود انسان محیط را عمیقاً تحت کنترل خود می‌آورد. این تحمیل خواسته انسان بر طبیعت است. خواسته‌ای که در جهت منافع مستقیم انسانها و موجودات وابسته بدو صورت می‌گیرد ولی بطرز وحشتناکی تعادل طبیعت را مختل می‌سازد.

وقتی به مسأله پرورش گیاهان توجه کنیم اهمیت مطلب بیشتر و ساده‌تر قابل تجسم و درك است برای اینکه گونه خاصی از گیاهان در يك محیط کشت و پرورش یابد لازم است کلیه گیاهان دیگر که نام علفهای هرز بدانها می‌نهم از محیط حذف شوند. این قسمت از دخالت انسان امر موجهی است ولی گرفتاری اینجاست که همین تسلط موجه مصائب دیگری بدنبال خود میکشد. در يك محیط طبیعی صدها و هزاران گونه حشره از گیاهان مختلف غذا می‌گیرند و چون تمام گونه‌ها به نسبت معقولی از تغذیه برخوردارند بین آنها تعادل خاصی حکمروائی میکند، ولی وقتی قسمت اعظم یا تمام گیاهان به نفع يك نبات مورد نظر کنار می‌روند حشراتی که در طبیعت از همین گیاه خاص تغذیه میکردند بر رقبای خود برتری می‌یابند و به تبعیت از گیاهی که خواست انسان مصنوعاً آنرا برتری داده حشرات طفیلی آن گیاه نیز از تعادل

طبیعی خارج شده و طغیان میکنند. علت اساسی پیدایش آفات گیاهی و دامی که امروز در مقیاس جهانی ثلث تانصف دسترنج انسانها را تلف میکنند جز همین نیست و هیچ دوی دیگری جز توجه به همین تعادل و اقتضای طبیعت، چاره گزار این درد ابناء بشر نخواهد بود.

این همه دخالت انسان در محیط، چهره ساده‌ای از اخلال نظم و تعادل طبیعت است. وقتی این تسلط بشر را محکوم میکنیم فقط بدلیل آنستکه نوع بشر نیز گرفتار عواقب سوء آن میگردد و گرنه این تغییر و تحول اگر حساب شده و براساس نظم و منطق صورت گیرد جای ایراد نخواهد بود. انسانها خواهی نخواهی زیاد شده‌اند و بزعم تمام کوششهایی که در جهت کنترل نفوس بعمل می‌آید افزایش بی حساب انسانها مسأله مهم روز است. گرسنگی و کمبود تغذیه هم امروز نصف یا حداقل ثلث انسانها را می‌آزارد. تعادل زیستی طبیعت فضا و جای کافی برای اینهمه انسان نداشته است و چون تعادل از سوی انسانها بهم خورده لازم است نظام جدیدی براساس نیازمندیهای بشر بر طبیعت حکمفرما گردد ولی مسلمانان بشر است که در ایجاد و تحمیل نظم خود بر طبیعت اقتضای محیط را نیز در نظر گیرد و چنان عمل کند که مصائب و مشکلات ناشی از اختلال وضع طبیعت به حداقل پائین آید.

جانب دیگر مسأله که در این بحث بیشتر مورد نظر است موضوع دخالت انسان در تحول و ترکیب جامعه‌های انسانی است. هدف از کلمه جامعه انسانی در این بحث مجموعه انسانها است که در یک منطقه زندگی میکنند و با عوامل طبیعی آن ناحیه حالت متعادل یافته‌اند و نه جامعه انسانی بمعنای اخص کلمه که شامل توده‌ای از انسانها است، بگذشته مشترك و آئین فرهنگ مورد احترام، که با امیدهای آینده، به شخص و فرد محدود نمی‌گردند و انسانهایی که تحت لوای هدفهای مشترك گرد هم آمده و حقوق و وظائف معینی برای خود می‌شناسند. حقیقتی که گوئی کمتر ما بدان انس و الفت یافته‌ایم.

انسان نه تنها از جهت روابطی که با محیط داشته بر نظام طبیعت اثر گذاشته بلکه بصورتی ناخود آگاه در تکوین و تکامل خود نیز مؤثر افتاده است. اولین اقدام انسان در جهت سرپیچی از حکومت طبیعت وقتی صورت گرفته که بشر مسائل و طرق ابتدائی برای حفاظت خود از عوامل نامساعد اقلیم پیدا کرده است.

سکونت در غارها و استفاده از پوست حیوانات برای پوشش در قبال سرما این امکان را به بشر داده است تا افرادی را که قدرت تحمل این عوامل اقلیمی را نداشته‌اند از انهدام و زوال نجات بخشد. افرادی از نوع بشر قدرت ادامه حیات یافته‌اند که اگر حفاظتی نداشتند از بین میرفتند.

آفات و امراض وقحطی و جنگ عوامل

دیگری بودند که تکثیر و انتخاب انسانها را تحت نظارت و کنترل خود میگرفتند. یکصد سال قبل بیماریهایی که امروز بهسولت پیش گیری یا معالجه میشوند عامل مهمی در تعیین ترکیب جامعه بوده‌اند. بیماری آبله وقتی در يك منطقه شیوع داشت تنها افرادی را اجازه حیات میداد که قدرت استقامت در مقابل این مرض را داشتند. هریک از بیماریهای دیگر نیز بدین سان در انتخاب طبیعی افراد بشر اثر میکردند و از بین تعداد بسیار زیاد انسانها مقاوم ترین آنها را برمیکزیدند.

قحطی و جنگ نیز عوامل دیگری بودند. گرسنگی و قحطی امروز نیز مسلماً کشتار میکند ولی نه کشتاری سریع که اثر قاطع داشته باشد. بگروههای گرسنه مردم قوت لایموتی که از انهدام سریع آنان جلوگیری کند داده میشود بطوریکه گرسنگی عامل مؤثر در انتخاب انبساط نیست. اثرات کمبود تغذیه را در میانگین سن مردم، پایداری در قبال امراض و نموده‌های دیگر حیات انسان باید جستجو کرد.

جنگ عامل دیگر کنترل انسانها، امروز نیز سایه شوم بالهای خود را بر اکثر جوامع میگسترده ولی جنگ عاملی است وابسته بانسان و بعلاوه باتمام عوامل دیگری تفاوت اساسی دارد.

عوامل دیگر کنترل محیط، علیرغم تمام اختلافات خود، همیشه يك جنبه مشترك دارند و آن اینکه در تمام جوامع افراد ضعیف را حذف میکنند ولی جنگ اغلب متوجه قوی‌ترین افراد جامعه‌ها بوده است. شاید افرادی که در جنگ کشته میشوند از حیث جسمی جزء قوی‌ترین مردم جامعه نباشند ولی اغلب از حیث رشادت و غیرت مردم قوی‌تری بوده‌اند که برای پیشبرد آرمانهای اجتماعی خویش جان بکف نهاده‌اند.

جنگ امروزه نیز کشتار میکند ولی خوشبختانه وسعت عمل جنگها باندازه‌ای نیست که در سطح جهانی مؤثر افتد.

غالب عواملی که در تعیین ترکیب جامعه بشر دخالت داشتند امروز مغلوب شعور و علم انسان گشته‌اند. افراد بشر دیگر تحت اطاعت قانونی بقای انبساط نیستند. هر موجود انسانی که تولد مییابد امکان حیات پیدا می‌کند و در بین این انسانها عده بیشماری وجود دارند که اگر از حفاظت علم برخوردار نبودند محکوم به فنا میشدند. آنچه در این بحث بدان توجه داریم تنها تغییرات و افزایش صرف تعداد انسانها نیست. از دید اکولوژی انسانی، جامعه‌های بشری در معرض تغییرات کیفی بسیار پیچیده‌ای قرار گرفته‌اند. وقتی شرائط تکامل و تکوین موجود زنده‌ای فرق کند افراد جدید و بالنتیجه ترکیب نوینی در جامعه پیدا میشود که با جوامع گذشته فرق دارد. مقایسه این گونه جامعه‌ها مسأله‌ایست پیچیده و در عین حال بینهایت حائز اهمیت و توجه. جامعه‌های روستائی

موجود در ایران حالتی دارند که بیشتر بيك جامعه طبیعی بشرشاهت دارد. محیط پرورش این جامعه‌ها عملاً تا امروز تحت کنترل انسان نبوده و قانون بقای انبساط بیشتر حکمفرمائی کرده است.

از سوی دیگر در محیط شهری بتدریج دخالت انسان در ترکیب جامعه شکل کاملی بخود می‌گیرد و جامعه‌های حمایت شده پرورش مییابند.

بدین لحاظ مقایسه جامعه‌های شهری و روستائی در خور اهمیت و توجه بسزائی میرسند از بین ده فرزند متولد انتخاب شده‌اند واقع شده‌اند. وقتی دخالت انسان در ترکیب و تشکیل جامعه بدقت شناخته شود به بسیاری از مسائل جامعه‌های شهری و گرفتاریهای مردم در جامعه‌های حمایت شده بادید دیگری نگاه خواهیم کرد.

شهر نشینان اغلب به برتری نیروهای جسمی و مخصوصاً به تفوق سلامت و تعادل روحی در پیش روستائیان وقوف دارند و هوای سالم، اغذیه طبیعی ده، سطح پائین فعالیت‌های ذهنی در محیط‌های روستائی را عوامل اصلی می‌انگارند، ولی کمتر بدین واقعیت توجه دارند که بسیاری از شهرنشینان اگر ساکن ده بودند چند روزی بیشتر از نعمت حیات بهره نمیکزیدند. در يك محیط روستائی دو بچه خانواده که به سن بلوغ میرسند از بین ده فرزند متولد انتخاب شده‌اند در حالی که يك خانواده شهری تمام ده فرزند خود را بسن کامل میرسانند.

موضوع مهمی که مخصوصاً بدان توجه باید داشت اینست که در آینده بسیار نزدیک شکل طبیعی جامعه‌های روستائی دستخوش تحول خواهد گشت. پیشرفتهای جدید در مسأله بهداشت و پیشگیری و معالجه امراض راه خود را بسوی این جوامع خواهند گشود. وظیفه دولت و ملت هم اینست که در تسریع این تحول و گرایش، تمام همت و قدرت خود را بکار گیرند.

ولی در عین حال شناخت علمی و دقیق ترکیب این جامعه‌های طبیعی برای امروز و فردای علم حائز نهایت اهمیت و توجه است. کشور ایران در حال حاضر از این نظر که جامعه‌های طبیعی و جامعه‌های حمایت شده را بصورت همزمان داراست از لحاظ مطالعه و مقایسه این جوامع امکانات فوق العاده مناسبی در اختیار دارد و میتواند سهم ممتازی در بررسی اکولوژی انسانی عهده‌دار شود و پرچم دار پژوهش در یکی از مهم ترین شاخه‌ها و مسائل زیست شناسی باشد.

آنچه که در سطور ذیل می‌آید خلاصه‌ایست از اشکالات و امکانات این گونه بررسیها و جنبه‌های مختلف مسأله که در بدو امر بیشتر جلب دقت میکنند.

۱- مطالعه مرگ و میر اطفال. انتخاب طبیعی از طریق عوامل بیماری زا بیشتر در سنین اولیه روی ترکیب جامعه

اثر میکند. نوزادانی که در ساختمان و جرثومه ارثی امکان استعداد پایداری در مقابل بیماریها را ندارند حذف میگردند.

به همین دلیل مطالعه مرگ و میر اطفال و مقایسه آنها در جامعه های حمایت شده و جامعه های طبیعی دارای اهمیت زیادی است. بیماریهای منجر بمرگ اطفال را می توان برحسب اهمیت آنها در شهرها و روستا ها طبقه بندی کرد. مقایسه این تقسیم بندیها نشان خواهد داد که مثلاً در جامعه روستائی بیست بیماری موجب تلف شدن نوزادان می گردد و بفرض بیماریهای سرطانی ردیف پانزدهم را اشغال میکند در حالیکه در جامعه شهری شاید سرطانهایی اطفال در ردیف سوم و یا چهارم قرار دارد.

مقایسه مردم شهر و روستا از نظر نیرو

های جسمی

تردیدی نیست که ساکنین روستاها بدلیل ساده انتخاب و بقای انب که در محیط زیست آنها حکمفرما بوده از نظر استعداد های جسمی بر افراد موجود در جامعه های حمایت شده برتری دارند. این مسأله تنها زائیده شرایط تغذیه طبیعی و هوای سالم و پاک نیست. روستائیان اگرچه هوای بهتری استنشاق میکنند ولی آب مشروب و خوراک و مخصوصاً محل زندگی آنها باندازه شهرها بهداشتی و متعادل نیست.

نباید از نظر دور داشت که کار مردم در جوامع طبیعی اغلب کارهای جسمی است و بعلاوه شرایط سخت زندگی و کار بعنوان عامل ثانوی در رشد جسمی مردم اثر میکند بطوریکه روستائیان در اثر تطابق با محیط نوعی مقاومت ثانویه و اکتسابی در مقابل شرایط نامطلوب پیدا میکنند که آثار آن با تظاهراتی که ناشی از خواص ارثی است کاملاً آمیخته میشود و نمیتوان به سبب آن فهمید که چه قسمتی از این نمودهای زیستی مربوط به صفات ارثی است و چه سهمی به تأثیر ثانوی محیط و خواص اکتسابی تعلق دارد.

و به همین دلیل مقایسه استعدادهای جسمی در جامعه های حمایت شده و طبیعی بسیار بفرنج و شاید عملاً غیرممکن باشد.

مقایسه مردم شهر و روستا از نظر هوش

و نیروهای دماغی

در مورد استعدادهای جسمی میتوان قبول کرد که افراد جامعه های طبیعی بر اعضا جامعه های حمایت شده برتری داشته باشند ولی هیچ دلیلی در دست نیست که در مورد استعدادهای معنوی نیز تفوق جامعه های طبیعی بر حمایت شده محرز و صادق باشد. توجه به کیفیت انتقال صفات و ساختمان جرثومه ارثی جانداران این مسأله را بخوبی توجیه مینماید.

عوامل ناقل صفات ارثی در موجود زنده واحدهای منفردی را تشکیل میدهند که هر

يك از آنها اغلب با استقلال کامل عهده دار انتقال يك صفت از نسلی به نسل دیگرند. چون واحدهای ناقل صفات از هم مستقل اند ممکن است بعضی از آنها از نظر مطامع و منافع انسانها وضع مطلوب و گروهی وضع نامطلوب داشته باشند و این کیفیتی است که در غالب گیاهان و جانوران اهلی عمومیت داشته و بخوبی شناخته شده است. مثلاً غالب نژادهای اصلاح شده درختان میوه قادر به تولید بهترین نوع محصول اند ولی از حیث استعداد رشد و شرایط تغذیه گونه های ضعیف و نامطلوبی بشمار می آیند.

در جهت مقابل اکثر گونه های وحشی گیاهان و جانوران که در شرایط طبیعی پرورش یافته و نوعی انتخاب و اصلاح نژاد طبیعی را تحمل کرده اند از حیث شرایط رشد

و توقعات زیستی، گونه های بسیار قوی ولی از نظر امکانات بهره دهی نژادهای نامرغوبی را تشکیل میدهند. این نوع تأثیر انتخاب طبیعی شاید در مورد انسان قابل تعمیم نباشد ولی انسان نیز موجود زنده ایست و از نظر نمودهای حیاتی و واکنشهای زیستی در قبال عوامل و شرایط محیط با سایر جانداران وجوه تشابه فراوان دارد. بنابراین اگر این قاعده در مورد بشر نیز صدق کند جای تعجب نخواهد بود.

با این مقدمه میتوان تصور کرد که پرورش و گزینش انسانها وقتی در محیط طبیعی و تحت سلطه قانون بقای انب صورت گیرد توده ای از بشرها برتری یابند که بیشتر از نظر نیروهای جسمی بر دیگران تفوق دارند. درست مانند گونه های وحشی گیاهانی که در محیط رقابت آمیز طبیعی فقط بدلیل داشتن استعداد رشد بیشتر بر نباتات دیگر برتری جسته اند.

اگر مقایسه استعدادها بین محیطهای شهری و روستائی باین نتیجه رسد که افراد نابغه منحصرأ یا اکثر در شهر متمرکزند باید قبول کرد که نظایر این افراد را شرایط سخت زندگی در محیطهای طبیعی حذف می کرده است زیرا قانون بقای انب در يك محیط طبیعی منحصرأ در جهت موافق نیرو های جسمی اثر میکند.

در عین حال همین مطالعات ممکن است نشان دهد که افراد جامعه های طبیعی از نظر استعدادهای معنوی نیز کلاً بر افراد جامعه های حمایت شده برتری دارند. با احتمال فراوان در محیطهای شهری افراد ضعیفی که از نظر نیروهای جسمی و دماغی بمراتب در سطح پائین قرار دارند باستعانت حمایت همه جانبه جامعه، امکان بقا میابند.

بدون هیچگونه تردید در جوامع آینده ناظر بروز استعدادها و اختصاصات جسمی و معنوی تازه ای خواهیم بود که در شرایط گذشته امکان پایداری و خودنمایی پیدا نمی کردند. این تحولات در هر دو جهت پیشرفت

و قهقرا بوقوع خواهند پیوست.

انسان از سوی دیگر نیز در امر پیدایش انسانهای تازه دخالت میکند و آن مصرف داروهای گوناگون است. انواع آنتی بیوتیکها و سایر عوامل داروئی مستعجل می توانند در تولید یاخته های جنسی اثرات گوناگون برجای گذارند و موجب پیدایش صفات دیگر در نسل انسانها گردند. استعمال بی حساب سموم در دفع آفات گیاهی هم امروز به پیدایش نسلهای تازه ای انجامیده که قبلاً وجود نداشته اند و اگر دخالت انسان در محیط بدین حد نمیرسد هرگز بوجود نمی آمدند.

این خود مسأله دیگری است که بحث مستقلی باید بدان اختصاص داد.

مقایسه فرکانس ژنها در مردم شهر و

روستا

تعیین نسبت و پراکندگی ژنها در افراد يك جامعه کار دشواری نیست. مقایسه فرکانس ژنها در افراد دو جامعه میتواند بطور عینی تأثیر محیط را در تقویت و یا تضعیف وضع نسی ژنها بیان کند. جهات دیگری نیز از این مسأله در خور توجهند:

مثلاً مقایسه نسبت ژنها در نوزادان منتهی بمرگ و نوزادانی که زنده میمانند از نقطه نظر تأثیر ژنها در قدرت حیات قابل بررسی و توجه است.

مسلماً این گونه بررسیها بسیار عمیق و نتایج حاصله از آنها بدشواری قابل تفسیر است. ولی در جهت فهم مکانیسم و کیفیت بروز اختلاف در افراد جوامع مختلف دقیق ترین و جالبترین کارهای پژوهشی است. وقتی اینگونه مطالعات در روی گیاهان و حیوانات انجام میگیرد به سبب آن میتوان نحوه بروز اختلاف در افراد يك گونه و بالاخره پیدایش و اشتقاق «اسپسهای» جدید را درك کرد.

در مورد انسان نیز همین بررسیها به فهم مسأله نژادهای انسانی كمك میکند و اگر این مطالعات بین دو طبقه وسیع که اختلاف شرایط زیستی در آنها مهم و مؤثر است صورت گیرد تأثیر محیط در انتخاب نوع انسان را بیشتر روشن میسازد.

مسائل متعددی از اختصاصات ارثی انسان، نظیر گروههای خونی که بزعم عده ای از زیست شناسان ضابطه دقیقتری در رده بندی نژادهای انسانی است در چهار چوب مطالعات اکولوژی انسانی از دید دیگری مورد توجه قرار میگیرند. ولی بیان این نکته مهم ضروری است که شناخت امروزی بشر در این مباحث باندازه ای نیست که امکان استنتاج کلی در مورد تأثیر محیط در انتخاب گروههای خونی یا سایر اختصاصات ارثی را ممکن سازد.

زیرا علاوه بر محدود بودن سطح مطالعات،

وجود روابط پیچیده‌ای که در گذشته از نظر آمیختگی گروه‌های انسانی و مهاجرت توده‌ها صورت گرفته مسأله رابدهت بفرنج ساخته است. وضع فعلی را میتوان سهولت مشخص کرد ولی وقتی موضوع را با تأثیر گذشته در آمیزیم تعیین نقش هر کدام از عوامل گذشته در پیدایش وضع حاضر بشدت مشکل می‌گردد.



بهرتر است وضع حاضر را در ارتباط با تأثیر محیط مطالعه کنیم و بینیم توده‌انسانها در يك منطقه وقتی تحت تأثیر دو گونه شرایط قرار میگیرند چه اختلافی بین خود پیدا میکنند.

واین همان هدفی است که بطور نسبی از مقایسه مردم و مخصوصاً اطفال جامعه‌های شهری و روستائی میخواهیم بدان نزدیک شویم.

اختلاف جامعه‌های طبیعی و حمایت شده انعکاس دخالت‌های انسان در ترکیب و تشکیل جامعه‌های بشری است و شناخت آن برای انسانها که خود موجد آنند ضروری و جالب است.



چاقودسته خودش را برود .

یک مشترک‌فیلر

در قناداندر چهی کویکنده بود زانکه ظلمی بر سرش آیینده بود

گرد خود چون کرم پلید بر متن بهر خود چه میکنی اندازه کن

مولوی

دکتر علی شالچیان

اثرات شیر در تغذیه و ترکیبات آن

مقدمه - شیر تنها ماده غذایی نوزادان در چندماه اول زندگی است. معمولاً پس از ۶ - ۳ ماهگی افزودن پاره‌ای مواد غذایی دیگر به جیره نوزادان مورد پسند بوده بطوریکه در موقع از شیر گرفتن غذای طفل مخلوطی از مواد مختلف غذایی میباشد. بنابراین پس از چندماه اول زندگی از اهمیت شیر در تغذیه نوزاد بتدریج کاسته شده ولی در عین حال در دو سال اول زندگی شیر بزرگترین رقم ماده غذایی طفل را تشکیل میدهد.

امروزه با پیشرفت تکنیک سالم سازی شیر تغذیه و پرورش نوزادان از زمان تولد بوسیله شیر خشک (شیر گاو) ممکن شده است. این عمل نه تنها تغذیه طفل را ساده تر مینماید بلکه از یکطرف خطر آلودگی از راه پستان مادر را تا حد زیادی از بین خواهد برد و از طرف دیگر غذای طفل با غلظت دلخواه در دسترس او قرار خواهد گرفت. طبق تجربیات دانشمندان سوئدی Mellander et. al. (۱۳) ۱۹۵۹ میتوان نوزادان را بوسیله شیر گاو پرورش داد بطوریکه از نظر سلامت جسم و رشد کاملاً شبیه نوزادانی که از شیر مادر تغذیه نموده‌اند خواهند بود. باین وجود نظریات پزشکی ثابت مینماید که بهترین ماده برای پرورش نوزادان بخصوص در چندماه زندگی شیر مادر است.

تغذیه نوزاد بوسیله پستان مادر عملی است طبیعی که بعد از زایمان صورت میگیرد و این عمل نه تنها طفل را راضی مینماید بلکه باعث خوشحالی مادر نیز میگردد.

ولی باید در نظر داشت که شیر مادر میبایستی بقدر کفایت و عاری از هرگونه آلودگی باشد. بعضی از مادران بخصوص در طبقات ثروتمند بععل زیادی از قبیل وضع اجتماعی و کار و فعالیت و غیره از شیر دادن طفل بوسیله پستان خود ابا مینمایند و این عمل بتدریج باعث کم شدن شیر مادر خواهد گردید.

در هر حال بهتر است بجای اصرار بمادر که باعث ناراحتی و تغییر حالت روحی خواهد شد از طریق مصنوعی یعنی با استفاده از شیر خشک طفل را تغذیه نمایند. در کشورهای عقب مانده چون تهیه شیر خشک و یا شیر گاو تازه عاری از میکروب و بالاخره ضد عفونی کردن بطری شیر طفل مشکل میباشد مادر ناچاراً میبایستی طفل خود را بوسیله پستان شیر دهد و باتوجه به بیماری کاشیکور که قبلاً در سلسله مقالات ذکر گردید بدون آنکه سلامت مادر بخطر بیفتد میتواند تا مدت ۳ سال طفل را بوسیله پستان شیر داد.

نکته قابل توجه آنست که اکثر اطفالی که بوسیله شیر خشک و باصطلاح شیر دستی پرورش داده شده‌اند از نظر جثه بزرگتر از اطفالی هستند که بطور طبیعی از پستان مادر تغذیه نموده‌اند. زیرا در این حالت طفل بقدر کفایت و با غلظت بیشتر بطوریکه کلیه احتیاجات او تامین میگردد از شیر استفاده مینماید.

طبق آزمایشات انجام شده اطفال تاسن پنج ماهگی روزانه ۵۰۰ لیتر شیر و از آن زمان تا توقف رشد روزانه بنصف مقدار فوق احتیاج دارند. زیرا شیر منبع مهمی از پروتئین حیوانی با ارزش زیاد و کلسیم است که برای رشد طفل نهایت ضرورت را دارد.

زمان از شیر گرفتن طفل در نقاط مختلف متفاوت است در کشور های اروپای غربی اطفال را در سن ۶-۵ ماهگی از شیر میگیرند و این موضوع بخصوص در مناطقی که شیر تازه و سالم گاو بطور وفور در دسترس است توصیه شده ولی در مناطقی که شیر تازه و سالم به اندازه کافی موجود نیست از شیر گرفتن طفل در این سن خطرناک میباشد. در این حال مادر میتواند علاوه بر شیر دادن طفل از پاره‌ای غذاهای سریع الهضم و مقوی که بطور تجارتي با سامی مختلف در بازار موجود است بعنوان مکمل استفاده نماید.

امروزه بثوت رسیده که چنانچه در جیره طفل از ۳ سالگی تا زمان بلوغ نیز شیر منظور شود رشد او سریع تر و زیادتر خواهد گردید و این افزایش رشد معمولاً همراه با سلامتی جسمی و قدرت مقاومت بیشتر بدن در برابر امراض میباشد. (۱)

کالری مورد احتیاج طفل

اطفال در سن یکسالگی روزانه به ۱۰۰۰ کالری بزرگ انرژی احتیاج دارند و چنانچه روزانه از ۵۰۰ لیتر شیر استفاده شود بنابراین در حدود ۳۵ درصد انرژی مورد احتیاج آنها نیز از این راه تامین میگردد و مابقی از مکملها و یا غذایی که طفل با سایر افراد خانواده خود صرف مینماید تامین خواهد گردید. بتدریج با افزایش سن و رشد میزان احتیاج طفل به انرژی بیشتر میگردد و همزمان با آن نوع و فرم جیره غذایی او نیز تغییر کرده و شبیه به افراد بالغ میشود و در نتیجه چنانچه جیره غذایی خانواده بقدر کافی محتوی مواد مغذی باشد طفل دچار کمبود انرژی نخواهد گردید.

اشتهای طفل معمولاً نشان دهنده احتیاج انرژی او است زیرا پذیرش غذایی طفل بر خلاف افراد بالغ میباشد. گاهی اوقات طفل برای مدت يك یا دو روز غذای خود را با اشتهای زیادی صرف مینماید در حالیکه بعداً ممکن است علاقه خود را نسبت به غذا برای مدتی از دست بدهد. این موضوع کاملاً طبیعی است و نباید جیره غذایی او را در موقع بروز چنین حالتی کم و یا او را وادار بخوردن غذای خود نمود.

بهترین راه برای سنجش وضع تغذیه اطفال اندازه گیری قد و وزن بدن آنهاست زیرا افزایش طبیعی وزن بدن و قد نشانه تغذیه صحیح و تامین انرژی مورد احتیاج میباشد.

مطالعه وزن و قد اطفال

در صورتیکه اطفال باندازه کفایت غذا صرف نمایند رشد آنها بکندی و بتاخیر می افتد. این موضوع نیز در مورد افراد بالغ صادق است زیرا چنانچه جیره غذایی کافی نباشد از وزن آنها کاسته شده و برعکس در حالتی که جیره غذایی از اندازه مورد احتیاج بیشتر است بوزن آنها اضافه میشود. بهترین راه برای اندازه گیری رشد اطفال استفاده از ترازو برای سنجش افزایش وزن و وضع تغذیه میباشد.

طبق آزمایشاتی که در کشورهای اروپائی انجام گرفته است متوسط وزن و قد اطفال در سنین مختلف تعیین شده که از این راه در طب برای تشخیص علل ناراحتی نوزادان بخصوص آنهایی که بطور مرتب شیون و زاری مینمایند استفاده میشود.

در جدول زیر متوسط وزن و قد افراد
در سنین مختلف خلاصه شده است .

سن	پسر		دختر	
	قد سانتیمتر	وزن کیلو	قد سانتیمتر	وزن کیلو
موقع تولد	۵۰٫۹	۳٫۴	۴۹٫۵	۳٫۳
۲ هفتگی	۵۱٫۷	۳٫۴	۵۱٫	۳٫۳
۳ ماهگی	۶۰٫۲	۵٫۸	۵۸٫۸	۵٫۵
۶ ماهگی	۶۶٫۷	۷٫۹	۶۵٫	۷٫۴
۹ ماهگی	۷۱٫۲	۹٫۲	۶۹٫۶	۸٫۷
یکسالگی	۷۵٫۱	۱۰٫۲	۷۳٫۹	۹٫۸
۲ سالگی	۸۶٫۴	۱۲٫۲	۸۵٫۵	۱۱٫۶
۳ سالگی	۹۵٫۹	۱۴٫۳	۹۳٫۸	۱۳٫۸
۴ سالگی	۱۰۳٫	۱۶٫۲	۱۰۱٫۶	۱۵٫۷
۵ سالگی	۱۰۹٫۵	۱۸٫۳	۱۰۸٫۹	۱۷٫۹
۶ سالگی	۱۱۵٫۴	۲۱٫۱	۱۱۵٫۶	۲۰٫۸
۷ سالگی	۱۲۲٫۱	۲۳٫۸	۱۲۱٫۱	۲۳٫۳
۸ سالگی	۱۲۵٫۲	۲۵٫۲	۱۲۵٫۴	۲۴٫۸
۹ سالگی	۱۳۰٫۵	۲۷٫۵	۱۳۰٫۲	۲۷٫۹
۱۰ سالگی	۱۳۶٫	۳۰٫۲	۱۳۵٫۴	۲۹٫۶
۱۱ سالگی	۱۴۱٫۳	۳۳٫۴	۱۴۱٫۴	۳۳٫۸
۱۲ سالگی	۱۴۸٫۱	۳۷٫	۱۴۸٫۴	۳۸٫۹
۱۳ سالگی	۱۵۲٫۵	۴۲٫	۱۵۵٫۱	۴۴٫۸
۱۴ سالگی	۱۵۹٫۴	۴۶٫	۱۵۷٫۱	۴۸٫۱
۱۵ سالگی	۱۶۷٫۲	۵۴٫۶	۱۶۲٫۱	۵۲٫۹
۱۶ سالگی	۱۷۳٫۵	۶۰٫۶	۱۶۲٫۸	۵۴٫۶
۱۷ سالگی	۱۷۳٫۷	۶۲٫۵	۱۶۴٫۳	۵۷٫

قفه سینه و دور باسن و غیره برای تهیه
ارقام این جدول بکار برده شده است.

طبق تحقیقات انجام شده چنانچه وزن
افراد تا قبل از ۲۰ سالگی در حدود وزن
متوسط باشد پس از ۲۵ سالگی وزن آنها
حدود بهترین وزن قرار خواهد گرفت .

با اندازه گیری درصد مرگ و میر در
سه گروه سنگین وزن، وزن متوسط و بهترین
اندازه وزن مشخص گردیده که مرگ و میر
دسته اول بیشتر از هر دو دسته و دسته
دوم بیشتر از دسته آخر میباشد .

بعبارت دیگر افراد همواره میبایستی
سعی نمایند که از چاقی بیش از حد جلو
گیری شود زیرا که تجربه ثابت نموده که
افزایش وزن مردها بین سنین ۴۰-۲۵
سالگی در زمان حال بیش از ۴۰ سال قبل
است و در نتیجه میزان مرگ و میر در این
دسته ممکن است تا ۴۰-۳۰ درصد افزایش
یافته باشد درحالیکه ناراحتی های عمدی نیز
وجود ندارد. برعکس وزن متوسط زنها در
سنین قبل از ۴۰ سالگی بعلاوه توجه بزیبائی
اندام در سالهای اخیر کاهش یافته و در
عین حال از میزان مرگ و میر در این دسته
نیز کاسته شده است. از طرف دیگر افزایش
وزن زیاد و بعبارت دیگر چاقی صرفنظر
از بروز عوارضات مختلف مانند ناراحتی
قلب، عدم قدرت در راه رفتن و غیره
ممکن است مسبب پاره ای عوارضات دیگر
از قبیل عارضه آلبومین او را و یا باعث
افزایش میزان آلبومین ادرار گردد .

مسئله افزایش وزن بدن و یا چاقی در
پارهای از کشورها مانند امریکا-کانادا-
وسایر کشورهای پیشرفته مورد توجه بسیار
میباشد و متخصصین همواره توصیه مینمایند
که افراد بخصوص قبل از ۴۰ سالگی وزن
بدن خود را متعادل و تقریباً نزدیک به
وزن که کمتر از وزن متوسط میباشد نگهداری
نمایند.

ترکیب شیر

طبق مطالعات و آزمایشات انجام شده
توسط Kon و ماسون (۹) در انگلستان و
مکی (۱۱) در امریکا، واکر و همکاران
(۱۶) در ژوهانسبورگ ژله فی (۸) در
نتیجریه و کوپلان (۵) در هندوستان اگر
چه ترکیب شیر در نمونه های مختلف متفاوت
است ولی بطور کلی خواص آن یکسان می
باشد.

تغییرات ترکیب شیر انسان بیشتر از
سایر پستانداران است زیرا شرایط محیط و
تغییر حالات روحی اثر مستقیمی بر روی
میزان شیر تولیدی خواهد داشت بجز میزان
ویتامین ها کلیه مواد محتوی شیر در نتیجه
تغییر تغذیه مادر ثابت باقی میماند ولی در
دوران شیر دهی میزان چربی شیر بتدریج
افزایش یافته در حالیکه از میزان پروتئین
واملاح کاسته میشود. طبق گزارش دیویس
و ماکدونالد (۲) تغییرات سه ردر دوران

های حل چنین مشکلاتی است و در عین حال
مادران علاقمند میتوانند با گذشت زمان وزن
وقد طفل خود را اندازه گرفته آنرا روی
نمودار هائی مشخص نمایند و با مقایسه نمودار
های موجود وضع طفل خود را از نظر رشد
معین کنند .

طبق تحقیقات اسکات (۱۴) محقق
مشهور انگلیسی که بر روی شاگردان مدارس
لندن انجام گرفته است معلوم گردیده که
پیشرفت علم تغذیه و بهبودی وضع بهداشت
شهری و غیره باعث افزایش متوسط رشد و
وزن بدن نسل حاضر با مقایسه با پدران آنها
شده و بعلاوه زمان بلوغ چه در دخترها و
چه در پسرها نیز کوتاهتر گردیده است.
علاوه برجداولی که در بالا ذکر گردید
امروزه جداول بهترین اندازه قد و وزن
بدن اطفال و بزرگسالان در سنین مختلف
تهیه شده بطوریکه درصد مرگ و میرافزادی
که در این جداول قرار میگیرند از افرادی
که دارای وزن متوسط میباشند کمتر است .
در این جداول افراد به سه گروه کوچک،
متوسط و بزرگ تقسیم شده و بعلاوه افزایش
سن تأثیری در ارقام جداول نخواهند داشت.
درحالیکه مطالعه و اندازه گیری پهنی و عمق

جدول فوق چندسال پس از جنگ بین-
الملل دوم درادامبرو - اسکاتلند تهیه گردیده
است. نکته ای که لازم است در اینجا یاد
آوری شود آنست که شرایط جوی، نژادی و
بالاخره خواص وراثت تأثیر بسیار زیادی
در اندازه قد و وزن دارد بنابراین جدول
فوق را نمیتوان بعنوان استاندارد بکار برد
بلکه در هر کشور میبایستی اندازه گیری
انجام گیرد تا بتوان از آن بطور صحیح
استفاده نمود.

فایده دیگری که در مورد کلیه افراد
از چنین جداولی برده میشود در مواقع
خطر و یا کمی غذا در یک کشور است. پس
از جنگ بین الملل دوم بعلاوه کمبود غذا در
کشورهای مرکزی اروپا از این موضوع
برای تعیین کفایت مواد غذایی استفاده
کردند .

در ایران مادران میبایستی همواره وضع
تغذیه نوزادان و اطفال خود را در نظر
داشته باشند. اغلب مشاهده میشود بعلاوه
شدیدی که مادران با اطفال خود دارند از
نخوردن غذای آنها شکایت و از ناراحتی های
مختلف از قبیل نخوابیدن کافی و بموقع و یا
شیون وزاری درطول مدت روزگله مینمایند.
همکاری با پزشك مربوطه یکی از راه

شیردهی بقرار ذیل است :

دوران شیردهی	پروتئین درصد	لاکتوز درصد	املاح درصد
۱ - ۷ روز	۲۱	۶۸	۰.۳۰
۸ - ۱۸ روز	۱۶	۶۸	۰.۲۵
۲۷۰ - ۲۹ روز	۱۰.۳	۶۹	۰.۲۲

نکته جالب توجه آنست که اگر جیره مادران از حد نصاب کمتر باشد و باصطلاح مادر در وضعیت تغذیه منفی قرار داشته باشد باین وجود مواد لازم برای تولید شیر را از بافتهای مختلف جذب نموده و بخوبی میتواند طفل خود را تغذیه نماید. در جدول زیر درصد مواد متشکله شیر انسان و گاو و سایر جانوران خلاصه شده است (۳).

نوع	تعداد روزهای لازم برای دو برابر شدن وزن در موقع تولید	پروتئین	مواد قندی	چربی	انرژی بر حسب کالری بزرگ
انسان	۱۸۰	۱.۵	۶.۸	۴	۶۸
گاو	۴۷	۳.۵	۵	۳.۵	۶۶
گاو میش	—	۴.۳	۴.۵	۷.۵	۱۰۳
بز	۲۲	۳.۷	۴.۵	۴.۸	۷۶
میش	۱۵	۶.۵	۴.۹	۶.۹	۱۰۹
مادیان	—	۱.۳	۵.۷	۱.۲	۲۹

باتوجه بمراتب فوق مهمترین پروتئین شیر کازئین و لاکتوآلبومین میباشد که تقریباً نصف مجموع پروتئین شیر انسان و يك نهم شیر گاو را تشکیل میدهد. بعلاوه شیر محتوی ۸۰ - ۴۰ میلی گرم درصد میلی لیتر مواد ازته غیر پروتئین است که در تغذیه دارای ارزش میباشد زیرا بدن با کیفیت سنتز از اسکلت های فوق برای ساختن اسیدهای آمینه غیر لازم استفاده مینماید (۷) باتوجه بجدول بالا ملاحظه میشود که میزان پروتئین شیر گاو تقریباً دو برابر شیر انسان است بنابراین چنانچه منظور یکسان نمودن شیر گاو باشد قبل از استفاده آن يك برابر رقیق باید نمود و برای اینکار از آب جوشیده سرد شده یا ولرم استفاده مینمایند. پروتئین محتوی شیر گاو در حدود ۲۰ درصد انرژی را در بر خواهد داشت در حالیکه پروتئین شیر انسان ۷ - ۶ درصد انرژی را تولید خواهد کرد.

باتوجه به آنچه که گذشت چنین بنظر میرسد که شیر انسان از نظر مقایسه با شیر گاو از لحاظ تغذیه و مواد غذائی ضعیف تر میباشد در حالیکه پروتئین های شیر انسان

شیر که تقریباً نصف قسمت جامد شیر را بطور کلی تشکیل میدهد با ایجاد محیط اسیدی در روده ها همان عمل فوق را انجام خواهد داد. ایجاد محیط خاص بوسیله عوامل بالا نه تنها در هضم پروتئین های شیر موثر است بلکه برطبق گزارشات محقق مذکور در عمل جذب کلسیم و فسفر و منیزیم جیره غذائی تاثیر بسزائی خواهد داشت.

طبق مطالعات انجام شده (۴) شیر انسان در دستگاه گوارش نوزاد بصورت لخته های سخت در نیامده و عمل دفع براحتی انجام میگردد علت این امر بواسطه کمیت و کیفیت پروتئین های شیر انسان میباشد زیرا نسبت مواد ازته غیر پروتئینی شیر به کازئین در شیر انسان ۴ برابر نسبت مواد مذکور در شیر گاو میباشد و از طرفی نسبت ازت در ترکیبات غیر پروتئین به کازئین در شیر انسان ۱۳ برابر نسبت مواد ذکر شده در شیر گاو است.

چربی شیری که تازه از پستانها ترشح شده باشد بصورت گلبولهای بسیار ریز بتخلل در حدود ۵۰ میکرون است که بآسانی قابل هضم میباشد. اگر شیر مدتی نگهداری شود گلبولهای چربی بیکدیگر متصل شده بصورت خامه در سطح شیر جمع میشود. میزان چربی شیر انسان مانند شیر گاو در نمونه های مختلف متفاوت است و میزان آن بتدریج از ابتدای شیر دهی افزایش مییابد و بعبارت دیگر میزان چربی به حجم شیر تولیدی نسبت معکوس دارد.

میزان چربی شیر پاره ای از جانوران مانند بالن و شیر یا اسب آبی زیاد و تقریباً در حدود ۴۰ درصد میباشد. با آنکه این جانوران فقط مدت کوتاهی نوزاد خود را شیر میدهند در عین حال مقدار قابل ملاحظه ای چربی از بدن مادر به بدن نوزاد منتقل می گردد.

همانطوریکه قبلاً گفته شد قند شیر یا لاکتوز تقریباً نصف قسمت جامد شیر را تشکیل داده و از نظر شیرینی پائین تر از ساکاروز و یا گلوکز میباشد. میزان آن در شیر انسان بیشتر از شیر گاو بوده و در صنعت شیر خشک سازی برای مطبوع کردن شیر مقداری گلوکز و یا ساکاروز بآن اضافه مینمایند و در نتیجه طفل از اوان کودکی بغذای شیرین غیر طبیعی عادت می نماید. بطوریکه گفته میشود میزان لاکتوز شیر نسبت مستقیم بر رشد سطحی مغز نوزادان دارد بنابراین یکی از خواص شیر انسان این موضوع میباشد.

کلسیم موجود در شیر انسان بالغ بر ۳۵-۲۵ میلی گرم در ۱۰۰ میلی لیتر شیر است و میزان آن در شیر گاو تقریباً ۵ برابر یعنی در حدود ۱۳۰ - ۱۲۰ میلی گرم در ۱۰۰ میلی لیتر شیر میباشد. کلسیم معمولاً بصورت ترکیب با کازئین است و شاید یکی از خواص شیر این موضوع باشد زیرا کلسیم

کاملاً هضم و جذب میگردد. از طرف دیگر برطبق تحقیقات جورجی (۶) شیر انسان محتوی ماده غذائی خاصی است که در شیر گاو موجود نبوده و این ماده برای رشد و تکثیر لاکتوباسیلوس بی فیدس لازم میباشد و این ماده غذائی پلی ساکارید ازته است که محتوی مقدار زیادی هگروسامین میباشد. تا بحال اثرات بیولوژی این ماده در تغذیه نوزادان مشخص نشده است. ولی نکته قابل توجه آنست که قسمت اعظم باکتریهای مدفوع اطفالی که از شیر مادر تغذیه مینمایند لاکتو باسیلوس بی فیدس میباشد و در عین حال مدفوع چنین اطفالی اسیدی است در حالیکه نه تنها مدفوع اطفالی که از شیر گاو تغذیه مینمایند خنثی و یا قلیائی است بلکه محتوی انواع باکتریهای مختلف میباشد. بنابراین از این موضوع میتوان نتیجه گرفت که تغذیه طفل از شیر مادر استفاده از ماده مذکور باعث ایجاد محیط اسیدی یا محیط مساعد برای رشد و تکثیر میکروفلوراهای روده خواهد نمود که بنوبه خود باعث هضم کامل پروتئین های شیر میگردد. طبق تحقیقات لنگه من (۱۰) لاکتوز و یا قند

clin. Nutr. 2.231.

- 7) Hytten, F.E. 1954 Brit. med. J. 1,249.
- 8) Jelffe, B.D. 1952 Brit. med. J. 2,1131.
- 9) Kon, S.K. and Mawson, E.H. 1950, Spec. Rep. ser. med. Res. Coun. (Lond), No 269.
- 10) Lengemann, F.W. 1959. The site of action of lactose in the enhancement of calcium utilization J. Nutr. 69,23-27.
- 11) Macy, I.G. 1949, Amer. J. Dis. Childh. 78,589.
- 12) Mellander, O. et. al. 1959. Acta Paediat 48, suppl. 116.
- 13) Mitchell, H.H. 1927, the protein values of foods in nutrition. J. Home Ece. 19, 122-131.
- 14) Scott, J.A. 1961. Report on the heights and weights of school pupils in the country of London in 1959, London : L.C.C.
- 15) Simpson, L.A. and Chow, A.Y. 1956, J. Trop. Pediat 2,369
- 16) Walker, A.R.P, and Arvidsson, U.B. 1954. metabolism 3,385.
- 17) Weir, J.B. 1952, Brit. J. Nutr. 6,19.

را از نظر این ویتامین برطرف مینماید و با آنکه مقدار آن در شیر گاو قابل توجه است ولی این ویتامین در اثر حرارت در موقع پاستوریزه کردن و غیره از بین خواهد رفت. بنابراین در موقع استفاده از شیر گاو بمنظور تنها غذای طفل باین موضوع باید توجه داشت .

میزان ویتامین A شیر انسان برای بر طرف کردن احتیاجات نوزادان کافی است و کمتر اتفاق افتاده است که بیماری کراتومالسیا که یک عارضه چشمی است در نوزادانی که از پستان مادر تغذیه مینمایند بروز نماید.

در مورد ویتامین D شیر مطالعات کافی صورت نگرفته است ولی طبق تجزیه‌های شیمیایی میزان آن در حدود ۱۴۱-۱۳۰ واحد در هر گرم چربی شیر است .

- 1) Davidson, S. S. et. al. 1963, Human nutrition and dietetics, Milk and milk products P.P. 311 - 319.
- 2) Davis, J.G. and Macdonald, F.J. 1953 Milk of mammals other than the cow. Dairy chem. P.P. 88-107.
- 3) Espe, D. 1946 Factors affect ing the amount and composition of milk. Secretion of milk, P.P. 96-124.
- 4) Fundamentals of Dairy Science, by associates of Lore A. Rogers. 2nd ed. Amer. Chem. Soc. Monograph ser. No. 47 Reinhold publishing Co, New York, 1953.
- 5) Gopalan, C. 1958, J. Trop. Pediat. 4.87.
- 6) Gyorgy, P. 1954. Amer. J.

بصورت ترکیب با اسیدهای آمینه کاملاً جذب میگردد وجود مقداری اسید ستریک در حدود ۲۳ میلی گرم در ۱۰۰ میلی لیتر شیر شاید از یونیزه شدن کلسیم جلوگیری نماید.

میزان فسفر شیر انسان در حدود ۲۰-۱۰ میلی گرم در ۱۰۰ میلی لیتر شیر است و مقدار آن در شیر گاو تقریباً ۵ برابر میباشد.

شیر از نظر آهن بسیار فقیر است و مقدار آن هیچگاه از ۲-۱ میلی گرم در ۱۰۰ میلی لیتر شیر تجاوز نمی‌نماید. نوزاد معمولاً در مدت جنینی مقداری آهن در بدن خود ذخیره مینماید که برای تشکیل گلبول های قرمز خون و سایر اعمال حیاتی بکار برده میشود. ولی این مقدار فقط برای مدت ۶-۴ ماه پس از تولد کافی است و چنانچه هرچه زودتر طفل یغذاهائی غیر شیری عادت ننماید دچار کمبود آهن که همراه با کم خونی و عوارضات مختلف دیگر است میگردد .

ویتامین‌های شیر بستگی کامل بمقدار آنها در جیره غذائی مادر داشته بخصوص چنانچه میزان پاره‌ای از ویتامین‌ها مانند تیامین ویتامین A و غیره کافی نباشد در صورتیکه نوزاد فقط از شیر مادر تغذیه نماید دچار کمبود این ویتامین‌ها و یا عوارضات مختلف آنها میگردد .

طبق مطالعاتی که توسط سیمپسون و همکارش (۱۵) در ویتنام و مالیا انجام گرفته است معلوم شده که شیر مادرانی که اطفال آنها از بیماری بری بری رنج می‌برند محتوی ۶ میکرو گرم تیامین در ۱۰۰ میلی لیتر شیر است .

برای جلوگیری از این عارضه از طرفی باید نقص جیره غذائی مادران را برطرف نمود و از طرف دیگر از مکمل‌های ویتامینه که بصورت تجارتنی با سامی مختلف و ترکیبات متفاوت در بازار موجود است برای جبران کمبود ویتامین نوزاد استفاده کرد .

میزان بعضی از ویتامین های شیر انسان در جدول زیر خلاصه شده است:

شیر گاو بر حسب میکرو گرم در ۱۰۰ میلی لیتر شیر	شیر انسان بر حسب میکرو گرم در ۱۰ میلی لیتر شیر	نوع ویتامین
۴۵	۲۰ - ۱۰	تیامین
۲۰۰	۴۰ - ۲۰	ریبوفلاوین
۱۰۰	۳۰۰ - ۱۱۰	اسید نیکوتینیک
۱-۲	۵ - ۲	ویتامین A
۷۰ - ۱۵۰ واحد	۴۵ - ۲۵ واحد	ویتامین C

بطوریکه از جدول بالا مشخص است میزان ویتامین C شیر مادران با در نظر گرفتن میزان شیر روزانه احتیاجات نوزاد



صنایع ایران در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۶۰



آقای فرخ نجم آبادی معاون کل وزارت
اقتصاد در جلسه‌ها و ماهیانه انجمن نفت
ایران سخنرانی تحت عنوان نگاهی به صنایع
ایران در سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ بشرح زیر
ایراد کردند :

تاریخچه توسعه صنایع کشور :

در توسعه صنعتی ایران دو دوره مشخص را میتوان از یکدیگر متمایز نمود. دوره اول سالهای قبل از جنگ جهانی دوم است که در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر دولت بمنظور مدرنیزه کردن کشور و ایجاد اقتصاد صنعتی با سرمایه گذاری مستقیم چندین کارخانه در نقاط مختلف کشور بوجود آورد. هدف دولت از سرمایه گذاری مستقیم در صنایع مملکت در این دوره علاوه بر توسعه اقتصادی ، بی نیاز کردن کشور از بعضی کالاها ، ایجاد اشتغال ، نشان دادن امکانات ایجاد صنایع به بخش خصوصی مخصوصاً در رشته های مختلف صنایع سبک و مصرفی از جمله کارخانجات قند ، نساجی و مصالح ساختمانی بود. ولی در همان موقع نیز برای ایجاد صنایع سنگین مانند ذوب فلزات برنامه ریزیهای لازم انجام شده بود.

در این دوره علاقه بخش خصوصی به سرمایه گذاری در صنایع بعلم مختلف از جمله آشنا نبودن آنان به فنون جدید و نبودن کادر مجرب و فنی و همچنین فقدان اعتبارات کافی صنعتی در سطح نسبتاً نازلی قرار داشت و بعلاوه همانطوریکه در توسعه اقتصادی اکثر کشورها مشاهده شده پس اندازهای خصوصی معمولاً در راههای سودآور سنتی از قبیل فعالیت در واردات و رشته ساختمان بکار انداخته میشد. اقتصاد ایران در زمان جنگ و چند سالی پس از آن دچار وضع نابسامانی بود و زمینه مساعد برای توسعه صنایع تا اواخر دهه ۱۳۳۰ بوجود نیامد. برنامه دوم عمرانی کشور که قسمت اعظم سرمایه گذاری آن در فعالیتهای زیربنائی مصروف گردید مجدداً اوضاع مساعدی برای توسعه صنایع بوجود آورد و همزمان با سرمایه گذاریهای دولت در امور زیر بنائی، اقداماتی نیز برای تشویق افراد به سرمایه گذاری در فعالیتهای صنعتی از جمله اعطاء وامهای صنعتی از محل تجدید ارزیابی پشتهوانه اسکناس فراهم نمود. تسهیلات اعتباری دیگر از طریق بانکهای صنعتی و تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی را میتوان نام برد. در نتیجه این اقدامات بخش خصوصی بتدریج وارد فعالیتهای صنعتی شده و مشاهده میشود که علاوه بر فعالیت چشم گیری در زمینه تولید کالاهای مصرفی برای اولین بار بخش خصوصی وارد تولید کالاهای مصرفی بادوام میگردد.

بحران اقتصادی سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ بخوبی نشان داد که علیرغم علاقه و تمایل و دینامیزم بخش خصوصی به سرمایه گذاری صنعتی هنوز شالوده صنعتی کشور بخوبی آنچنان مستقر نشده بود که صنایع جوان بتوانند بدون کمک به فعالیت خود ادامه دهند. انقلاب سفید ایران که در بهمن ماه ۱۳۴۱ به ابتکار ورهبری شاهنشاه آریامهر

بوقوع پیوست شالوده اجتماعی کشور ما را بیکباره در جهت ایجاد يك اجتماع مترقی و آزاده دگرگون ساخت و زمینه تازه ای برای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور بوجود آورد. دولت نیز با توجه به این امر که در ابتدای صنعتی شدن کشور برای تشویق سرمایه گذاری مردم در صنایع و جلوگیری از رقابت های شدید واحدهای بزرگ و مستقر شده کشورهای صنعتی با صنایع داخلی، لازم است از صنایع جوان حمایت شود مقررات واردات و صادرات سال ۱۳۴۲ را که نقطه عطفی در تاریخ صنعتی شدن کشور میتوان تلقی کرد تصویب نمود.

دوره دوم توسعه صنعتی کشور در حقیقت از سال ۱۳۴۲ آغاز میگردد و در طی این دوره است که بخش خصوصی با اعتماد به آتیه اقتصادی کشور و با استظهار به حمایت دولت و با کمک موسسات اعتباری صنعتی شروع به سرمایه گذاریهای وسیعی در صنایع نموده و قسمت اعظم کالاهای مصرفی و مصرفی بادوام را تولید و در اختیار مصرف کنندگان قرار داد. ظهور بخش خصوصی در سرمایه گذاری صنعتی و تحرك خاصی که این بخش از خود نشان داد موجب پیدایش تغییراتی در سیاست های سرمایه گذاری دولت در صنایع و استراتژی آن گردید. باین ترتیب که دولت تصمیم گرفت فعالیتهای سرمایه گذاری خود را در رشته کالاهای سرمایه ای و واسطه و آن دسته از فعالیتهای گسترش صنعتی متمرکز نماید که بخش خصوصی با آن نا آشنا بود و یا تمایل زیادی از خود برای اینگونه فعالیتهای نشان نمیداد و یا بهر صورت میزان سرمایه گذاری در این رشته ها بحدی است که از امکانات بخش خصوصی خارج بود. بدین ترتیب ملاحظه میشود که دولت پس از تقریباً ۳۰ سال مجدداً رهبری و نقش نشان دهنده مسیر صنعتی کشور را بعهده گرفته و صنایع اساسی کشور مانند ذوب آهن ، ماشین سازیها ، ذوب آلومینیوم و پتروشیمی با سرمایه دولت در پاره ای موارد بدون مشارکت و در پاره ای دیگر با مشارکت بخش خصوصی بوجود می آیند. در اینجا لازمست نگاهی اجمالی به بعضی ارقام و اعداد بیفکنیم.

بطوریکه ملاحظه میشود آهنگ سرمایه گذاری دولت و بخش خصوصی در صنایع به نحو بسیار قابل توجهی افزایش یافته و طی برنامه چهارم در نظر است سهم بیشتری از پس اندازهای ملی ، مصروف سرمایه گذاری صنعتی بشود.

در هفت ساله اخیر همگام با سرمایه گذاری عمیق دولت در صنایع اساسی نه تنها شاهد تکامل و بلوغ صنایع مصرفی و مصرفی بادوام کشور میباشیم که یکی از نشانه های آن رقابت موفقیت آمیز بعضی از کالاهای صنعتی در بازارهای بین المللی است بلکه مشاهده میشود که بخش خصوصی

شروع به سرمایه گذاری در بسیاری از صنایع سرمایه ای و واسطه ای و مصرفی با دوام نموده است که بعنوان مثال نورد آهن ، کاغذسازی ، ساخت موتور دیزل ، ساخت موتور بنزینی ، اتومبیل و اتوبوس و کامیون سازی ، وسائل الکتریکی و الکترونیکی ، لاستیک و نایلون را می توان نام برد. طرح کاغذ سازی هفت تپه که هم اکنون محصول آن به بازار آمده است ظرفیت ۳۵ هزار تن کاغذ تحریر با سرمایه گذاری بخش خصوصی بمیزان ۱۸۸۰۰ میلیون ریال و بدون مشارکت خارجی به ثمر رسیده است که نشانه ای از قدرت تحرك و علاقمندی و اعتماد کامل بخش خصوصی به آتیه صنعتی کشور می باشد.

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که در سالهای اخیر سیاست وزارت اقتصاد در جهت ساخت هر چه بیشتر قطعات و مواد واسطه ای صنایع بوده و هم اکنون صنایعی که در وهله اول بصورت مونتاژ ایجاد شده اند بساخت قطعات بیشماری مشغول می باشند و یا بعبارت دیگر ارزش افزوده این صنایع روز بروز بیشتر میشود.

توجه بیش از پیش کشور به ایجاد صنایع اساسی ناشی از این است که اولاً همزمان با پیشرفت قابل ملاحظه صنایع مصرفی و مصرفی بادوام تقاضا برای کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و مواد خام صنعتی بمیزانی بالا رفته که هم اکنون حدود ۹۰ درصد واردات کشور را شامل میشود و میزان مصرف بتدریج در مورد بعضی مواد صنعتی بحدی رسیده است که تولید آنها را در داخل کشور توجیه مینماید و ثانیاً وجود ذخائر سرشار بعضی منابع طبیعی مانند نفت و گاز چه بصورت منبع انرژی و چه به صورت ماده اولیه صنایع پتروشیمی و ذخائر نسبتاً مهم گوگرد ، نمك سنگهای سرب ، روی ، کروم و اخیراً نیز مس این امکان را بوجود آورده است که صنایعی براساس این مواد اولیه ایجاد شده و قسمت عمده ای از محصولات آنها بخارج صادر شود و در آمدهای ارزی جدیدی برای تأمین احتیاجات روزافزون کشور بدست آید. توجه بهمین نکته یعنی احتیاجات ارزی کشور بوده است که طی برنامه سوم تعدادی از صنایع مانند پتروشیمی و آلومینیوم بادید صادراتی پایه گذاری شد در حالیکه اقتصاد طرحهای پتروشیمی براساس مواد اولیه ارزان و اقتصاد طرح آلومینیوم براساس انرژی ارزان استوار میباشد.

وضع حاضر :

نگاهی به بنیاد اقتصادی ایران این نکته را آشکار میکند که اقتصاد کشور بطور کلی گرایش بجهت بخش صنعتی یعنی صنایع ، نفت ، معادن ، صنایع ساختمانی و آب و برق داشته بطوریکه سهم بخش صنعتی بمعنی

جدول شماره ۱
(ارقام به میلیارد ریال)

پیش‌بینی برنامه عمرانی چهارم	دوران برنامه عمرانی سوم	
۸۶۷	۱۷۱	میزان سرمایه گذاری سازمان برنامه در فعالیتهای صنعتی و معدنی
۱۲۰۳	۴۰۲	میزان سرمایه گذاری بخش خصوصی در فعالیتهای صنعتی و معدنی
۲۰۷۰	۵۷۳	جمع میزان سرمایه گذاری در فعالیتهای صنعتی و معدنی
۸۱۰۰	۴۰۲۸	جمع میزان کل سرمایه گذاری در کلیه بخشهای اقتصادی
۳۳۴۰۰	۲۲۳۰۰	تولید ناخالص ملی بقیتهای ثابت (پنجساله)
۲۵۶	۱۴۲	نسبت سرمایه گذاری در فعالیتهای صنعتی و معدنی بکل سرمایه گذاری
۶۲	۲۶	درصد سرمایه گذاری فعالیتهای صنعتی و معدنی به تولید ناخالص ملی

عام کلمه در تولید ناخالص داخلی از ۳۳۶ درصد در سال ۱۳۴۱ به ۴۲۷ درصد در سال ۱۳۴۸ تغییر نموده است.

با وجود این گرایش قابل توجه به بخشهای صنعتی این نکته حائز اهمیت میباشد که علیرغم رشد سریع صنعتی چند ساله اخیر هنوز در داخل بخش صنعت بمعنی اخص کلمه تغییرات قابل توجهی در ترکیب تولیدات صنعتی بین صنایع مصرفی از یکطرف و صنایع مصرفی بادوام و واسطه‌ای و اساسی مشاهده نمیشود و سهم صنایع مصرفی که در سال ۱۳۳۸ حدود ۷۱٪ کل تولیدات بود تا سال ۱۳۴۶ نیز تقریباً همان نسبت را حفظ کرد. این پدیده طبعاً از توسعه سریع صنایع مصرفی ناشی میشد و اکنون که این صنایع بیشتر به تولیدات داخلی متکی شده‌اند مسلماً سهم صنایع واسطه و سرمایه در تولیدات صنعتی افزایش خواهد یافت بقسمی که در دو ساله اخیر با شمر رسیدن بسیاری از اینگونه طرحها این ترکیب بتدریج تغییر یافته و پیش‌بینی میشود تا آخر برنامه چهارم نسبت تولیدات صنایع مصرفی به کل تولیدات صنعتی از ۶۰٪ نیز کمتر باشد.

تحرك و علاقمندی بخش خصوصی به سرمایه گذاری صنعتی در سالهای اخیر و علی‌الخصوص در دو سال اول برنامه چهارم بخوبی نشان داده است که میتوان امیدوار بود از این مرحله ببعد بخش خصوصی سهم قابل توجهی در ایجاد و توسعه صنایع اساسی کشور داشته باشد و این بخش میتواند با برخورداری از سیاستهای تشویقی موجود و زیر بنای مناسب اقتصادی و کمکهای لازم مالی و فنی بانجام طرحهای بزرگ و پیچیده صنعتی نیز مبادرت ورزد.

رشد سریع تولیدات صنعتی و سرمایه گذاری های سنگینی که در بخشهای مختلف اقتصادی در سالهای اخیر انجام شده و هم چنین بهره‌برداری از کارخانجات جدید التأسيس تولید کننده مواد مصرفی و فرآورده های مصرفی بادوام احتیاجات کشور را به کالاهای واسطه‌ای مواد اولیه و قطعات منفصله وارداتی افزایش داده‌اند.

هم‌اکنون شواهدی در دست است که نشان میدهد نسبت واردات به تولید ناخالص ملی که در دوران اخیر توسعه سریع اقتصادی رو با افزایش بوده است حال در نتیجه شمر رسیدن بسیاری از طرحهای تولید مواد واسطه‌ای و قطعات منفصله با استفاده بیشتر از منابع داخلی روبهکاهش گذاشته‌ولی همگام با ایجاد صنایع اساسی و واسطه‌ای باید علاوه بر صنایعی که اصولاً بمنظور صادرات ایجاد شده‌اند صنایع دیگر نیز که بحد بلوغ و به مقیاس اقتصادی رسیده‌اند با بالا بودن سطح بهره‌وری برای حفظ دینامیزم اقتصادی ایران کالاهای خود را به بازارهای جهانی روانه کرده و نقش خود را در حفظ موازنه ارزی کشور بخوبی ایفا نمایند.

بمنظور تحکیم مبانی صنعتی کشور و ایجاد امکانات مشارکت هرچه بیشتر بخش خصوصی در این رشته از فعالیت و همچنین برای افزایش قدرت تولیدی صنایع و نیل به هدفهای صادراتی اصول سیاست صنعتی کشور که در سال گذشته اعلام گردید بشرح زیر میباشد:

الف - تفکیک سهم بخشهای دولتی و خصوصی:

۱ - تا آخر برنامه چهارم از تاسیس صنایع جدید با صد درصد سرمایه دولتی خودداری خواهد شد مگر در موارد خاصی که تصدی کامل دولت به لحاظ مصالح عالیه مملکتی ضروری باشد.

۲ - در صنایع جدیدی که با مشارکت بخشهای دولتی و خصوصی تاسیس میشوند اکثریت سهام به بخش خصوصی واگذار می شود مگر اینکه بخش خصوصی آمادگی برای احراز اکثریت نداشته باشد.

۳ - صنایعی که سرمایه آن صد درصد متعلق بدولت است منحصرأ در رشته‌های اصلی خود و در حدود مصوبات برنامه عمرانی چهارم قابل توسعه میباشد.

۴ - صنایع مکمل صنایع دولتی به بخش خصوصی واگذار میشود مانند صنایع وابسته به ذوب آهن، پتروشیمی و ماشین سازی.

۵ - در توسعه صنایعی که با مشارکت دولت و بخش خصوصی بوجود آمده‌اند حق

تقدم در سرمایه گذاری برای توسعه به بخش خصوصی داخلی داده شود.

ب - ضوابط ایجاد صنایع جدید:

۱ - ارزش افزوده با در نظر گرفتن سود معقول از ۳۵٪ قیمت فروش کمتر نباشد یا استفاده از منابع داخلی بیشتر از ۶۵٪ قیمت فروش باشد.

۲ - باتوجه به این شرایط و نظام صنعتی کردن کشور اولویت به صنایعی داده میشود که تکنولوژی پیشرفته‌ای را به کشور وارد نمایند و یا صنایعی که اثرات جانبی داشته باشند یا قسمتی از محصولات آنها برای صادرات تخصیص داده شود.

۳ - صنایعی که بلحاظ اتکاء به منابع داخلی که برتری نسبی در مقایسه با منابع مشابه خارجی دارند تاسیس میشوند باید اولاً ظرفیت اقتصادی داشته باشند ثانیاً قیمتی از محصول خود را صادر نمایند.

ج - ضوابط توسعه صنایع موجود:

۱ - توسعه واحدهای موجود تا آنجا که امکان پذیر باشد و موجب انحصار نگردد در ایجاد واحدهای جدید در همان رشته حق تقدم خواهد داشت.

۲ - چنانچه چند واحد صنعتی بساخت یکنوع کالا اشتغال داشته باشند قطعات و مواد اولیه مورد نیاز آنان با ایجاد يك واحد اقتصادی جداگانه تأمین خواهد شد.

۳ - در مورد اجازه توسعه به واحدهایی که در حد ظرفیت اقتصادی کار نمیکنند حق تقدم با واحدهائی خواهد بود که آمادگی ادغام با یکدیگر را داشته باشند.

د - توزیع جغرافیائی صنایع:

بمنظور سهم کردن بیشتر مردم مناطق مختلف کشور در مزایای ناشی از توسعه اقتصادی و صنعتی و بالنتیجه توزیع هرچه عادلانه‌تر درآمد میان مردم این مناطق لازم است که از تمرکز و تراکم واحدهای صنعتی در يك یا چند نقطه معدود کشور جلوگیری بعمل آید و اینگونه فعالیتها به نقاط دیگری که دارای امکانات توسعه میباشد سوق داده شوند. از طرف دیگر چون ایجاد صنایع ملازمه با وجود عوامل طبیعی و سرمایه گذاری های مکمل زیربنای اقتصادی کشور دارد لذا

برای بهره‌برداری حداکثر از امکانات طبیعی و مالی کشور باید صنایع را در وهله اول در قطبهای صنعتی متمرکز کرد.

و اکنون نگاهی به دهه آینده :

باتوجه به آنچه که گذشت از هم اکنون میتوان به آتیه گسترش صنعتی ایران نگریست. انتظار میرود که ایران رشد چند سال گذشته خود را در دهساله آینده نیز حفظ نموده و تولید ناخالص ملی با نرخ رشدی حداقل ده درصد در سال به قیمتهای ثابت توسعه یابد و باین ترتیب باتوجه به افزایش جمعیت کشور که در سال ۱۳۶۰ به حدود ۳۸ میلیون نفر خواهد رسید تولید ناخالص سرانه ملی در طی این مدت متجاوز از دو برابر خواهد شد. از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که بمنظور تحکیم مبانی و ایجاد تعادل لازم و گسترش اثرات صنعت در بخشهای مختلف اقتصادی کشور بخش صنعت با رشدی بیش از رشد تولید ناخالص ملی توسعه یابد بطوریکه سهم آن در تولید ناخالص ملی از ۱۰٫۶ درصد در سال ۴۸ به ۱۷ درصد در سال ۱۳۶۰ برسد. توأم با این توسعه و اتکاء بیشتر به بخش صنعتی کشور انتظار میرود که تغییرات قابل توجهی نیز در ترکیب تولیدات صنعتی کشور صورت گیرد. همان طوریکه قبلاً اشاره شد هم اکنون اقداماتی در جهت احداث صنایع کالاهای سرمایه‌ای واسطه‌ای و قطعات منفصله مورد نیاز صنایع موجود آغاز شده که در طی دهسال آینده نیز مسلماً ادامه خواهد یافت و یکی از عوامل تغییر ترکیب تولیدات صنعتی کشور خواهد بود و بالنتیجه صنایع موجود در طول زمان بیش از پیش بمنابع داخلی ایران متکی خواهند گردید. آنچه که مسلماً در انتخاب صنایع مورد توجه قرار خواهد گرفت موضوع برتری نسبی منابع

کشور میباشد زیرا فقط در این صورت است که صنایعی که انتخاب و ایجاد میگرددند می توانند با صنایع مشابه خارجی در بازارهای بین‌المللی رقابت کرده و در بازار داخلی نیز تولیدات خود را با قیمتهای مناسب عرضه نمایند. علاوه بر وجود منابع طبیعی ارزان بدون شك در مواردیکه احتیاج به تکنولوژی پیچیده و یا در مورد صادرات احتیاج به بازارهای خارجی است مشارکت با واحدهای تولیدی خارج میتواند یکی از راههای توسعه صنایع مورد نظر باشد.

باتوجه به مراتب بالا و تصویر کلی که از بنیاد صنعتی ایران داده شده میتوان اظهار داشت که در سالهای آینده کشور نه فقط کماکان از واردات بسیاری از محصولات مصرفی و مصرفی بادوام و مصالح ساختمانی بی نیاز خواهد ماند بلکه از محصولات بسیاری از این صنایع نیز مقادیر قابل توجهی به خارج کشور صادر خواهد شد.

انتظار میرود بخش فلزات اساسی که در حال حاضر سهمی کمتر از یک درصد در تولیدات صنعتی دارند سهم خود را در پایان دهه ۱۳۵۰ به بیش از ده برابر افزایش دهند. صنایع تولید فولاد کشور با آهنگ بسیار سریعی توسعه خواهد یافت و این توسعه موجبات تاسیس صنایع تهیه کننده مواد مورد نیاز صنعت مزبور را که شامل آلیاژهای اساسی مانند فروکروم، فروسیلیس، فرومنگنز و آجر نسوز و غیره میباشد فراهم خواهد کرد. از طرف دیگر گسترش این صنعت توسعه صنایع مصرف کننده فولاد مانند نورد سرد، لوله سازی، تولید مصالح ساختمانی فولادی چون میلگرد، نبشی، سپری، تسمه، الکتروود، پیچ و مهره، لوله های بی درز و ماشین سازی و وسائل کارخانجات صنعتی و

شیمیائی و صنایع تبدیلی را ایجاب خواهد نمود.

در بخش فلزات اساسی در وهله اول کارخانه تولید آلومینیوم در سال آینده با ظرفیت ۴۵ هزار تن در سال شروع بکار خواهد کرد و سپس واحدهای تولید سرب و روی و مس احداث و از آنها بهره برداری خواهد شد که مقادیر قابل توجهی از تولیدات آنها به خارج صادر خواهد گردید.

طرح تهیه آلومینیوم اصولاً براساس صدور نیمی از محصولات پایه ریزی شده و مطالعاتی نیز در مورد استفاده از روش احیاء مستقیم با گاز طبیعی برای تولید فولاد در جریان میباشد و انتظار میرود در سالهای آتی مقادیر قابل ملاحظه ای نیز محصولات فولادی برای صدور به بازارهای جهانی عرضه گردد. باتوجه به این نکته که معمولاً قیمت فلزات بصورت شمش فقط درصد کمی از قیمت محصولات نهائی آنها را تشکیل میدهد زمینه لازم برای ایجاد و توسعه صنایع تولید کننده محصولات نهائی که پایه آن فلزات میباشد فراهم شده و در نظر است از این برتری نسبی نهایت استفاده در جهت توسعه صادرات کشور نه تنها بصورت مواد خام بلکه بصورت محصولات نهائی بعمل آید.

تولید ماشین آلات و کالاهای سرمایه‌ای که تا سال آینده در کارخانجات ماشین سازی تبریز و اراک شروع خواهد شد (شامل ماشین های تراش، مته، فرز، سنگ سمباده، پرسها، کمپرسورها، پمپها، الکترو موتور و غیره و همچنین جرثقیلها، نوار های نقاله، دیگ بخار و متعلقات، قطعات منفصله کارخانجات، مخازن اسکلتهای فلزی مانند پل، واگنهای معادن، وسائل کشاورزی، برجهای (انتقال نیرو) می باشد که انتظار میرود بتدریج توسعه یافته و تا سال ۱۳۶۰ مقداری از تجهیزات و ماشین آلات صنایع شیمیائی، نفت و پتروشیمی و معادن نیز در کشور تولید شود. در مورد ماشین آلات کشاورزی احتیاجات کشور برای انواع تراکتور و وسائل کشت و برداشت مانند گاواهن، دیسک، کولتیواتور، بذرافشان، کمباین از طریق تولیدات داخلی تامین و همچنین قسمت اساسی نیازمندیهای کشور برای وسائل حمل و نقل از جمله اتوبوس، کامیون، وانت و غیره و بعضی از تجهیزات راه آهن چون ریل و واگن در کشور تولید خواهد شد.

باتوجه به توسعه بسیار سریع تولید و مصرف نیروی برق احتیاج صنایع به وسائل برقی مانند موتور پیش بینی میشود. تولید ماشین آلات و تجهیزات برقی که هم اکنون در بعضی جهات مانند ترانسفورماتور و کابل شروع شده بسرعت توسعه یافته و احتیاجات کشور در زمینه کلیه کابلهای فشار متوسط و فشار قوی، ترانسفورماتورها، کلیدهای فشار ضعیف و فشار قوی و وسائل قطع و

جدول شماره ۳
ساختمان تولیدات صنعتی

شرح	۱۳۳۸	۱۳۴۶
مواد غذایی، آشامیدنی و قوتون	۴۰۲۴	۵۰۲۲
صنایع نساجی و پوشاک	۳۲۵	۲۹۷
صنایع چرم و محصولات چرمی	۲۲	۱۸
محصولات چوبی و مبلمان	۳۰۸	۲۶
صنایع لاستیک و محصولات لاستیکی	۵	۱۰
کاغذ و چاپ	۱۳	۱۱
مواد شیمیائی و پتروشیمی	۳۰	۳۲
محصولات معدنی و غیر فلزی	۷۶	۵۵
فلزات اساسی	۶۴	۷
محصولات فلزی	۵۸	۴۹
ماشین آلات و وسائل برقی	۴۴	۲۳
وسائل حمل و نقل	۲۹	۶۱
سایر وسائل	۱۰	۷
جمع	۱۰۰	۱۰۰

وصل جریان و تعدادی دیگر تجهیزات برقی تامین خواهد شد .

در زمینه وسائل مخابرات و صنایع الکترونیک هم اکنون سالیانه تجهیزات لازم برای ۳۰ هزار شماره تلفن و ۴۵ هزار دستگاه تلفن در کشور ساخته میشود. عنقریب ظرفیت کارخانه تلفن سازی به سالیانه ۴۵ هزار شماره و ۶۰ هزار دستگاه تلفن افزایش خواهد یافت. انتظار میرود تولید وسائل مخابراتی دور مانند میکروویو و کاربر نیز از سه سال دیگر آغاز گردد و بتدریج تولیدات داخلی مراکز تلفن از سیستم الکترومکانیک به سیستم الکترونیک تبدیل شود .

صنایع لاستیک سازی که از اوایل دهه جاری در کشور آغاز شد و اکنون تولید آن به حدود ۲۳ هزار تن در سال رسیده است در سالهای آینده نه تنها ایران را به مرحله خود کفائی خواهد رساند بلکه در بازارهای صادراتی نیز نقش موثری را بازی خواهد کرد .

در مورد صنایع شیمیائی و سلولزی شاهد ایجاد کارخانجات برای تولید بسیاری از اقلام مهم شیمیائی منجمله مواد اصلی رنگهای نساجی و ساختمانی و تعدادی از داروهای اساسی مانند آنتی بیوتیکها ، ویتامینها و همچنین مواد اصلی سموم دفع آفات نباتی و حشره کشها خواهیم بود .

در زمینه صنایع پتروشیمی که ایران از برتری نسبی برخوردار است بطور قطع می توان پیش بینی کرد که واحدهای بزرگی برای تهیه مواد آروماتیک و الفینها در مقیاس جهانی بوجود آیند که اولاً راه ایران را برای رقابت در بازارهای بین المللی بیش از پیش باز خواهد کرد ثانیاً امکان ایجاد صنایع وابسته و واسطه ای را نیز بوجود خواهد آورد . باین ترتیب با در دست داشتن مواد اولیه به قیمتهای مناسب صنایع پلاستیک و پاک کننده ها جوش بسیار قابل توجهی خواهد داشت.

در مورد کود شیمیائی نیز کافی است اشاره شود که صنایع پتروشیمی ایران نه تنها امکان رفع احتیاجات داخلی را خواهد داشت بلکه مقداری نیز برای صادرات از کشور تولید و عرضه خواهد شد . انتظار میرود با در دست داشتن مواد اولیه تولید الیاف مصنوعی ، کاربن بلاك ، ملامینها ، فورم الدهاید و نرم کننده ها پلی وئیل استات که کلیه مشتقات صنایع پتروشیمی میباشد در مقیاسهای نسبتاً بزرگی برای تامین احتیاجات داخلی و صدور بخارج عملی گردد و همچنین برای تهیه مواد اولیه صنایع لاستیک سازی تولید یکی از رشته های لاستیک مصنوعی آغاز گردد .

تا اینجا بیانات اینجانب درباره جهت گسترش صنعتی کشور بود که خوشبختانه دولت برای تحقق و حفظ آهنگ آن بنکات اساسی زیر نیز توجه کامل دارد :

۱- برای مرتفع کردن احتیاج روز-

افزون صنایع به نیروی انسانی ماهر و مجرب در ایجاد و توسعه آموزشگاههای کشور به لزوم هماهنگی آموزش افراد با هدفهای توسعه صنعتی و اقتصادی توجه شده و در جهت تربیت کارگران ماهر ، تکنیسینهای ورزیده - متخصصین فن و مدیران کافی ولایق برای کلیه سطوح و امور صنعتی کشور کوششهای دامنهداری ادامه دارد .

۲- برای بالا بردن بهره وری در صنایع و مآلا رساندن ایران به سطح يك کشور صنعتی استقرار یافته برای رقابت در مقابل کشورهای توسعه یافته و صنعتی دنیا توجه زیادی به تعمیم مدیریت جدید و آشنائی مدیران ما با اصول و رموز آن میشود .

۳- برای تحقق عدم تراکم و تمرکز صنایع در نقاط معدودی از کشور توجه خاصی به سهم کردن کلیه مناطق کشور در مزایای توسعه اقتصادی و صنعتی شده و امکانات ضروری در نقاط مختلف کشور بطوریکه صاحبان سرمایه علاقمند به سرمایه گذاری در آن مناطق باشند بوجود می آید .

۴- برای حفظ نظام اجتماعی کشور و صیانت نهضت صنعتی شدن امروز بیش از پیش سیاستهای ما نسبت به نحوه سرمایه گذاری و مدیریت آن تغییر یافته و سعی میشود برای انجام طرحهای بزرگ کشور از طریق تشکیل شرکتهای سهامی عام و مشارکت صاحبان سرمایه های کوچک اقدام شده و در نتیجه عده کثیری از مردم کشور در منافع حاصل از رشد سریع اقتصادی سهم گردند .

۵- و شاید مطلبی که حائز نهایت درجه اهمیت میباشد این است که چون برای نیل به يك اقتصاد صنعتی که خود دارای نیروی محرکه داخلی باشد ایجاد تکنولوژی اصیل در ایران الزامی است ، در سالهای اخیر بتدریج در بعضی رشته ها زمینه لازم برای ایجاد موسسات طراحی و مشاوره امور مهندسی فراهم گردیده و در موسسات آموزش عالی نیز تحقیقاتی در زمینه مسائل عملی صنعت آغاز شده که با توسعه آن امید میرود در آخر دهه آینده ایران دارای خصوصیات يك کشور صنعتی پیشرفته باشد .

از : حسن کربلی

طلای سبز ایران



تاریخچه .

رام کردن حیوانات وحشی بعنوان ابتدایی‌ترین صحنه تمدن بشری و سپس کشاورزی و دامپروری همه پس از جنگل با اختیار بشر درآمد بنابراین استفاده از جنگل مسلماً نمی‌تواند از تاریخ تمدن دنیا جدا باشد استفاده از جنگل برای مسکن . جمع‌آوری و مصرف میوه‌های جنگلی بعنوان خوراک و سایر فرآورده‌ها بعنوان پوشاک بدون شك اولین تلاشهای نیاکان ما برای استقرار در دنیا بوده است.

مطالعات باستان شناسی در ایران نشان می‌دهد که از ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد یعنی در حدود ۶۰۰۰ سال پیش در مناطق غربی ایران که از مراکز اولیه تمدن جهان می‌باشد از چوب درختان جنگلی در ساختمان منازل و بخصوص معابد استفاده می‌شده است هم‌اکنون موارد استفاده از چوب محصول پرارزش جنگل به ۴۵۰۰ نوع مختلف می‌رسد بدین ترتیب که در زندگی روزمره بشر، چوب می‌تواند به ۴۵۰۰ نوع محصول یا وسیله گوناگون تبدیل شده مورد استفاده قرار گیرد .

آمار و ارقام

بنا بر آمار منتشر شده بوسیله سازمان ملل متحد از کل زمینهای موجود در دنیا که ۱۳۳۴۵ میلیون هکتار تخمین زده می‌شود نزدیک به ۳۹۷۸ میلیون هکتار یعنی در حدود ۳۰٪ آن از جنگل پوشیده شده است و بدین ترتیب اگر جمعیت دنیا ۳۳۰۰ میلیون نفر برآورد شود بهر نفر مساحتی در حدود ۱۳۰۰۰ متر مربع جنگل می‌رسد که البته تنها در اختیار داشتن جنگل بیشتر معرف استفاده بهتر و صحیح‌تر از آن نمی‌باشد مثلاً بعضی از کشورهای جدید الاستقلال آفریقا

جمعیت های بسیار کم مساحت های بسیار بزرگ جنگل دارند بطوریکه بهر فرد ۲۰ هکتار یا بیشتر جنگل می‌رسد در حالیکه موارد استفاده از چوب و جنگل جزء تأمین بعضی از احتیاجات بسیار ابتدایی در این کشورها محدود می‌باشد .

قابل دسترسی بودن جنگلها نیز مسأله مهمی بشمار می‌رود کشور برزیل ۵۶۱۶۵۶۰۰۰ هکتار جنگل دارد که ۶۶٪ سطح آن کشور را می‌پوشاند ولی از این سطح عظیم که در حدود ۴۵ برابر مساحت کل کشور ما و معادل نصف وسعت کل اروپا و قریب ۱۷٪ مساحت تمام جنگلهای دنیا که وسیع‌ترین سطح جنگل است که يك کشور واحد داراست فقط ۱۷٪ آن قابل دسترسی می‌باشد . باید توجه داشت قابل دسترسی بودن يك جنگل برای بهره‌برداری و مورد استفاده قرار گرفتن آن شرط لازم هست ولی کافی نمی‌باشد در مقایسه کشور کوچک ژاپن ۲۳۰۴۰۰۰۰ هکتار جنگل دارد که ۶۳٪ سطح آن کشور را تشکیل می‌دهد و علیرغم توپوگرافی خشن این جنگلها و کوههای عظیمی که در سرتاسر این کشور به چشم می‌خورند متجاوز از ۵۹٪ این مساحت قابل دسترسی بوده و عملاً مورد بهره‌برداری می‌باشد .

بنا بر آمار سازمان خواربار و کشاورزی جهانی مساحت کل جنگلهای کشور ایران برابر ۱۱٪ وسعت مملکت و سهمیه هر فرد ایرانی از آن ۹٪ هکتار است . ایران از نظر وسعت جنگلها بین ۵۶ کشور مندرج در آمار مزبور در ردیف چهارم و پنجم و از نظر میزان سهمیه فردی در ردیف بیست و هشتم قرار دارد .

وسعت کل جنگلهای قابل اهمیت نقاط غیر شمالی کشور برابر با ۳ میلیون هکتار بوده و سطح جنگلهای تجاری و قابل بهره‌برداری و با اهمیت در شمال فقط ۱۳۴۰۰۰۰۰ هکتار و جمع مساحت جنگلهای قابل توجه کشور به ۳۴۰۰۰۰۰ هکتار و در نتیجه نسبت این مساحت بوسعت کشور برابر ۱۶٪ است . و از این نظر بین ۵۶ کشور در ردیف پنجاه و یکم و از نظر سهمیه فردی که برابر ۱۶٪ هکتار می‌گردد در ردیف چهارم و دوم قرار می‌گیریم نسبت وسعت جنگلهای کشورهای شورهای شیلی - فنلاند - ژاپن - سوئد - شوروی و کانادا بمساحت کل کشورهای مزبور بترتیب ۸۴ - ۷۲ - ۷۱ - ۶۳ - ۵۶ - ۵۱ و ۴۵٪ و سهمیه فردی جنگل در شیلی - کانادا - شوروی فنلاند - و امریکای شمالی و بترتیب ۳۵۲ - ۲۴۵ - ۵۵ - ۵۳ و ۱۸ هکتار می‌باشد . بنابراین سهم ایران از مساحت کل جنگلهای جهان در حدود یکهزارم آنست . همچنین شوروی و کانادا بترتیب دارای ۵۰۰ و ۴۰۰ میلیون هکتار جنگل تجارتی هستند .

حجم کل درختان جنگلی شمال که قطر برابر سینه آنها بیش از ۹۰ سانتیمتر می‌باشد متجاوز از ۶۳ میلیون متر مکعب می‌گردد درختان در این قطر اگر مورد استفاده واقع نشوند متدرجاً از پایین توخالی شده و در اثر وزش باد شدید یا ریزش يك برف سنگین افتاده و پس از چند سالی از بین رفته و می‌پوسند . تاوقتیکه برای جنگلهای تجاری کشور طرح جنگلداری تهیه نگردد بایستی ناظر پوسیدن ثروت هنگفت کشور باشیم

چه اگر قیمت متوسط هر متر مكعب از این اشجار را با توجه به جنس های مختلف ۴۰۰ ریال فرض کنیم معلوم می شود که بتدریج شاید ظرف مدت ده سال مبلغی معادل ۲۰ میلیارد ریال از دست خواهیم داد. قسمت اعظمی از جنگلهای ایران که معادل ۱۱ درصد مجموع سطح کشور است در ادوار گذشته بعلت بهره برداریهای زیاد و بی رویه در عداد جنگلهای مخروبه و بوته زار درآمد که تجدید حیات آنها مستلزم کار و کوشش و صرف هزینه های گزاف و وقت زیاد و لزوم مراقبت شدید در حفظ و نگهداری آنها خواهد بود.

پراکندگی جنگلهای ایران

از نظر جغرافیایی و از نظر گونه گیاهان بترتیب زیر می باشد:

جنگلهای شمال ایران که دامنه شمالی جبال البرز را پوشانده و انبوه ترین و پراکنش ترین جنگلهای ایران شمرده می شود ۳۴۰۰۰۰ هکتار.

جنگلهای بلوط که از جنوب غربی رضایه شروع شده و در امتداد سلسله جبال زاگروس و کوههای بختیاری و جنوب شرقی فارس ادامه دارد حدود ۱۰۰۰۰۰۰ هکتار.

جنگلهای کوهستانی آهکی خشک در شمال خاوری ایران و دامنه های جنوبی جبال البرز ۱۲۰۰۰۰۰ هکتار.

جنگلهای گرمسیری در درانه های خلیج فارس و بحر عمان بطور پراکنده ۵۰۰۰۰ هکتار.

از جنگلهای مذکور کمتر از نیمی از جنگلهای شمال کشور قابل بهره برداری است و کل چوب جنگلهای شمال را به ۳۸۰ میلیون متر مکعب برآورد نموده اند به نسبت آن بکل موجودی چوب جنگلهای جهان که معادل ۱۳۰ میلیارد متر مکعب تخمین زده می شود معادل ۳ در هزار می باشد.

مساحت جنگلهای تجارتی شمال ۱۳۰۰۰۰۰ هکتار و حجم الواری آن ۲۵۵ میلیون متر مکعب برآورد گردیده است.

نقش جنگلهای

جنگلهای چه بصورت مستقیم و چه بصورت فعالیت های اقتصادی مربوط بانها دارای ۳ نقش عمده حفاظتی، زیبایی، و تولیدی در توسعه اقتصادی کشور می باشد.

۱- نقش حفاظتی بعنوان نوعی پوشش زمین اثرات جنگل بشرح زیر است:

الف - بعنوان حفاظت مستقیم سطح زمین از فرسایش

ب - بعنوان کنترل کننده آبهای جاری و آبخیزها

ج - بعنوان بادشکن و حفاظت اراضی زراعی مجاور.

د - بعنوان جزء لاینفك سیستم های اکولوژیک که برای زیست بشر، حیوان و نبات در بسیاری از نقاط لازم است عمل حفاظتی که جنگل در مناطق مختلف بخصوص

مناطق کوهستانی برای جلوگیری از فرسایش خاک بعمل می آورد قابل توجه می باشد و از دیر باز مردم متوجه شده اند وجود اشجار در شیب تپه ها در جریان سیلاب و حمل گل و لای جلوگیری بعمل می آورده و وجود درخت بعلت پوشش نباتی مناسبی که ایجاد مینماید از باد رفتگی و آبرفتگی خاکی می کاهد.

۲- نقش زیبایی - سرسبزی جنگلهای کمک زیادی به ارزش دادن آنها از نظر نقاط تفرجی و توریست نموده است پارکهای جنگلی و جنگل های ملی احتیاج مردم را به پارک های عمومی تاحد زیادی رفع می کند در عوض از نظر توسعه صنایع توریستی باعث جلب و جذب ارز و جریان پول داخلی و خارجی می شود.

۳- نقش تولیدی - جنگلهای بوجود آورنده یکی از بزرگترین منابع طبیعی جهان هستند جنگل برخلاف سایر منابع طبیعی دیگر مانند چاههای نفت و معادن ذغال سنگ که اگر از آنها استخراج نمایند پس از مدتی تمام می شود تمام شدنی نیست بلکه يك ثروت دائمی و زوال ناپذیر است بشرطی که بطریق صحیح اداره و بهره برداری کنند.

منظور از این ثروت طبیعی تنها چوب خام نیست که بدست می آید و یا پولی که از فروش آنها بدست می آید نیست بلکه اگر بعنوان مثال جنگلهای اروپای مرکزی را در نظر بگیریم در این جنگلهای تولید چوب سود زیادی ندارد و سود آن حتی گاهی بسیار کم است ولی ارزش این جنگلهای از نظر صنایع و کارخانجات چوب کوچکی است که در مناطق و دهات روستایی قرار گرفته که از لحاظ اقتصاد محلی و اجتماعی تأثیری در رفاه اجتماعی محل دارد و بسیار حائز اهمیت است.

تیپ های جنگلی ایران

بنا به طبقه بندی اکولوژیکی تپه های جنگلی ایران شامل تیپ های خشک نیمه خشک و مرطوب خواهد بود. تیپ های جنگلی خشک ایران با وسعتی در حدود يك میلیون هکتار در شرایط فعلی در مناطقی قرار دارند که میزان متوسط بارندگی سالیانه آنها از ۲۰۰ میلیمتر تجاوز نمی کند و تابستان آنها گرم و سوزان است این تیپ بزرگ به دو تیپ بیابان آسا که شامل قیچ زارها و تاغستان ها بوده و تیپ گرمسیری تقسیم می شود در تیپ گرمسیری دو سیمای متفاوت بچشم می خورد اول سیمای ماندابی است که تنها گونه آن «هر» با برگهای دائمی می باشد و در اثر مدد ریا آب عرصه آنها فرا میگیرد برگهای درختچه ها برای تعلیف دام قابل استفاده است. سیمای دیگر این تپه سیمایی است که عرصه آن در معرض مد دریا نیست و درختها و درختچه های اصلی آن عبارتند از انواع آگاسیا - استبرق - لوز - کهور - کنار - برخ و غیره.

این سیمای جنگلی به باغ طبیعی بزرگی شبیه است که در اینجا و آنجای آن بعضاً درختان قطور کهنسالی بچشم می خورد و یا توده های زیبایی از کهور یا کنار پیدا می شود که باید در حفظ آنها کوشید. در داخل منطقه ای که این سیمای را اشغال می کند بعضاً گونه هایی یافت می شود که از بعضی جهات حائز اهمیت بخصوص است و آن گونه ها عبارتند از شیشم که بیشه کوچکی از آن در دره ای در حوزه جبرفت کشف شده و یا در تنگ سرچه بادرختان دیگر بطور آمیخته وجود دارد اهمیت وجودی شیشم دارا بودن چوب پر ارزش آنست. و یا از درختچه دیگری مانند (داز) و (بورک) باید نام برد که نباتی است از خانواده نخل و در بلوچستان از برگ آن برای سبد سازی و تهیه حصیر - پای افزار - ریسمن و غیره استفاده میشود در منطقه تحت اشتغال تیپ خشک هر جا که سطح آب زیرزمینی بالا است و همچنین در کنار رودخانه ها گریپا پیده می روید بهترین نمونه جنگلهای گز ایران در محلی است بنام ته لاپ یا (تالاب) در مجاورت مرز ایران و پاکستان که از درختان کمابیش عظیمی تشکیل شده است.

تیپ بزرگ نیمه خشک شامل تیپ های ارس - زربین - سور - پسته و بادام و عده زیادی تیپ های بینابینی است تیپ های ارس و زربین معمولاً اراضی آهکی خشک را اشغال می کنند درختان و درختچه های کیکم - کرکو - ارزن - داغداغان و سیامولیک جزو تیپ ارس بشمار می رود تیپ زربین رویشگاه محدودی دارد و در حسن آباد چالوس - رودبار گیلان و علی آباد گرگان دیده می شود تیپ زربین علاوه بر قطع بی رویه دستخوش حریق شده و عرصه آن در بعضی نقاط در معرض خطر فرسایش می باشد.

تیپ سور یا نوش سطح بسیار کوچکی را قرقله علی آباد گرگان اشغال می کند گونه اصلی این تیپ سور است که در چین هم یافت میشود و در ایران حداکثر به قطر ۷۰ سانتیمتر میرسد. پسته و بادام در ترکیب جنگلهای بلوط غرب و همچنین در تیپ ارس بصورت پراکنده وارد می شود ولی خود آنها دو گروه اصلی و مستقل و متفاوت می باشند تیپ های پسته و بادام پیوند قابل احیاء و اصلاحند و این باغ بزرگ طبیعی را که میوه های کوچک نامرغوبی می دهد می توان در اثر پیوند بصورت مولد درآمدی در آورد که در قسمتی از آنها از قبیل جنگلهای پسته خواجه کلات خراسان و جبال بارز این کار شده است.

سومین تیپ یا خانواده بزرگ جنگلی ایران تیپ مرطوب است که در ۳ حوزه غرب ارسباران و شمال ایران وجود دارد میزان بارندگی متوسط سالانه رویشگاه این تیپ بزرگ معمولاً بیش از ۴۰۰ میلیمتر است و

در برخی از نقاط آن مانند نوشهر به ۲۰۰۰ میلیمتر و حتی بیشتر هم می‌رسد .
وسعت جنگلهای غرب ایران را در کتاب های قدیمی ده میلیون هکتار قید کرده‌اند ولی محققاً در اثر قطع بیرویه در سطح این جنگلها کاهش قابل ملاحظه‌ای بمرور پیدا شده و شاید این وسعت در حال حاضر به نصف این رقم رسیده باشد .

این جنگلها تنگ و درخت‌های آن کوتاه و کم رشد و اصولاً از چندگونه بلوط که در سایر نقاط کشور از آن گونه‌ها دیده نمی‌شود تشکیل شده و از همین جهت این جنگلها را بنام جنگلهای بلوط غرب نام گذاری کرده‌اند . البته علاوه بر درختان اصلی یعنی انواع بلوط گونه‌های دیگری از قبیل کیکم - بادام - داغداغان - ارغوان - زبان گنجشک - پسته - ولیک - زیتون - چنار و بعضاً ارس می‌آمیزد از عرصه این جنگلها و همچنین شاخه های درختان آن برای تعلیف دام استفاده میشود .

جنگلهای ارسباران ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار هکتار برآورد شده عناصر مشكله آن بیشتر بصورت شاخه‌زاد است یعنی پس از قطع درختان اصلی جست‌هایی روئیده که آن جست‌ها جنگل باز رسته فعلی را بوجود آورده است . دو گونه از انواع بلوطی که در جنگل های کرانه دریای خزر وجود دارد و همچنین مرز ولور که در جنگلهای شمال ایران کما بیش فراوان است عناصر مهم جنگلهای ارسباران را تشکیل می‌دهد که بآنها چند گونه افرا - زرشک - ذغال اخته - قندق و غیره مخلوط می‌شود .

بهترین و مهمترین جنگلهای ایران جنگل های کرانه دریای خزر می‌باشد این جنگلها از آستارا تا گلیداغی ادامه دارد و طبق مطالعات اخیر وسعت آن در حدود ۳۰۰۰۰۰ هکتار برآورد شده است . از این وسعت در حدود ۳۹٪ آن یعنی در حدود ۱۲۰۰۰۰ هکتار جنگل باصطلاح تجارتي است یعنی با احداث راه می‌توان بصورت اقتصادی از آنها بهره‌برداری کرد .

حجم درختان از ۱۳ سانتیمتر قطر بیلا در این جنگلها در حدود ۲۸۵۰۰۰ متر مکعب است که بطور متوسط ۲۲۰ متر مکعب در هکتار می‌شود اما در این دسته جنگلهائی هم وجود دارد که حجم درختان از ۱۳ سانتیمتر بیالای آن چندین برابر این رقم است ۳۴٪ این جنگلها یعنی در حدود یک میلیون هکتار آن مورد بهره‌برداری استحصال چوب و هیزم واقع نشده و از این نظر می‌توان بآنها عنوان جنگل بکر اطلاق کرد این جنگلها رویهم‌رفته مشخصات مهم مخصوص بخودی دارند که عبارتند از :

اول - این جنگلها در قسمت دست نخورده یک قیافه خاص وحشی دارند درختان بهم چسبیده و یا درختان خیلی

تزدیک بهم که نشانه عدم اجرای عملیات پرورشی در آنها است در این جنگلها رویهم‌رفته بسیار فراوان است .

دوم - بسیاری از درختان جنگلی دارای گورچه هایی هستند که سیمای درختان نواحی حاره را بخاطر می‌آورد .

سوم - درختان فرتوت در این جنگلها فراوان است و این درختان فرتوت هم از نظر بلندی هم از حیث قطر اندازه های



جاده ای در جنگلهای شمال

جنگلی درمازندران



حیرت آوری دارند چنانکه سرخدار - بلند مازو - راش - اوجا، به ۴۰ متر و توسکای ییلاقی به ۵۰ متر و شمشاد به ۲۰ متر میرسد. از نظر قطر بلند مازو - شاه بلوط به ۲۰۰ سانتیمتر سرخدار به ۱۸۰ سانتیمتر سفید تپه به ۱۷۵ سانتی متر افرا به ۱۷۰ سانتی متر اوجا و آزاد به ۱۶۰ سانتی متر و راش و توسکای ییلاقی به ۱۵۰ سانتی متر ملج به ۱۰۰ و شمشاد به ۵۰ سانتی متر می رسد در این جنگلها جوامع مختلفی وجود دارد که مهمترین آنها تپ - های راش - بلوط - سرخدار - شمشاد و تپ - های آمیخته توسکا - لرگ - کلهو - نارون - افرا و تپ - آمیخته ممرز - آسوندار می باشد .

تپ سرخدار در اروپا در قرون وسطی برای تهیه کمان بکار می رفت که بعلت قطع بیش از حد نسل آن منقرض گردیده است. در بعضی از جنگلهای شمال سرخدار بصورت پراکنده وجود دارد ولی در برخی از جنگل های راش وجود سرخدار از نظر تعداد و ابعاد در ترکیب جنگل اهمیت بیشتری پیدا میکند. و بعضاً جنگل آمیخته راش - سرخدار به وجود می آید که نمونه آن جنگل گرو در زیر آب است در حوزه علی آباد گسرگان جنگل های کوچک تقریباً خالصی از سرخدار وجود دارد که صرف نظر از ارزش چوبی اهمیت علمی بخصوصی دارند .

تپ دیگر تپ شمشاد است که می توان گفت در دنیا کم نظیر است درخت شمشاد در ایران تا ۲۰ متر بلندی و ۵۵ سانتیمتر قطر مشاهده شده و در گذشته از آن در خراطی و تهیه افزار کوچک دستی مورد بهره برداری فراوان قرار گرفته و اکنون مورد حمایت می باشد .

مصارف اصلی انواع چوبهای جنگلهای شمال ایران :

چوب راش. در نجاری و تهیه تراورس راه آهن مصرف دارد و چوبهای کم قطر حاصله از پرورش جنگل آنرا می توان در آینده بمصرف کاغذ سازی رسانید.

چوب بلند مازو. برای تهیه پارکت سازی (فرش چوبی) - چلیک سازی - تهیه تخته لت برای پوشش سقف خانه های روستایی و تراورس راه آهن بکار می رود .

چوب آزاد. مصارف نجاری و مبیل سازی دارد .

چوب گردو. در تهیه روکش و مبیل سازی مورد مصرف دارد .

چوب افرا. در تهیه روکش - مبیل سازی و بخاری می توان مصرف کرد .

چوب سرخدار . در تهیه ادوات زینتی و مبیل سازی بکار می رود .

چوب ملج و اوجا . در مبیل سازی و نجاری مصرف دارد .

چوب ممرز . در کاغذ سازی و تهیه تراورس راه آهن بمصرف می رسد.

چوب زبان گنجشک . در تهیه ادوات

ورزشی و برای مبیل سازی و نجاری مصرف دارد.

ارزش اقتصادی جنگلهای شمال ایران براساس برآورد برخی از کارشناسان (F. A. O) سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل) معادل ۳۵۶۰ میلیون دلار تخمین زده می شود میزان بهره برداری سالیانه از این موجودی بسیار ناچیز بوده و معادل ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار متر مکعب چوب صنعتی و ۱۵ الی ۱۵۰ میلیون متر مکعب چوب سوخت می باشد و بموجب برآورد وزارت اقتصاد و سازمان برنامه ارزش مجموع تولیدات جنگلی در سال ۴۴ معادل دو میلیارد ریال بوده است که ۱۸ درصد کل تولیدات ناخالص بخش کشاورزی را در بر گرفته است بدیهی است که ظرفیت پتانسیل تولیدی جنگل های ایران فوق العاده بیشتر است و بر اثر بهره برداری اصولی و صحیح از این منابع می توان رقم کل تولیدات ناخالص سالانه را براساس قیمت های ثابت فعلی تا ۱۸ میلیارد ریال افزایش داد که معادل ۱۶ درصد تولیدات ناخالص بخش کشاورزی می باشد بنابراین وجود مناطق وسیع جنگلی در ایران خاصه در نواحی شمالی که دارای ارزش اقتصادی و اجتماعی فراوان است می تواند کمک بسیار مؤثری در افزایش سطح درآمد ملی باشد. متأسفانه طی سالیان گذشته عدم استفاده علمی و برداشت ناصحیح از جنگلها بویژه جنگلهای شمال که چوبهای آن دارای ارزش صنعتی قابل توجهی است موجب تحلیل تدریجی این ثروت ملی گردیده است و اگر در این زمینه اقدام عاجلی بعمل نمی آمد بیم آن می رفت که در آتی به انهدام قطعی این ثروت سرشار و زاینده بیانجامد خوشبختانه در سال ۴۱ همگام با سایر اقدامات مؤثر در توسعه و تحول فعالیت های اقتصادی و اجتماعی بفرمان شاهنشاه آریامهر ملی شدن جنگلها اصل دوم انقلاب اجتماعی ایران قرار گرفت و باقانون ملی شدن جنگلها کلیه پشته های طبیعی - مراتع و اراضی جنگلی در ردیف اموال عمومی و متعلق بدولت درآمد وظیفه حفظ و توسعه و همچنین احیاء جنگلها و بهره برداری از آنها ابتداء به وزارت کشاورزی و سپس به وزارت منابع طبیعی واگذار گردید .

ملی شدن جنگلها در ایران در زمانی صورت گرفت که هنوز يك میلیارد هکتار یعنی حدود يك چهارم جنگلهای روی زمین ملی نشده است بطوریکه هم اکنون حدود ۴۵٪ جنگلهای فرانسه و ۵۵٪ جنگلهای اروپا و ۴۰٪ جنگلهای آمریکادر اختیار سرمایه داران کشورهای مزبور می باشد .

صنایع جنگی موجود در ایران

درخت سرپا موقعی ارزش صنعتی پیدا می کند که بتوان آنرا از جنگل خارج نمود و با هزینه مناسب به بندر برای صادرات و یا بکارخانه برای تهیه و تبدیل انتقال داد

عملیاتی که روی يك درخت قطع شده انجام میگیرد در سه گروه اساسی زیر است :

گروه اول - عملیات تهیه خود چوب و ضایعات آن است بدون آنکه تصرف زیادی در آن انجام گیرد مانند تهیه تیرهای مخابراتی - معدنی - تراورس - فربه بندی - تخته های ساختمانی - تخته های سه لا - ورق روکش - مبیل سازی - بشکه سازی - چوب خراطی برای دوکها - مداد سازی - کبریت سازی - بسته بندی و آرد چوب بعنوان پرکننده در لینولئوم و پلاستیک و دینامیت سازی و غیره .

گروه دوم عملیات شیمیائی روی چوب است که در ماهیت آن تصرفاتی نموده آنرا بصورت خمیر سلولزی در می آورند و بنا بنوع چوب و مراحلی که هنگام تبدیل می - پیماید آنرا با سامی مختلف می نامند مانند خمیر میکانیکی که برای تهیه کاغذ روزنامه و خمیر نیمه شیمیائی برای کاغذ تحریر و گرافت و خمیرهای شیمیائی برای تهیه ریون و یسکوز و الیاف مشابه دیگر آن و یا مواد نیتروسولوزی برای ساخت دینامیت و لینین بکار می رود .

گروه سوم - استخراج عصاره و تهیه مواد غیر سلولزی از چوب است مانند گرفتن انواع کربوهیدراتها از قبیل اسید استیک و اسید فرمیک فور فوران و غیره تهیه ذغال و تحصیل مواد مقطر مانند الکل اتبلیک تانن مایه خمیر و غیره - گرفتن شیر و تهیه خوراک دام (ملاس چوب) - استفاده از عصاره های خام مانند لاتکس - گلو فون - روغن و امثال آن بعنوان مواد واسطه صنعتی. با توجه به گروه سه گانه دامنه صنایع سبک و سنگین که منشأ جنگلی دارند معلوم می گردد . معمولاً صنایع گروه اول که تهیه میکانیکی چوب است سرمایه گذاری سنگین نمی خواهد . این دسته صنایع در مرحله اول استفاده از محصولات جنگل بوجود آمده است .

آمار تولیدی سالیانه کارخانجات صنایع چوب در ایران بشرح زیر است :

تخته سه لا	۵۲۰۰۰۰ مترمربع
روکش	۱۲۰۰۰۰ مترمربع
تخته فشرده	۲۶۸۰۰۰۰ مترمربع
درب و پنجره	۸۶۷۰۰۰۰ مترمربع
پارکت	۳۰۰۰۰۰ مترمربع
فیبر	۳۳۰۰ تن
تراورس	۱۰۱۶۰ تن
کاغذ لفاف	۳۹۵۵ تن
مقوا	۴۰۷۵ تن
ماسوره نساجی	۱۸۰۰۰۰ عدد
بوبین نساجی	۲۳۲۰۰۰۰ عدد
قالب و پاشنه کفش	۲۸۰۰۰۰ جفت
کبریت	۶۴۴۴ میلیون جعبه
دستمال کاغذی	۱۷۶ میلیون جعبه
بواسطه اینکه آمار جنگلهای ایران از حیث نوع و کمیت و مورد مصرف صنعتی آن در	

دست نیست و برای غرس درختهای صنعتی فعالیتی نشده ایران مجبور است سالیانه مبلغ زیادی ارز کشور را برای واردات چوب و مصنوعات کاغذی و الیافی بخارج بفرستد که بنا بشرح زیر در سال ۴۵ بالغ بر ۵۳ میلیارد ریال بوده است.

واردات ریون و یسکوز بصورت الیاف ونخ
واردات کاغذ و مقوا
واردات چوب و مصنوعات چوبی

حدود ۳۰٪ احتیاجات فیبر کشور را برای فیبرهای از نوع متوسط تأمین می کند . کارخانه فیبر جدیدی نیز اخیراً شروع بکار کرده است و با بازده خود تا حد زیادی در اینراه به مصرف کنندگان فیبر کمک می نماید .

۴۳۰۰۰ تن بمبلغ ۲۴۹ میلیارد ریال
۹۳۳۰۸ تن بمبلغ ۱۷۶ میلیارد ریال
۶۴۲۰۰ تن بمبلغ ۷۰۶ میلیون ریال
جمع ۵۳۰ میلیارد ریال

این امکان وجود دارد که قسمتی از احتیاجات خود را بجای آنکه وارد کنیم از داخل تهیه نماییم . در سال ۴۵ سهم واردات چوب از کل واردات کشور در حدود ۷۰ درصد و بالغ بر ۵۱۰ میلیون ریال بوده است از این مبلغ ۹۸ درصد آن به مصارف واسطه و ۲ درصد به مصارف نهایی رسیده است . همچنین واردات محصولات کاغذی ۳ درصد کل واردات را تشکیل می داد و بالغ بر ۲ میلیارد ریال بوده حال با توجه به ظرفیت تولیدی جنگلهای ایران که فقط ذخایر جنگلهای شمال آن متجاوز از ۵۰۰ میلیون متر مکعب و ارزش آن حدود ۶۵ میلیارد ریال است و سالیانه امکان استفاده از ۳ الی ۵ میلیون متر مکعب چوب را میدهد بنابراین می توان امیدوار بود که در آینده نزدیک تولیدات داخلی جایگزین واردات چوب و مصنوعات آن مورد استفاده قرار گیرد .

سازمان برنامه از مدت ها قبل برای جلوگیری از واردات کاغذ مطالعاتی را توسط مهندسين مشاور ژاپنی روی انواع چوبهای جنگلی گیلان نموده است مشاورین مزبور چوبهای الش را برای کاغذ سازی خوب تشخیص داده و ممرز و ریزتون و توسکا و نارون را نیز مناسب برای اینکار شناخته اند و بدین ترتیب طرح احداث کارخانه بزرگ کاغذ سازی با هزینه معادل چند میلیارد ریال در گیلان تهیه گردیده است .

اخیراً کارخانه ۶۵ هزار تنی کاغذ اهو از که با استفاده از باگاس (تفاله نیشکر) قسمتی از نیازمندیهای کاغذ تحریر و چاپ کشور را تأمین می کند افتتاح و شروع بکار نموده است تعداد کل کارخانجات چوب بری در ایران به بیش از ۳۰۰ واحد بزرگ و کوچک می رسد که مهمترین آنها کارخانه چوب بری اسالم با ظرفیت روزانه تبدیل ۲۰۰ متر مکعب گرده پنبه را بانواع چوب صنعتی مانند الوار - تراورس - چهارتراش و تخته را دارا می باشد و می تواند الوار و تخته را بابعاد دلخواه تهیه نماید . از ضایعات و خاک آره این کارخانه که روزانه حدود ۴۰ تن می باشد برای تهیه فیبر نجاری استفاده می شود .

همچنین کارخانه گلپند در ۸۰ کیلومتری چالوس که ظرفیت سالیانه آن ۴۰ هزار متر مکعب است کارخانه چوب بری طرح لیره سر بظرفیت ۲۵ هزار متر مکعب و کارخانه چوب بری لاجیم در زیر آب از این جمله اند در صنعت چوب پنبه يك کارخانه وجود دارد که مواد اولیه خود را از اسپانیا وارد می کند و بوسیله دستگاه های مربوط و اضافه کردن مواد دیگر چوب پنبه را بصورت بلوک باطوم - ورق - و اش - پولک و چوب پنبه سربطری در می آورد .

در این کارخانه ۱۵ میلیون ریال سرمایه گذاری شده و سالیانه متجاوز از ۷ میلیون ریال صرفه جویی ارز میشود بنا با مار منتشره وزارت اقتصاد از ۵۴۸ تن مصرف داخلی مقدار ۱۶۷ تن این کارخانه تولید و ۴۱۸ تن وارد شده است . در صنعت فیبر سازی ۲ کارخانه وجود دارد کارخانه فیبر بابلر در سال ۴۱ تاسیس شده و از سرشاخه های درختان و چوبهای زنده استفاده می نماید این کارخانه

برای ساخت فیبر مقوایی که حدود ۱۲ هزار تن مصرف سالانه دارد کارخانه ای در دست ساختمان میباشد در صنعت تخته فشرده یا نئوپان؛ اولین واحد در چمخاله نزدیک دریای خزر تاسیس و بهره برداری از آن آغاز گردیده است مواد اولیه این صنعت ضایعات کارخانه های کبریت سازی سرشاخه ها و تنه های چوبی جنگها را که قبلاً بمصرف سوخت و یا تهیه ذغال می رسیده است اغلب سرمایه گذاران در این دسته صاحبان کارخانه های کبریت سازی هستند که ضایعات کارخانه خود را که قبلاً بمصرف گرم کردن دیک های بخار کارخانجات میرسیده است به تخته هایی بارزش هر متر مربع ۱۵۰ ریال تبدیل و سالانه ۴۵۰ هزار متر مربع تخته نئوپان تولید می نمایند که جانشین قسمت عمده یی از چوبهای روسی (نراد) شده و در صنایع کابیت سازی - مبیل سازی - در و پنجره - خانه سازی - دکوراسیون منازل و خانه ها از آن استفاده میشود .

در صنعت تخته سه لا و پارکت ۳ کارخانه که یکی در رشت و ۲ کارخانه دیگر در تهران قرار دارند مشغول فعالیت هستند . در این رشته صنایع چوب با سرمایه گذاری ۱۵۰ میلیون ریال حدود ۵۰ درصد احتیاجات کشور تأمین می گردد . اخیراً کارخانه جدیدالتاسیس دیگری به ظرفیت ۱۵ میلیون متر مربع روکش چوب با استفاده از ماشین آلات مدرن شروع بکار نموده است . با توجه به ترکیب و نوع واردات و صادرات فرآورده های چوبی و مصنوعات آن

در تنظیم این مقاله از (منابع) زیر استفاده شده است

- ۱- درختان و درختچه های جنگلی ایران تألیف دکتر ثابتی
- ۲- تأثیر جنگل در اقتصادیات کشور تألیف دکتر صائی
- ۳- سخنرانیهای سمینار جنگل و مرتع (نوشهر - شهریور ۴۷)
- از انتشارات وزارت منابع طبیعی
- ۴- نشریه منتشره سمینار بررسی مسائل ومشكلات صنایع چوب
- ۵- آمار جنگلهای کرانه خزر از انتشارات دفتر مهندسی وزارت منابع طبیعی
- ۶- جنگلهای ایران نوشته دکتر ثابتی از سری انتشارات این سینا
- ۷- دوره مجلات بنگاه جنگلها
- ۸- نشریه سازمان جهانی خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد



جنگل درحدود لاهیجان

در استان ساحلی

* در سال گذشته يك روز در میان يك طرح آغاز و يك روز در میان يك طرح اجرا و بهر مـ برداری شده است .

* باید کشت گران قیمت زمستانی را جانشین کشت جو و گندم کنونی کرد و مصرف مردم محل را از جاهای دیگر تامین نمود تا کشاورزی رونق بگیرد .

* در جنوب سرمایه گذاری بخش های خصوصی کاملاً مورد نظر است .

* توریسم مسأله ایست اساسی که در جنوب باید بدان توجه شود .

در جنوب مدت شش ماه مردم می توانند در آب دریا شنا کنند

* با ایجاد سردخانه ، بازار فروش بوجود می آید و صید ماهیگیران چندین برابر می شود .

* نسبت افزایش جمعیت در ساحل شمالی خلیج ، در سالهای اخیر ۷ تا ۷٫۵ درصد بوده .

* در عرض یکی دو سال آینده سطح درآمد را می توان چهار تا پنج برابر افزایش داد .

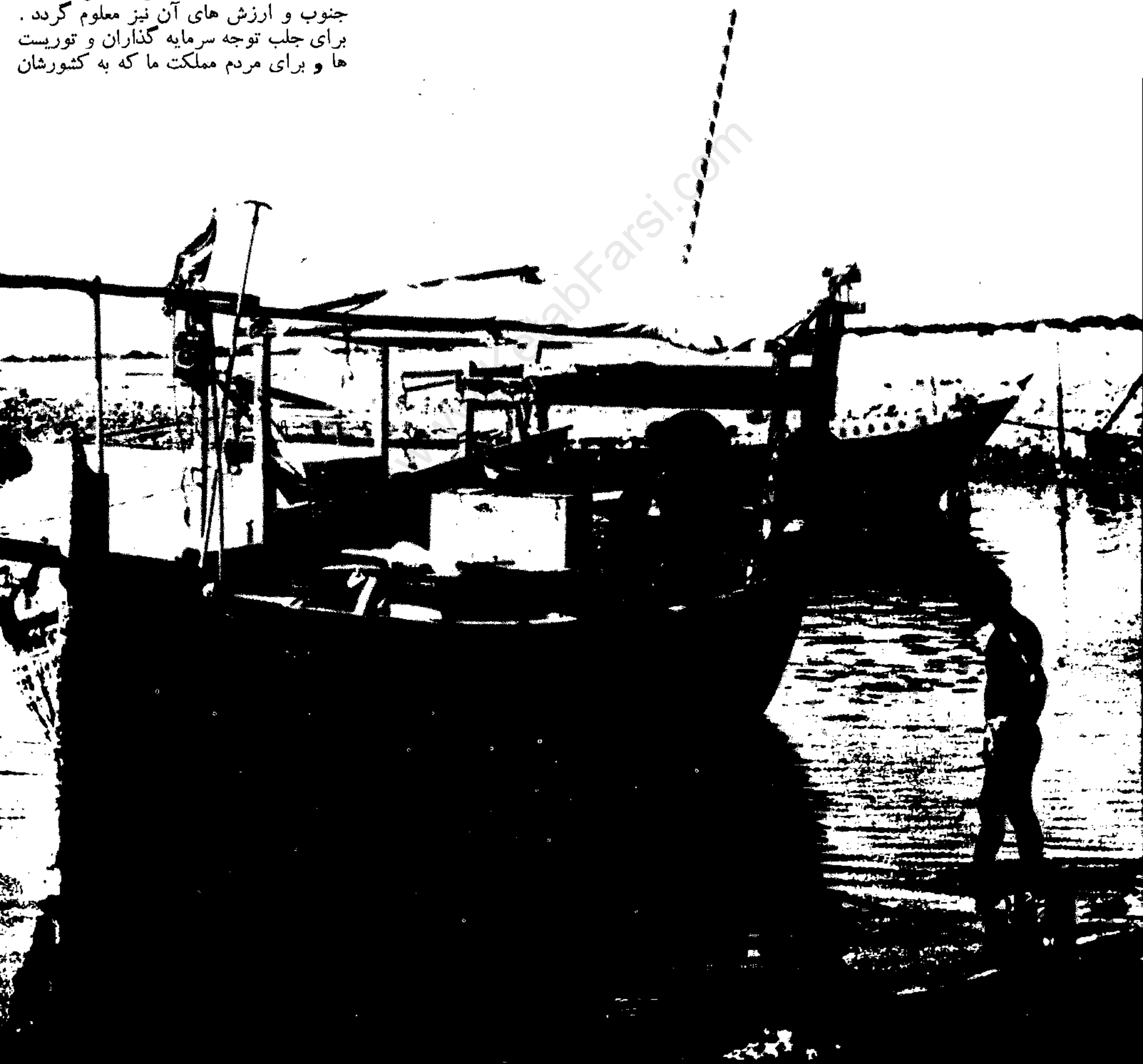
* در چهار سال اخیر چهارصد درصد تعداد دانش آموزان افزایش داشته است .

* امسال يك قانون زمین شناسان در بندرعباس تشکیل شد .

* سد میناب ، در بندرعباس تا سال ۱۳۵۳ آماده بهره برداری خواهد شد .

تلاش - ممکن است استان جنوب
آنطور که باید برای بعضی هموطنان ما
شناخته شده نباشد و در مسیر کارهایی که
در آنجا انجام میگیرد نباشند. شاید صحبت
های ما، ایندسته از خوانندگان تلاش را روشن
سازد.

پیروز - همانطور که گفتید جنوب احتیاج
به شناساندن و شناخته شدن دارد. کارهایی
که در جنوب می شود برای این است که این
منطقه هم همراه و همگام با سایر مناطق
کشور باشد. این منطقه بعثت شرایط خاص
جغرافیائی و اقلیمی و بعثت عقب افتادگی
که دارد بایستی ملاحظات خاصی در آن بکار
برده شود. من هم سهم خود متشکر و خوشحالم
که از هر فرصتی استفاده بشود و مسائل
جنوب مطرح گردد بخاطر اینکه اولاً این
مسائل شناخته شود و از طرف دیگر امکانات
جنوب و ارزش های آن نیز معلوم گردد.
برای جلب توجه سرمایه گذاران و توریست
ها و برای مردم مملکت ما که به کشورشان



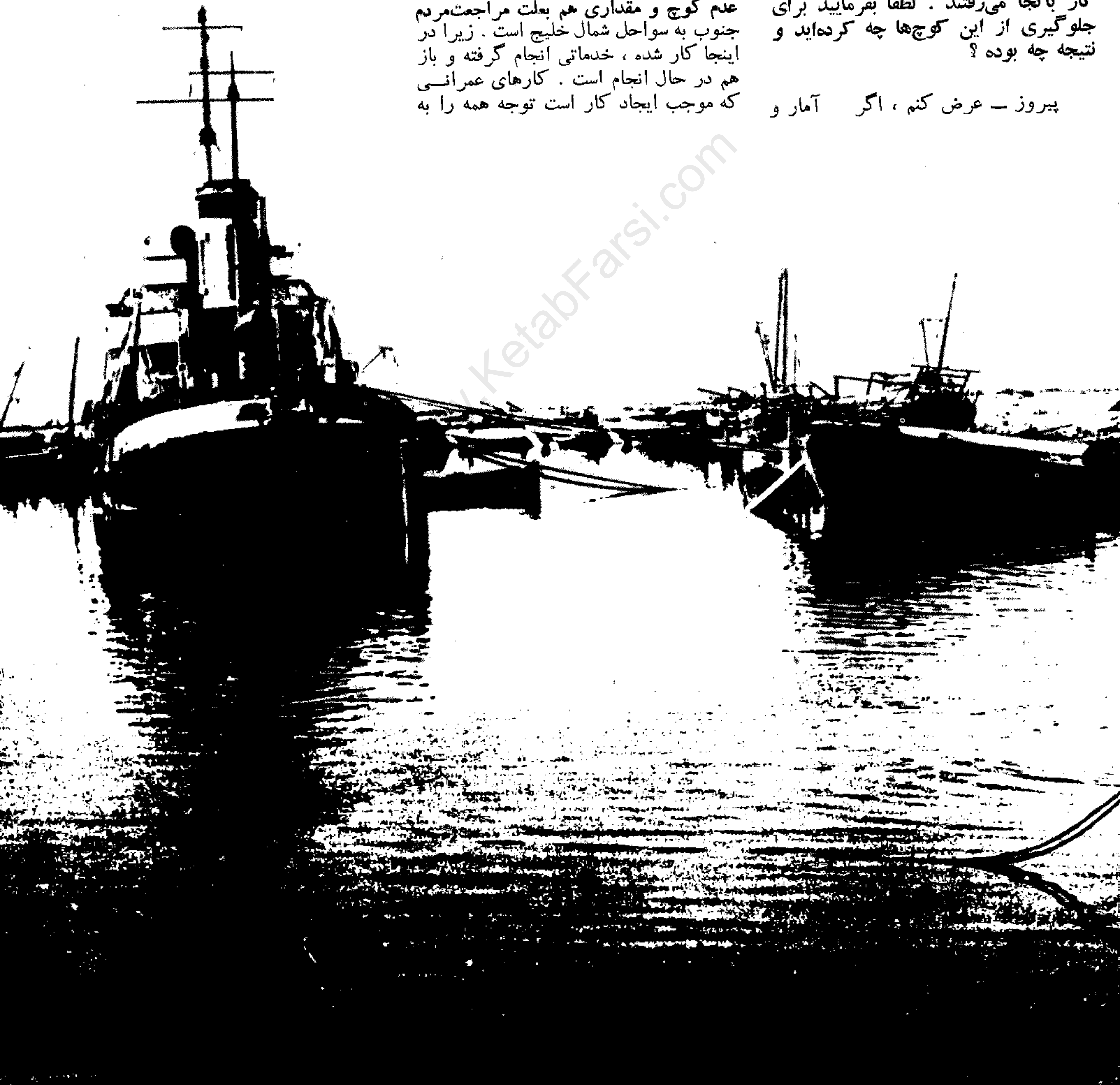
علاقه دارند اینجا يك گوشه ناشناس از کشور ما است و این صحبت‌ها کمک می‌کند باینکه مردم با حقایق جنوب آشنا بشوند .
تلاش - قبل از طرح مسایل اساسی مختصری در معرفی وضع جغرافیائی و شهر های مهم این استان بفرمائید.

پیروز - استان جنوب از کنار «جاسک» شروع می‌شود و تا منتهی الیه «دیلیم» که در طولی حدود ۱۷۰۰ کیلومتر است امتداد دارد. بعلاوه جزایر ایرانی ، بجز دو جزیره »

تلاش - قبل از این اقدامات و رفرورم اساسی و توجهی که بحق بجنوب شده همیشه يك حائتی بود که مردم قسمت شمالی خلیج - فارس توجه به ساحل جنوبی داشتند و برای کار با آنجا می‌رفتند . لطفا بفرمایید برای جلوگیری از این کوچ‌ها چه کرده‌اید و نتیجه چه بوده ؟

پیروز - عرض کنم ، اگر آمار و

ارقام بخواهید ، در اینجا از حفظ نمی‌توانم بگویم . شما مرا سر راه بوشهر به بندرعباس گیر آوردید ، اما آنچه که راجع بجنوب باید گفته شود این است که جنوب صنایع کافی برای بهبود زندگی مردم آن دارد و این صنایع بتدریج بکار گرفته خواهد شد . کیفیت جنوب بسیار بهبود پیدا کرده ، اطمینان دارم که در آینده بسیار نزدیک وضع زندگی مردم مناطق شمالی خلیج که ما هستیم بسیار بهتر از وضع مردم جنوب خواهد شد . در این مورد و در جواب شما برای جلوگیری از کوچ مردم باید بگویم که در حال حاضر نسبت به سالهای ۳۵ تا ۴۵ افزایش جمعیت در این منطقه ۷ تا ۷۵ درصد است یعنی از سطح کلی مملکت که در حدود ۵ درصد است بیشتر می‌باشد مقداری از این افزایش بعلت عدم کوچ و مقداری هم بعلت مراجعت مردم جنوب به سواحل شمال خلیج است . زیرا در اینجا کار شده ، خدماتی انجام گرفته و باز هم در حال انجام است . کارهای عمرانی که موجب ایجاد کار است توجه همه را به



این قسمت جلب کرده است. باید این را بگویم که مردم ساحل خلیج فارس از وطن پرست ترین مردم این مملکت هستند حتی در گذشته هم که ناگزیر برای تلاش معاش بجنوب می رفتند، در هر فرصتی به منطقه خود یعنی ساحل شمالی مراجعت می کردند.

اندوخته ای تهیه می کردند و به وطن خود باز می گشتند که خوشبختانه با کارهایی که شده است دیگر این مورد هم باقی نمانده است. من باب مثال باید بگویم که منطقه خلیج منابع فراوانی دارد که یکی از آنها شیلات است.

شیلات يك منبع لايزال است در خلیج فارس با توجه باینکه حدود یکصد هزار نفر باین کار اشتغال دارند. بدین ترتیب قدرت بازدهی آن خیلی بیشتر از نیاز مردم این منطقه است که می تواند برای تمام مملکت مورد استفاده قرار گیرد. منتهی مسأله شیلات احتیاج به مطالعه و تهیه وسایل دارد. احتیاج به تربیت متخصص دارد. خوشبختانه الان که صحبت می کنیم مدتی است که کشتی نادر متعلق به شیلات به خلیج فارس رسیده. همچنین ناوگان میگو و ماهیگیری که آماده کار است. همچنین باید بگویم مناقصه ایجاد يك سری سردخانه روی جزایر خلیج فارس تهیه شده و با اجرا گذاشته شده است. لزوم سردخانه باین جهت است که بعلت دور بودن راهها، نبودن وسایل سردخانه در محل و کمی بازار تا بحال و در حقیقت صید مردم «خود مصرفی» بوده و بعد از این با وجود این سردخانه ها می توانند حجم صیدشان را چند برابر بالا ببرند و طبعا درآمدشان بالا می رود.

مسأله «توریسم» که باز احتیاج به امکانات و وسایل دارد. این امکانات بتدریج در حال تهیه است. الان در بوشهر مهمانسرای جلب سیاحان آماده شده و در بندرعباس هتل بزرگ سیصد اتاقی در حال ساختمان است و کارهای لازم برای جلب توریست در حال انجام است.

این منطقه بخودی خود از لحاظ جلب توریست بخاطر وضع جغرافیائی، فوق العاده است چون مدت شش ماه مردم می توانند در آب دریا شنا کنند و از يك منطقه سبز و خرم و آب و هوای خوب استفاده کنند. منطقه جنوب بعکس آنچه برای همه متصور است يك منطقه خشك شنی نیست، بلکه منطقه ای جنگلی و کوهستانی است. درختان «خودرو» در سطح منطقه فراوان است. جنگل وجود دارد و کوهستانی است، مثلاً در ۳۰ کیلومترى بندرعباس نقاطی هست که درجه حرارت آن در وسط تابستان به ۲۱ درجه می رسد و این برای عموم مردم ما غیر قابل تصور است. در فروردین و اسفند گذشته در حدود سی هزار توریست داشتیم و امید است که امسال به دو برابر برسد چون امکانات و وسایل پذیرائی بیشتری فراهم شده است. موضوع دیگری که باید بگویم کشاورزی

است که در جنوب امکان پیشرفت دارد اما این کشاورزی باید تطبیق داده شود با رویه اصولی، بنحوی که حداکثر استفاده بشود. یعنی باید کشت گران قیمت زمستانی را جانشین «خود مصرفی» مردم کنیم. باید کشت گران قیمت را جانشین جو و گندمی که الان می کارند بکنیم. باید مصرف مردم را از جا های دیگر بیاوریم و کشت گران قیمت زمستانی مردم جنوب را به بازارهای مصرف بخصوص تهران و بعد سایر نقاط مملکت بفرستیم. این کار اساسی موجب ترقی سطح زندگی و افزایش درآمد مردم می شود. از لحاظ معادن هم در سالهای اخیر نسبتاً فعالیت های چشمگیری آغاز شده بطوریکه حدس می زنم بزودی چندین گروه در بندرعباس و اطراف آن بکارهای معدنی مشغول شوند. برای استحضارتان باید بگویم در اردیبهشت امسال يك کانون زمین شناسان در بندرعباس تشکیل شد. این دلیل این است که در اثر فعالیت های عمرانی تا چه اندازه زمین شناس در بندرعباس هست که می توانند کانون تشکیل دهند. کاری که حتی در تهران هم نشده است و اما از این ها که بگذریم مسایل صنعتی است که متأسفانه در حال حاضر و در جنوب از آن هنوز فاصله داریم. در این راه باید اول خدمات را فراهم کنیم، کیفیت گمرکی را باید با آنچه که می تواند به رشد صنایع این منطقه کمک کند تطبیق دهیم بعد باید مطالعات کافی روی بازار جنوب خلیج بشود تا بتوانیم این کارها را هم بانجام برسانیم. البته مطالعات مقدماتی شده حتی پیشنهاداتی هم از طرف سرمایه گذاران رسیده و اقداماتی در بعضی رشته ها شده است و می توانم بگویم وضع جنوب خیلی امیدبخش است بخصوص شاهنشاه آریامهر توجهات خاصی بجنوب دارند بطوریکه در ۶ ماه گذشته دوبار به لنگه و کیش و به بوشهر و بندر عباس سفر فرمودند و برای بررسی فعالیت های این منطقه تشریف فرما شدند. در سال گذشته تمام هیات دولت بجنوب آمدند و قرار است باز هم بیایند.

این توجهات و اقداماتی که می شود از همه مهمتر موجب این می گردد که امید در مردم جنوب پیدا شود و دیگر خودشان را فراموش شده و ناشناخته ندانند و با فعالیت و کار مداوم به ترقی و پیشرفت برسند.

برای اطلاعاتان باید بگویم که در یکسال گذشته ۱۵۷ طرح عمرانی را در جنوب پیاده کردیم یعنی اینکه يك روز در میان يك طرح آغاز شده و يك روز در میان يك طرح اجرا، افتتاح و آماده بهره برداری شده است. مثلاً در يك ماه گذشته در حدود یکصد میلیون ریال روی چهار پنج طرح آبرسانی، از طرف سازمان برنامه تأمین اعتبار شده است، طرح لوله کشی آب قشم که با سرمایه گذاری ۳۵ میلیون ریال آغاز شده است از جمله اینکارها است. این کارها و اقدامات همین طور و بتدریج می شود ولی باید این را هم

بگویم که آنچه که شده و می شود هنوز کافی نیست و آنچه که مورد احتیاج و انتظار است نمی باشد. یکی از مشکلات وسایل جنوب پراکندگی جمعیت است. ما در حدود ۷۵۰ هزار نفر در ۳۲۵۰ نقطه مسکونی داریم یعنی بطور متوسط تقریباً دویست و خرده ای نفر در هر نقطه مسکونی و این پیشبرد برنامه های عمرانی و اقتصادی را مشکل می کند و سدی است در راه بالا بردن سطح زندگی مردم این مناطق. بدین منظور مناطق تمرکزی در نظر گرفته شده وسیعی می کنیم که جمعیت را فشرده و جمع کنیم که بتواند جنبه اقتصادی بخود بگیرد.

این کار تا حدی با فعالیت های عمرانی و اقتصادی که می شود عملی می شود مثلاً شیلات جنوب ۲۰ سردخانه برای جزایر خلیج خرید. این بیست سردخانه طبعا ماهی گیرها را بدور خود جمع می کند. آنها فرصت دارند که ماهی را بگیرند و در زمان و فاصله کمی به سردخانه بفروشند و دوباره دنبال صید بروند. همین طور اسکله های بزرگی که در بعضی مناطق ساخته می شود. در حال حاضر يك طرح جامع روی «جزیره سری» یعنی در دورافتاده ترین و کم جمعیت ترین جزیره جنوب پیاده شده. در آنجا اسکله ساخته شده، موج شکن ساخته شده، آب فراهم شده، آب لوله کشی و برق کشیده شده، خانه ساخته شده و درمانگاهی در شرف ساختن است. این نقطه سردخانه دارد و بزودی این جزیره بصورت نمونه در می آید. این برنامه ها بتدریج در همه جزایر پیاده خواهد شد. ما در بندر «درگهان» در قشم شروع به اسکله اسکله سازی خواهیم کرد. اسکله ای بطول ۵۷۰ متر

تلاش — حالا اجازه بدهید در باره سرمایه گذاری بخش های خصوصی صحبت کنیم. با توجه باینکه در برنامه چهارم سهم عمده ای به بخش های خصوصی داده شده، خوبست حالا که درباره کارهای انجام شده دولتی گفتید فعالیت های در این زمینه را هم بفرمایید.

پروز — این سرمایه گذاری را می توانم به دو بخش قسمت کنم، یکی سرمایه گذاری جنبی بخش خصوصی روی سرمایه گذاری های موجود است. فرض کنید بزرگترین اسکله در بندرعباس ساخته شده طبیعی است که بخش خصوصی از این اسکله منتفع می شود و در جنب آن سرمایه گذاری می کند. اما آنچه که مربوط می شود به سرمایه گذاری در کشاورزی و صنایع. اینها احتیاج بخدمات دارد که دولت مشغول فراهم ساختن آنها است. مثلاً کشاورزی احتیاج به جاده و وسایل حمل مواد کشاورزی از مناطق مستعد به بازارهای مصرف دارد. صنعت نیاز به آب و برق دارد که دولت باید اینها را فراهم کند که البته در برنامه هست. برای روشن شدن مسأله باید بگویم که مثلاً در حال حاضر در بندرعباس کم آبی نداریم

اما اگر بخواهد يك شهر صنعتی بشود احتیاج بآب بیشتر می شود كه این هم در برنامه است و با بسته شدن سد «میناب» كه الان مقدماتش آغاز شده تامین می شود . این سد تا سال ۱۳۵۳ آماده بهره برداری خواهد شد . یا برق كه الان در بندرعباس در حدود ۸۵۰۰ کیلووات است كه به ۱۸۰ مگاوات خواهد رسید و برای تا آخر امسال ۶۰۰ کیلووات دیگر تحت سفارش داریم .

موضوعی كه مهم و مورد توجه است و شما تا الان سوال نكرده و تا یادم است خودم اشاره می كنم آموزش حرفه ایست . در جنوب تا بحال شغل اساسی ماهیگیری و پیلوری بوده در حالیکه دیگر برای بالا بردن زندگی مردم بایستی مشاغل دیگری در آنجا فراهم شود . بعلاوه مهاجرینی هم كه در خلیج داریم یا ماهیگیر و پیلور هستند یا كارگر ساده . اگر ما این ها را تربیت كنیم اولاً در محیطی كه زندگی می كنند موثرتر خواهند بود و كارشان بازده بیشتری برای مملكت دارد و از لحاظ منطقه خودشان هم نیروی كار ارزاترتری فراهم شده است . بعلاوه يك مقدار از بودجه های عمرانی كه در حال حاضر خرج كارگر وارداتی می شود از منطقه خارج نمی گردد و طبعاً سطح درآمد در منطقه بالا می رود . چیز دیگری كه یادم آمد مسأله صنایع دستی جنوب است كه در اثر عدم توجه و كار نادرست از بین رفته . مثلاً زری دوزی . در گذشته بندرعباس از مهمترین مراکز تهیه زری دنیا بود كه حالا بازارش را از دست داده است . با زنده كردن این صنایع كه باعتقاد من راحت می شود برای آن بازار تهیه كرد سطح درآمد بالا می رود . با يك تلاش سریع در عرض یكی دو سال می توان سطح درآمد را چهار تا پنج برابر افزایش داد .

استنباط من از میزان درآمد در جنوب این است كه درآمد در این محل تقریباً در حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از ماهیگیری ، در حدود ۲۰ درصد از كشاورزی و در حدود ۲۰ درصد از فروش خدمات بدست می آید . مابقی آن نیز با استفاده از مبادلات مرزی بصورت فراهم كردن جنس ارزان تر از طریق مبادلات مرزی بدست محلی ها فراهم می آید . حالا با توجه بكار هایی كه می شود مثلاً شیلات تا چند سال آینده ده برابر افزایش درآمد خواهد داشت و یا كشاورزی كه با جانشین كردن كشت بهتر در همین مقدار زیر كشت می تواند دو تا سه برابر درآمد بیشتر بدهد . همچنین صنایع دستی را می توان احیا كرد كه درآمد زیادی داشته باشد . این آمار و مطالعات نشان می دهد كه حداقل در آمد سرانه را در جنوب بدون سرمایه گذاری صنعتی و بدون افزایش زیر كشت می توان تا پنج برابر بالا برد . البته آنچه كه الان برای این منظور می شود در حد انتظار نیست و باید خیلی سریع تر كار شود تا عقب ماندگی جبران گردد .

تلاش :

آیا در جنوب هم مثل شمال برنامه ای برای تكثیر و تولید ماهی های علفخوار در نظر گرفته شده است و آیا در جنوب این كار ضرورت دارد

پروژه - باین كار در جنوب نیازی نیست ، در جنوب علاوه بر این كه در خلیج بهره برداری كافی تا الان نشده عده زیادی ماهی های جنس خوب مهاجر هم هستند كه از اقیانوس هند در فصول معینی می آیند به خلیج ، تخم ریزی می كنند و باز در فصول گرم برای زندگی در عمق بیشتر مراجعت می كنند . بنابراین نگرانی از لحاظ كمبود ماهی و میگو وجود ندارد . بنابراین تا سال های سال از لحاظ ماهی و میگو وضع عالی است . تكثیر تولید هم احتیاجی با اقدام ما ندارد ولی آنچه مهم بود و شیلات انجام داده و باز هم دنبال می كند جلوگیری از صید بی رویه و نارس است . جلوگیری از صید میگو در موقع تخم ریزی است . بخصوص اخیراً با ورود ناوگان شیلات كه مستقیماً صید را رهبری می كند این مشكل هم دیگر وجود ندارد . این ها را می توان مقررات صید بحساب آورد .

تلاش :

جدا از این طرح ها و اقدامات عمرانی و اقتصادی كه مطرح كردید درباره فعالیت های اجتماعی و فرهنگی صحبت كنیم . مثلاً تا ورود وسایل ارتباط جمعی مثل تلویزیون ، رادیو ، مطبوعات و همچنین افرادی كه برای اجرای برنامه ها می آیند تاثیر فكري و ذهنی اینها بر مردم جنوب مسلم است . چه اقداماتی می شود تا مردم این منطقه بطور صحیح و منطبق با اصول ، ترقی فرهنگی و فكري و اجتماعی داشته باشند ؟

پروژه - در این زمینه اگر فرهنگ يك مقدارش را آموزش و پرورش بگیریم باید عرض كنم كه خوشبختانه در چهار سال اخیر چهارصد درصد تعداد محصلین در این منطقه افزایش یافته ، بطوریکه ما بساختن كلاس درس و تهیه معلم بآن اندازه كه مورد احتیاج است در حال حاضر موفق نمی شویم یعنی تقاضا بیشتر از عرضه است .

و اما از نظر فرهنگی بطور کلی ، دستگاه ها و وسائلی كه فرمودید همه تازه هستند . من باب مثال برای اطلاع از رشد بندرعباس باید بگویم شهری است كه اول تلویزیون پیدا كرده ، بعد رادیو و بعد تلفن . این يك رشد سریع است . یا مثلاً پرواز هواپیما كه در بندرعباس از دو موتور به جت ۷۲۷ تبدیل شده . این ها همه جهش است . توجه شده است كه در يك جائی كار كافی نشده و بعد بفكر افتاده ایم كه عقب ماندگی ها را جبران كنیم . برنامه ها شروع شده و ناچار شدیم كه بدلیل نداشتن كارگر حرفه ای كارگر وارداتی داشته باشیم . مجموع این مسایل

موجب شده كه كارها پله پله پیش رفته و با جهش انجام گرفته . از نظر فرهنگی هم در همین موقعیت هستیم و كارهای فراوانی شده . از لحاظ فرهنگ در زمینه های باستان شناسی كار هایی شده است اما چون این كارها در دستگاه های مختلف انجام گرفته هنوز بحد مطلوب نرسیده . این كارها ادامه دارد . اما مسأله اساسی و مهم كه در ابتدا گفتم همان موضوع شناخت است ، ما باید جنوب را بشناسیم . مردمش را با روحیه و سنتی كه دارند بشناسیم تا بتوانیم كار اصولی انجام دهیم .

تلاش - خواهيد بخشيد و

متشكر می شويم اگر درباره انقلاب اداری و وضع سازمانی دستگاهها در جنوب بفرمایید.

پروژه - در جنوب از لحاظ كارمندان متأسفانه وضع هنوز خوب نیست . بدلیل شانس كار در نقاط دیگر مملكت و بدلیل يك مقدار سوابق تاریخی و سختی زندگی در جنوب تا بحال كسی داوطلب خدمت در جنوب نبوده بطوری كه الان در حدود ۴۰ درصد پست های دولتی ما خالی است اما خود این خلاء و كمبود يك مقداری ما را خود بخود به انقلاب اداری نزدیک كرده است یعنی استفاده از جمیع وسایل در جمیع جهات . این وضع جنوب است . كمبود ما در كادر اداری ، كار ما را در این استان آسان كرده است . من كه استاندار هستم بایسیم باتمام بخشدارها و فرماندارها مرتب در تماس هستم . فرودگاه داریم و مأمورین دولتی با هواپیما بمراکز كار و مأموریت رفت و آمد می كنند و كارشان را بخوبی انجام می دهند . باید بگویم شاید ما تنها استانی باشیم كه كارها را بطور مخلوط انجام می دهیم . یعنی هر دستگاهی ناچار به دستگاه های دیگر خدمت و كمك می كند .

مثلاً ما وقتی روی جزیره كار داریم كشتی های شیلات كارمندان آمار را می برند كه بمردم سجل بدهد و سرشماری كند و یا آذوقه برای مردم می برد . يك مثال بزنم ، ما لوله سوم آب بندرعباس را با كمك نیروی هوائی كشیدیم و این ثابت می كند كه در این منطقه يك همکاری جمعی وجود دارد . بطور کلی كارمندان ما يك عده محلی هستند و يك عده جوانانی هستند كه با آرمانهای وطن پرستانه می آیند و می خواهند كه خدمت كنند . موضوع جالب كه خوبست بآن اشاره كنم وضع سپاهیان است كه به جنوب می آیند . پزشكانی كه در جنوب خدمت می كنند در حدود پنجاه درصدشان از سپاهیان هستند كه بعد از پایان رسیدن دوره خدمت سپاهی از روی علاقه در آنجا مانده و با استخدام آمده اند . باید این را بگویم كه میزان خدمات بهداشتی و درمانی در این منطقه به نسبت سراسر مملكت از قسمت های خوب و در سطح بالا می باشد . همین طور در مورد مهندسین و معلمان كه بعد از دوره خدمت سپاهی علاقمند به ماندن در این منطقه شدند

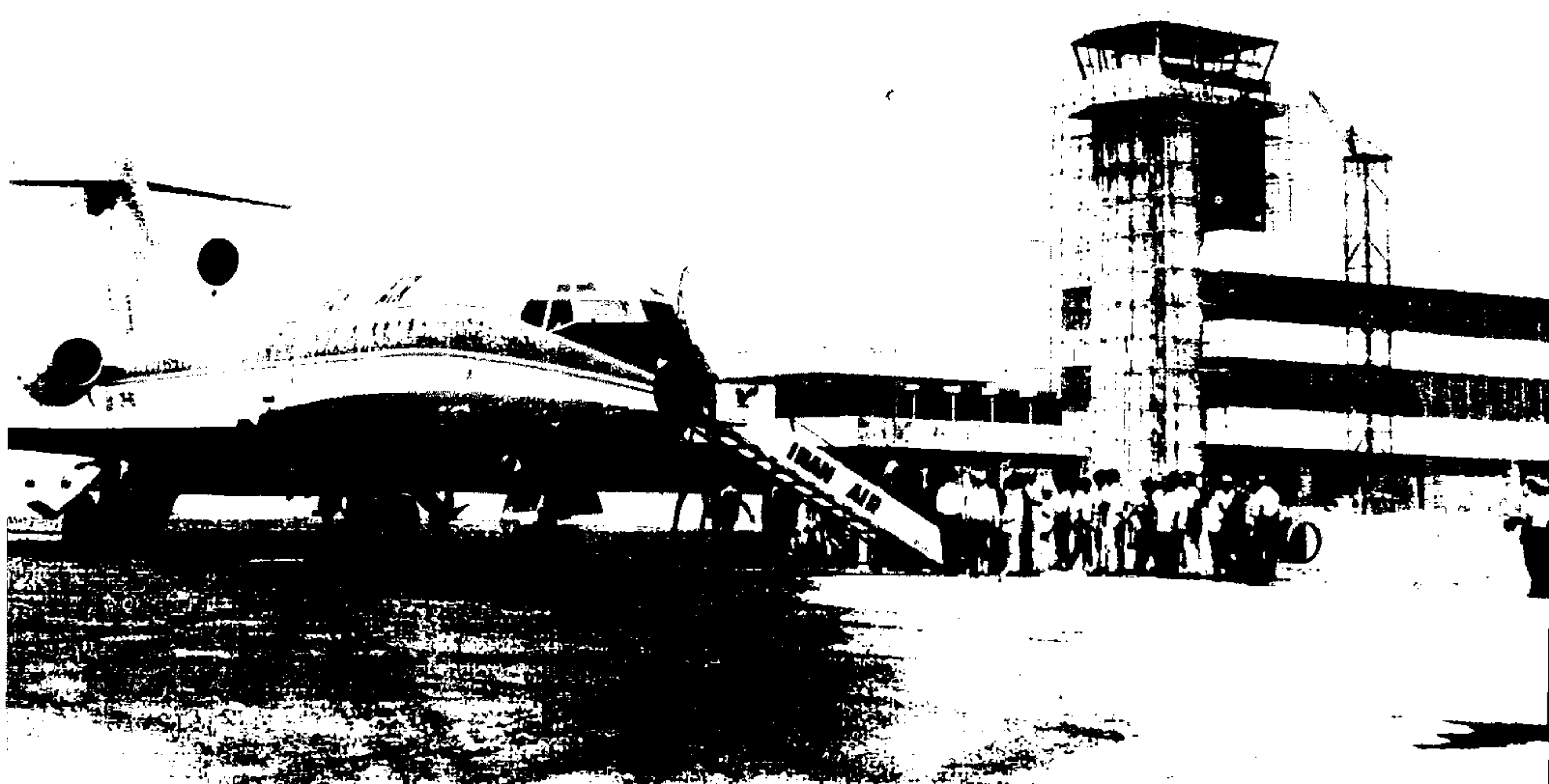
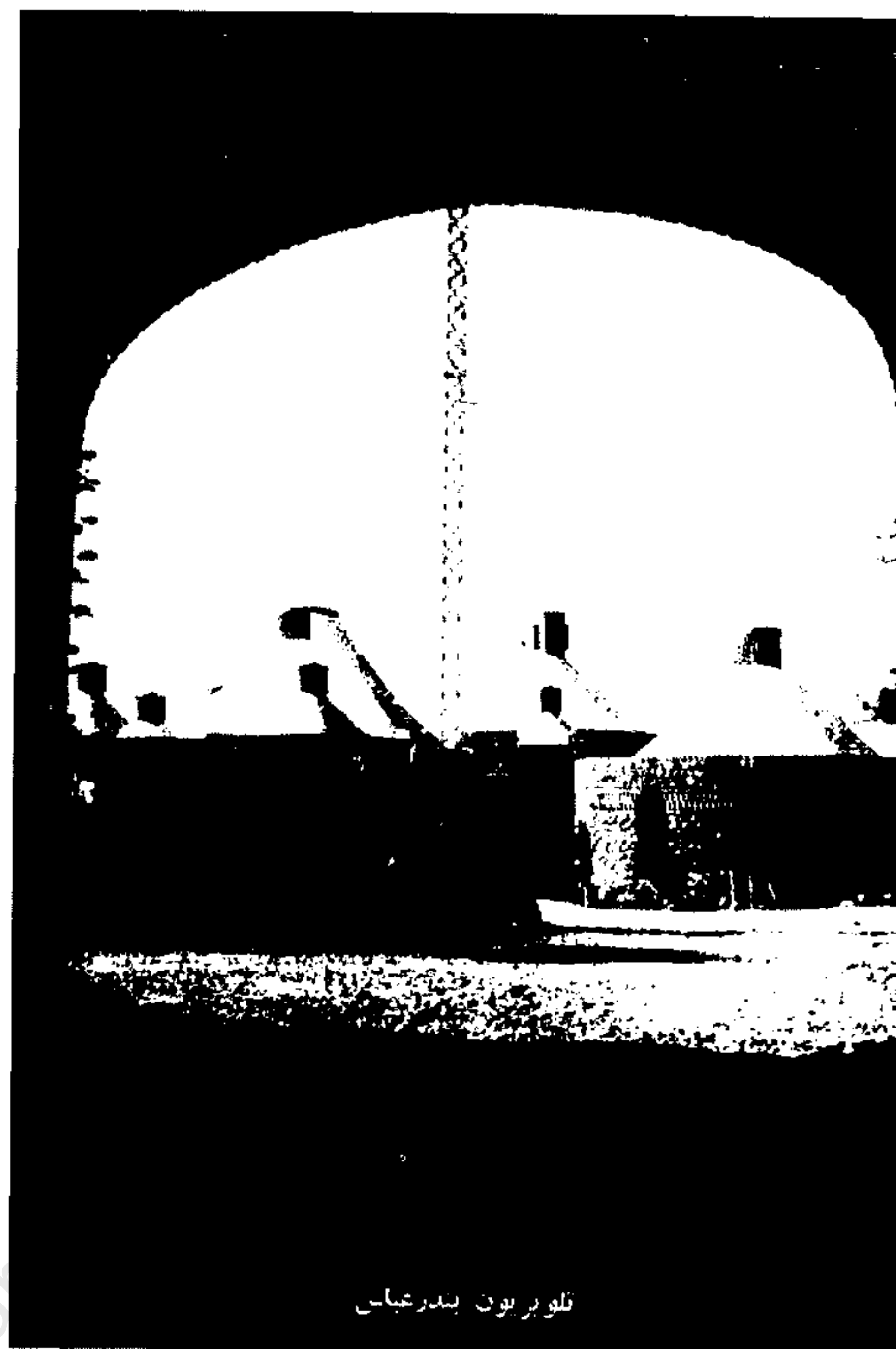
صفحه هفتم



آب انبار قدیم



و الان در جنوب خدمت می کنند . جنوب سرزمینی است پر استعداد و باید بگویم که در این قسمت از مملکت خدمت خریدار دارد و همین است که سپاهی که به جنوب می آید بعد از پایان خدمت علاقمند می شود که در جنوب بماند و به هموطنان خود در این خطه خدمت کند . سپاهیان هم که در حال خدمت هستند همیشه وزنه سنگین در پیشرفت در این منطقه هستند . در هر کار و مهمی که در جنوب با اشکال روبرو شویم و نتوانیم اقدام کنیم سپاهی ها دست بکار می شوند و کارها را بجای می برند . در این منطقه تقریباً مسأله ای که هر کسی کار مخصوص بخود را



بخواهد انجام بدهد کمتر بچشم می خورد. يك سپاهی وقتی روی جزیره می رود هر کاری که در جزیره باشد انجام می دهد. این تنها در مورد سپاهی ها نیست مثلا يك افسر ژاندارمری در ساعات فراغت در کلاس ها درس می دهد یا در دفتر مهندسی نقشه کشی نقشه می کشد و طرح ریزی مینماید. می توانم بگویم که در این قسمت همیشه يك کار دسته جمعی انجام می گیرد.

بطور کلی با مطالعات انسانی که درباره مردم این قسمت انجام گرفته بسیار با استعداد و با علاقه به پیشرفت هستند.

تلاش - راجع به ورزش، تقریحات سالم و بطور کلی برنامه هایی که برای نسل جوان در این منطقه در جریان است و همچنین برنامه هایی که در آینده دنبال خواهد شد صحبت بفرمایید.

پیروز - متأسفانه باید عرض کنم که از این نظر بسیار فقیر هستیم. ما فقط يك استادיום نیمه کاره در بوشهر داریم که ساختمان آن از چند ماه قبل آغاز شده است. يك خانه جوانان شبر و خورشید در لنگه ساخته شده که هنوز افتتاح نگردیده.

باید اعتراف کنم که در طول ۱۷۰۰ کیلومتر يك استخر نداریم. این را هم باید بگویم که جنوب منطقه عقب افتاده ای بوده که حالا دارد عقب افتادگی را جبران می کند این مورد بخصوص صدر صد هنوز کاری نشده علت این بوده که ضروریات و مسائلی در کار بوده که واجب تر بوده و فرصت نداده است که باین مورد برسیم. کارهای سازندگی در این منطقه شروع شده سرعت هم انجام می شود ولی هر چه بشود قطره ای در برابر دریا است. با تمام این ها امید بسیار است. برای نمونه از استعداد مردم این سرزمین بگویم. در سال گذشته يك تیم از جوانان شهر ۲۸ هزار نفری بوشهر در مسابقات فوتبال کشور فکر می کنم دوم یا سوم شد ما اگر از لحاظ مربی وضع بهتری داشتیم و مثلا يك زمین چمن در جنوب داشتیم موفقیت های بیشتری نصیبان می شد. چند تا از همان فوتبالیست های تیم بوشهر بعنوان کاندیدای تیم ملی انتخاب شدند. تلویزیون در امر تشویق مردم به ورزش و آشنا ساختن آنها بسیار موثر شده است. ما در خیابانها و چهار راه ها تلویزیون نصب کرده ایم. مردم استفاده می کنند. این کار در بندرعباس و بعضی جزایر انجام گرفته است. مردمی که قدرت خرید تلویزیون ندارند شبها در این محل ها جمع می شوند و تماشا می کنند. من فکر می کنم بهتر است در جنوب روی ورزش هایی مانند فوتبال، قایقرانی شنا و دو میدانی بیشتر فعالیت و تکیه کنیم. همان طور که گفتیم اگر استادיום نیمه کاره ما با تمام برسد و مربی هم که سازمان تربیت بدنی قول داده است در اختیار ما قرار بگیرد زمینه مساعد و فراهم است.

صفحه ششم

تلاش -

سوال دیگری که می خواهیم مطرح کنیم شاید بظاهر ساده و شوخی باشد. اگر در باره طرز تفکر و سیستم فکری جوانان این قسمت بفرمایید جالب است. منظورم این است که مسأله غرب زدگی که در تهران و شهرهای مدرن ما مطرح و علائق و تقریحات جوانان و چیزهایی که جوانان شهری و بخصوص تهرانی بآنها تمایل دارند در آنجا هم هست و به چه شکل است. این راهم بگوییم که فعلا بحثی در جهت مثبت و یا منفی آن نداریم و به بد و خوبش کاری نداریم.

پیروز - از لحاظ ظاهر طبیعی است که روز بروز با بهتر شدن وضع اقتصادی و بعد هم وجود وسایل ارتباطی مثل تلویزیون، مطبوعات و سینما جوانها بهم نزدیکتر می شوند و در مورد مد توجه و علاقه شان بیکدیگر شباهت پیدا می کند ولی ببحر حال ما هنوز در جنوب در مورد جوانان با مشکلی روبرو نیستیم. جنبه های هنری در آنجا مورد توجه و علاقه جوانان است و خودشان دسته های ارکستر و نمایش درست کرده اند که فعالیت می کنند اما در مورد مد بطور کلی باید بگویم که هنوز مسأله ناشناخته ایست و مردم و جوانان بدان توجهی ندارند.

تلاش -

اگر مطلبی بنظر شما جالب است که

است.

بدان توجهی نشد خودتان بفرمایید.

پیروز - يك اشاره كوچك می كنم به گفته اولم درباره شناسائی منطقه جنوب، بنظر من آنچه که ما در مدارس تدریس می کنیم درباره شناسائی مملکتمان کافی نیست. اتفاقاً چند بار که به مسابقات تلویزیون نگاه می کردم اطلاعات شرکت کنندگان درباره شهر های کشورمان بسیار ناقص بود. مثلاً جزیره قشم را نمی دانستند چیست و کجا است. من باب مثال خود من وقتی استاندار شدم و به جنوب می رفتم فکر می کردم به يك کویر گرم می رسم کنار يك دریای شور ولی وقتی با نجار فتم دیدم يك منطقه کوهستانی است. درخت بسیار زیاد دارد، جنگل وجود دارد و با يك کیفیت خاص اقلیمی بسیار زیبا و جالبست.

بنظر من جنوب این شانس و موقعیت را دارد که يك منطقه توریستی بشود. البته در این زمینه توجه پیدا شده و اقداماتی هم در حال صورت گرفتن است. درباره وسایل ارتباطی هم برنامه هایی هست که برای اینکه حمل برپیشگویی نشود چیزی نمی گویم و باشد تا بمرحله اجرا درآید.

این گفت و شنود با آقای پیروز

استاندار ساحلی در شیراز بعمل آمده



هدیه ها

برای آنان که دوستشان داریم و بخاطر آنها که در پی بیشتر خوشحال کردنشان هستیم و به کوششیم تا در فرصت مناسب با هدیه ای پاکترین عواطف و صمیمی ترین عشق ها را یادآورشان شویم و این مجموعه ایست از آنچه در ایران تهیه می شود .

سکه صاحب الزمان ۱ ریال

ظروف سفال ساخت ایرانی .

گلدان سفالی لعابی ساده از ۱۰ تا ۱۵ ریال

سرویس چایخوری ۲۴ پارچه لعابی ساده از ۲۴۰ تا ۲۴۰ ریال

سرویس قهوه خوری لعابی ساده ۲۴ پارچه ۱۲۰ ریال

بشقاب سنگی تراش کاری از ۵۰ تا ۱۲۰ ریال

سرویس آبخوری ساده لعابی ۱۴۰ ریال

سرویس غذاخوری لعابی ساده ۱۶۰۰ ریال

آبازور لعابی ۲۰۰ ریال

ظرف میوه ۱۵۰ ریال

زیرسیگاری ساده ۱۰ ریال

زیرسیگاری لعابی گلدان از ۱۵ تا ۴۰ ریال

گل طبیعی شاخه ای

حد اکثر	حد اقل	
۱۰۰۰	۱۰۰۰	ارکیده يك شاخه
۲۰	۱۵	میخك
۵۰	۱۰	گلدان حسن يوسف
۲۰	۲۵	مینا
۱۵	۱۰	رز شاخه ای
۳۵	۳۰	شیپوری

خاتم کاری

قاب خاتم اصفهان ۴۵۰ تا ۱۵۰۰ ریال

جای کلید ۷۰ تا ۱۵۰ ریال

جعبه سیگار ۱۲۰ تا ۲۵۰۰ ریال

شکلات خوری ۴۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال

اشیاء پارچه ای

کراوات ابریشمی بافت ایران ۱۷۵

قواره ۳ متری پیراهن ابریشم طبیعی بافت ایران ۱۰۵۰ ریال

شال گردن ابریشم طبیعی بافت ایران ۱۰۰ تا ۳۵۰ ریال

پارچه های بولک دوزی دیواری ۳۰۰ تا ۳۵۰۰ ریال

سرویس رومیزی قلاب دوزی ۶۹۰ ریال

روسی ۲۰۰ تا ۲۵۰

جلیقه مشهد ۱۲۰ تا ۳۴۰ ریال

قلمکار اصفهان رومیزی ۶۰ تا ۸۲۰ ریال

شیشه و گریستال ایران

لیوان آب گز ۴۰ تا ۶۰ ریال

گلدان آب گز ۱۸۰ ریال

قالی

ساک قالیجهای ترکمن ۱۵۰۰ ریال

خورجین ترکمن ۲۵۰ ریال

قالیچه ترکمن ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال

تابلو نقاشی بافت کاشان و تبریز ۳۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ ریال

قالیچه مخلوط ابریشم و پنبه انداز ۱۸۰۰ در ۱۲۰۰ ۴۰۰۰۰ ریال

استیل

سرویس شیرینی خوری استیل ۱۰۰۵۰ ریال

سرویس چایخوری استیل ۱۳۰۰ ریال

پوستی

پوستین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰۰ ریال

کفش پوستین ۱۵۰ تا ۳۵۰ ریال

پوت پوستین ۴۵۰ ریال

کفش کار کرمانشاه ۱۲۰ تا ۱۵۰ ریال

طلا

سنجاق کراوات از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰۰ ریال

تکمه سربست از ۱۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال

جای سوییچی ۱۲۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال

انگشتر از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال

بستبند طلا و فیروزه ۱۵۰۰ تا ۵۰۰۰۰ ریال

سری فیروزه از ۸۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ الی ۲۰۰۰۰۰ ریال

ساعت از ۱۵۰ تا ۸۰۰۰۰ ریال

۵ پهلوی ۴۸۰۰ ریال

۲۵ پهلوی ۲۷۰۰ ریال

۹۰۰ پهلوی ۹۰۰ ریال

نیم پهلوی ۴۶۰ ریال

ربع پهلوی ۲۵۰ ریال

سکه تمیزی مطلا ۱۰۵۰۰ ریال

سکه تاجگذاری ۱۱۵۰۰ ریال

بزرگ ۱۱۵۰۰ ریال

کوچک ۵۵۰۰ ریال

نقره

سکه نقره تاجگذاری ۲۰۰ ریال

آئینه نقره ای گلکار از ۱۱۰ تا ۱۹۴۲۰ ریال

سرویس چایخوری آب نقره ۷۰۰ ریال

میناکاری

میناکاری

آلبوم عکس میناکاری از ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰۰ ریال

اجناس میناکاری از ۱۰۰ تا ۳۰۰۰۰ ریال

شامل شیرخوری . چایخوری . گلدان . شکلات خوری زیر

سیگاری ۲۵ ریال ۱۲۰ ریال

بیمپ ۸۰ تا ۱۴۰ ریال

جاسیگاری ۲۰۰ تا ۱۴۰ ریال

مسین

سینی کننده کاری ۲۰۰ تا ۳۰۰ ریال

بشقاب پرسی گلکاری نشده ۳۰ تا ۵۰ ریال

فهرست رویدادها

۸۱	هدیه ها از ایران
۸۲	افزایش صادرات
۸۳	امور خارجه
۸۳	قرارداد همکاری
۸۳	بزرگترین بودجه
۸۳	تاسیس انستیتو
۸۳	اولین نیروگاه اتمی ایران
۸۴	کوچ مرغابی ها
۸۴	اقتصاد
۸۵	جشن دانشگاه
۸۵	تغییر روز کارگر
۸۶	سالروزها
۸۶	نفت
۸۷	شال ژردن در ایران
۸۸	باستانشناسی
۸۹	نرخ ها
۹۰	پیک تلاش
۹۱	کاروان شادی
۹۳	بودجه سال ۵۰
۹۴	شکایت پزشکان
۹۵	اعتصاب کارگران شرکت واحد
۹۵	هیات مدیره نظام پزشکی
۹۵	اعضای اطلاق بازرگانی
۹۶	گفت و شنود استاد ودانشجو
۹۶	بیروزی اوپک
۹۸	گفتگو بارامش



جهش تازه در افزایش صادرات ایران به ژاپن

بر اساس موافقت نامه تجاری تازه ای که میان وزیر اقتصاد ایران و سفیر ژاپن در کاخ وزارت اقتصاد به امضاء رسید تا تیرماه آینده ژاپن رقم قطعی خرید خود را از فرآورده های سنتی ایران به ۲۰ میلیون دلار افزایش خواهد داد. به عقیده محافل وزارت اقتصاد ایران، امضای این موافقت نامه مقدمه ای بر نمودن ایران در بازارهای خاور دور، کشورها و امیر نشین های همسایه است. این محافل میگویند که ایران و ژاپن

مذاکراتی را برای واگذاری بازارهای صادراتی نزدیک خلیج فارس به ایران که تاکنون در اختیار صادر کنندگان ژاپن قرار داشته است انجام داده اند و در صورتیکه این کار صورت گیرد، ایران بازارهای بسیار وسیعی برای صدور کالا های ساخته شده خود و نیز فرآورده های کشاورزی و خشکبار بنسبت خواهد آورد.

بر اساس موافقت نامه تازه، ارزش صادرات ایران با یک جهش ۵۰ درصد بالا می رود و از ۱۳ میلیون دلار در سال گذشته به ۲۰ میلیون دلار در سال جاری خواهد رسید. ژاپن قصد دارد برای تامین این میزان، خرید پنبه، سنگهای معدنی، خشکبار و سایر کالا های سنتی ایران را در ماه اسفند و بهار آینده افزایش

دهد و به این ترتیب صادرات این کالاها که از مدتی پیش به رکود افتاده بود، آینده روشنی خواهد داشت. بر اساس آخرین آمار بازرگانی خارجی ایران که بیست و ششم بهمن ماه از طرف وزارت دارائی انتشار یافت میزان خرید ایران در سه ماهه اول سال جاری از ژاپن در حدود ۱۳۰ هزار تن بارزش ۳۵۶ میلیون تومان تومان بوده در حالیکه صادرات ایران به این کشور در همین مدت در حدود ۴۰ هزار تن و بارزش ۱۱۲ میلیون تومان گزارش شده است. باید توجه داشت که شکاف موجود در تعادل بازرگانی ایران و ژاپن قابل توجه بود ولی با اقداماتی که در چند سال گذشته صورت گرفته است این شکاف دائما در حال نقصان میباشد.

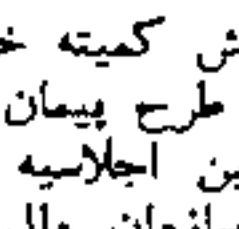
پایان مأموریت سفیر انگلستان در ایران

«دنيس رایت» سفیر انگلستان در ایران که در ضمن عنوان مقدم الفهر نیز دارد در فروردین سال آینده پس از هشت سال اقامت در تهران عازم کشورش میشود. «دنيس رایت» قبلا نیز مدتی با عنوان وزیر مختار و کاردار سفارت انگلیس، در تهران خدمت کرده بود. دیپلمات انگلیسی روز ۱۶ آوریل ۱۹۷۳ با تقدیم استوار نامه های خود به پیشگاه شاهنشاه آریامهر رسماً مأموریتش را آغاز کرد و در همین مدت کتابی دربارۀ ایران نوشت که نخستین نسخه آن تقدیم شاهنشاه شد.



ایران به پیمان جدید

تجدید سلاح پیوست پیمان منع استقرار سلاح های هسته ای و سایر سلاح های انهدام مستجمعی در بستر وزیر دریاها روز پنجشنبه ۲۲ بهمن ماه در لندن، مسکو و واشنگتن برای امضاء دولتها مفتوح گردید. طرح مقدماتی این پیمان بوسیله دولتهای آمریکا و شوروی به بیست و چهارمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد تسلیم شده بود که پس از بحث و اظهار نظر در کمیسیون سیاسی مجمع عمومی برای تجدید نظر و تکمیل به کمیته خلع سلاح ژنو فرستادند. گزارش کمیته خلع سلاح با طرح پیمان در بیست و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد و در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۰ بتصویب نهایی رسید. از طرف دولت شاهنشاهی نیز سفرای شاهنشاه آریامهر در لندن، مسکو و واشنگتن پیمان مزبور را روز پنجشنبه ۲۲ بهمن امضاء کردند.



گزارش کمیته خلع سلاح با طرح پیمان در بیست و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد و در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۰ بتصویب نهایی رسید. از طرف دولت شاهنشاهی نیز سفرای شاهنشاه آریامهر در لندن، مسکو و واشنگتن پیمان مزبور را روز پنجشنبه ۲۲ بهمن امضاء کردند.



پیام شاهنشاه آریامهر به نیکسون

شاهنشاه ضمن پیامی که روز ۲۱ بهمن ماه از تهران به واشنگتن مخابره شد موفقیت مأموریت آپولو ۱۴ را به رئیس جمهوری آمریکا و مردم آن کشور تبریک گفتند. پیام شاهنشاه از این قرار است:

حضرت ریچارد ام. نیکسون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا - واشنگتن. با کمال علاقه پیشرت مأموریت جالب آپولو ۱۴ را بهما که منجر به پیاده شدن مجدد انسان در آن کره شده است دنبال کردم. این پیروزی نه تنها حاصل مهارت قابل تحسین دانشمندان آمریکایی در امر تکنولوژی شمار می رود بلکه نتیجه تهور و شجاعت سه فضانورد شجاع که خطرات این سفر را در خدمت به تلاش بشریت پذیرفتند نیز میباشد. برای من موجب کمال خوشوقتی است که اقدام ارزنده را از جانب خود و ملت ایران به آن حضرت و ملت ایالات متحده آمریکا و سه فضانورد سالن شپارد ادگار میچل و استیوارت روزا سمیانه شادباش بگویم. خواهشمندم درودهای مودت آمیز مرا بپذیرید. محمدرضا پهلوی



اوتانت نماینده ایران را مأمور لژیون خدمتگزاران بشر کرد

یک سخنگوی سازمان ملل روز ۱۹ بهمن اعلام کرد که اوتانت دبیرکل سازمان ملل اسد صدی را به سمت مأمور ایجاد هماهنگی در سازمان جدید التماسی سپاه لژیون خدمتگزاران بشر سازمان ملل منصوب کرده است. این طرح در دسامبر گذشته مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفته و در سال جاری بوسیله صدی بمورد اجرا گزرده خواهد شد. طرح جوانان داوطلب را برای خدمت در پروژه های آبادانی آفریقا و آمریکای لاتین تامین خواهد کرد.



صدی معاون نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد است. نظریه تشکیل یک سپاه داوطلب بین المللی، از طرف شاهنشاه ایران در دانشگاه هاروارد اعلام شد و از آن تاریخ تاکنون نماینده ایران در سازمان ملل فعالانه اجرای این نظریه را دنبال کرده است. برنامه سپاهیان داوطلب خدمتگزاران بشر بتدریج در عرض سال ۱۹۷۱ توسعه و گسترش خواهد یافت و تا ژانویه آینده سازمانهای تکمیل تشکیل و آغاز بکار خواهند کرد.



خروج قوای انگلستان از خلیج فارس

ایران روز یازدهم اسفند ماه به عنوان قویترین و بزرگترین کشور منطقه خلیج فارس، ابتکار اظهار نظر درباره تصمیم اخیر محافظه کاران انگلیسی را به سمت گرفت و در یک اعلامیه ۱۵۰ کلمه ای کشورها و امارات خلیج فارس را به همکاری برای حفظ ثبات و امنیت منطقه پس از خروج قوای بریتانیا دعوت کرد.

وزارت امور خارجه ایران در اعلامیه ای که روز یازدهم اسفند ماه انتشار داد از تصمیم محافظه کاران انگلیسی دایر بر خروج قوای آن کشور از خلیج فارس تا پایان سال ۱۹۷۱ ابراز خوشوقتی کرد و به کشورها و امارات خلیج فارس اطمینان داد که «ایران در راه اعتلاء و ارتقاء جوامع همکشی و همسایه» در منطقه خلیج فارس از هیچ کمک و مساعدتی مضایقه نخواهد کرد.

سفارت انگلیس در تهران متن کامل نطق سرالک - داگلاس هیوم وزیر خارجه

نکته در مذاکرات بخارست مطرح شد و مقامات رومانی موافقت کردند که هیاتی را برای بررسی امکانات خرید از ایران به تهران بفرستند. این هیات به ریاست آقای «فینانو» مدیرکل بازرگانی خارجی رومانی وارد تهران شد و مدت دو هفته مذاکراتی با مقامات وزارت اقتصاد و قسمت بازرگانی خارجی این وزارتخانه انجام داد و در پایان آن یادداشتی مبنی بر تمهید دولت رومانی برای افزایش قابل ملاحظه خرید از ایران بین طرفین بامضاء رسید. بموجب این یادداشت که از هفته دوم اسفندماه وارد مرحله اجرائی شده صادرات کالا های سنتی و صنعتی ایران به رومانی در سال جاری مسیحی به بیش از نه میلیون دلار خواهد رسید حال آنکه دولت رومانی در سال گذشته فقط در حدود یکصد هزار دلار کالای غیر نفتی از ایران خریداری کرده بود.

مهمترین رقم صادرات ایران برومانی در سال جاری اتومبیل خواهد بود که رقم آن به چهار میلیون دلار بالغ میشود. رقم مهم دیگر پنبه است که در سال جاری معادل دومیلیون دلار برومانی صادر میشود. همچنین مقامات رومانی موافقت کردند که کالا های دیگری به شرح زیر طی سال جاری مسیحی از ایران خریداری نمایند.

باطری و یخچال ۳۰۰ هزار دلار، انواع منسوجات پشمی و نخی و کشیاف یک میلیون دلار، خشکبار نیم میلیون دلار، گلیسرین ۳۰۰ هزار دلار، سولفور نیم میلیون دلار، کفش یکصد هزار دلار، پوست نیم میلیون دلار، علاوه بر این دولت رومانی در نظر دارد که در سال جاری بیش از ۱۵۰ میلیون تن نفت از ایران خریداری نماید.



صدور ۹ میلیون دلار کالا به رومانی

بموجب توافق هائی که بین ایران و رومانی حاصل شد از هفته دوم اسفند ماه مقامات بازرگانی رومانی خرید های نسبتا بزرگی را از بازار تهران آغاز کردند. میزان خرید های رومانی از ایران در سال ۱۹۷۰ چندان قابل ملاحظه نبود و این



قرارداد همکاریهای علمی و تکنیکی

در مدت اقامت ولادیمیر گیریلین معاون نخست وزیر شوروی و رئیس کمیته دولتی علوم و تکنیک این کشور در تهران قرار داد همکاری های علمی و تکنیکی میان ایران و شوروی به امضاء رسید.

ولادیمیر گیریلین که بدعوت وزیر علوم و آموزش عالی برای يك اقامت هشت روزه به تهران آمده بود از اصفهان، شیراز و صنایع نفت جنوب و نیز کارخانه ذوب آهن اصفهان دیدن کرد و با چندتن از مقامات رسمی دولت ایران ملاقات و گفتگو کرد.

به همراه ولادیمیر گیریلین

عده ای از کارشناسان برجسته کمیته دولتی علوم و تکنیک اتحاد شوروی و چندتن از اعضای وزارت خارجه تهران آمده بودند. شالوده امضای قرار داد همکاریهای علمی و تکنیکی در سفر رسمی فروردین ماه پرزیدنت نیکلای پادگوری به ایران که بدعوت رسمی شاهنشاه صورت گرفت ریخته شد و در همان زمان در اعلامیه مشترکی که صادر شد تأیید گردید «طرفین مسأله گسترش همکاریهای علمی و فنی بین دو کشور را مورد بحث قرار داده و مقتضی دانستند که در آینده مذاکراتی جهت انعقاد موافقتنامه در این زمینه بعمل آورند».



بزرگترین بودجه تاریخ ایران

نخست وزیر روز چهارم اسفند بودجه ۴۸۱ میلیارد ریالی سال ۱۳۵۰ را به قوه مقنن تقدیم داشت. این بودجه در قسمت عمرانی ۳۰ درصد و در بخش عادی ۲۳ درصد نسبت به سال قبل افزایش دارد و ۷۵ میلیارد ریال از بودجه سال ۱۳۴۹ بیشتر است. با تصویب این بودجه از ابتدای سال آینده مرحله اول قانون جدید استخدام کنوری اجرا میشود و يك پایه ترفیع به مشمولان این قانون داده میشود. برای این هردو مورد ۴۵ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. بابت پرداخت قسمتی از دیون مربوط به اشتباه محاسبه حقوق کارکنان دولت در سال آینده بودجه پیشنهادی از ۲۰ میلیون ریال در سال ۴۹ به یکصد میلیون ریال در سال ۱۳۵۰ ترقی کرده است.

جمع کل بودجه عادی در سال آینده ۱۵۸ میلیارد ریال است و بودجه عمرانی ۱۹۷ میلیارد ریال. این بودجه در بخش عمرانی دهات ۱۴۳ درصد، عمران ناحیه ای ۷۳ درصد، آموزش و پرورش ۶۴ درصد، بهداشت و درمان ۵۹ درصد و فرهنگ و هنر ۹۴ درصد افزایش اعتبار دارد.

اعتبارات راههای روستایی بیش از ۳۰۰ درصد افزایش یافته است و توجه به گسترش برق برای توسعه صنایع باعث شده که اعتبارات برق در بودجه عمرانی ۹۰ درصد افزایش یابد.

به آموزش فنی و تعلیمات حرفه ای سهمی برابر ۲۷۰ درصد بیش از سال پیش اختصاص یافته است و تعلیمات مربوط به دوره راهنمایی تحصیلی ۷ برابر شده است. مشکل مسکن باعث شده است که ۷۰ درصد به بودجه این بخش افزوده گردد.

برای برگزاری جشن های دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران که در سال بیش ۱۰۰ میلیون ریال و در سال جاری ۱۶۸ میلیون ریال اعتبار در نظر گرفته شده بود در سال آینده که سال برگزاری جشن است ۴۱۸۵ میلیون ریال اعتبار در نظر گرفته شده است.

برای ارزشیابی سازمان های دولتی، مرکزی در بخش «رهبری قوه مجریه» پیش بینی شده که ۱۱۳ میلیون ریال بودجه برای آن پیش بینی شود. هزینه انتخابات مجلسین که در تیرماه سال آینده انجام میشود نیز ۸۰ میلیون ریال است.



تأسیس انستیتوی بین المللی حقوق بشر

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه کمیته ایرانی حقوق بشر هنگام ملاقات با گروهی از بازرگانان و صاحبان صنایع که طی سه سال گذشته به منظور پیشبرد هدفها و برنامهها کمکهایی به کمیته کرده اند با قاطعیت تأکید کردند که هرچه زودتر انستیتوی حقوق بشر تأسیس

شود و بدین منظور باید بودجه سالانه در نظر گرفته شود تا به هنگام ضرورت مورد استفاده قرار گیرد و این کمکها چه بهتر که از طرف صاحبان صنایع و کسائیکه امکانات مالی بیشتری در اختیار دارند بطور مستمر ادامه یابد.

طبق اظهارات دبیرکل کمیته ایرانی حقوق بشر در تهران بزودی کار خود را آغاز خواهد کرد. ضمناً ستاد طاهر ضیائی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن یادآور شد که بزودی کمیته ای بنام کمیته ایرانی حقوق بشر در اتاق صنایع تشکیل خواهد شد که نیازهای مادی کمیته را مورد بررسی قرار خواهد داد و نوعی هماهنگی بین خود و دیگر بخشهای خصوصی برای تعیین میزان این بودجه سالانه بوجود خواهد آورد. همچنین در نظر است که بانکها را نیز بدین منظور بسیج کنیم و برای آنها حق معینی در سال تعیین کنیم و کمک مستمر بانکها نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



به مشکلات حقوق و بیمه پرستاران رسیدگی شد

روزیازدهم بهمن ماه اعضای هیات مدیره انجمن پرستاران باوالاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه پرستاران ایران ملاقات کردند.

در این ملاقات پرستاران کلیه نیازهای اجتماعی جامعه پرستاران را باوالاحضرت در میان گذاشتند. تأمین حقوق بیشتر برای پرستاران، بنای خانه پرستار، تسریع در ادامه تحصیل در دوره فوق لیسانس و دکترای پرستاری در ایران از جمله مسائلی بود که در این ملاقات مورد بحث قرار گرفت.

در این مراسم نایب رئیس انجمن پرستاران گزارشی داد که حاوی اطلاعاتی پیرامون انجمن پرستاران بود از جمله اینکه، انجمن پرستاران ایران هجده سال پیش تشکیل شده و شانزده سال قبل به ثبت رسیده است و در حال حاضر از جمله ۷۵ کشوری است که عضویت بین المللی پرستاران درآمده.



بودجه تنظیم خانواده دوبرابر شد

نخستین سمینار مشترك تحقیقات کلینیکی بهداشت و تنظیم خانواده روز دهم اسفند ماه کار خود را با شرکت پنج کشور عضو پیمان سنتو در تهران آغاز کرد. در این سمینار که بمدت چهار روز ادامه داشت مسائل مربوط به بهداشت و تنظیم خانواده در پنج کمیته فرعی با بحث درباره نقش دارو، سقط جنین عمدی در کشورها، بهداشت مادر و کودک، تأثیر رشد جمعیت در برنامه تنظیم خانواده و چگونگی آموزش

به گروههای یاری دهنده مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. دکتر امیر سرداری معاون وزارت بهداشت و سرپرست بهداشت و تنظیم خانواده در ایران که ریاست جلسه را به عهده داشت ضمن اشاره به پیشرفت سریع برنامه بهداشت و تنظیم خانواده در ایران که کار خود را عملاً از پنج سال گذشته با شدت هرچه بیشتر آغاز کرده است گفت:

به سبب رشد اقتصادی سریع و بهبود تهیلات بهداشتی و درمانی در کشور، امروز مردم ایران طول عمر بیشتری پیدا کرده اند و از مرگ و میر اطفال به نسبت فاحش کاسته شده است که متأسفانه این رشد خواه ناخواه بر روی رشد اقتصادی و اجتماعی کشور اثر نامطلوب خواهد گذاشت.

سرپرست بهداشت و تنظیم خانواده ضمن مقایسه آمار سرشماری مربوط به سالهای ۳۵ و ۴۵ اضافه کرد بطوریکه این آمار نشان میدهد نسبت جوانان کمتر از ۲۵ سال از جمعیت کشور، روبه ازدیاد است و جمعیت فعال از ۶۱ درصد در سال ۳۵ به ۱۹ درصد در سال ۴۵ پایین آمده است. با توجه به این مسأله سیاست جمعیتی ایران برای این قرار دارد که رشد جمعیت در بیست سال آینده از ۳ درصد به یک درصد تنزل داده شود.

دکتر سرداری در پایان سخنان خویش اضافه کرد، در سال ۱۳۵۵ وزارت بهداشتی که مسؤول اجرای هرچه بهتر این برنامه است تصمیم دارد که بودجه مربوط به بهداشت و تنظیم خانواده را به دوبرابر افزایش دهد.



تسریع در احداث اولین نیروگاه اتمی ایران

روز یازدهم اسفندماه فاش شد که قرارداد مربوط به انجام مطالعات مقدماتی نصب نخستین نیروگاه اتمی برق بوسیله گروهی از مهندسان مشاور سرشناس بین المللی در سال ۱۳۵۰ باامضاء میرسد و نخستین نیروگاه برق اتمی ایران تا پایان سال ۱۳۵۹ با بار کامل مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت. قدرت پیش بینی شده اولین واحد تولید برق اتمی ایران در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ مگاوات است و مناقصه بین المللی نصب آن پس از تهیه گزارش توجیهی مشاوران بین المللی اوائل سال ۱۳۵۲ منتشر خواهد شد.

گفته میشود که براساس فرمایشات شاهنشاه آریامهر در سلام عید غدیر در مورد لزوم ایجاد يك نیروگاه برق اتمی بقدرت ۵۰۰ مگاوات در طول برنامه پنجم عمرانی کشور، وزارت آب و برق پیشنهاد خواهد کرد تا احداث این نیروگاه در سال زودتر صورت گیرد و بهره برداری از آن از سال ۱۳۵۶ که نخستین سال برنامه ششم عمرانی کشور خواهد بود آغاز گردد.





مرغابها به سواحل ایران کوچ کردند

توفان شدید میلیونها مرغابی را از سواحل سوریه به کرانه‌های شمال ایران کوچ داده است و در سراسر شهرهای شمال از جمله بابل و مرند مرغابی رونق دارد. توفان علاوه بر اینکه دسته‌های متعدد مرغابی را بطرف ایران سراریر کرده ماهیهای دریا را نیز بطرف سواحل ایران رانده است و صیادان ماهی و مرغابی کمتر بیاد دارند که در این فصل تا این حد ماهی و مرغابی صید کرده باشند.

ایجاد پنجمین کارخانه تولید آجر مجوف در ایران

طرح ایجاد نخستین کارخانه تولید آجر مجوف ماشینی در اصفهان تصویب شد و قرار است این طرح با کمک بانک اعتبارات صنعتی بمورد اجرا گذاشته شود. کل رقم سرمایه گذاری در این کارخانه ۸۰ میلیون ریال پیش بینی شده است که ۲۶ میلیون ریال آن را بانک اعتبارات صنعتی و بقیه را بخش خصوصی تامین خواهد کرد.

در حال حاضر تنها چهار کارخانه در ایران آجر مجوف تولید میکنند که همگی در تهران واقع است. این کارخانه‌ها قادر به تامین کلیه احتیاجات کشور نبوده و به خصوصی نمیتوانند حتی قسمتی از نیازهای شهرستان‌ها را نیز برآورده سازند. کارخانه ایکه با کمک بانک اعتبارات صنعتی احداث میشود خواهد توانست آجر مجوف مورد نیاز اصفهان و مناطق نزدیک آنرا با قیمت کمتری در اختیار مصرف کنندگان قرار دهد. این کارخانه انواع آجر مجوف از ۲ تا ۸ کانالی و بلوک‌های سفلی تولید خواهد کرد.



احداث يك واحد مدرن عطر گيري

در قمصر

يك واحد مدرن عطر گيري در «قمصر» با سرمایه گذاری مشترك بخش خصوصی و بانک اعتبارات صنعتی احداث میشود. سرمایه گذاری لازم در طرح عطر و کلاب سازی قمصر ۱۷ میلیون

صفحه ششم و چهارم

و ۴۰۰ هزار ریال برآورد شده که قسمت اعظم آن بوسیله بخش خصوصی تامین خواهد شد.

تولید سالانه این واحد ۵۶ کیلو عطر و ۱۶۰ تن کلاب در سال اول بهره برداری خواهد بود و در سالهای بعد تولید این واحد به ۷۰ کیلو عطر و ۲۰۰ تن کلاب افزایش خواهد یافت.



شش هزار هکتار جنگل در اطراف تهران

يك مقام وزارت منابع طبیعی اظهار داشت: علاوه بر حفظ نگهداری جنگلهای موجود کشور که مساحت آنها قریب ۱۸ میلیون هکتار است طرحی در برنامه چهارم از تصویب گذشت که در اطراف شهرهای بزرگ بخصوص تهران فضای سبز ایجاد شود. به همین منظور با استفاده از دوپست میلیون ریال اعتباری که از طرف سازمان برنامه تخصیص یافته بود اقدامات وسیعی در

این زمینه شروع شد. وزارت منابع طبیعی در امتداد جاده کرج و جاده لشکرک از جمله در خوالی گرنه قوچک در حدود نیم میلیون اصله درخت جنگلی کاشته و با تاسیسات آبیاری که بوجود آمده رفته رفته فضای سبز و جنگل کاری اطراف پایتخت توسعه می یابد. برای تامین آب مورد نیاز این جنگلها متجاوز از بیست حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق حفر شده و ضمناً ۱۵ کیلومتر لوله گذاری انجام گرفته تا آب از چاهها به نقاط مختلف جنگلهای مصنوعی منتقل گردد. این برنامه



بهره برداری از معادن زغال سنگ «پاندانا» و «باب نیزو»

بهره برداری از معادن منطقه «پاندانا» و «باب نیزو» در کرمان قبل از پایان سال جاری آغاز میشود. با بهره برداری از این معادن برای تامین کمک مورد نیاز کارخانه ذوب آهن آری مهر روزانه بیش از يك هزار تن ذغال سنگ استخراج خواهد شد و

درمندی کمتر از ۵ سال میزان استخراج روزانه به ۳۲۰۰ تن خواهد رسید.

با بهره برداری از معادن مذکور در فوق، در مرحله اول به ۸۰۰۰ نفر کارگر برای انجام خدمات معدنی احتیاج است و در مراحل بعدی به وجود ۶۰۰۰ نفر دیگر نیز احتیاج خواهد بود و بعلاوه کمبود کارگران با تجربه و کار آزموده شرکت ملی ذوب آهن فعالیت هائی را برای جلب فارغ التحصیلان ایرانی مقیم خارج و داخل آغاز کرده است و با اعزام دیپلمه به کشور های خارج برای دیدن دوره های تخصصی توانسته است فعلاً تا حدی کمبود مهندس و تکنیسین را جبران کند.



صادرات ده ماهه کشور

بموجب آمار منتشره از طرف آمار و بررسیهای کل گمرک صادرات کشور (بدون مواد نفتی) در ده ماهه سال ۴۹ مقدار يك میلیون و پنجاه و نه هزار و شصت تن کالا بارزش بیش از شانزده میلیارد و سیصد و دو میلیون ریال میباشد که این رقم در تاریخ بازرگانی ایران سابقه است. میزان صادرات نسبت به مدت مشابه سال گذشته از حیث وزن سیصد و هشتاد و نه هزار تن و از نظر ارزش بیش از يك میلیارد و پانصد و هشتاد میلیون ریال افزایش نشان میدهد. مهمترین رقم صادرات از لحاظ ارزش، فرش و پنبه میباشد که مجموعاً ۳۷۰۹ درصد ارزش صادرات ده ماهه امسال را تشکیل



صدور كفش، شكلات و شیرینی ایرانی به آمریکا

بهمن ماه گذشته قراردادی هائی برای فروش انواع شكلات و شیرینی و همچنین كفش، تریکو و کنسرو بین بخش خصوصی با بازرگانان وارد کننده آمریکائی منعقد شده. بموجب این قراردادها متجاوز از يك میلیون دلار انواع شكلات و در همین حدود كفش به آمریکا صادر خواهد شد و همچنین قرار داد فروش حدود پنج میلیون دلار تریکو به آمریکا و اروپا بسته شد، ضمناً مقدار زیادی کنسرو به انگلستان فروخته شده است.

در حاضر انواع اتومبیلهای ساخت ایران اعم از کوچک و اتوبوس و مینی بوس ایرانی بطور وسیع وارد بازار های کشور های همجوار و شیخ نشینهای خلیج فارس شده است.

پرداخت ۲۰۲ میلیون ریال وام از طرف صندوق توسعه کشاورزی

صندوق توسعه کشاورزی ایران اعلام کرد که برای اجرای دو طرح کشت و صنعت در گرگان و خوزستان ۲۰۲ میلیون ریال وام تصویب نموده است.

طرح اول در ۱۷۰۰ هکتار اراضی گرگان اجرا خواهد شد. جمع سرمایه گذاری این طرح بالغ بر ۱۷۲ میلیون ریال است که پس از تکمیل سالانه بالغ بر ۷۰ میلیون ریال خواهد بود.

طرح دوم در ۳۴۰۰ هکتار اراضی خوزستان اجرا خواهد شد. جمع سرمایه گذاری این طرح بالغ بر ۲۵۷ میلیون ریال است. ارزش تولیدات این طرح پس از تکمیل سالانه بالغ بر ۳۹۸ میلیون ریال میباشد.

جشن سی و هفتمین سال تاسیس دانشگاه تهران

دانشگاه تهران عصر پنجشنبه ۱۵ بهمن آغاز سی و هفتمین سال خود را در تالار فردوسی دانشگاه ادبیات جشن گرفت، در این آیین به چهار تن از استادان بازنشسته، عنوان استاد ممتاز داده شد و «سر موریس بورا» رئیس «فوندام کالج» دانشگاه «اکسفورد» دکترای افتخاری ادبیات گرفت.

رئیس دانشگاه تهران در سخنرانی آغاز مراسم گفت: تردید نیست که اعتبار و حرمت هر دانشگاهی، منحصرا وابسته به مقام علمی آن است و این مقام بر اثر تحقیقات استادان و نحوه تدریس آنان و اعتقاد و خلوصی که در راه تجارت علمی به کار میبرند حاصل میشود. دانشگاه تهران با همه جوانی، خوشبختانه از این حیث نیک اختر بوده و افرادی در آن تدریس و تحقیق پرداخته و آثاری از خود بجای گذاشته اند که مایه افتخار جامعه علمی بوده است و یادگاری در جهان علم محسوب خواهند شد.

رئیس دانشگاه افزود: بر دانشگاه فرض است که رابطه علمی خود را با استادانی که منتظما در راه تحقیق کام میبردند و از توقف در علمی دوری میجویند، استوار نگاه دارد، هر نحو که میر است.



صحیح ترین نسخه های شاهنامه در روسیه چاپ شده است به رئیس دانشگاه تهران اهداء کردند.

بود، هنگامیکه مردم کشور من بدون لباس راه میرفتند. به استادان محمد مقدم و ذبیح اله صفا نیز در این مراسم عنوان استادی ممتاز داده شد. در پایان مراسم رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی دوتن از دانشمندان شوروی را معرفی کرد و آنان ۸ جلد از شاهنامه ای که به عنوان

میکرد گفت: و اگر مقررات دانشگاه اجازه میداد آرزوی کردم جسمم در محوطه دانشگاه دفن شود. استاد محسن مقدم، خود را محصل پیر نامید و «سر موریس بورا» که به زبان انگلیسی سخن میگفت از عظمت و قدمت ایران یاد کرد و گفت: ایران خیلی بزرگ

وسایل استفاده از آنان را برای دانشجویان و کلیه اصحاب دانش فراهم کند. نشانه ای از این قدردانی و ادای احترام اعطای درجه «استادی ممتاز» به چهار تن از استادان برجسته دانشگاه تهران است. استاد محسن هشتروبی هنگامی که از اعطای عنوان استاد ممتاز به خود تشکر

روز ۲۲ اسفند ماه امسال، به منظور بررسی نیاز های همه جانبه کارگر ایرانی و ناتوجه به توسعه روز افزون صنایع در کشور تشکیل خواهد داد. وزیر کار، سپس اظهار داشت، با توجه به گسترش برنامه های کارگری، بمنظور بالا بردن سطح زندگی کارگر در ایران و بادر نظر گرفتن نیازی که کشور هر ساله به کارگران ماهر و ورزیده در حرف مختلف دارد، وزارت کار از هم اکنون سخت در تلاش است تا این دسته از افراد را گرد هم آورد. بدین جهت سندیکای صنعتی و صنفی از سال آینده توسعه و تقویت خواهند شد و اتحادیه های کارگری بوجود خواهند آمد بدین ترتیب سال ۵۰ رامیتوان سال تشکیل اتحادیه ها و کنفدراسیون های کارگری اعلام کرد.

عربستان، مایل نیست که در این مسئله دخالت کند و عقیده دارد که خود امارات باید سرنوشت خود را - چنانکه صلاح میدانند - تعیین کنند. در حال، ایران آماده است تا با هر گونه حکومت جدیدی که ممکن است در منطقه به وجود آید، در چهار چوب قوانین بین المللی رابطه و همکاری نزدیک داشته باشد.



اول «مه» روز کارگر در ایران اعلام شد

بفرمان شاهنشاه، از این پس روز اول «مه» هر سال (برابر با یازده اردیبهشت) بنام روز کارگر در سراسر کشور جشن گرفته خواهد شد. قبلا ۲۴ اسفند در ایران روز کارگر بود. این تصمیم از آن جهت اتخاذ شده است، تا نعام کارگران ایران، همزمان با سایر کارگران دنیا، در جشن و شادی این روز شرکت کنند و همبستگی خود را با همه کارگران دنیا اعلام دارند. وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اعلام مطلب بالا اضافه کرد: وزارت کار همچنین، بزرگترین کنگره کارگری را

سرنوشت امارات کویت و عربستان سعودی بار دیگر از امارات تحت الحمایه بریتانیا در خلیج فارس خواسته اند که اختلافات خود را کنار بزنند و اتحادیه ای بوجود آورند. شیخ صباح احمد الجابر، وزیر خارجه کویت، گفت که دولت او پیشنهاد های تازه ای را تسلیم امارات خواهد کرد.

پیشنهاد هایی که دو ماه پیش از جانب کویت و عربستان به امارات تسلیم شد مورد موافقت آنها قرار نگرفت و ماموریت والا حضرت نواف، برادر ملک فیصل پادشاه عربستان، و شیخ صباح شکست روبرو شد. از سوی دیگر، غلامرضا تاجبخش سفیر ایران در کویت که چند روز پیش از اعلام سیاست بریتانیا در مورد خلیج فارس، از امارات منطقه دیدن کرد، و افزود: امارات منطقه - برخلاف چند ماه پیش - موضوع خروج کلیه نیروهای انگلیسی را در پایان سال جاری میلادی «اجتناب ناپذیر» میدانند.

تاجبخش افزود: امارات منطقه اکنون - شاید برای نخستین بار - متوجه شده اند که باید هر چه زودتر سرنوشت خود را راسا تعیین کنند و این روی کوشش های تازه برای تشکیل یک اتحادیه در منطقه شانس موفقیت بیشتری دارد. ایران، برخلاف کویت و

اسرائیل تاکنون در برابر اخطار ایران سکوت کرده است. بیانیه وزارت خارجه ایران ظاهرا اکنون مورد مطالعه مقامات اسرائیلی است و انتظار نمیرود که درباره آن رسا اظهار نظری بشود. اسرائیلی ها اکنون بیم آن دارند که اقدام ایران مقدمه یک فعالیت دسته جمعی کشور های مسلمان به منظور اجرای مفاد قطعنامه ۲۲ نوامبر باشد. اسرائیل که اکنون خود را به شدت تنها حس می کند نگران اقداماتی است که به چهار دولت بزرگ با پشتیبانی قدرت های محلی خاورمیانه ممکن است به منظور اجرای طرح یاریک آغاز کنند. در حال حاضر، طرح صلح یاریک و پیشنهاد های انوو سادات، رئیس جمهوری متحد عرب، زمینه را برای حل عادلانه اختلافات اعراب و اسرائیل هموار کرده است. منابع سیاسی در تهران گفتند که دولت جمهوری متحد عرب مواضع سیاسی جدید خود را به تفصیل به اطلاع دولت شاهنشاهی رسانده است و تهران را مرقب در جریان تحولات سیاسی و دیپلماتیک تازه قرار میدهد.

خبرو خسروانی سفیر ایران در قاهره نیز دولت جمهوری متحد عرب را از پشتیبانی تهران از کلیه طرح هایی که هدفشان اجرای کامل مفاد قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت است، مطمئن ساخته است.



استقبال کشورهای مسلمان از اخطار ایران به اسرائیل

اخطار هشدار شدید ایران به اسرائیل - در غالب پایتخت های اسلامی به عنوان «گامی مثبت در راه صلح» توصیف شده است. در بیانیه وزارت خارجه ایران پشتیبانی دولت شاهنشاهی از پیشنهاد های انور سادات، رئیس جمهوری مصر، تاکید گردید. در همان حال بیانیه به اسرائیل اخطار می کند که از لجاجت کنونی خود دست بردارد و تصمیمات سازمان ملل متحد را بپذیرد. بیانیه وزارت خارجه از طریق نمایندگی های شاهنشاهی در سراسر جهان در اختیار دولت های دوست قرار گرفت انتظار میسرود که اخطار ایران اقدامات مشابهی را از جانب چند کشور اسلامی دیگر به دنبال داشته باشد.

محافل سیاسی در تهران معتقدند که اقدام ایران بار دیگر توجه افکار عمومی بین المللی را به اصول قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت جلب کرده است. این قطعنامه خروج کامل کلیه نیروهای اسرائیل را از سرزمین های اشغال شده عرب ملزم می کند.



سالگرد سوم اسفند

روز سوم اسفند سال ۱۳۴۹ سرآغاز پنجاهمین سال ظهور سردار رشید و بزرگ ایران اعظم حضرت رضا شاه کبیر، شاهنشاه ایران سردودمان سلسله جلیل سلطنت پهلوی در تاریخ جدید ایران است. روز سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ او، با کودتایی که انجام داد، در صحنه سیاست ایران و در عرصه پرماجرایی تاریخ این کشور کهن سال ظهور کرد و با دست توانای خویش تاریخ ایران را ورق زد و مبداء و صفحه جدیدی در سرگذشت دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران در قلب مشرق زمین گشود. شاهنشاه آریامهر فرزند تاجدار آن بزرگ مرد می گویند: «پدرم ما را بجای فرار از تمدن جهانی که مالا بگمنامی ایران منتهی میشد بجهان باختر و تمدن آن توجه داد و او بود که ایرانیان را بدوره جدید حیات ملی راهبری نمود و انقلابی که پدرم ایجاد کرد سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی ایران را بمسئولیتهای تازه ای منوجه ساخت.



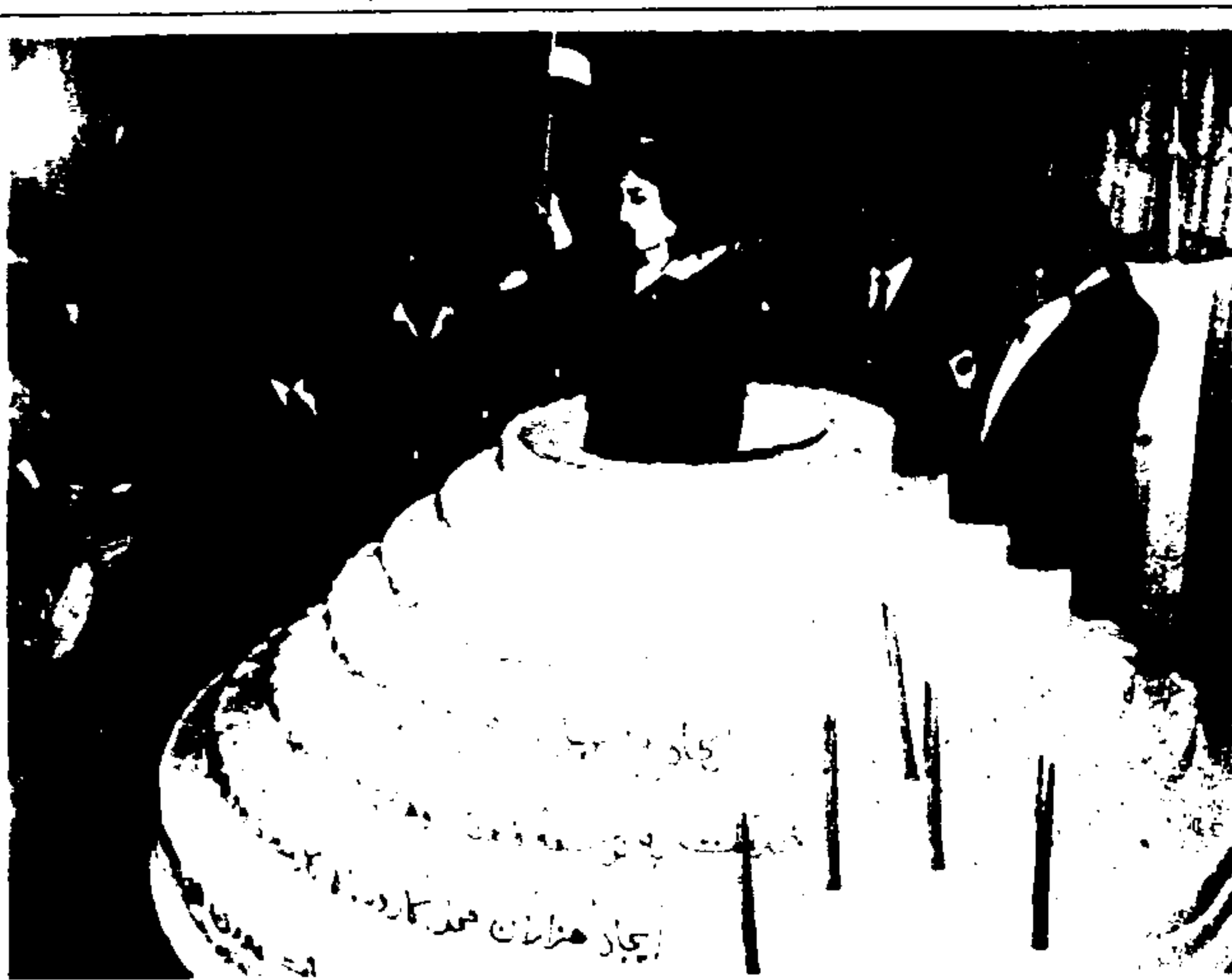
روز پرستار جشن گرفته شد

جامعه پرستاران ایران، ۵ اسفند را بنام روز پرستار جشن گرفت و در این روز، برای دومین بار یک بانوی پرستار بنام خانم «هریسیر باغومیان» بعنوان پرستار نمونه سال از استان اصفهان انتخاب شد و جایزه خود را که یک شل و یک مدال افتخار بود، از دست وزیر بهداشت دریافت داشت. به این مناسبت والاحضرت شادخت اشرف پهلوی پیامی فرستادند. والاحضرت در این پیام، روز پرستار را به تمام پرستاران کشور تبریک گفتند و ضمن اشاره به اهمیت این روز، یادآور شدند: نیاز به توضیح نیست که پزشکی و درمان بیماران، بدون پرستار کاردان امکان پذیر نیست و هر قدر دامنه موسسات درمانی اعم از بیمارستان و درمانگاه توسعه یابد، نیاز بوجود پرستاران خوب افزونتر و قدر خدمات آنان نمایانتر میگردد. پزشکان و بیماران میدانند که شما پرستاران، در این میان چه وظیفه خطیری را عهده دار هستید و در آن لحظات دردناک که عزیزترین بستگان بیمار قادر به هیچ کمکی نیستند، این شما هستید که با استفاده از فنونی که آموخته اید و با روی گشاده، آلام جسمی و روحی درمندان را تخفیف میدهید.

والاحضرت در این پیام، ضمن اشاره به نخستین آموزشگاه عالی پرستاری که در سال ۲۹ توسط سازمان



سالروز آزادی زنان روز هشتم اسفند زنان در صفحه شصت و ششم



هما دهساله شد

در يك خيانت سه هزار نفری در هتل هیلتون دوستداران هواپیمایی ملی ایران سالروز هما را به تیمسار خادمی مدیر عامل و کارکنان این شرکت تبریک گفتند.

هواپیمایی ملی ایران که در پنجم اسفند ماه ۱۳۴۰ تاسیس شده است اکنون در بیشتر کشورهای اروپایی و شهرهای داخلی خطوط منظم هوایی دارد و نمونه برجستهای از يك موسسه ایرانی که با دقت نظم هم سطح پیشرفته ترین کشورها اداره میشود.



مصرف فرآورده های نفتی در داخل کشور در ماه دسامبر ۱۹۷۰

بنابگزارش اداره آمار و اطلاعات قسمت پخش شرکت ملی نفت ایران در ماه دسامبر ۱۹۷۰ چنانچه ۱۰۰۹۳۰۰۰ بشکه فرآورده های گوناگون نفتی در داخل کشور مصرف گردیده است.

مقایسه این رقم با میزان مصرفی ماه مشابه سال گذشته ۱۳۷۹ درصد افزایش نشان میدهد.

در ماه مورد گزارش میزان مصرف نفت سفید ۳۴۲۲۰۰۰ متر مکعب (۱۸۸۷٪ افزایش نسبت به ماه مشابه سال پیش) بنزین موتور ۱۰۰۰۰۰ متر مکعب (۱۴۹۹٪ افزایش) گاز مایع ۲۱۰۰۰ متر مکعب (۳۱۲٪ افزایش)، نفت گاز ۲۴۱۰۰۰ متر مکعب (۹۵٪ افزایش) و نفت کوره ۳۲۹۰۰۰ متر مکعب (۱۱۱٪ افزایش) بوده است.

مواد نفتی مصرف شده در داخل کشور از پالایشگاه تهران (۴۹۳٪)، آبادان

(۳۸۲٪)، کرمانشاه (۵٪) و مسجد سلیمان (۷۵٪)، تأمین گردیده است.

در ماه دسامبر ۱۹۷۰ تعداد به ۳۴۰۷ فروند هواپیما در فرودگاههای داخل میزان ۳۳۳۸ متر مکعب سوخت تحویل گردید ضمناً قسمت پخش شرکت ملی نفت ایران به ۲۰۰ فروند هواپیما در فرودگاههای کابل و قندهار میزان ۷۱۵ متر مکعب سوخت تحویل داد.

ایران اولین صادر کننده نفت جهان شد

تولید نفت خام ایران در سال مسیحی ۱۹۷۰ به ۱۸۲ میلیون تن متریک رسیده است و این رکورد جدیدی در تولید نفت خام کشور است. ایران با این میزان تولید پس از آمریکا و شوروی در مقام سوم جهان قرار گرفت.

تولید نفت خام کنسرسیوم در سال مزبور بطور متوسط روزی ۳ میلیون و ۵۱۲ هزار بشکه لایکو ۱۴۲ هزار بشکه الیاک ۱۰۰ هزار بشکه و اینکو ۵۵ هزار بشکه و سیرپ ۳۲ هزار بشکه بود.

تولید خالص روزانه ایران در همین سال به رقم ۳ میلیون و ۸۲۸ هزار بشکه رسیده است. ایران در بین کشورهای صادر کننده نفت مقام اول را احراز نمود زیرا دو کشور بزرگ تولید کننده نفت آمریکا و شوروی یکی اصلاً صادرات ندارد و دیگری صادرات کمی دارد.

باین جهت ایران مقام اول را در صادرات و مقام سوم را در تولید جهان بدست آورده است.

در مورد تصفیه نیز مقام ایران در میان کشورهای صادر کننده نفت مقام اول است چون در ایران پالایشگاه آبادان که یکی از بزرگترین پالایشگاههای جهان است در سال ۱۹۷۰ قریب ۲۰ میلیون و ۶۰۹ هزار و ۵۳۲ تن سنگی نفت تصفیه کرد که بطور متوسط روزانه ۴۲۱ هزار و ۴۷۳ بشکه است.

پالایشگاه تهران که قریب یک چهارم ظرفیت پالایشگاه آبادان را دارد در همین سال روزانه ۹۱ هزار بشکه نفت تصفیه نمود. پالایشگاه کرمانشاه روزانه ۸ هزار بشکه و در نتیجه چنانچه در ایران روزانه بیش از ۵۲۰ هزار بشکه نفت تصفیه شده است.



آرشیو ملی بصورت يك موزه بزرگ اسناد درخواست آمد

آرشیو ملی برای اینکه گنجینه‌ای از اسناد معتبر و ارزنده فراهم آورد از همه مردم ایران می‌خواهد چنانچه اسنادی اعم از تاریخی و تحقیقی در اختیار دارند پس از ایجاد آرشیو ملی آنها را برای استغناء گنجینه به آرشیو به سپارند.

طبق اظهارات دکتر پرهام اولین رئیس آرشیو ملی هم اکنون ۱۲ میلیون پرونده در بایگانی وزارتخانه‌ها موجود می‌باشد. اغلب این پرونده‌ها محتوی اسناد تاریخی مربوط به ۳۰۰ تا ۶۰۰ سال اخیر ایران است که بوضع اسفناکی در زیر زمین‌ها انباشته شده و اکثر اسناد مزبور در اثر حریق، رطوبت، گرد و خاک، موش و موربانه آسیب دیده. هدف آرشیو ملی تمرکز پرونده‌های مزبور و بررسی و استفاده از آنها می‌باشد. تأسیس سازمان اسناد ملی ایران ثمره مجاهدتی است که نزدیک به بیست سال پیش آغاز گردیده. نخستین بار در اواخر سال ۱۳۳۲ دولت به بررسی مقدماتی مشکلات تراکم روز افزون اوراق و پرونده‌ها در دستگاه‌های دولت پرداخت و نتیجه بررسی که متضمن ضرورت امحاء اوراق زائد و بی‌فائده بود در سال ۱۳۳۳ رسماً در مجلس سنا مطرح گردید. یک سال بعد همزمان با دعوت یکی از کارشناسان آرشیو ملی آمریکا به ایران مطالعاتی در جهت تهیه و پیشنهاد لوایح تأسیس آرشیو ملی، امحاء اوراق زائد دولت و بایگانی دولتی بعمل آمد که هیچیک از این طرح‌ها به مرحله اقدام دولت و قوه مقننه نرسید. در سال ۱۳۴۱ که شورایی عالی اداری کشور تشکیل شد مشکلات تراکم پرونده‌ها بار دیگر مورد توجه کارشناسان امور اداری قرار گرفت و مطالعاتی در این زمینه آغاز گردید و در بازرسی از بایگانی وزارتخانه‌ها معلوم شد که حدود ده میلیون پرونده در این بایگانی‌ها وجود دارد که در ۱۲۷۰۰ اتاق انباشته شده و فضای متجاوز از ۱۲۰۰۰ متر مربع را اشغال کرده و هزینه نگهداری آنها سالانه بالغ بر ۳۸۰۰۰۰۰۰ ریال می‌گردد. پس از این بررسی‌ها در سال ۱۳۴۳ طرح «مرکز بایگانی راکد» تهیه شد که همان سال به تصویب هیأت دولت رسید و وزارت آبادانی و مسکن قطعه زمینی به مساحت ۲۲۰۰۰ متر مربع (درکوی کن) به مرکز بایگانی

راکد اختصاص داد و این نخستین قدم بود که در راه تمرکز و جمع‌آوری و حفظ اسناد و پرونده‌های با ارزش برداشته شد ولی بعلم این که در ایران مجوزی برای اوراق زائد و بی‌ارزش وجود نداشت ضروری بود که مانند سایر کشورهای جهان ترتیبات منطقی برای از بین بردن اوراق زائد داده شود زیرا قریب ۹۰ درصد از موجودی بایگانی‌های راکد، بنظر زائد می‌رسد.

در سال ۱۳۴۶ لایحه این کار بدولت تقدیم شد و پس از ۸ ماه سرانجام در ۲۴۷۶ به تصویب رسید. دکتر پرهام در ضمن به برنامه آینده آرشیو ملی اشاره کرده و اظهار داشت: طی دو سال آینده ساختمان‌های مجهز و مخصوصی برای آرشیو ملی در کن ساختن خواهد شد و تا آماده شدن ساختمان این مرکز کار سازمان اسناد ایران انجام بررسی‌هایی است که برای تهیه آئین‌نامه امحاء اوراق زائد ضروری خواهد بود.

آن تعداد از اسناد که به تشخیص وزارتخانه‌ها ارزش نگهداری ندارد مشخص گردیده پس از تصویب آئین‌نامه امحاء معدوم خواهد شد. این نکته بدیهی است که پس از اعلام زائد بودن بعضی از پرونده‌ها از طرف وزارتخانه‌ها آرشیو ملی مجدداً از نظر تحقیقات تاریخی و علمی، اسناد راجع به بررسی و ارزش‌یابی قرار خواهد داد و آنچه را که برای این منظور مفید به نظر می‌رسد برای همیشه حفظ خواهد کرد. در حال حاضر در حدود دوازده میلیون پرونده وجود دارد که ده میلیون آن زائد است. رئیس آرشیو ملی در مورد اسناد تاریخی و تحقیقی که در اختیار خانواده‌ها است گفت: در تمام کشور های دنیا سعی شده است که دارندگان چنین اسنادی را تشویق کنند که اسناد را برای نگهداری از طریق هدیه کردن یا به امانت به آرشیو ملی سپارند و تا هم بهتر نگهداری شود و هم در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

آرشیو ملی ایران نیز از همین رویه پیروی خواهد کرد. ولی بهیچ وجه قصد خریداری اسنادی را که نزد اشخاص و خانواده‌ها است ندارد.



ایران و پاکستان طرح‌های صنعتی مشترک اجرا می‌کنند

حفیظ‌الدین، وزیر منابع طبیعی و صنایع پاکستان در روز ۱۲ بهمن با هوشنگ انصاری

وزیر اقتصاد ملاقات کرد. در این ملاقات مذاکراتی پیرامون بررسی امکانات موجود، از جهت مبادله قطعات ماشین‌های صنعتی میان دو کشور ایران و پاکستان بعمل آمد. این مذاکرات که بنابه پیشنهاد هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد ایران صورت گرفت احتمالاً در مواردی که شرایط از نظر فنی و اقتصادی مناسب باشد به دوباره کاری در سطح تهیه طرح‌های صنعتی دو کشور پایان خواهد داد و اجرای این طرح‌ها را در سطح بین‌المللی میسر خواهد ساخت. انصاری در این ملاقات اظهار داشت که با اجرای طرح‌هایی در سطح بین‌المللی و با تشریک مساعی می‌توان مبادلات بازرگانی میان دو کشور را باندازه قابل توجهی بهبود بخشید و آنرا توسعه داد.

در زمینه فروش محصولات پتروشیمی، وزیر اقتصاد ایران گفت که با توجه به موقعیت خاصی که ایران از جهت تولید این محصولات دارد آماده است در زمینه تأمین احتیاجات پاکستان بهر نحوی که ممکن است همکاری کند، بنابراین بهتر است با توجه به برنامه‌هایی که پاکستان در این مورد دارد همکاری لازم بین دو کشور بوجود آید. آقای حفیظ‌الدین خاطر نشان ساخت که پاکستان در نظر دارد پالایشگاه‌های جدیدی در مشرق و مغرب آن کشور تأسیس کند و ما از همکاری ایران در این زمینه استقبال خواهیم کرد.

در پایان این مذاکرات قرار شد که کارشناسان دو کشور مذاکرات مربوط به توسعه مبادلات بازرگانی و همکاری‌های اقتصادی را دنبال کنند.



پل جزیره مینو گشایش یافت

طبق اطلاع شرکت ملی نفت ایران اواخر بهمن ماه گذشته پل جزیره مینو گشایش یافت. نصب پایه‌های فلزی پل از اوایل سال ۱۳۴۸ و عملیات ساختمانی آن از فروردین ماه ۴۹ آغاز گردید. طول پل ۲۱۰ متر است که صد متر آن روی آب و متکی به ۶۶ پایه فلزی ۱۲ اینچی است و ۱۱۰ متر آن که روی خشکی می‌باشد متکی به پایه‌های بتونی است. هر یک از پایه‌های فلزی قادر است ۴۵ تن بار را تحمل کند و با احتساب بار وارده از محور و سائیل نقلیه، پل جزیره مینو قابل عبور سنگین‌ترین خودروها خواهد بود. در ساختمان این پل ۸۵۰ متر مکعب بتون و ۶۰۲ تن آهن به کار رفته است.

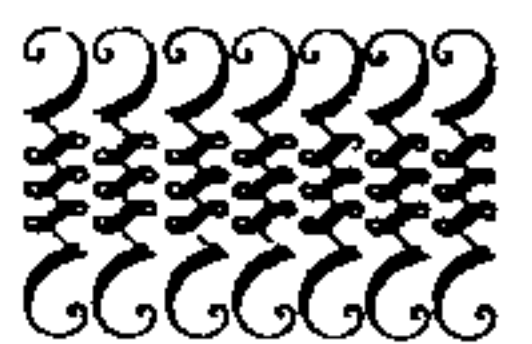
طرح پروژه و ساختمان و نظارت بر عملیات پیمانکار توسط مهندسين و تکنيسين‌ها و کارگران متخصص صنعت نفت ایران و بدون مراجعه به مهندسين مشاور انجام گردیده است. هزینه احداث پل بالغ بر بیست و یک میلیون و هفتاد هزار ریال شده که از طرف شرکت ملی نفت ایران، استانداری خوزستان و شهرداری‌های خرمشهر و آبادان تأمین شده است. با توجه مختصر به حساب ساده معلوم خواهد شد نیروی انسانی که با دست جهت حمل محصولات جزیره مینو به خارج و همچنین مواد مورد احتیاج اهالی از خارج به جزیره تلف می‌شود در عرض سال چندین برابر هزینه پل می‌باشد.



رکورد تازه تولید نفت شرکت‌های عامل نفت ایران اعلام کردند که تولید خالص نفت خام از حوزه عملیات کنسرسیوم در ژانویه ۱۹۷۱ بیست و یک میلیون و نهصد و شش هزار بشکه در روز افزایش یافته و جمع تولید طرف نخستین ماه مسیحی ۱۶ میلیون و ۲۵۰ هزار تن بوده است. در گزارش ماهانه کنسرسیوم به تولید ناخالص نفت اشاره شده است که در ماه ژانویه ۱۹۷۱ هم از ۱۲ میلیون تن تجاوز کرده است.

تولید ناخالص نفت از حوزه کنسرسیوم طی همین مدت، روزانه متجاوز از سه میلیون و ۹۱۶ هزار بشکه در روز بوده است و طی همین مدت جمع کل تولید بطور متوسط از ۳ میلیون و ۷۹۵ هزار بشکه در روز تجاوز کرده است. طی ماه ژانویه از طرف کنسرسیوم متجاوز از ۳ میلیون و ۱۵۵ هزار بشکه در روز از خارک و از طرف شرکت ملی بارگیری شده است. اطلاعات مطبوعاتی شرکت‌های عامل نفت ایران نشان می‌دهد که تولید گاز مایع تحویلی به شرکت ملی نفت ایران ظرف ماه ژانویه نیز به ۵۶۴۴۰ بشکه رسیده است. صادرات نفت خام از سهمیه کنسرسیوم در ماه ژانویه از ۳ میلیون و ۱۵۵ هزار بشکه فزونی داشته است و اگر این رقم تا پایان سال مسیحی ۱۹۷۱ ادامه یابد صادرات نفت ایران به تنهایی از حوزه کنسرسیوم از یک میلیارد و ۱۷۴ میلیون بشکه در سال متجاوز خواهد بود که خود رقم بسیار درخور توجهی است. خد نصیب تولید نفت ایران در سال ۶۹ به میلیون و صد و هشت هزار بشکه در روز و در سال ۱۹۷۰ رقمی در حدود سه میلیون و پانصد هزار بشکه در روز بود.

نمایش کلکسیون کیف و کفش «شارل ژوردان» با حضور سرکار علی‌ه بانوفریده دیا در هتل هیلتون برگزار شد. این مراسم بدعوت «شارل ژوردان» طراح مد و مدیر کمپانی بین‌المللی «شارل ژوردان» فرانسه که برای نمایش مدهای خود و افتتاح دو شعبه مزون خود در تهران به ایران آمده بود صورت گرفت. کمپانی «شارل ژوردان» بیش از نیم قرن قبل در فرانسه تأسیس شد این کمپانی ظرف نیم قرن فعالیت راه خود را در غالب کشور های جهان گشود و نمایندگی‌های آن اینک در اقصی نقاط دنیا در فعالیت دارند. در پانزده کشور نیز شارل ژوردان کارخانه‌هایی دایر کرده.



شارل ژوردان در تهران

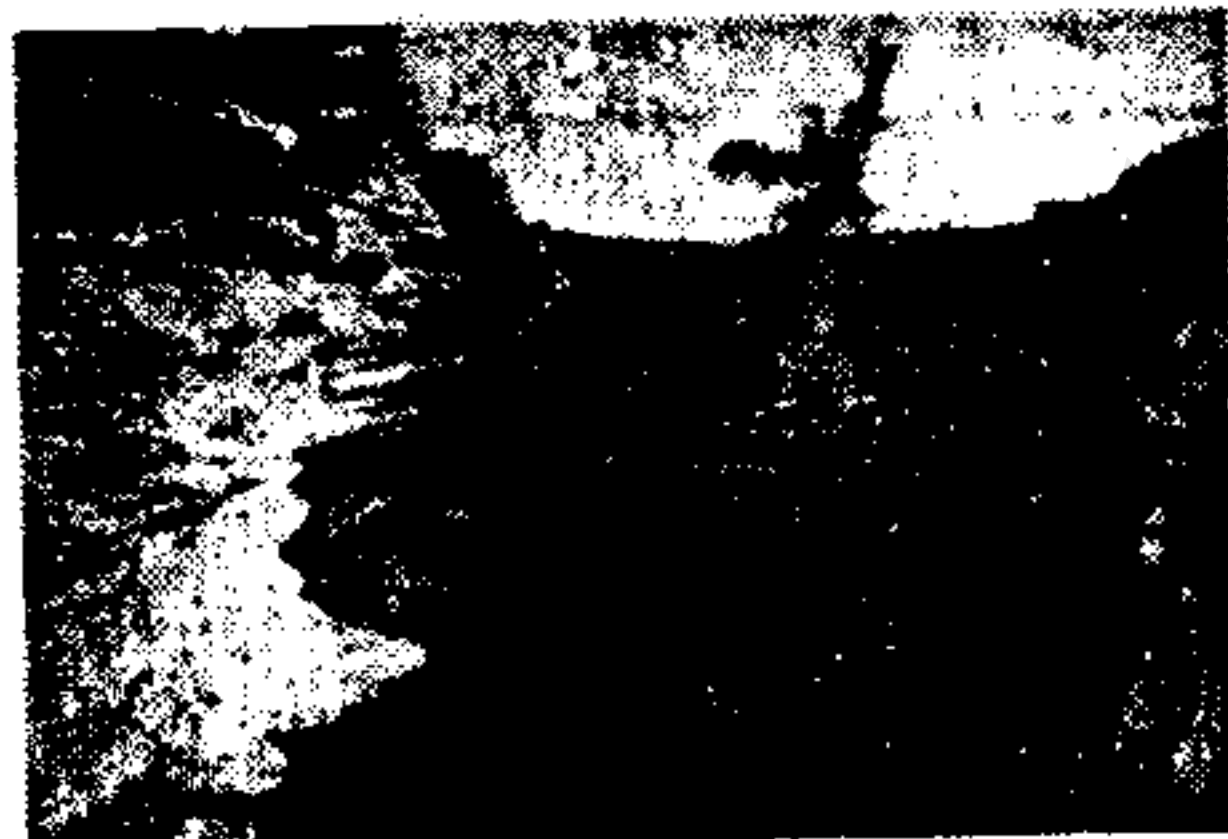


که در جزیره قسم قرار دارد و دارای ارزش تاریخی فوق العاده میباشد معبد «میترا» است. ارتفاع ساختمان معبد (مهر پرستان) تا سطح زمین ۶۰ متر و فاصله آن تا دریا ۱۰ کیلومتر است. از بیرون ۹ حفره در تپه دیده میشود که یکی از آنها در سمت چپ قرار دارد و راهروی ورودی معبد مهر پرستان یا بیرون میترا نیز از یک سالن مرکزی که سقف آن با صدف تزئین شده و مساحت آن ۲۰ متر است تشکیل شده است. دو اطاق در شرق و غرب سالن مرکزی و دو راهرو در مقابل هر یک از اتاقها قرار دارد. سالن و اتاقهای معبد دارای ۷ درگاه و ۸ طاقچه است. مدارکی در دست است که نشان میدهد این معبد تا زمان صفویه نیز استفاده می شده است و از آن بعد این معبد که مخصوص نیایش بیرون میترا نیز بود متروک ماند زیرا صفویان در مذهب تصب داشتند. مقابل این معبد یک گورستان بزرگ قرار دارد که سنگ بعضی از قبور آن هنوز پابرجاست و از نوشته روی قبور معلوم می شود که این گورستان از زمان صفویه مورد استفاده بوده است.

جالب اینجاست که وقتی کسی در یکی از اتاقهای داخل معبد صحبت میکند صدای او از تمام حفره های واقع در تپه یک اندازه یگوش میرسد. معبد مهر پرستان چون در ارتفاع بلندی از سطح زمین قرار گرفته است نوع معماری مدفون شده و نوع معماری آن نشان میدهد که این معبد در اوایل سلطنت ساسانیان ساخته شده است. بقایای ظروف سفالی که در این معبد و اطراف آن بدست آمده است که در زمان ساسانیان از آن استفاده میشده است. این اطلاعات طی فعالیتهای اخیر روزنامه اطلاعات برای شناساندن بنا های تاریخی بدست آمده است.

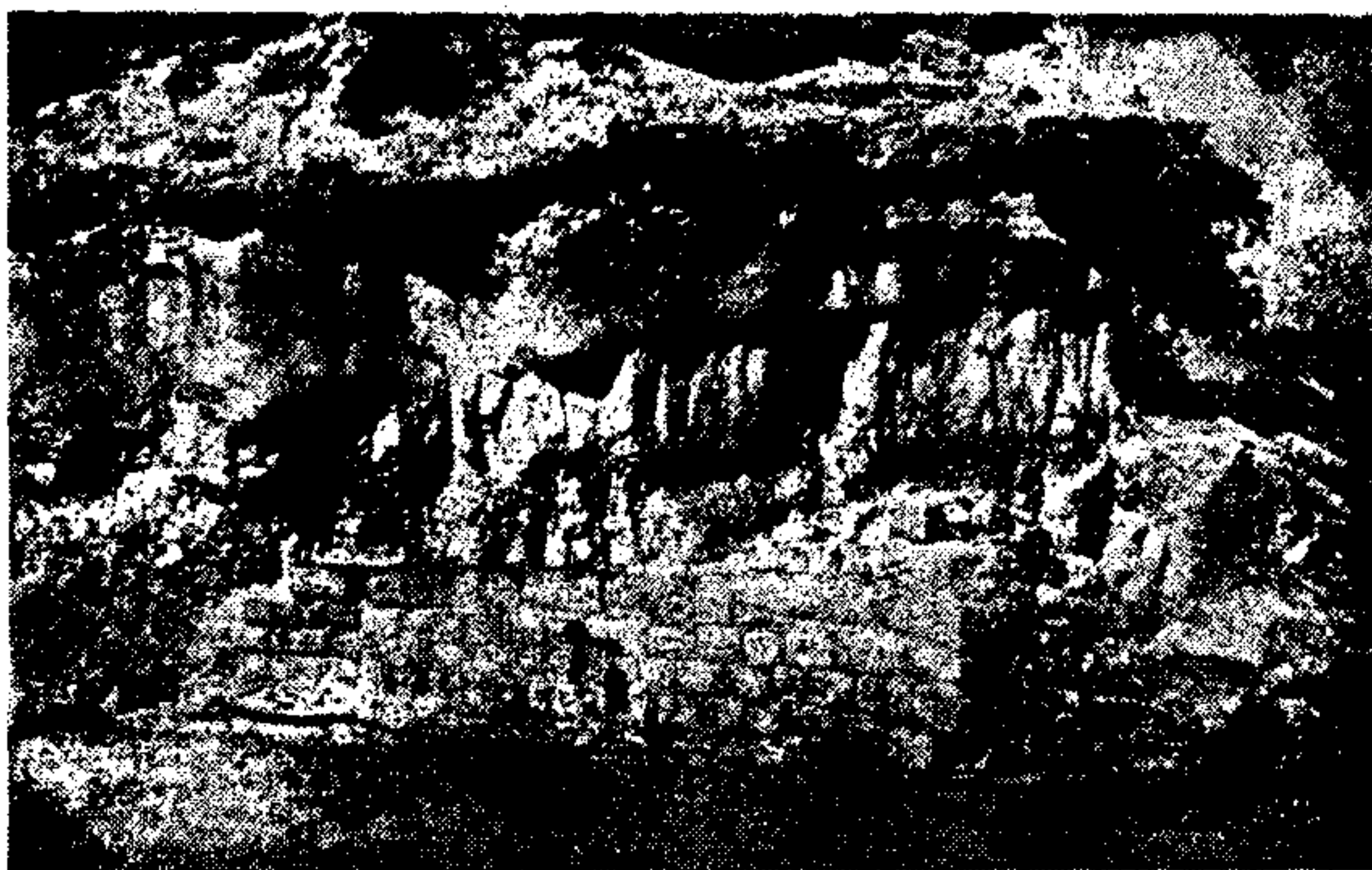
و ارتفاع آن ده متر ولی باستان شناسان معتقدند که ارتفاع سد در گذشته ۱۵ متر بوده است. پشت سد «دم» یک حوضچه وجود دارد که هنوز هم ده متر مکعب آب در آن باقی است. در کنار سد حفره هایی قرار دارد که روی هشت پله با ارتفاع مختلف قرار دارد و هرگاه که آب دریاچه سد بالا میرفت یکی از حفره ها باز شده و آب برای مصرف اهالی بطرف قریه پشت سرازیر شده است. سد «دم» در ۵۵ کیلومتری غرب شهر قسم قرار دارد و طبق نظریه کثر شناسان اداره کل باستان شناسی بنای آن در زمان ساسانیان ساخته شده است. سد «دم» از لحاظ شیوه معماری نیز مانند سد «تل بالا» همان سیک دوران ساسانیان را دارد و به اعتقاد باستان شناسان در عهد صفویان تعمیر شده ولی بعدها ویران شده است. دریاچه سد دم دو کیلومتر طول داشته و عرض آن بین ۵۰ تا ۱۰۰ متر می باشد. باستان شناسان معتقدند که از این سد تا قرن هفتم هجری استفاده شده ولی از آن به بعد متروک مانده است.

معبد میترا در جزیره قسم
یکی دیگر از بناهای تاریخی



یک حوضچه سنگی از عهد ساسانیان که هنوز هم آب دارد.

سد «دم» مربوط به زمان ساسانیان
سد «دم» در ۱۰ کیلومتری قریه «پشت» جزیره قسم قرار دارد. طبق نظر باستان شناسان این سد در ۱۵۰۰ سال پیش ساخته شده و آب دریاچه پشت آن به مصرف ساکنین قریه «پشت» می رسیده است. دهانه سد «دم» ۲۷ متر است.



سد «تل بالا» از خاک بیرون آمد

در حفاریاتی که در جزیره قسم و در ۵ کیلومتری شهر قسم صورت گرفت سد «تل بالا» از خاک بیرون آمد. طبق اظهارات باستان شناسان این سد پس از ۳۰۰ متر مکعب حفاری کشف شد. اندازه دهانه سد ۴۵ متر و ارتفاع آن ۲۵ متر و سطح خاک زیر سد ۵۰ متر است. سفالی که در قسمت های مختلف سد پیدا شده دارای همان جنسی است که سفالهای دوران ساسانی بوده است. از سیک معماری ساختمان این سد معلوم است که متعلق به دوران ساسانیان است زیرا ساسانیان برای بنای یک ساختمان دودیوار موازی با فاصله دومترا از یکدیگر می ساختند و بین آنها با کلوخ پر میکردند. ساختمان سد «تل بالا» نیز به همین سبک ساخته شده و این امر میرساند که سد در زمان ساسانیان ساخته شده است. از این سد تا قرن دهم هجری نیز استفاده شده ولی از آن به بعد متروک مانده و زیر خاک مدفون شده است. پایه سد سنگی است و طول دریاچه پشت آن بین ۵۰۰ تا ۱۲۰۰ متر بوده است و آب این سد که از باران و برف در زمستان پر میشده به مصرف زراعت و آشامیدن اهالی شهر میرسیده است.



آسیاب تنوره ای زمان ساسانیان در «چالگه»

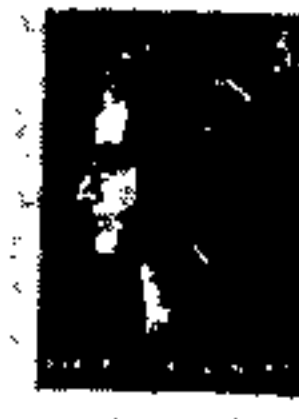
باستان شناسان ایرانی بدیناوش های علمی در نزدیکی روستای «چالگه» از محال «شیوه» هشت کیلومتری سر پل ذهاب موفق به کشف یک آسیاب شدند که گفته میشود در زمان ساسانیان ایجاد گردیده



آسیاب تنوره ای که در محال «شیوه» کشف شد

ارز	حد اقل	حد اکثر	قیمت	حد اقل ریال	حد اکثر
یک دلار آمریکا	۷۶۵۰۰	۷۶۵۰۰	قند - چای - شکر		
یک لیره انگلیس	۱۸۴۶۲۹	۱۸۴۶۲۸	باروتی درجه یک	۴۸۰	۴۸۰
یکصد فرانک بلژیک	۱۵۴۱۲۱	۱۵۴۱۵۲	شکسته مخلوط	۲۸۰	۳۰۰
یک فرانک سویس	۱۷۸۰۱	۱۷۸۰۷	قلمی درجه یک	۹۲	۹۲
مسکوک طلا	-	-	شکر اصفهان کنفی	۲۳۱۵	۲۳۱۵
پهلوی	۸۲۵	۹۰۰	قند آبکوه کاتین	۲۶	۲۶
نیم پهلوی	۴۳۰	۴۸۰	قند حبه شاهرود	۳۴	۳۴
ربع پهلوی	۲۳۰	۲۸۰	ادویه		
۵ پهلوی	۴۴۵۰	۵۰۰۰	زردچوبه ممتاز هند	۵۵	۵۵
۲۵ پهلوی	۲۴۰۰	۲۸۰۰	فلفل سنگاپور	۱۱۶	۱۱۶
لیره ژرژ قدیم	۸۴۰	۹۰۰	دارچین	۱۱۷	۱۱۷
لیره عثمانی قدیم	۸۰۰	۹۰۰	هل سبز	۹۲۰	۹۲۰
شمس طلا متقالی در بازار	۴۸۵	۴۸۵	زعفران خورده ممتاز	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰
خشکبار	-	-	لیمو میناب	۸۵	۹۵
مغز بادام اصفهان	۱۰۳	۱۰۴	شیرخشت هراتی	۲۲۰۰	۲۰۰۰
مغز هسته شیرین	۵۲	۵۵	گل گاوزبان دامغان	۱۰۰	۱۷۰
بادام زمینی ایرانی	۴۴	۴۴	گلرنگ	۱۰۰	۱۰۰
بادام زمینی هندی	۴۰	۴۰	منسوجات نخی بافت داخله متری		
مغز گردو باب آمریکا	۸۰	۹۰	کارخانجات مقدم		
فندق قزوین	۳۳	۴۰	فاستونی ترویرا پشمی	۴۷۰	۴۹۰
پسته بادامی	۱۰۸	۱۴۵	فلانل	۴۳۰	۴۴۰
پرگه زردآلو کالیفرنیا	۲۶۰	۲۷۰	پارچه فاستونی زنانه با خاصیت	۵۰۰	۵۶۰
گوجه مراغه	۱۶۰	۱۷۰	خند بید		
غلات	-	-	کارخانه افشار		
گندم (کمبایی همدان)	۲۷۰۰	۲۸۰۰	فاستونی طرح دار	۴۰۰	۴۶۰
ذرت مازندران	۸۵	۸۵	کانگا	۵۳۰	۵۸۰
جو کرستان	۲۶۰۰	۲۶۵۰	پتو تمام ویکسوز	۷۰۰	۷۰۰
ارزن آش	۷۵۰	۷۵۰	کارخانه جهان		
آرد			اندیگو ساده	۴۱۰	۴۱۰
آرد معمولی	۹۵۰	۱۰۰	کارخانه تاج اصفهان		
آرد ۳ صفر	۱۲۵۰	۱۲۵۰	فاستونی ساده	۳۷۰	۳۷۰
برنج			کرب زنانه	۴۰۰	۴۰۰
برنج دمسیاه رشتی	۲۵	۳۵	کارخانه بهشهر		
صدری درجه یک مازندران	۲۹	۳۰	چیت نو	۱۷۷۵	۱۷۷۵
چمپا در تهران	۱۵۵۰	۱۵۵۰	کودری	۱۷	۱۷
حبوبات			پانیس	۱۲۷۵	۱۲۷۵
نخود بجنورد	۱۱	۱۱	نساجی مازندران		
نخودچی کاشان	۲۴	۲۵	کودری چادری	۲۴	۲۴
لیه تبریز	۲۴	۲۴	زهرم	۲۲	۲۲
لیه باقلا سبز	۸۵	۹	کارخانه ممتاز		
لوبیا جگرکی کرمانشاه	۱۱	۱۱	شایستون	۲۶	۲۶
لوبیای چیتی اردبیل	۱۵	۱۵	کتنان	۲۵	۲۵
ماش گنبد	۱۲	۱۲	کارخانه پردبانی		
عدس مغان	۱۶	۱۶	تنضیف	۱۵۵۰	۱۵۵۰
دانه های روغنی			ململ طاقه	۲۷۰	۲۷۰
تخمه کدو تبریز	۶۰	۷۰	کارخانه ری		
تخمه هندوانه آشتی	۵۰	۷۰	چلوار	۲۰	۲۰
تخمه آفتابگردان	۲۰	۲۷	کارخانه جهان چیت		
زیره سبز	۳۴	۳۹	ساتین گلدار	۳۶۵۰	۳۶۵۰
روغن نباتی			تافته گلدار	۳۵۵۰	۳۵۵۰
۴ پوندی ورامین	۱۱۱	۱۱۵	کارخانه کاشان		
۵ کیلوی زیتون ورامین	۳۴۰	۳۸۵	پرده سوسن گلدار زاگارد	۱۱۰	۱۱۰
روغن کرچک خوراکی	۵۵	۵۵	دبیت آستری	۱۱۰	۷۰
روغن گنجد خوراکی	۶۰	۶۰	کارخانه شهنار		
روغن کرمانشاهی	۲۳۷	۲۳۷	موهر گلدار	۲۳	۲۳
لبنیات			شانتون گلدار	۲۷	۲۷
پنیر تبریز	۸۵	۹۰	کارخانه سیمین		
کره خوراکی شهری	۱۴۰	۱۵۰	تیترون	۵۰	۵۰
کنک شیرازی	۲۴	۲۵	قالی		
گوشت مرغ			درجه یک قالی اصفهان	۶۰۰۰	۶۰۰۰
مرغ آمریکایی	۶۰	۶۰	قالی مبارکه ای ذری	۹۰۰۰	۱۱۰۰
تخم مرغ	۵۴	۵۴	قالی اردبیل	۵۰۰۰	۱۶۰۰
گوشت مخلوط گوسفند با			قالی بافت اطراف قم ذری	۲۸۰۰	۴۰۰۰
استخوان	۸۲	۸۲	پشتی درجین	۶۰۰	۷۰۰
گوشت مخلوط گوسفند بی			کپیبه قشقای	۱۱۰۰	۱۷۰۰
استخوان	۱۰۹	۱۰۹	۷۰×۲۰ سانت خورجینی	۴۰۰	۱۵۰۰
گوشت گاو و گوساله مخلوط			قالی ابریشم درجه یک کاشان	۴۰۰۰	۵۰۰۰۰
با استخوان	۶۳	۶۳	قالیچه درجه یک پشمی کاشان	۵۰۰۰۰	۵۰۰۰۰
گوشت گاو و گوساله مخلوط			قالی کرمان باب امریکافوت	۲۰۰	۲۵۰
بی استخوان	۸۴	۸۴	قالی بنه ساروق اراک	۲۵۰۰	۳۰۰۰

پیک تلاش



پیک تلاش

از نامه آقای حسن طالبی سپاهی

دانش مازندران

آموزش و پرورش در روستاها

مثل همه روزها وارد کلاس شدم. بعد از احوال- پرسى با دانش آموزان کتاب بدست گرفته. بعد از پرسى شروع به تدریس کردم. وسطهای درس به کلمه موسیقی برخورد کردم. پرسیدم بچه ها کی می داند موسیقی چیست؟ همه با چشمهای باز و دهانهای نیمه باز پرویم نگاه کردند. چند لحظه ای به سکوت گذشت، بعد گفتم بچه ها فکر می کنید موسیقی چی می تواند باشد؟ یکی از بچه ها، آقا مدیر بگم؟ موسیقی یعنی آب، دیگری، شعر نوشیدنی و کلماتی نظیر اینها. چون در کلاس خودم کسی نتوانست

جواب حتی تقریباً درستی هم بدهد تصمیم گرفتم از کلاس های دیگر نیز ببرسم. مدرسه ما ۶ کلاس دارد که سه نفر آنرا اداره می کنند. از ششم گرفته تا اول پرسیدم. همه جوابهای نامتناسبی از قبیل، برتقال، گاو، داس، امام رضا را موسیقی گویند.

جعبه شیرینی و... و نظیر اینها دادند البته جوابی که می دادند متناسب با احتیاجاتشان بوده مثلاً کسی که موسیقی را جعبه شیرینی نامیده بود شاگرد کلاس دوم بود از این جریان بی نهایت متاثر شدم. آنقدر که نمی توانم توجیه کنم، بیشتر ناراحتیم از این جهت بود که چرا با وجود تحمل این همه زحمت و اینهمه مخارج که دولت متحمل می شود نتیجه مطلوبی گرفته نمی شود کلمات نظیر موسیقی در کتابهای ابتدائی فراوان است. و آموختن خواندن و نوشتن بچه های روستائی هم متناسب با همین جریان است. یعنی روستائی که در يك شهرستان زندگی می کند مسلماً بهتر می تواند کتابها درسی را درك کند. زیرا، با کلمات نوشته شده در آنها همیشه سرو کار دارد. و اگر مستقیماً سروکاری نداشته باشد غیر مستقیم با آنها آشنا می باشد. برای نمونه تلفن، رادیو، تلویزیون، سینما، میز ناهارخوری و اتاق خواب را نام می برم وقتی به این کلمات برخورد می کند، آمادگی قبلی دارد و دیگر احتیاج به توضیح نیست.

در بچه روستائی موضوع برعکس می شود این بچه روستائی با ماشین بمدرسه ترفته (لااقل در این منطقه) و نمی تواند این موضوع را قبول کند روستائی يك و حداکثر دو اتاق دارد که هم در آن می خوابد و هم ناهار می خورد و هم از مهمانها پذیرائی می کنند. و اتاق خواب و نشیمن، مطالعه، ناهار خوری برایش مفهومی نخواهد داشت... بنابراین هیچ وقت نخواهد توانست اینها را درك کند و همانقدر که باور کردن این موضوعها برایش مشکل است آموختن خواندن و نوشتنشان نیز برایش مشکل می باشد در نتیجه معلم هر قدر هم سعی کند نتیجه کمتری خواهد گرفت. و بچه روستائی نخواهد توانست از همان کتابی که شهرستائی ها استفاده می کنند استفاده کند.

آیا بهتر نیست مقامات آموزش و پرورش در این باره تصمیمی اتخاذ فرمایند و برای روستاها در سطح معلومات روستائی کتاب چاپ و منتشر نمایند تا حداکثر نتیجه بدست آید. کوشش ها و مخارجی که در این راه تحمل می شود هدر نرود.

نامه آقای دکتر داریوش خداوردی

از آلمان تلاش

تا بحال چند شماره از مجله تلاش را خوانده ام مخصوصاً قسمت آخر مجله مربوط به پیشرفت های ایران خیلی مورد علاقه من است. من خیلی خوشحال خواهم شد اگر مقالاتی چاپ شوند و در طی این مقالات نظر مسؤولین را در باره اینکه چه اقداماتی درباره برگشت فارغ التحصیل های خارج از کشور بایران بعمل می آید یا خواهد آمد، مندرج شود. چون تمام فارغ التحصیلان خارج از کشور بوطن خود علاقمند هستند و هرگونه تسهیلاتی چه از لحاظ کار و وضع اجتماعی، بیمه استخدام نظام وظیفه و غیره بعمل آید راه برگشت آنها را بازتر خواهد کرد چه بهتر است که از فکر و کار صدها فارغ التحصیل های خارج از کشور بیشتر استفاده شده و برای آنها مخصوصاً برای برگشت آنها پس از سالها دوری از پیش خانواده و وطن اقداماتی بعمل آید. من امیدوارم که مجله شما که بی نهایت مورد علاقه فارغ التحصیلان و دانشجویان در خارج از کشور است بیشتر در این باره بنویسد. نکته دیگر اگر مجله چاپ شد و کاغذ بهتر داشته باشد مخصوصاً صفحه بندی و بسته بندی آن بهتر باشد خیلی بیشتر مورد نظر خواهد بود.

نامه آقای یدالله خاکپور از کاشمر

مثل همیشه آرزومند موفقیت شما هستم و از پیشرفت تلاش اظهار شادامانی و سرور می کنم و امیدوارم با گامهای بلند پلکان ترقی ببینائید. ضمناً می خواستم از تلاش ارجمند کمک بگیرم تا در مورد شعر راهنمایی ام کند.

شکوفه میخندد باز
برای بلبلان خوشنوا
نوا بلبلان باغ
برای عاشقان باغ
قدم زنان روی چمن
سرویی از عشق و وفاست
و محبت و شور و مفاست
دوباره باغبان پیر
کنار گلهای قشنگ
نشسته منتظر
شکوفه ها گل شوند
و بلبلان نواي عشق سر دهند
که مسکن عشق و مفاست.

از نامه آقای محمد آتش پنجه از رفسنجان

اولاً اگر ممکن است تلاش ماهیانه بشود یعنی هر ماه چاپ گردد. ثانیاً قطع نیز تغییر نکند. و ثالثاً اگر ممکن است درباره عروسی ها و جشن های هر محل از کشور مطالبی نوشته شود.

از نامه آقای کاظم قزل احمدی

از آلمان تلاش

در انتظار رسیدن مجله های شما بطور مرتب هستیم. چون وقفه ای در فرستادن این پرسشنامه و آدرس پیسی آمده امیدوارم که مرا خواهید بخشید و درانتظارمجلات بعدستم.

خانم شهره مطلق زاده از لاهیجان

گرامی تلاش

با عرض سلام موفقیت روزافزون تلاش را در پیشرفت هدفها و آرمانهای مقدس اجتماعی و مطبوعاتی از خداوند خواستارم.

موجب خوشبختی دوستداران تلاش است که اگر عکسها و دورنماها در طرفین صفحه چاپ می شود از مدل های لباس باشد بهتر است و مدت پخش مجله کم است مجله شیرین و جالب تلاش بسیار سودمند است از اینکه می بینم هر شماره نسبت به شماره پیش تغییر بیشتری کرده خوشحال هستم بنظر من آنرا بهترین و سودمندترین مجله می توان محسوب کرد.

نامه آقای مجید آباب از امریکا

مدیر محترم «تلاش»

با عرض سلام و اوقات از راهی بس دور. موفقیت روز افزون شما را از ایزد یکتا خواهانم. من یکی از دانشجویان اعزامی وزارت علوم به امریکا هستم و مایلیم که پیوسته در جریان و پیشرفت ها و تحولات کشور عزیزم ایران باشم به همین خاطر تقاضا دارم که مجله بسیار خوب تلاش را با درس زیر پست کنید. من یکی از دو شماره ای که از مجله خوانده ام واقعا لذت برده ام چون این تنها مجله ایست که حاوی تمام مطالب با آنهمه تنوع می باشد، در ضمن اگر يك صفحه بیشتر مخصوص شعر و ادبیات اضافه کنید جداً جالب تر می شود.

من نمی دانم چگونه از این همه زحمت کارکنان این مجله خوب که در جمع آوری مطالب نهایت کوشش را می کنند سپاسگزاری کنم، نمی دانید خواندن يك مجله ایرانی مثل تلاش در کشوری بس دور از مام وطن چقدر لذت آور و غرور آمیز است. جداً انسان را بیاد عظمت و خوبی کشور عزیز می اندازد. مجدداً از خداوند بزرگ برایتان آرزوی موفقیت دارم، درود من به تمام گردانندگان و نویسندگان باد، سلام مرا بکشور عزیزم برسانید.

از نامه آقای جواد خراسانی از اصفهان

سر دبیر مجله تلاش

اولین باری است که مجله تلاش را مطالعه می کنم. این مجله به طور اتفاقی به وسیله یکی از دوستانم به دستم رسید که چون بی نهایت خوب بود، اگر اغراق نکرده باشم تمام مطالب آنرا خواندم مجله ایست با سنجش بسیار و به جا و با طرحهای جالب که در کمتر مجله ای چنین تصاویر زیبا و برگزیده ای می توان یافت. صفحات آن بسیار روشن و مطالب به اندازه کافی درشت هستند. با این حال اگر تغییراتی در آن داده شود فکر کنم بهتر شود. این است نظریه من:

۱- آیا بهتر نیست هر شماره حاوی چند جدول برای معلومات های مختلف باشد؟

۲- فکر می کنم ضمیمه (قوانین) چندان جالب و درخور توجه نباشد. می توانید به جای آن ضمیمه دیگری مثلاً به نام «سینما» داشته باشید و در این ضمیمه درباره فیلم های هفته اظهار نظر شود و مخصوصاً فیلم های خوب ایرانی که در یکسال اخیر به روی صحنه آمده چون فقط از راه مجلات و روزنامه هاست که ما می توانیم کارگردانان و فیلمسازان خود را تشویق به چنین کار هائی بکنیم تا فیلم های بهتری بسازند.

۳- متأسفانه در مملکت ما هنوز هیچکدام از مجلات ایرانی آنطور که باید و شاید درباره مسائل جنسی مطالبی ننوشته اند در صورتی که مهمترین مسئله ایست که باید جوانان امروزی از آن به طوری که برایشان مفید باشد مطلع شوند همانطوریکه امروز در کشور های اروپائی و امریکا حتی در کلاسهای درسی ساعتی مخصوص مسائل جنسی ترتیب داده اند.

۴- ضمیمه کتابها بسیار جالب است چون واقعا همه احتیاج دارند که بدانند هر ماه چه کتابهای مفیدی چاپ شده است.

۵- آیا می توانید ضمیمه ای هم به نام «شعر نو» داشته باشید؟

نامه آقای اسفند صابری از اطریش

سردبیر تلاش

سلام گرم مرا از راه دور بپذیرید .
خوشحال هستم از اینکه می‌توانم با در دست داشتن آدرس شما برایتان چند سطر بنویسم و یادآور شوم که با تلاشهای شما و سایر کارکنان تلاش ، تلاش جای خود را در قلوب دانشجویان و ایرانیان ساکن اروپا مخصوصا اطریش محکم و استوار نموده است . زیرا در تمام جوامع و مجالس تلاش جلوه گری می‌کند .
انسانها می‌توانند از ترقیات روزافزون ایران و اخبار و دانستیهای تلاش با تماشای عکسهای روز تلاش برخوردار گردند زمانی که من بطور تصادف در منزل یکی از دوستان آخرین شماره تلاش را مطالعه می‌کردم احساس کردم که خودم در ایران بزم می‌برم و از نزدیک شاهد پیشرفتهای خوشحال کننده وطنم می‌باشم این احساس این نوید را می‌دهد که همه شما برای بهتر شناساندن وطن به دیگران تقلا و تلاش می‌کنید شاید این تشکر من که يك دانشجوی ساده مدرسه عالی شیمی و مواد غذایی در شهر وین می‌باشم می‌تواند جوابگوی ذره‌ای از خروار های زحمات شما باشد .
بعد از خواندن تلاش فکر کردم که چرا من نباید مستقیم با خود شما مکاتبه کرده و از شما بپرسم که چگونه می‌توانم این نشریه را به آدرس خود دریافت بکنم و چقدر و چگونه بابت دریافت آن پول بفرستم و خوشحال خواهم شد اگر بتوانم از شما جوابی در این باره بشنوم .
با درودهای فراوان برای شما و کلیه کارکنان تلاش با گرمی دستهایتان را می‌فشارم آرزوی موفقیت های بیشتر تلاش را دارم .

نامه آقای منوچهر فتوره‌چی از امریکا

سردبیر تلاش

آقای سردبیر اینجانب منوچهر فتوره‌چی روز ۲۴ ژانویه ۷۸ وارد ایالات متحده امریکا شدم و به این خاطر که به نامه تلاش علاقمندم و از طرفی می‌خواهم بدانم که در کشور عزیزم ایران چه می‌گذرد و چون واقعا و از ته قلب شاهنشاه عزیزمان را دوست دارم خواهشمندم نامه فوق را مرتبا برای اینجانب ارسال دارید .

نامه آقای امانوئل پرنده از فرانسه

هیئت محترم تحریریه تلاش

در مورد پرسشنامه ، بعثت این که متأسفانه تا بحال موقعیت دریافت و خواندن مرتب این مجله برایم میسر

نبوده ، و پاسخ گفتن به سؤالات مطرح شده نیز احتیاج به مطالعه بیش از يك جلد آن مجله را دارد تا بتواند همراه با تجزیه و تحلیل و نقد دقیق باشد . لذا در جوابگویی بهمین اندازه کم اکتفا شده .
و اما با مطالعه همان يك جلد فکر می‌کنم تلاش باضمائش مجله‌ای است تقریبا کامل که می‌تواند نظر خواننده را از هرصنف و طبقه و دارای هر نوع معلومات و سلیقه‌ای که باشد جلب نماید .
در خاتمه امیدواریم با تلاش ما و سعی مسوولین امور در راه سربلندی و افتخار میهن عزیز هرروز گامهای بیشتر برداریم .

از نامه آقای مهدی معمارزاده از ایلام

پیشنهاد می‌کنم که تصویر هائی از بزرگان و نویسندگان و شعرا و یا سیاستمداران و یا بزرگان ورزش ایران و یا مناظر زیبای ایران و یا آثار باستانی را در دو صفحه آخر مجله چاپ کرده و به بیوگرافی و اهمیت آن یا او در جهان امروز اختصاص دهید . چون دیگر هر شخصی باندازه کافی درباره خوانندگان و هنرپیشگان مانند فروزان و سوسن و پوران اطلاع کافی دارند .

از نامه آقای عبدالرضا مشیدی از زاهدان

همه خوبست باستانی صفحه ما قبل آخر که از خوانندگان ایرانی استفاده می‌شود. ستون‌ها فشرده و حروف ریز است در صورت امکان قدری پراکنده‌تر چاپ شود.

از نامه آقای هدایت پورجندقی

از آلمان غربی

مورد خواسته اینجانب :

- ۱ - ازدیاد شماره های سالیانه از ۶ شماره حداقل به ۱۲ شماره
- ۲ - چون مدت زیادی دور از وطن می‌باشم معرفی کتابهای تازه منتشر شده بویژه اشعار .

نامه‌هائی دیگر از خوانندگان تلاش

از تهران و شهرستانها و آقایان :

سیروس معبودی

تقی بهرامی حران

ناصر یوسفی

محمدرضا داوری

از امریکا

فتح‌الله چرخگرد

دکتر سید باقری

آرمن طاشچیان

دارا چهارزی

سیاوش پسیخانی

حبیب حسن‌زاده غیائی

فریدون صدیقی

یوسفی

احمدقلی سواری

یداله مهرابی

فتح‌الله محبی

طاهری شهاب

عبداله نودینیان

ناهید شریف‌نیا

فتحعلی ایزدی

غلامرضا قمری

محمدرضا زارعی

علی رضوی

دکتر محمد جواد شریعت

فطرت

دشمن زیاری

جواد ابوالخیر

معمومه رجبی

امید مدرس گرجی

سیداصغر سهل‌آبادی

محمدعلی لیاقت

محمدرضا رفیعی نژاد

اسدی

حسن‌سینا باقرآبادی

مفرزام آراء

محمدپور

نسراله بیگی

حسین باقرپور

رضایی امیری

عنایت‌الله تنوتاس

حمید محمدی

محمود مشفقیان

زین‌العابدین نوایی

کامبیز مصباح

بیژن مشاور

محمد جعفر بهگوی

سیاوش حسینی

پیروز آهنین

علی‌فخارزاده

سیداحمد رضاکیاهاشمی

فرهنگ چیقرودی

فرهاد سیمیار

منوچهر فتوره‌چی

شهرام جلالی

معصود نجات

فهم پناه

م . معبودی

سهراب خدابخش

حسین نرایی

از آلمان آقایان :

ا . اسدی

جواد زرکوب

غلامحسین وزیری

خسرو کریمی

محمود آزاد

از ترکیه آقایان :

اسماعیل ناپیدا

احمد هانی

تقی نعمت زاده

از ایتالیا آقایان :

بهروز نصیر

کامبیز آزاده

محمد پارسا

فرهاد وحدت

از انگلستان

آقای هوشنگ بهرام بیگی

از استرالیا آقای :

نورالدین هایبلی

از هند آقای :

فرید میرختانی رشتی



حرکت کاروان

ادی در خیابانهای

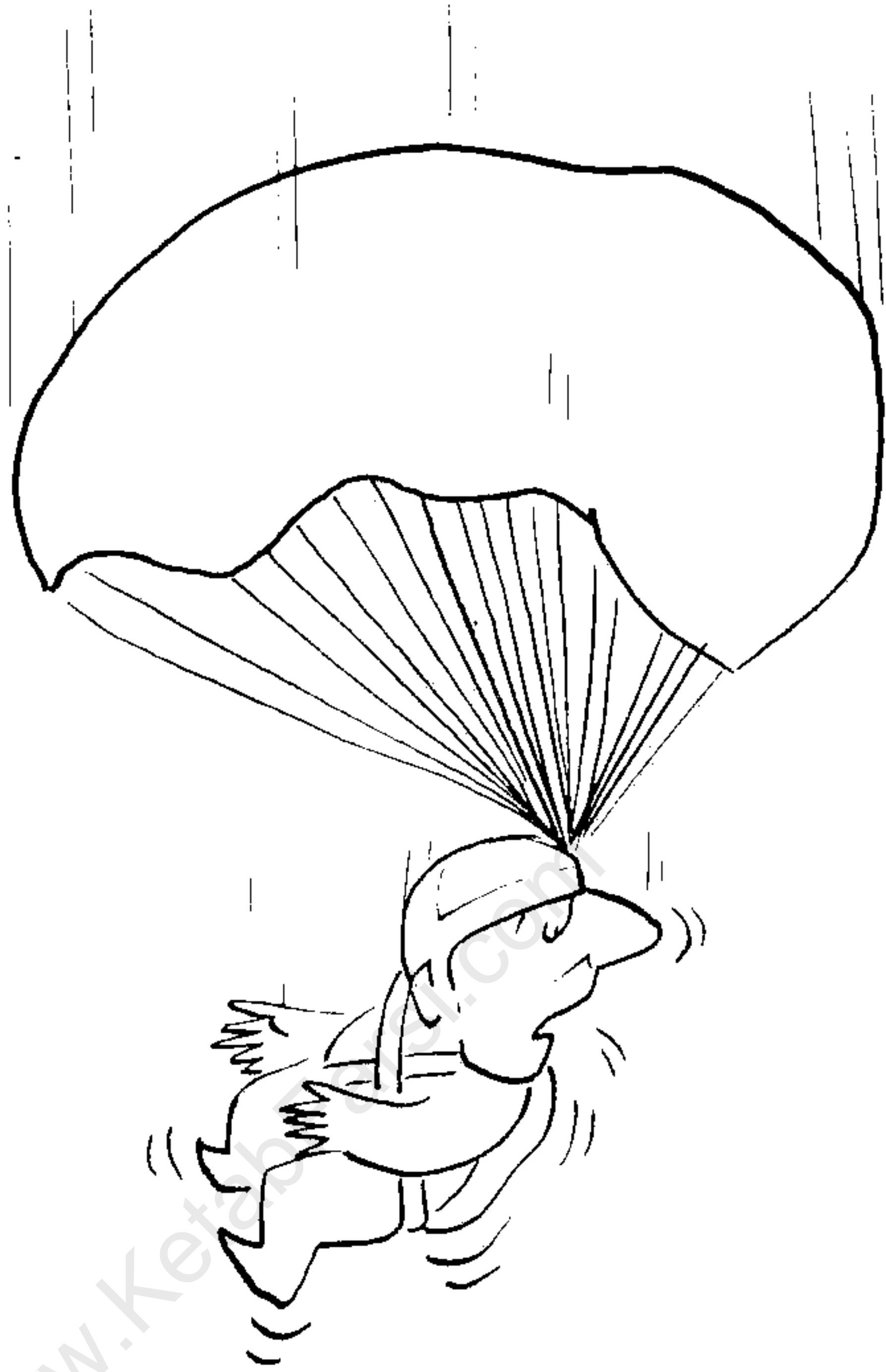
تهران بمناسبت

پیروزی اوپک

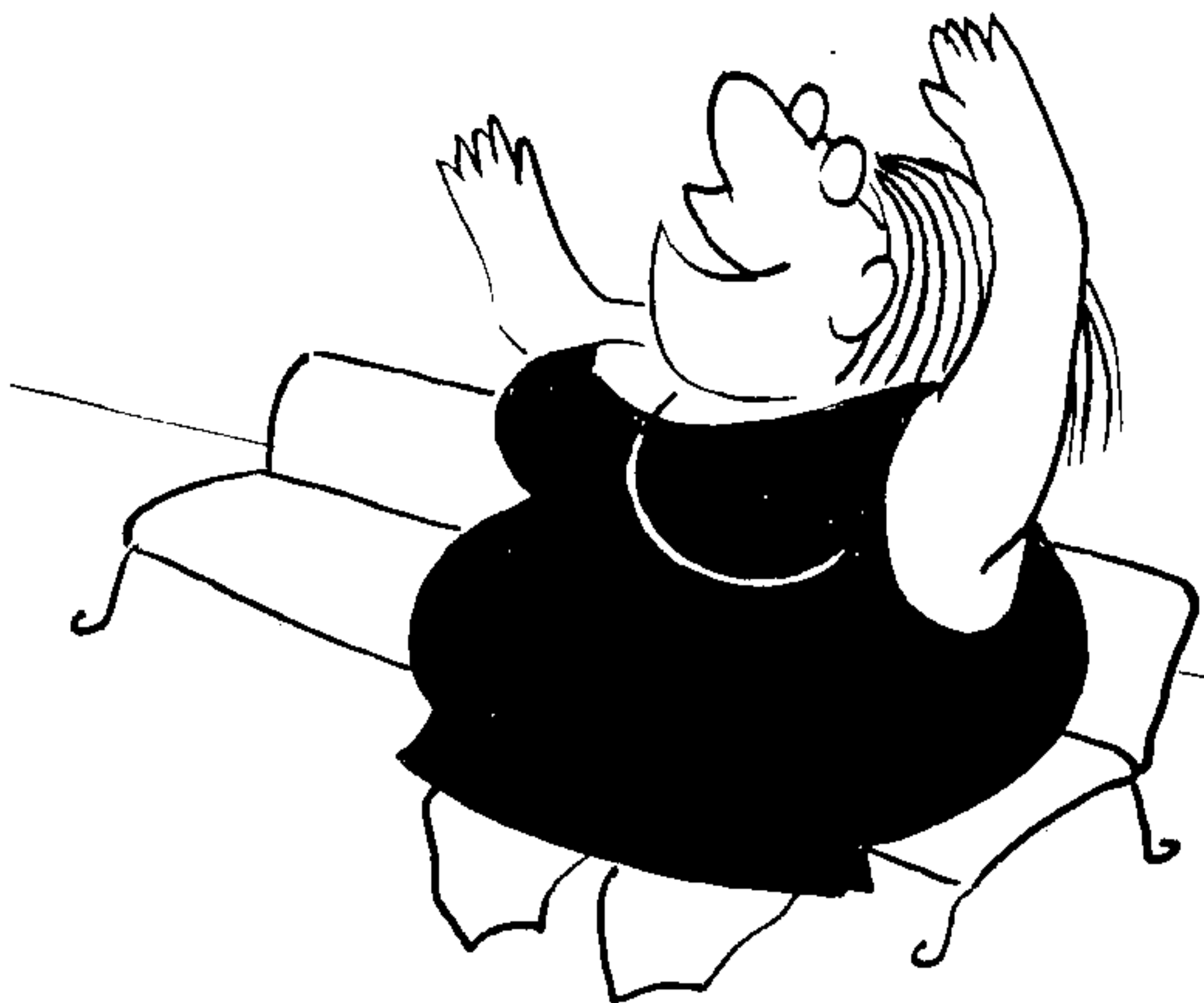
نصیب ایران و پنج کشور مسلمان حوزه خلیج فارس شده است کاروانهای شادی در خیابانهای پایتخت بحرکت درآوردند . در تمام طول مسیر کاروان شادی ، هزاران نفر از مردم پایتخت اجتماع کرده بودند و احساسات میهنی پر- شوری ابراز داشتند .

طبقات مختلف مردم برای رگداشت پیروزی درخشانی با رهبری شاهنشاه آریامهر

چَرَبازو سانس او



کارِ بگاور از
گامیز دم کبی



متن تبصره‌های

بودجه سال ۵۰

ماده واحده

بودجه سال ۱۳۵۰ کل کشور از حیث درآمد و سایر منابع تامین اعتبار بالغ بر چهارصد و هشتاد و یک میلیارد و چهارصد و بیست و پنج میلیون و هفتصد و شصت هزار (۴۸۱۹۲۵۷۶۰۰۰ ریال) و از حیث هزینه و سایر پرداخت‌ها بالغ بر چهارصد و هشتاد و یک میلیارد و چهارصد و بیست و پنج میلیون و هفتصد و شصت هزار (۴۸۱۹۲۵۷۶۰۰۰ ریال) میباشد.

درآمدها و سایر منابع اعتبار که در جداول قسمت سوم این قانون تحت عنوان «درآمد عمومی» ذکر شده به مبلغ یکصد و پنجاه و هشت میلیارد و یکصد و بیست و چهار میلیون و چهارصد هزار (۱۵۸۱۲۴۰۱۴۰۰۰ ریال) و هزینه‌ها و سایر پرداخت‌های از محل آن به مبلغ یکصد و پنجاه و هشت میلیارد و یکصد و بیست و چهار میلیون و چهارصد هزار (۱۵۸۱۲۴۰۱۴۰۰۰ ریال) تصویب میگردد و به دولت اجازه داده میشود درآمدهای مذکور را وصول و هزینه‌های وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و همچنین کمک‌ها و اعانات و سایر اعتباراتی را که در جداول این قانون از محل درآمد عمومی منظور شده‌اند در حدود وصولی درآمدهای مذکور و براساس تخصیص اعتبار تمهید و با رعایت قوانین و مقررات مربوط و تبصره‌های زیر پرداخت نماید.

بودجه عمرانی و همچنین بودجه موسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته به دولت منظور در قسمت هشتم این قانون و سایر موسسات موضوع ردیف ۴۰۱ بعد از قیمت پنجم این قانون تابع قوانین و مقررات و اساسنامه‌های مربوط بخود خواهند بود.

بودجه آن دسته از موسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته به دولت که در اجرای ماده ۹۶ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۴۹ به صورت موسسه دولتی در می‌آیند برای مدت باقی مانده سال ۱۳۵۰ پس از تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی قابل اجرا خواهد بود.

تبصره ۱

الف - وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی در صورتی میتوانند درآمدهای اختصاصی خود را به مصارف مربوط برسانند که ضمن درآمدهای اختصاصی در بودجه کل کشور منظور و در حسابهای خزانه متمرکز شده باشد. وجوه درآمدهای مزبور بهر مبلغ که وصول شود قابل مصرف خواهد بود و خزانه مکلف است بلافاصله پس از وصول درخواست وجه مبلغ لازم را در اختیار وزارتخانه یا موسسه ذیربط بگذارد.

ب - تمرکز وجوه حاصل از بابت سهم آموزش و پرورش و سهم بهداشتی و سهم کتابخانه‌های عمومی از درآمد شهرداری‌ها و درآمد اختصاصی دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و موسسات آموزش عالی و سایر موسسات آموزشی و بیمارستان‌های آموزشی و کتابخانه‌ها و موزه‌ها و بناهای تاریخی و درآمدهای محلی که بوسیله انجمن‌های بهداشتی از منابع غیردولتی تحصیل میشود و درآمد حق‌الهم صاحبان دفاتر اسناد رسمی و درآمدهای مندرج در ردیف ۵۲۰۱ درآمدها در خزانه الزامی نیست. دستگاهها و موسسات موضوع این بند موظفند برای وجوه مزبور در یکی از بانکهای دولتی و در صورت نبودن بانک دولتی در یکی از بانکهای دیگر حساب خاصی افتتاح و درآمدهای حاصله را بلافاصله بحساب مزبور منتقل نمایند.

تبصره ۲

الف - کاهش یا افزایش اعتبار هر یک از مواد هزینه و یا برنامه‌های هر دستگاه از محل درآمد عمومی تامین آن در صورت موافقت نخست‌وزیر و مازاد بر آن برای یکبار با موافقت نخست‌وزیر و تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه در جمع اعتبارات دستگاه از محل درآمد عمومی تغییری حاصل نشود.

ب - کاهش یا افزایش اعتبار هر یک از مواد هزینه و یا برنامه‌های وزارت جنگ از محل درآمد عمومی تا میزان ده درصد در اختیار وزارت جنگ و مازاد بر آن برای یکبار با موافقت نخست‌وزیر و تصویب کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی مجاز خواهد بود مشروط بر اینکه در جمع اعتبارات وزارت مزبور از محل درآمد عمومی تغییری حاصل نشود.

بند ب - نقل و انتقال اعتبار مواد هزینه و برنامه‌های مربوط به سپاهیان ترویج و آبادانی بین وزارتخانه‌های کشاورزی و آبادانی و مسکن و اصلاحات ارضی و تعاون روستایی با موافقت دفتر بودجه مجاز خواهد بود. دفتر بودجه موظف است این تغییرات را بلافاصله به اطلاع کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی برساند.

تبصره ۳

میزان تنخواه گردان خزانه در سال ۱۳۵۰ هشت میلیارد (۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) است.

تبصره ۴

دیون بلا محل هر یک از وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی با رعایت مقررات ماده ۱۵ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۴۹ از محل اعتبار دیون وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی قابل پرداخت است.

تبصره ۵

مقررات تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور در مورد بودجه سال ۱۳۵۰ وزارتخانه‌های پست و تلگراف و تلفن و اطلاعات نیز قابل اجرا میباشد.

تبصره ۶

به وزارت اطلاعات اجازه داده میشود در سال ۱۳۵۰ درآمدهای مربوط به بخش آگهی‌های شبکه رادیویی کشور را وصول و مازاد بر یکصد و سی میلیون (۱۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال) مندرج در ردیف ۳۴۰۹ قسمت سوم این قانون را به عنوان درآمد اختصاصی خود منظور و بر طبق بودجه‌ای که از طرف وزارت اطلاعات پیشنهاد و پس از موافقت وزارت دارائی و دفتر بودجه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید به مصرف برساند.

تبصره ۷

به وزارت جنگ اجازه داده میشود تا مبلغ سیصد و شصت و شش میلیون و دویست و چهل و نه هزار و پانصد و شصت و هشت (۳۶۶۲۴۹۵۶۸ ریال) از محل اعتبارات تمهید نشده بودجه سال ۱۳۴۹ وزارت جنگ را با رعایت اولویت زیر تا پایان سال ۱۳۵۰ پرداخت نماید:

۱- تامین آن سیزده میلیون و چهارصد و چهارصد هزار و هفتصد و شصت (۱۳۴۱۴۷۶۰ ریال) برای هزینه‌های سری.

۲- تا میزان دویست و چهل و پنج میلیون (۲۴۵۰۰۰۰۰۰ ریال) بابت توسعه و تکمیل فرودگاه‌ها و ساختمان‌های ضروری که قراردادهای مربوطه تا پایان سال ۱۳۴۹ منعقد شده است.

۳- تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) بابت بهای اراضی که ارتش شاهنشاهی تا پایان سال ۱۳۴۹ خریداری نموده است.

۴- تا میزان هفت میلیون و هشتصد و سی و چهار هزار و هشتصد و هشت (۷۸۳۴۸۰۸ ریال) بابت مطالبات مربوط به تکمیل تاسیسات سازمان تعاون مصرف کادر نیروهای مسلح شاهنشاهی.

تبصره ۸

به وزارت آموزش و پرورش و پرورش اجازه داده میشود باقیمانده اعتبارات هر یک از ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌های را که در سال ۱۳۵۰ شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای در آن شهرستان تشکیل میشود از اعتبارات منطقه‌ای آموزش و پرورش استان و یا فرمانداری کل مربوط، کسر و به صورت «کمک» به منطقه مزبور ابلاغ نماید.

تبصره ۹

به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده میشود که اعتبار مربوط به تربیت معلم و توسعه برنامه‌های خود (موضوع ردیف ۲۱۹۹ قسمت هفتم این قانون) را در سال ۱۳۵۰ بر حسب نیازمندی‌های هر یک از مناطق و به تفکیک برنامه‌ها و فصول بین آنها بصورت کمک توزیع کند و مراتب را بلافاصله به اطلاع دفتر بودجه و کمیسیون بودجه مجلس شورای ملی برساند.

تبصره ۱۰

مطالبات ملزمان استخدام شده در سال ۱۳۴۷ در وزارت آموزش و پرورش بابت حقوق و مزایای همان سال از محل صرفه‌جویی‌های بودجه مصوب سال ۱۳۴۹ وزارتخانه مزبور قابل پرداخت است.

تبصره ۱۱

عنوان ردیف ۱۲۸۲ قسمت پنجم قانون بودجه سال ۱۳۴۹ کل کشور به «خرید شیر و مواد غذایی برای دانش آموزان» اصلاح میشود.

تبصره ۱۲

به وزارت دارائی اجازه داده میشود آن قسمت از اعتبار ردیف‌های ۵۱۱۰۶ و ۵۱۱۰۷ قسمت چهارم این قانون را که مورد نیاز مناطق آموزش و پرورش میباشد با توجه به مفاد تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور و تبصره ۲۰ این قانون بعنوان کمک در اختیار مناطق مربوطه بگذارد.

تبصره ۱۳

به وزارت آب و برق اجازه داده میشود از مبلغ یک میلیون و چهارصد و پنجاه و دو هزار و هفتصد و هشتاد و دو (۱۴۵۲۷۸۲ ریال) بقیه مطالبات خود از کشاورزان زابل بابت هزینه ساختمان دهانه نهر درودی که در سال ۱۳۴۹ انجام شده است سرفنظر و اسناد مربوطه را به هزینه قطعی منظور نماید.

تبصره ۱۴

به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی اجازه داده میشود که حقوق و کرایه منزل استادان خارجی (اتباع هند و پاکستان) را که به منظور تکمیل اعضای هیأت آموزشی خود در سال ۱۳۴۸ استخدام نموده‌اند حداکثر تا معادل حقوق و مزایای سایر استادان خارجی شاغل در دانشگاه و موسسات آموزش عالی تا پایان مدت قرارداد منعقد در سال مذکور از محل بودجه مصوب پرداخت نمایند.

تبصره ۱۵

مبلغ سی میلیون و نهصد و دوازده هزار (۳۰۹۱۲۰۰۰۰ ریال) اعتبار مصوب منظور در بودجه سال ۱۳۴۹ ژاندارمری کل کشور برای پروژه‌های محابراتی تا آخر سال ۱۳۵۰ قابل تمهید خواهد بود.

تبصره ۱۶

اعتبار طرح‌های مستمر عمرانی موضوع قسمت نهم این قانون (که در بودجه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی به عنوان جزئی از هزینه‌های از محل درآمد عمومی منظور شده است) از محل درآمد برنامه تامین و وجوه مربوطه (موضوع ردیف ۵۳۰۱ قسمت سوم این قانون) در اختیار وزارت دارائی گذاشته خواهد شد تا بر طبق مقررات مربوط

به طرح‌های مزبور و براساس ضوابطی که سازمان برنامه تعیین میکند مصرف پرسد.

تبصره ۱۷

به وزارت دارائی اجازه داده میشود تا معادل مبلغ چهارصد میلیون (۴۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) موضوع ردیف ۳۵۱۰ قسمت سوم این قانون از درآمد سازمان بنادر و کشتیرانی را در سال ۱۳۵۰ به درآمد عمومی کشور منظور نماید.

تبصره ۱۸

به وزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال) اصل وام دریافتی فروشگاه فردوسی از بانک ملی ایران و مانده بهره متعلقه را از یک طرف بعنوان افزایش سرمایه شرکت سهامی فروشگاه فردوسی محسوب و از طرف دیگر به حساب هزینه قطعی منظور نماید.

تبصره ۱۹

وجوه حاصل از فروش خالصات و مطالبات سنتواتی آن موضوع مواد ۱۲ و ۱۴ قانون انحلال بنگاه خالصات مصوب ۱۳۴۶۲۰ که در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ وصول گردیده است براساس مواد مذکور و سایر مقررات قانون نامبرده قابل مصرف است.

تبصره ۲۰

الف - به مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری که در اجرای ماده ۳۵ قانون مذکور و قسمت آخر تبصره ۱۱ قانون بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور تا پایان سال ۱۳۴۹ استحقاق ترفیع دارند یک‌پایه ترفیع از استحقاق اعطاء میشود و اضافه حقوق مربوطه بارعایت سایر مقررات قانون استخدام کشوری از اول سال ۱۳۵۰ تعلق میگیرد و در مورد مستخدمین وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری از محل ردیف ۵۱۱۰۷ قسمت چهارم این قانون قابل پرداخت است.

ب - اعتبارات مورد نیاز در سال ۱۳۵۰ برای اجرای اصلاحیه قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۹ در مورد مستخدمین وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی مشمولین قانون استخدام کشوری از محل ردیف ۵۱۱۰۷ قسمت چهارم این قانون قابل پرداخت است.

تبصره ۲۱

مهلت مقرر در تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشوری در خصوص اجرای مقررات ماده واحده قانون واریز اسناد علی‌الحساب و وام‌های پرداختی خزانهداری کل مصوب ۱۳۴۷۱۸ تا آخر سال ۱۳۵۰ تمدید میشود و اسناد علی‌الحساب تا پایان سال ۱۳۴۹ نیز مشمول مقررات قانون مذکور خواهد بود.

تبصره ۲۲

شهرداری‌های مشمول ماده ۲ قانون نوسازی موظفند سهم بهداری و تربیت بدنی و پیشاهنگی و کمیته پیکار با بیسوادی و کتابخانه‌های عمومی را از درآمد‌های مستر خود بهمان میزان که در سال ۱۳۴۸ مکلف به پرداخت بوده‌اند در سال ۱۳۵۰ تامین و پرداخت کنند.

تبصره ۲۳

به وزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ یکصد و ده میلیون (۱۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال) مانده اعتبار موضوع ماده واحده قانون مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۴۶ را برای تهیه وسائل و لوازم تخلیه و بارگیری مورد احتیاج سازمان بنادر و کشتیرانی تخصیص و اقساط مربوطه را سالانه در بودجه سازمان بنادر و کشتیرانی منظور و پرداخت نماید.

تبصره ۲۴

از اول سال ۱۳۵۰ کار مزد صدور گواهی‌نامه تصعیه پنبه موضوع تبصره ۳۷ قانون بودجه سال ۱۳۴۰ کل کشور از هر کیلو بیست و پنج دینار به سی و پنج دینار افزایش می‌یابد.

تبصره ۲۵

اعتباراتی که در بودجه هر سال بعنوان «حق‌الکشف کاشفین مواد مخدر و باداش مامورین» منظور میشود طبق آئین‌نامه‌ای که به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید قابل مصرف خواهد بود.

تبصره ۲۶

به هواپیمائی کل کشوری اجازه داده میشود از محل وجوهی که از بیمه‌گر بابت خسارات وارده به هواپیماهای باربری پرواز و دستگاه‌های «آپونیک» منسوب در آنها دریافت مینماید، هزینه‌های مربوط به ترمیم و جبران زبان‌های وارده را پرداخت نماید.

تبصره ۲۷

وزارت آموزش و پرورش مجاز است آن قسمت از اعتبارات مربوط به آموزش عشایری را که در بودجه ادارات وزارت آموزش و پرورش منظور شده از طریق خزانه در اختیار اداره کل آموزش عشایری قرار دهد تا طبق مقررات بمصرف برساند.

تبصره ۲۸

عبارت «سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۴۹» مندرج در تبصره ۳۲ قانون بودجه سال ۱۳۴۶ کل کشور به عبارت «سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱» اصلاح میشود.

تبصره ۲۹

از اول سال ۱۳۵۰ وجوه حاصل از خالص فروش کالای قاچاق موضوع قانون محازات مرتکبین قاچاق مصوب سال ۱۳۱۲ (به استثنای مواد مخدر و کالاهای دخانیه) که بوسیله مامورین ژاندارمری کل کشور در مناطق مرزی کشف شود پس از کسر سهم مخبر، کاشفین

و مامورین انتظامی به عنوان درآمد اختصاصی ژاندارمری کل کشور منظور و براساس بودجه‌ای که بنابر پیشنهاد وزارت کشور و موافقت وزارت دارائی و دفتر بودجه به تصویب هیأت وزیران میرسد بمصرف هزینه‌های مربوط به پیشگیری از ورود کالای قاچاق و مبارزه با قاچاق و ایجاد تاسیسات مورد نیاز خواهد رسید.

تبصره - ۳۰

از اول سال ۱۳۵۰ آن قسمت از درآمد و جرائم رانندگی شهربانی کل کشور که توسط ادارات شهربانی شهرستانها (غیر از پایتخت) وصول میشود در حساب مخصوص نگاهداری میگردد تا طبق آئین‌نامه‌ای که از طرف وزارت کشور پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید به مصرف برسد.

تبصره - ۳۱

از اول فروردین ماه ۱۳۵۰ به حقوق بازنستگی و وظیفه از کارافتادگی و وظیفه وراثت مشمولین بندهای (الف) و (ب) تبصره ۱۲ قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۷ کل کشور ده درصد اضافه میشود و از محل صندوق بازنستگی کتوری پرداخت خواهد شد.

حقوق بازنستگی یا وظیفه از کار افتادگی مشمولین این تبصره از دوازده هزار و پانصد و چهل (۱۲۰۵۴۰) ریال و حقوق وظیفه وراثت آنان مجموعاً از نصف این مبلغ نباید تجاوز کند.

در مورد آن عده از مشمولین بند (ب) تبصره ۱۲ مذکور که در گروههای ۳ و ۴ جدول حقوقی قانون استخدام کشوری قرار گرفته‌اند در صورتیکه حقوق بازنستگی یا وظیفه آنان کمتر از دوازده هزار و پانصد و چهل (۱۲۰۵۴۰) ریال و حقوق وظیفه وراثت آنان مجموعاً کمتر از نصف این مبلغ باشد مشمول این تبصره خواهند بود.

تبصره - ۳۲

معادل ده درصد از مجموع درآمد های اختصاصی اداره کل گمرک در اختیار رئیس کل گمرک گذارده می شود که بمصرف پرداخت پاداش، اضافه کار ساعتی و فوق العاده کشیک افرادی که بنحوی در ازدیاد درآمد گمرک موثرند و یا خدماتی برای پیشرفت امور گمرکی انجام میدهند برساند. پرداخت این وجوه از شمول قوانین و مقررات مغایر مستثنی است.

صورت تقیص شده دریا قهای بودجه هادی برانی و موسسات اتقایی و بازرگانی وابسته به دولت

تاریخ: ۱۳۵۰					ردیف
عمومی	اختصاصی	برابر	مجموع	میزان	
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱	
۳۰۰۱۱۰	۴۷۷	—	۳۰۰۵۸۷	الف	
۳۰۰۱۲۰	۲۹۰	—	۳۰۰۴۱۰	۲	
۳۲۲۱۲۱	(۲۹۰)	—	(۳۲۲۱۲۱)	۳-۱	
۳۲۲۱۲۲	—	—	(۳۲۲۱۲۲)	۳-۲	
۳۲۲۱۲۳	—	—	۳۲۲۱۲۳	۳-۳	
۳۲۲۱۲۴	—	—	۳۲۲۱۲۴	۳-۴	
۳۲۲۱۲۵	—	—	۳۲۲۱۲۵	۳-۵	
۳۲۲۱۲۶	—	—	۳۲۲۱۲۶	۳-۶	
۳۲۲۱۲۷	—	—	۳۲۲۱۲۷	۳-۷	
۳۲۲۱۲۸	—	—	۳۲۲۱۲۸	۳-۸	
۳۲۲۱۲۹	—	—	۳۲۲۱۲۹	۳-۹	
۳۲۲۱۳۰	—	—	۳۲۲۱۳۰	۳-۱۰	
۳۲۲۱۳۱	—	—	۳۲۲۱۳۱	۳-۱۱	
۳۲۲۱۳۲	—	—	۳۲۲۱۳۲	۳-۱۲	
۳۲۲۱۳۳	—	—	۳۲۲۱۳۳	۳-۱۳	
۳۲۲۱۳۴	—	—	۳۲۲۱۳۴	۳-۱۴	
۳۲۲۱۳۵	—	—	۳۲۲۱۳۵	۳-۱۵	
۳۲۲۱۳۶	—	—	۳۲۲۱۳۶	۳-۱۶	
۳۲۲۱۳۷	—	—	۳۲۲۱۳۷	۳-۱۷	
۳۲۲۱۳۸	—	—	۳۲۲۱۳۸	۳-۱۸	
۳۲۲۱۳۹	—	—	۳۲۲۱۳۹	۳-۱۹	
۳۲۲۱۴۰	—	—	۳۲۲۱۴۰	۳-۲۰	
۳۲۲۱۴۱	—	—	۳۲۲۱۴۱	۳-۲۱	
۳۲۲۱۴۲	—	—	۳۲۲۱۴۲	۳-۲۲	
۳۲۲۱۴۳	—	—	۳۲۲۱۴۳	۳-۲۳	
۳۲۲۱۴۴	—	—	۳۲۲۱۴۴	۳-۲۴	
۳۲۲۱۴۵	—	—	۳۲۲۱۴۵	۳-۲۵	
۳۲۲۱۴۶	—	—	۳۲۲۱۴۶	۳-۲۶	
۳۲۲۱۴۷	—	—	۳۲۲۱۴۷	۳-۲۷	
۳۲۲۱۴۸	—	—	۳۲۲۱۴۸	۳-۲۸	
۳۲۲۱۴۹	—	—	۳۲۲۱۴۹	۳-۲۹	
۳۲۲۱۵۰	—	—	۳۲۲۱۵۰	۳-۳۰	
۳۲۲۱۵۱	—	—	۳۲۲۱۵۱	۳-۳۱	
۳۲۲۱۵۲	—	—	۳۲۲۱۵۲	۳-۳۲	
۳۲۲۱۵۳	—	—	۳۲۲۱۵۳	۳-۳۳	
۳۲۲۱۵۴	—	—	۳۲۲۱۵۴	۳-۳۴	
۳۲۲۱۵۵	—	—	۳۲۲۱۵۵	۳-۳۵	
۳۲۲۱۵۶	—	—	۳۲۲۱۵۶	۳-۳۶	
۳۲۲۱۵۷	—	—	۳۲۲۱۵۷	۳-۳۷	
۳۲۲۱۵۸	—	—	۳۲۲۱۵۸	۳-۳۸	
۳۲۲۱۵۹	—	—	۳۲۲۱۵۹	۳-۳۹	
۳۲۲۱۶۰	—	—	۳۲۲۱۶۰	۳-۴۰	
۳۲۲۱۶۱	—	—	۳۲۲۱۶۱	۳-۴۱	
۳۲۲۱۶۲	—	—	۳۲۲۱۶۲	۳-۴۲	
۳۲۲۱۶۳	—	—	۳۲۲۱۶۳	۳-۴۳	
۳۲۲۱۶۴	—	—	۳۲۲۱۶۴	۳-۴۴	
۳۲۲۱۶۵	—	—	۳۲۲۱۶۵	۳-۴۵	
۳۲۲۱۶۶	—	—	۳۲۲۱۶۶	۳-۴۶	
۳۲۲۱۶۷	—	—	۳۲۲۱۶۷	۳-۴۷	
۳۲۲۱۶۸	—	—	۳۲۲۱۶۸	۳-۴۸	
۳۲۲۱۶۹	—	—	۳۲۲۱۶۹	۳-۴۹	
۳۲۲۱۷۰	—	—	۳۲۲۱۷۰	۳-۵۰	
۳۲۲۱۷۱	—	—	۳۲۲۱۷۱	۳-۵۱	
۳۲۲۱۷۲	—	—	۳۲۲۱۷۲	۳-۵۲	
۳۲۲۱۷۳	—	—	۳۲۲۱۷۳	۳-۵۳	
۳۲۲۱۷۴	—	—	۳۲۲۱۷۴	۳-۵۴	
۳۲۲۱۷۵	—	—	۳۲۲۱۷۵	۳-۵۵	
۳۲۲۱۷۶	—	—	۳۲۲۱۷۶	۳-۵۶	
۳۲۲۱۷۷	—	—	۳۲۲۱۷۷	۳-۵۷	
۳۲۲۱۷۸	—	—	۳۲۲۱۷۸	۳-۵۸	
۳۲۲۱۷۹	—	—	۳۲۲۱۷۹	۳-۵۹	
۳۲۲۱۸۰	—	—	۳۲۲۱۸۰	۳-۶۰	
۳۲۲۱۸۱	—	—	۳۲۲۱۸۱	۳-۶۱	
۳۲۲۱۸۲	—	—	۳۲۲۱۸۲	۳-۶۲	
۳۲۲۱۸۳	—	—	۳۲۲۱۸۳	۳-۶۳	
۳۲۲۱۸۴	—	—	۳۲۲۱۸۴	۳-۶۴	
۳۲۲۱۸۵	—	—	۳۲۲۱۸۵	۳-۶۵	
۳۲۲۱۸۶	—	—	۳۲۲۱۸۶	۳-۶۶	
۳۲۲۱۸۷	—	—	۳۲۲۱۸۷	۳-۶۷	
۳۲۲۱۸۸	—	—	۳۲۲۱۸۸	۳-۶۸	
۳۲۲۱۸۹	—	—	۳۲۲۱۸۹	۳-۶۹	
۳۲۲۱۹۰	—	—	۳۲۲۱۹۰	۳-۷۰	
۳۲۲۱۹۱	—	—	۳۲۲۱۹۱	۳-۷۱	
۳۲۲۱۹۲	—	—	۳۲۲۱۹۲	۳-۷۲	
۳۲۲۱۹۳	—	—	۳۲۲۱۹۳	۳-۷۳	
۳۲۲۱۹۴	—	—	۳۲۲۱۹۴	۳-۷۴	
۳۲۲۱۹۵	—	—	۳۲۲۱۹۵	۳-۷۵	
۳۲۲۱۹۶	—	—	۳۲۲۱۹۶	۳-۷۶	
۳۲۲۱۹۷	—	—	۳۲۲۱۹۷	۳-۷۷	
۳۲۲۱۹۸	—	—	۳۲۲۱۹۸	۳-۷۸	
۳۲۲۱۹۹	—	—	۳۲۲۱۹۹	۳-۷۹	
۳۲۲۲۰۰	—	—	۳۲۲۲۰۰	۳-۸۰	
۳۲۲۲۰۱	—	—	۳۲۲۲۰۱	۳-۸۱	
۳۲۲۲۰۲	—	—	۳۲۲۲۰۲	۳-۸۲	
۳۲۲۲۰۳	—	—	۳۲۲۲۰۳	۳-۸۳	
۳۲۲۲۰۴	—	—	۳۲۲۲۰۴	۳-۸۴	
۳۲۲۲۰۵	—	—	۳۲۲۲۰۵	۳-۸۵	
۳۲۲۲۰۶	—	—	۳۲۲۲۰۶	۳-۸۶	
۳۲۲۲۰۷	—	—	۳۲۲۲۰۷	۳-۸۷	
۳۲۲۲۰۸	—	—	۳۲۲۲۰۸	۳-۸۸	
۳۲۲۲۰۹	—	—	۳۲۲۲۰۹	۳-۸۹	
۳۲۲۲۱۰	—	—	۳۲۲۲۱۰	۳-۹۰	
۳۲۲۲۱۱	—	—	۳۲۲۲۱۱	۳-۹۱	
۳۲۲۲۱۲	—	—	۳۲۲۲۱۲	۳-۹۲	
۳۲۲۲۱۳	—	—	۳۲۲۲۱۳	۳-۹۳	
۳۲۲۲۱۴	—	—	۳۲۲۲۱۴	۳-۹۴	
۳۲۲۲۱۵	—	—	۳۲۲۲۱۵	۳-۹۵	
۳۲۲۲۱۶	—	—	۳۲۲۲۱۶	۳-۹۶	
۳۲۲۲۱۷	—	—	۳۲۲۲۱۷	۳-۹۷	
۳۲۲۲۱۸	—	—	۳۲۲۲۱۸	۳-۹۸	
۳۲۲۲۱۹	—	—	۳۲۲۲۱۹	۳-۹۹	
۳۲۲۲۲۰	—	—	۳۲۲۲۲۰	۳-۱۰۰	
۳۲۲۲۲۱	—	—	۳۲۲۲۲۱	۳-۱۰۱	
۳۲۲۲۲۲	—	—	۳۲۲۲۲۲	۳-۱۰۲	
۳۲۲۲۲۳	—	—	۳۲۲۲۲۳	۳-۱۰۳	
۳۲۲۲۲۴	—	—	۳۲۲۲۲۴	۳-۱۰۴	
۳۲۲۲۲۵	—	—	۳۲۲۲۲۵	۳-۱۰۵	
۳۲۲۲۲۶	—	—	۳۲۲۲۲۶	۳-۱۰۶	
۳۲۲۲۲۷	—	—	۳۲۲۲۲۷	۳-۱۰۷	
۳۲۲۲۲۸	—	—	۳۲۲۲۲۸	۳-۱۰۸	
۳۲۲۲۲۹	—	—	۳۲۲۲۲۹	۳-۱۰۹	
۳۲۲۲۳۰	—	—	۳۲۲۲۳۰	۳-۱۱۰	
۳۲۲۲۳۱	—	—	۳۲۲۲۳۱	۳-۱۱۱	
۳۲۲۲۳۲	—	—	۳۲۲۲۳۲	۳-۱۱۲	
۳۲۲۲۳۳	—	—	۳۲۲۲۳۳	۳-۱۱۳	
۳۲۲۲۳۴	—	—	۳۲۲۲۳۴	۳-۱۱۴	
۳۲۲۲۳۵	—	—	۳۲۲۲۳۵	۳-۱۱۵	
۳۲۲۲۳۶	—	—	۳۲۲۲۳۶	۳-۱۱۶	
۳۲۲۲۳۷	—	—	۳۲۲۲۳۷	۳-۱۱۷	
۳۲۲۲۳۸	—	—	۳۲۲۲۳۸	۳-۱۱۸	
۳۲۲۲۳۹	—	—	۳۲۲۲۳۹	۳-۱۱۹	
۳۲۲۲۴۰	—	—	۳۲۲۲۴۰	۳-۱۲۰	
۳۲۲۲۴۱	—	—	۳۲۲۲۴۱	۳-۱۲۱	
۳۲۲۲۴۲	—	—	۳۲۲۲۴۲	۳-۱۲۲	
۳۲۲۲۴۳	—	—	۳۲۲۲۴۳	۳-۱۲۳	
۳۲۲۲۴۴	—	—	۳۲۲۲۴۴	۳-۱۲۴	
۳۲۲۲۴۵	—	—	۳۲۲۲۴۵	۳-۱۲۵	
۳۲۲۲۴۶	—	—	۳۲۲۲۴۶	۳-۱۲۶	
۳۲۲۲۴۷	—	—	۳۲۲۲۴۷	۳-۱۲۷	
۳۲۲۲۴۸	—	—	۳۲۲۲۴۸	۳-۱۲۸	
۳۲۲۲۴۹	—	—	۳۲۲۲۴۹	۳-۱۲۹	
۳۲۲۲۵۰	—	—	۳۲۲۲۵۰	۳-۱۳۰	
۳۲۲۲۵۱	—	—	۳۲۲۲۵۱	۳-۱۳۱	
۳۲۲۲۵۲	—	—	۳۲۲۲۵۲	۳-۱۳۲	
۳۲۲۲۵۳	—	—	۳۲۲۲۵۳	۳-۱۳۳	
۳۲۲۲۵۴	—	—	۳۲۲۲۵۴	۳-۱۳۴	
۳۲۲۲۵۵	—	—	۳۲۲۲۵۵	۳-۱۳۵	
۳۲۲۲۵۶	—	—	۳۲۲۲۵۶	۳-۱۳۶	
۳۲۲۲۵۷	—	—	۳۲۲۲۵۷	۳-۱۳۷	
۳۲۲۲۵۸	—	—	۳۲۲۲۵۸	۳-۱۳۸	
۳۲۲۲۵۹	—	—	۳۲۲۲۵۹	۳-۱۳۹	
۳۲۲۲۶۰	—	—	۳۲۲۲۶۰	۳-۱۴۰	
۳۲۲۲۶۱	—	—	۳۲۲۲۶۱	۳-۱۴۱	
۳۲۲۲۶۲	—	—	۳۲۲۲۶۲	۳-۱۴۲	
۳۲۲۲۶۳	—	—	۳۲۲۲۶۳	۳-۱۴۳	
۳۲۲۲۶۴	—	—	۳۲۲۲۶۴	۳-۱۴۴	
۳۲۲۲۶۵	—	—	۳۲۲۲۶۵	۳-۱۴۵	
۳۲۲۲۶۶	—	—	۳۲۲۲۶۶	۳-۱۴۶	
۳۲۲۲۶۷	—	—	۳۲۲۲۶۷	۳-۱۴۷	
۳۲۲۲۶۸	—	—	۳۲۲۲۶۸	۳-۱۴۸	
۳۲۲۲۶۹	—	—	۳۲۲۲۶۹	۳-۱۴۹	
۳۲۲۲۷۰	—	—	۳۲۲۲۷۰	۳-۱۵۰	
۳۲۲۲۷۱	—	—	۳۲۲۲۷۱	۳-۱۵۱	
۳۲۲۲۷۲	—	—	۳۲۲۲۷۲	۳-۱۵۲	
۳۲۲۲۷۳	—	—	۳۲۲۲۷۳	۳-۱۵۳	
۳۲۲۲۷۴	—	—	۳۲۲۲۷۴	۳-۱۵۴	
۳۲۲۲۷۵	—	—	۳۲۲۲۷۵	۳-۱۵۵	
۳۲۲۲۷۶	—	—	۳۲۲۲۷۶	۳-۱۵۶	
۳۲۲۲۷۷	—	—	۳۲۲۲۷۷	۳-۱۵۷	
۳۲۲۲۷۸	—	—	۳۲۲۲۷۸	۳-۱۵۸	
۳۲۲۲۷۹	—	—	۳۲۲۲۷۹	۳-۱۵۹	
۳۲۲۲۸۰	—	—	۳۲۲۲۸۰	۳-۱۶۰	
۳۲۲۲۸۱	—	—	۳۲۲۲۸۱	۳-۱۶۱	
۳۲۲۲۸۲	—	—	۳۲۲۲۸۲	۳-۱۶۲	
۳۲۲۲۸۳	—	—	۳۲۲۲۸۳	۳-۱۶۳	
۳۲۲۲۸۴	—	—	۳۲۲۲۸۴	۳-۱۶۴	
۳۲۲۲۸۵	—	—	۳۲۲۲۸۵	۳-۱۶۵	
۳۲۲۲۸۶	—	—	۳۲۲۲۸۶	۳-۱۶۶	
۳۲۲۲۸۷	—	—	۳۲۲۲۸۷	۳-۱۶۷	
۳۲۲۲۸۸	—	—	۳۲۲۲۸۸	۳-۱۶۸	
۳۲۲۲۸۹	—	—	۳۲۲۲۸۹	۳-۱۶۹	
۳۲۲۲۹۰	—	—	۳۲۲۲۹۰	۳-۱۷۰	
۳۲۲۲۹۱	—	—	۳۲۲۲۹۱	۳-۱۷۱	
۳۲۲۲۹۲	—	—	۳۲۲۲۹۲	۳-۱۷۲	
۳۲۲۲۹۳	—	—	۳۲۲۲۹۳	۳-۱۷۳	
۳۲۲۲۹۴	—	—	۳۲۲۲۹۴	۳-۱۷۴	
۳۲۲۲۹۵	—	—	۳۲۲۲۹۵	۳-۱۷۵	
۳۲۲۲۹۶	—	—	۳۲۲۲۹۶	۳-۱۷۶	
۳۲۲۲۹۷	—	—	۳۲۲۲۹۷	۳-۱۷۷	
۳۲۲۲۹۸	—	—	۳۲۲۲۹۸	۳-۱۷۸	
۳۲۲۲۹۹	—	—	۳۲۲۲۹۹	۳-۱۷۹	
۳۲۲۳۰۰	—	—	۳۲۲۳۰۰	۳-۱۸۰	
۳۲۲۳۰۱	—	—	۳۲۲۳۰۱	۳-۱۸۱	
۳۲۲۳۰۲	—	—	۳۲۲۳۰۲	۳-۱۸۲	
۳۲۲۳۰۳	—	—	۳۲۲۳۰۳	۳-۱۸۳	
۳۲۲۳۰۴	—	—	۳۲۲۳۰۴	۳-۱۸۴	
۳۲۲۳۰۵	—	—	۳۲۲۳۰۵	۳-۱۸۵	
۳۲۲۳۰۶	—	—	۳۲۲۳۰۶	۳-۱۸۶	
۳۲۲۳۰۷	—	—	۳۲۲۳۰۷	۳-۱۸۷	
۳۲۲۳۰۸	—	—	۳۲۲۳۰۸۰		

اعتصاب کارگران شرکت واحد شکسته شد

بهمنه ۱۱ اسفند اعتصاب کارگران شرکت واحد شکسته شد

با پاسخ مثبتی که به قسمتی از خواست های رانندگان و کارگران شرکت واحد داده شد، اعتصاب رانندگان شرکت واحد بوسیله خود رانندگان و کمک رانندگان شکسته شد. همزمان با این تصمیم که از طرف نمایندگان ده هزار نفر کارگران این شرکت اتحاد گردید میکانیسین ها، استاد کاران و مهندسان و تعمیرکاران این شرکت نیز کار خود را از سر گرفته و از غروب مردم تهران از دیدن چراغهای روشن اتوبوس ها که خالی و بدون مسافر در تهران حرکت میکردند فهمیدند که اعتصاب آنها شکسته است.

توافق

دو مورد از خواست های کارگران که مربوط به یکماه پاداش عید و تحویل لباس است به توافق رسید و رسیدگی به بقیه خواست های کارگران به بعد از عید موکول شد. این توافق در جلسه ای که با حضور نمایندگان کارگران شرکت، دبیر کل حزب ایران نوین، نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی، مدیر عامل شرکت واحد اتوبوس رانی، نمایندگان سندیکاهای کارگری در محل حزب ایران نوین تشکیل شده بود حاصل گردید.

دکتر باقر عاقلی مدیر عامل شرکت واحد از مردم استمداد کرد

وضع مالی شرکت واحد رضایتبخش نیست و ما هر سال ضرر میدهم و باید اضافه کنم که خواسته های کارگران قانونی و اصولی بود ولی بعلت بدی وضع مالی قادر نبودیم به خواسته های آنان عمل کنیم.

از روزی که من مسئولیت شرکت واحد را به عهده گرفتم و به شرکت واحد رفتم متوجه شدم که کارگران زحمتکش شرکت واحد خواسته های دارند و برای انجام آن تاسرحد امکان و با توجه به مقررات و وضع مالی شرکت تلاش کردم تا شاید به خواسته های آنان جامه عمل بپوش. من بطور کلی با خواسته های کارگران موافقت اصولی دارم ولی وضع بد مالی ما تاکنون اجازه نداده است که تمام خواسته های آنان را عملی کنیم. کارگران شرکت واحد از زحمتکش ترین طبقات کارگران هستند و از صبح زود تا نیمه شب روی اتوبوس ها و یا در تعمیرگاه ها به مردم پایتخت خدمت میکنند و حقا باید به خواسته های آنها ترتیب اثر داده شود و رفاه بیشتری برای آنها ایجاد گردد.

من اگر از حق کارگران شرکت واحد دفاع میکنم به علت اینست که از صبح زود تا نیمه شب شاهد عینی زحمات و فعالیت آنها هستم و می بینم که تا چه حد آنها علاقمند بکار خود هستند.

حقیقت موضوع

اساسا باید سیاست استوار را کنار گذاشت و در کارها مخصوصا شرکت واحد پرده پوشی نکرد. پانزده سال است که این شرکت تشکیل شده است و هنوز مردم از وضع مالی و اداری و کارگری آن اطلاعی ندارند، هر سال شرکت واحد مقداری کسر بودجه دارد، هزینه در سال حدود ۲ میلیارد و دویست میلیون ریال است، در حالی که درآمد ما نیز رقمی در حدود یک میلیارد و هفتصد میلیون ریال میباشد. با این حساب ما همه ساله رقمی در حدود ۵۰۰ میلیون ریال کسر بودجه داریم. این مبلغ را از چه محلی میشود تامین کرد، یا باید وام بگیریم و یا باید از طریق کمک بلاعوض گسری را جبران کنیم. من می پرسم واقعا چه کنیم؟

دکتر عاقلی آنگاه گفت: تاکنون هیچ وقت مدیران شرکت واحد در این فکر نبودند که مشکلات خود را با مردم در میان بگذارند و حقایق را با آنها بگویند. من اکنون همه را میگویم و از مردم استمداد می طلبم. شرکت واحد روزانه قریب دو میلیون و پانصد هزار مسافر را در شهر باین طرف و آن طرف میبرد؟ شرکت واحد متعلق به مردم است و به همین جهت مردم باید در جریان کارهای آن باشند تا با همکاری و همفکری آنان مشکلات شرکت حل گردد. درآمد شرکت واحد تنها از محل فروش بلیطها تامین میگردد. ما هزینه های خود را از این محل تامین میکنیم. این شرکت مانند تمام شرکت های دیگر حساب و کتاب مالی دارد و درآمد آن مشخص است و هزینه آن هم مشخص است. با یک نگاه به رقم درآمد و هزینه شرکت واحد به عدم تعادل مالی پی خواهیم برد. گذشته از آن شرکتی که مسؤول قسمتی از خدمات شهری است موظف است که مردم پایتخت راضی کند و سرویس منظم اتوبوسرانی داشته باشد. ما وقتی میتوانیم سرویس منظم و تمیز داشته باشیم که در شرکت واحد سرمایه گذاری جدیدی بشود.

زیاد بدور نمیرویم. ده سال قبل حقوق کارمند و دستمزد کارگران چقدر بود و سرویس های شهری چه نرخي داشتند، ده سال قبل یک کارگر ساختمانی روزانه ۵۰ الی ۶۰ ریال میگرفت ولی اکنون کمتر از ۱۵۰ ریال نمیکرد. اکنون وسایل یدکی اتوبوس ها و خود اتوبوسها را ما گرانتر از گذشته میخریم.

حقوق ها بیشتر شده است در حالی که نرخ سرویس های شهری همان است. سوخت گران شده است. همه اینها سبب شده است که هزینه های ما بالا رود. از ما انتقاد میشود، حالا که شما قادر نیستید سرویس عمومی را به نحو مطلوبی اداره کنید بدهید به بخش خصوصی. ماهیچه قادر به اداره شرکت واحد بوده و هستیم و ضعف مدیریت وجود ندارد نکته اساسی در کار ما وضع مالی است، از طرفی در تمام کشور های اروپائی سرویس های عمومی در اختیار شهرداری است. هرچه جلوتر میرویم باین نکته بیشتر پی میبریم که امروز تمام کشور های متمدن حمل و نقل خود را در اختیار شهرداری ها گذاشته اند.

برگزاری مراسم سوگواری

عاشورا

در تهران

هزاران نفر از مردم تهران شب عاشورا تاصبح در مساجد و تکایا بمسوگواری پرداختند و از ساعت ۷ صبح دسته های مختلف از تکایا و مساجد به خیابان ها آمدند و با نظم و ترتیب از خیابان هایی که قبلا بوسیله اداره راهنمایی و رانندگی یکطرفه اعلام شده بود برای افتادن و در مجالس مختلف سخنرانی های مذهبی در باره واقعه کربلا و سجایای اخلاقی امام حسین (ع) ایراد شد.

صدها اتوبوس و اتومبیل ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران را به شهرری «شاه عبدالعظیم» و قم (حضرت معصومه ع) رساندند.

در شهر ری باوجود رگبار شدیدی که در ساعت ۱۲ شب بارید دسته های مختلف هم چنان مشغول عزاداری در خیابانها بودند.

اصناف و کسبه تهران در روز عاشورا در مساجد حاج سید عزیزالله و شیخ عبدالصین معروف به مسجد آذربایجانی ها مجالس بسیار بزرگ ترتیب دادند.

نارمک

در نارمک و تهران نو گروه کثیری از مردم در مساجد و تکایا گرد آمده و بمسخرانی های مذهبی و نوحه خوانی دسته های عزاداری گوش می دادند.

در جنوب شهر

در محلات شوش، مسگر آباد، سید ملک خاتون، هاشم آباد، باقر آباد، دولاب، گودها، جوادیه، نازی آباد مراسم عزاداری خاص بر پا بود.

دکتر عاقلی در پایان افزود، مسئله صرفه جوئی را ما در شرکت تا سرحد امکان رعایت کرده ایم، اگر صرفه جوئی بنظر بعضی ها این باشد که کم کنیم و یا اتوبوس را مثلا تعمیر نکنیم که این امکان پذیر نیست و خطرناک است. اگر راننده را با حقوق کمتری استخدام کنیم و از حق و حقوق کارگر بزنیم که این هم درست نیست و تولید سر و صدا خواهد کرد، پس ملاحظه میفرمائید که ما آنچه را که لازم بوده است کرده ایم. ۱۴ سال است که نرخ اتوبوس ۲ ریال است. همه چیز بالاتر رفته جز پول بلیط، پس ما چه کنیم. این مسأله ایست که من از مردم میخواهم و از آنها استمداد می طلبم.

هیأت مدیره جدید نظام پزشکی

- | | |
|----------------------------|----------------------------|
| ۱ - دکتر منوچهر اقبالی | ۶ - دکتر مختار مژدهی |
| ۲ - دکتر محمد علی حقیقی | ۷ - دکتر محسن ضیائی |
| ۳ - دکتر سید محمد طباطبائی | ۸ - دکتر جهان شاه صالح |
| ۴ - پروفسور پحیی حسدل | ۹ - دکتر قدرت اله موثقی |
| ۵ - دکتر محمد خلعتبری | ۱۰ - خانم شمس السلوک |
| | ۱۱ - دکتر مهدی امیرموحی |
| | ۱۲ - دکتر محمد علی ملک |
| | ۱۳ - دکتر خداوردی کیاقر |
| | ۱۴ - دکتر مهدی انر |
| | ۱۵ - دکتر کمال الدین ارمین |
| | ۱۶ - دکتر محسن چوبک |
| | ۱۷ - دکتر حسن مرشد |

اقایان :

۱ - دکتر منوچهر اقبالی

۲ - دکتر محمد علی حقیقی

۳ - دکتر سید محمد طباطبائی

۴ - پروفسور پحیی حسدل

۵ - دکتر محمد خلعتبری

اسامی اعضای جدید اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران

- | | |
|---|--|
| هلی اکبر خسرو شاهی بازرگان (وارد کنند ه) | اصغر پناهیان - تولید کننده فراورده های نفتی |
| ابراهیم نیک پور - مدیر عامل بانک پارس | احمد خیامی - مدیر عامل کارخانه های ایران ناسیونال |
| قاسم لاجوردی - سهامدار گروه بهشهر | عبدالحی فرمانفرمایان - مدیر عامل نفت پارس |
| کاظم کوروس سهامدار کارخانه چیت ری | علی رضائی - مدیر عامل کارخانه لورد امواز مهدی موثقی - مدیر عامل کنسرسیوم کارخانجات اتوبوس سازی ایران |
| عنایت بهبهانی - مدیر عامل کارخانجات جنرال | مرتضی رسنگار - معدن دار |
| اکبر لاجوردیان - سهامدار گروه بهشهر | رفیع الهاریه - مدیر عامل کاشی سازی ایرانا |
| عبداله خونی - مدیر عامل شرکت صادرات سنگ فابکاه | همدانامور دبیر سندیکای صنایع شیمیائی |
| محسن ملک - بازرگان | فیروز همایون - بازرگان |
| علی اصغر پیرزاد - بازرگان وارد کننده | حسین قاسمی سهامدار کارخانجات پارس (روغن قو) |
| هلی کاشانی - مدیر عامل کارخانه قند شاه زند | محسن نیک پور - مدیر عامل کارخانه شیشه ایران |
| جعفر اخوان - مدیر عامل شرکت جیب | مهدی لشگری - معاون بانک ملی ایران |
| احمد فرمگی - سهامدار کارخانجات جهان | محمد تقی برخوردار - وارد کننده لوازم الکتریکی |
| حبیب القانیان - مدیر عامل و سهامدار کارخانه جنرال استیل | منصور یاسینی - رئیس اتحادیه وارد کنندگان شیشه |
| جعفر امینیان - نایب رئیس اتحادیه صادر کنندگان فرش | محمد علی مهدی - بازرگان |
| صادک کنگدگان | مصطفی مهدی - رئیس سندیکای نساجی نخی ایران و مدیر کارخانه یزد باف |
| علی محمد بنگر پور بازرگان وارد کننده | هسین هشیار - صادر کننده فرش |
| بانو مهین افشار - بازرگان | ناصر اولیائی - بازرگان وارد کننده |
| کاظم خسرو شاهی - مدیر عامل تولیداروه | مصطفی اخوان - بازرگان |
| رحیم ایقانی - مدیر عامل کارخانه کفش ملی | اصغر پیروی - معدن دار |
| محمود رضائی - معدن دار | حسین غلاقتند - صادر کننده |
| علی کوچکملی - بازرگان | |

گفت و شنود بین
استاد و دانشجو باید
حتما عملی شود

در این شرحیابی ابتدا آقای
عالمخانی رئیس دانشگاه تهران
به ست دبیرین مراتب
سپاسگزاری دانشگاهیان را به
مناسبت سی و هفتمین سالروز
تاسیس دانشگاه تهران به
پیشگاه شاهانه معروض داشت
دانشگاه در ضمن تاکید کرده
دانشگاه در مدد است برنامه
های خود را بنحوی هماهنگ
کند که برآورنده نیازهای
کشور در مراحل و مدارج
گوناگون باشد.

ديپلم بيسواڊي نڌيد

شاهنشاه سپس از برابر صف
اعضای شورای دانشگاه تهران
گذشتند و در مورد کار آنان

در پاسخ نماینده دانشجویان،
شاهنشاه فرمودند: از اظهارات
شما خوشوقت و ممنون هستم،
بر بدو صحبت اشاره‌ای کردیم
و نصیحتی را که داشتیم گفتیم،
شاید امروز کشور شما بدون
خودستانی یکی از چندمملکتی
باشد که میتوان در آن در
شرایط خوب تحصیل کرد .
در این مملکت هرکس که
بخواهد درس بخواند ، می-
تواند ، و این خود نعمتی
است : در دنیا نقاطی را
میشناسیم که شاید اکثریت
افراد آن مایل بدرس خواندن
باشند ولی محیط بصورتی
است که از این حق طبیعی
خویش محرومند .

همچنین هر قدر کار هائی که ممکن است بوسیله دانشجویان اداره شود بخود آنها واگذار گردد باعث خوشوقتی من است .

در مقابل دو چیز میخواهم
دوره شما گذشته است - اولاد
شما بدیخت خواهد شد اگر
شما امروز پس از پایان تحصیل
باز هم بیسواد باشید، مملکت
شما در زمره ممالک متروقی

وزیر دارائی از پشت
پرده مذاکرات نفت
سخن میگوید
امتیازاتی که از
کمپانیها گرفتیم
حتی بیشتر از آن
چیزی بود که
محرمانه بین
خودمان مطرح
کرده بودیم

1349 / 11 / 25

قبلا می‌خواهم بررسی‌ستان
برسانم که در زندگی هر فرد
لحظاتی پیش می‌آید که انسان
از شدت خوشحالی زبانش قاصر
است از اینکه چگونه قلبی‌اش
را اظهار بکند و امروز بعد
از ظهر پس از امضای موافقت
نامه که شاهنشاه این خدمتگزار
را با اعطاء نشان درجه یک
تاج با حمایل مفتخر فرمودند
بهترین و خوش‌ترین لحظه
زندگی من بود بطوریکه‌اشک
شوق در چشمانم حلقه زد ...
و اما برگردیم به اصل مطلب:
امشب مصادف با شب عید سعید
مبارک غدیر است و این را
هم باید بفال نیک گرفت که
در چنین شبی تحت توجهات
شاهنشاه که واقعا بدون اغراق
باید بگویم وجودشان نه
سخنرانیهایشان و فداکاری و
ایستادگی‌شان در برابر دفاع
از حقوق حقه نه تنها ملت
ایران بلکه تمام ملل اطراف
خلیج فارس موجب شد که
این پیروزی واقعا درخشان

یکماه تلاش و مبارزه پیگیر کردیم و در تمام این یکماه مالکانه دادن منطق و معنای بطرق و صور مختلف سعی کردند . کمپانی که ما از تقاضا های خودمان يك قدم عقب نشینی نکنیم و هرگز این کار را نکرديم و باید با اطلاعشان برسانم که حتی در مورد افزایش بهای اعلان شده فقط بخاطر دخالت و اوامر شخص شاهنشاه بیش از آنچه که بین خودمان توافق کردیم حاصل شد همانطوری که قبلا هم گفتم دو هفته پیش که مذاکرات منجر بشکست شد عده ای واقعا معتقد بودند و اظهار کردند که باید اوليك و ایران در درخواست های خودش تعدیل یکنند. این مطلب بعرض شاهنشاه رسید. سؤال فرمودند مگر تقاضاهائی که شده حقه نیست اگر این تقاضاها حق ملت ایران است من چگونه میتوانم از این تقاضاها مرنظر کنم وظیفه وجدانی و اخلاقی نیست به مملکت من باید دیگران هم قانع بشوند که باید از حقوق حقه ملتها دفاع شود.

ایستادگمی شاهنشاه
آقای آموزگار سپس در
باره علت شکست مذاکرات
هفته قبل گفت :
بعلم اینکه حاضر نبودند
تقاضاهائی که ما داشتیم عملی
کنند همانطور که استحضار
دارید کمپانیها پیشنهاد کرده
بودند ، که قیمتهای اعلان
شده فقط ۱۵ سنت اضافه به
شود و بعد آخرین قیمتی که
حاضر شدند بدهند و در
اعلامیهای که اینجا روی میز
گذاشته شده بود ، خبر نگاران
آن را دیدند عدد ۲۰ سنت را
پیشنهاد کردند. آن عدد ۲۰
سنت را ماه ۳۸ سنت درمورد

آغا‌جاری و ۴۰۵۰۰ سنت دره مورد گھساران و باتوجه به حذف تخفیفات اوپك مجموعه‌ا به ۶۶ سنت رساندیم . یعنی پیش از دوبرابر و نیم آغجه را که حاضر بودند بالاخره این پیروزی نصیب ما شد و این نبود جز اینکه شاهنشاه این فداکاری و این ایستادگی را فرمودند و وظیفه من هم این بود که این را برای همه تشریح کنم و البته مطلب خیلی محرمانه است و نمیدانم اجازه دارم که این مطلب را بگویم ولی چون وظیفه اخلاقی و وجدانی خودم میدانم که برای ملت ایران و برای تاریخ ملت ایران باید بدانند که این پیروزی و موفقیت ایران تنها و تنها موهون فداکاری و ایستادگی شاهنشاه بود و شاید حدس زده باشید که همین مسئله موجب شد که این ناپید و پشتیبانی یکجا و یکبارچه کلیه اعضای اوپك حتی وزرای ممالکی که مادر بعضی موارد اختلافات سیاسی با آنها داریم در این مورد اینطور از شخص شاهنشاه تجلیل کردند این تجلیل خودشان در موارد تاکید کردند. جلساتی که ما هم داشتیم عبارات نظیر اینکه ماس تعظیم در مقابل شاهنشاه فروود میآوریم بخود من گفتند و خواستند که من این مطلب را برض شاهنشاه یرسانم و فکر میکنم صرفنظر از جنبه های مادی مطلب که خود بسیار چشمگیر و درخشان است این جنبه معنوی که هدایت و رهبری شاهنشاه را بدون چون و چرا تمام این کشورها قبول کردند يك موفقیت بزرگ معنوی برای ایران است .

این را من از صمیم قلب میگویم این غیر ممکن بود . بقدری جبهه این شرکتها متحد و یکی شده بود که تهدید به شکست مذاکرات کردند و مذاکرات هم بشکست منجر شد و مطلب را قبل از شکست هم به عرضشان رساندم . فرمودند به شکست منجر بشود من از حق ایران نمیتوانم گنزم.



ارقام واعاداد

آقای آموزگار سپس اظهار داشت. رقم افزایش بر قیمت های اعلان شده از طرف شرکتها اول ۱۵ سنت پیشنهاد شده و بعد ۲۰ سنت که وقتی ما توافق نکردیم به شکست منجر شد. آنچه که ما خودمان توافق کرده بودیم بین خودمان قبل از اینکه این دو تا مطلبی که واقعا شاهنشاه اراده فرمودند و اضافه شد ۳۰ سنت بود بعد به ۳۵ سنت اضافه شد بنابراین قیمتهای اعلان شده در مقابل ۲۰ سنت پیشنهادی آنها اینجا ۳۵ سنت بطور یکنواخت برای تمام نفتها مورد قبول قرار گرفت.

بعد نکات بسیار مهم این بود که آنها افزایش اتوماتیک قیمتهای اعلان شده نفت را برای ۵ سال آینده هیچوجه زیربار نمیرفتند و چون این یکی از دو اصلی بود که شاهنشاه در سخنرانی خودشان و مصاحبه مطبوعاتی شان بآن اشاره کرده بودند برای پنده که مسلما چارهای جز اطاعت از این مطلب نبود و هرگز عقب نشینی نمی کردم ولی خوشبختانه تمام این وزرا و نمایندگان سایر کشورها هم یکپارچه همصدا شدند و گفتند چون شاهنشاه ایران این دو مطلب را عنوان کردند یکی موضوع شاخص تورم آن دو ونیم درصد که جبران افزایش قیمت کالاهای ساخته شده ممالک صنعتی را بکند که هر سال باید دو ونیم درصد قیمت ها اضافه بشود و بطور مرکب واصل دوم اینکه اگر شرکت ها میخواهند قیمتها را در آینده اضافه کنند باید سالیانه ۵ سنت در هر بشکه قیمت بهای اعلان شده اضافه بشود این دو نکته اصلی بود که شاهنشاه در مصاحبه مطبوعاتی شان بآن اشاره کرده بودند و بالاخره شرکتها همانطور که عرض کردم بدون چون و چرا و بدون کم و کاست عینا دو رقم را قبول کردند. این دو رقم، رقم ۵ سنت آن که معمول است ۵ سنت در هر سال اضافه میشود و رقم ۲۵ درصد در سال جاری در حدود ۵ سنت است ولی هر سال چون مرکب است اضافه میشود بطوری که در پایان چهار سال به بیش از ۶ سنت خواهد رسید و جمع این دو رقم ظرف چهار سال آینده بالغ بر ۴۴ سنت در بشکه خواهد شد که اگر این ۴۴ سنت در بشکه را به ۴۶ سنت در بشکه که امروز موفق شدیم بگیریم اضافه کنیم ۹۰ سنت در بشکه افزایش درآمد ایران شده و این ممالک خلیج فارس در حالی که درآمد فعلی ما از هر بشکه ۹۷ سنت است ملاحظه بفرمائید که ظرف ۵ سال آینده درآمد از هر بشکه دو برابر خواهد شد و این را مقایسه کنید که در ۱۰ سال گذشته کوچکترین تغییر در قیمت های اعلان شده داده نشده بود بنابراین این موفقیت و این پیروزی را این اقلام نشان میدهد. حالا ممکن است بپرسید که ۴۶ سنت از کجا میآید ۳۵ سنت که عرض کردم بطور یکنواخت بتمام قیمتهای اعلان شده اضافه

شد. اختلاف قیمتی بود بین نفت سنگین ما و نفت سبک ما و این اختلاف قیمت با آنچه که در مدیریتانه عمل میشود موجب تقاضای ما گردید. در اوپک و اینها نمیخواستند زیر بار این مطلب بروند میگفتند شرایط مدیریتانه غیر از شرایط خلیج فارس است و شاید تا یک حدودی هم از نظر کرایه راست میگفتند ولی ما معتقد بودیم که از نظر درجه خلطت ارتباطی بکرایه ندارد. از نظر درجه خلطت نفت میبایست یکسان باشد در مورد کرایه البته قبول داریم و به همین جهت همان روشی را که برای محاسبه درجه خلطت یا «آی - پی - آی» نفت در مدیریتانه عمل میکنند و ادارت شان کردیم که در خلیج فارس هم عمل کنند و این منجر این شد که سه سنت قیمت نفت آغاجاری اضافه بشود علاوه بر آن ۳۵ سنت، بنابر این نفت سبک آغاجاری ۳۸ سنت و نفت سنگین کچساران ۵۰۵ سنت اضافه شد که رقم مطلق رسید به ۴۰۵۰ سنت در مورد نفت سنگین و ۳۸۰۰ سنت در مورد نفت سبک.

حذف تخفیف

مطلب بعدی تخفیف اوپک بود که تخفیف اوپک را هم اول زیربار نمیرفتند حذف کنند میگفتند این یک قرارداد است که چهار سال پیش با شما امضاء کردیم و تا ۱۹۷۵ ادامه دارد بنابراین بگذارید این قضیه ادامه پیدا کند استدلال ما این بود چون قیمت را آورده اعلان شده را محدودی بالا ببرید الان هم آماده هستید قیمتهای اعلان شده را تا حدودی بالا ببرید بنابراین تخفیفی روی بهره

مالکانه دادن متعلق و معنایی ندارد و بالاخره در زمینه همین استدلال و با تلاش و مبارزه ساعتها و روزها موفق شدیم که این را از بین ببریم حتی یک نیم سنتی که اینها در هر بشکه بعنوان بازاریابی میگرفتند آن را هم میگفتند ارتباطی با اوپک ندارد آنرا هم اوپک زیر بار نرفت و گفتیم که تصمیم گرفتیم تمام تخفیفها از بین بروند. این تخفیفها جمعاً یک چیزی در حدود ۷ سنت در بشکه میشود که البته قیمت اعلان شده اضافه نمیشود ولی چون قبلا در مورد محاسبه درآمد ما میکردند از قیمت اعلام شده و بعد مالیات ۵۰ درصد را میدادند حالا دیگر چون کم نمیکند، بنابراین مثل اینست که برابر ۷ سنت قیمت اعلان شده اضافه شده و چون صادرات ما در حدود ۵۰ درصد نفت سنگین و ۵۰ درصد نفت سبک است بنابراین ۵۰ درصد نفت ما با ۴۰۵۰ سنت صادر میشود و ۵۰ درصد نفت ما با ۳۸۰۰ سنت صادر میشود متوسط آن ۳۹۰۰ سنت میشود - ۷۰۰ سنت هم بابت حذف تخفیف اوپک اضافه میشود جمعا ۴۶۰۰ سنت قیمتهای اعلان شده اضافه میشود و از هر یک سنتی که قیمت اعلان شده اضافه بشود ۶۰ درصدش بماند میرسد ۶۰ درصد ۴۶۰۰ سنت را که حساب بکنید رقمی در میآید در حدود ۲۸۰۰ سنت که اگر این

رقم ۲۸۰۰ سنت را برای صادرات سال ۱۳۵۰ محاسبه بکنیم همان طور که قبلا گفتیم سال دیگر ۴۱۵۰ میلیون دلار اضافه درآمد ما خواهد شد در سال جاری یعنی برای دو ماه و نیم از اول ژانویه ۷۱ تا ۲۱ مارس ۷۱ که معادل دو ماه و نیم دی و بهمن ۲۱ مارس که در ماه اسفند می افتد ۸۰ میلیون دلار اضافه برای ایران خواهد بود و بعد چون هر سال ۱۰۰ سنت اضافه میشود بقیمت اعلان شده و ضمناً هر سال میزان صادرات هم افزایش پیدا میکند. اینها را که حساب بکنید جمع اضافه درآمد ایران در مدت این قرارداد که برای ۵ سال است ۳۶۰۰ میلیون دلار است. حالا برای اینکه اهمیت این اعداد را در نظر بگیرید یک نکته بسیار کوچک میگویم و آن اینست که شرکت نفت ایران و انگلیس در مدت ۴۸ سال بهره برداری در ایران جمع درآمدی که بایران داده بودند ۳۶۰ میلیون دلار بود و ما اضافه درآمدی که فقط در سال دیگر میگیریم ۴۱۵۰ میلیون دلار است و درآمدی که ایران در سال آینده خواهد داشت ۱۸۰۰ میلیون دلار است یعنی در یکسال آینده ۵ برابر آنچه که ظرف ۴۸ سال بایران دادند، اینجاست که آنچه عرض کردم فدای کاری شاهنشاه و هدایت و ارشادشان چه از جنبه معنوی و چه از جنبه مادی چه اثرات فوق العاده ای - برای ایران پیدا کرده.

از وزیر دارائی سؤال شد بهای اعلان شده از چه وقت قابل اجرا است؟ آقای آموزگار در پاسخ اظهار داشت - اجرای بهای اعلان شده از فردا صبح است ولی ما تفاوت از اول ژانویه به اینطرف را با جلو آوردن قیمت دو ونیم درصد و ۵ سنت به اول ژوئن بدست خواهیم آورد یعنی چیزی کم نخواهیم کرد در واقع تمام این پول را بدست میآوریم منتها تاریخ اعمال و اجرای آن دو تا شاخصی که بنام دو اصل شاهنشاه در دنیا معروف شده و اتفاقاً هم اگر حتما در اخبار روزنامهها توجه کردید آن اصل اول که بسیار اصل مهم است و مربوط به جبران تورم پول و افزایش کالا هست از طرف یکی دوتا از رهبران کشورهای صنعتی دنیا در مسافرت هایشان بیکی چند مملکت در همین دو هفته اخیر عینا اشاره کردند. یعنی درست بیانات شاهنشاه را ایشان و یکی دو نفر دیگر اشاره کردند و پیروی کردند و این دوراندیشی شاهنشاه را نشان میدهد.

بعد سؤال شد در قطعنامه اوپک بشرکتهای نفتی اخطار شده بود که اگر تا ساعت ۱۲ امشب شرکتهای نفتی با شرایط اوپک توافق نکنند شش کشور خلیج فارس قوانینی را وضع خواهند کرد حالا که اینها توافق کردند آیا دیگر نیازی به وضع قوانین هست یا کانالم یکن تلفی میشود؟

وزیر دارائی در جواب گفت: البته پرواضح است

یک جلسه دیگری که متشکل

از نمایندگان لیبی و الجزایر باشد، عمل بشود. آنها سعی میکردند در ظرف این مدت این دو نفر را قانع کنند که این مسئله حل بشود البته زیر بار نرفتند.

بعد سؤال شد قیمتهای که اشاره کردید برای تمام شش کشور خلیج فارس یکسان است یا کم و زیاد دارد؟ وزیر دارائی گفت ۳۵ سنت یکسان است برای همه که یک ۳۳ سنت است و یک ۲ سنت آن رقمی که مربوط می - شود به از بین بردن اختلاف درجه خلطت آن البته نسبت به نفتهای مختلف فرق میکند.

خبرنگار سپس سؤال کرد: شما امروز گفتید که امیدوارم این جلسه آخر باشد و در این جلسه آری پانها باشد بعد اینکه طول کشید ممکن است توضیح بیشتری در این باره بدهید. وزیر دارائی گفت ما قبلا دو راه حل پیشنهاد کرده بودیم و آن این بود که اگر مایل باشند می توانند ۲۵ درصد را بعنوان یک درصد در هر سال بقیمت اعلان شده اضافه کنند ولی باید توجه داشته باشند که در این صورت بصورت مرکب عمل خواهد شد یعنی در ۱۹۷۱ که قیمت اعلان شده ۲۵ درصد اضافه می کنند سال بعد ۲۵ درصد بعدی به جمع قیمت قبلی اضافه ۲۵ درصد اضافه خواهد شد نه با اصل مبداء که اصل باشد این یک راه حل است اگر این را نمی پسندند آنوقت حاضریم که یک رقم یکنواخت مثل آن ۵ سنت قبول کنیم. بنابراین این اختیار را داده بودیم که راجع به این مسئله مطالعه بکنند و در اینجا چندین ساعت بحث ما راجع باین بود که اصرار داشتند که این رقم ۲۵ درصد را قبول دارند ولی بشرطی که بصورت ساده عملی بشود یعنی مبداء ۷۱ را بگیرند و هر سال قیمت اعلان شده ۷۱ مینا باشد ۲۵ درصد را تست به این رقم اعمال کنند ولی ما زیر بار نرفتیم گفتیم یکی از همان دو راه حل است و بالاخره دومی را قبول کردند. ولی قسمت اعظم وقتی که در این دو روزه صرف مذاکره شد موضوع نحوه نوشتن ضمانتهای بود که اینها میخواهند از کشور های خلیج فارس بگیرند و در مورد دو کشور همایه ما عراق و عربستان سعودی مصر بودند که ضمانتی از این دو کشور بگیرند نسبت بصادرات این دو کشور که از طریق لوله مدیریتانه رسیده میشود و این دو نفر وزیر هم بحق و مطابق قطعنامه اوپک اظهار داشتند که ما در این جلسه فقط نسبت بآنچه که در خلیج فارس تولید میشود و در اختیار شرکتهای گذشته میشود حق اظهار نظر داریم. و باین جهت نسبت به نفت خودمان که در مدیریتانه در اختیار کمپانیها گذاشته میشود در این جلسه نمی توانیم اظهار نظر کنیم. اوپک چنین اختیاری بماند آن میبایستی در یک جلسه دیگری که متشکل

وزیر دارائی نشان درجه اول تاج گرفت



چند لحظه بعد از پایان اولین مصاحبه مطبوعاتی وزیر دارائی نامبرده با عجله کاخ وزارت دارائی را در میان چشمان جستجوگر خبرنگاران ترك گفت.

نمایندگان مطبوعات و خبرنگارها گفتند آموزگار بطور قطع برای عرض گزارش به پیشگاه شاهنشاه رفته است اما ساعتی بعد وقتی که وزیر دارائی ایران با قیافه ای متبسم به وزارت دارائی برگشت - همه فهمیدند که زحمات شبانه روزی وزیر دارائی که در راس هیئتی از کارشناسان برجسته نفت ایران طی ۵ هفته برای حل مسئله نفت تلاش فوق العاده ای از خود ابراز داشتند، از نظر شاهنشاه آریامهر دور نمانده و معظم له با اعطای یک قطعه نشان درجه اول با حمایل - از خدمات وزیر دارائی ایران تقدیر فرموده اند. شان مزبور به امیر اسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی به آقای جده شید آموزگار تسلیم گردید.

همانطور که عرض کردم مثلاً ما در مورد ایران نفت سنگین ما ۵۰۵ سنت اضافه شد. نفت سبک ۳۰۰ سنت اضافه شد. همین اختلافات و نظیر آن در مورد سایر نفتها بسته بدرجه خلطت نفت است. آقای آموزگار در پایان این مصاحبه اظهار داشت - باید سیمانه بگویم که از نمایندگان رادیو - تلویزیون و مطبوعات واقعا خالصانه سپاسگزاری میکنم چون نحوه ای که شما تلاش و مبارزه پیگیر ما را برای مردم ایران و جهان منعکس کردید در این موقعیت ما واقعا موثر بود.



فکر میکنم «روم نمیشه»



صحبت هایی با رامش

* مردمی که بکاباره می آیند پول می دهند و با رضایت و انتخاب خود بدیدن برنامه هنرمند محبوبشان می روند .
* وقتی با آنهمه احساس آهنگی را از من می خواهند تا برایشان بخوانم به بزرگترین لذتها دست می یابم .
* مردم آهنگ های شاد را دوست دارند و حق هم دارند .
* مردم ما را تشویق می کنند ، بگردن ما حق دارند ، ما هم باید برای آنها زحمت بکشیم .
* برای آنها که سریع و ناگهانی مشهور می شوند پس از سقوط اگر تحمل نداشته باشند و با شهرت کاذب اغفال شده باشند ، چقدر این حالت گران تمام می شود .
* سرعت را دوست دارم و می خواهم قهرمان اتومبیل رانی بشوم .

تلاش - چند سال است که نیکار خوانندگی پرداخته اید ؟
رامش - پنج سال
تلاش - تعداد آهنگ هایی را که خوانده اید بخاطر دارید ؟
رامش - فکر می کنم حدود سیصد آهنگ
تلاش - تعداد صفحه هایی که پر کرده اید ؟
رامش - تا چهارماه پیش نود صفحه ولی الان فکر می کنم در حدود صد و ده شده باشد .
تلاش - شما تا بحال بسینما کشیده نشده اید ، اصولا پیشنهادی شما نشده است یا علل دیگری دارد ؟

رامش - پیشنهاد شده است بخصوص در مورد ایفای نقش لیلی ، در لیلی و معجون بمن پیشنهاد شد . مدتی هم با سیامک یاسمی کار کردم ، ولی باین نتیجه رسیدم که کار من نیست .

بنظر من باید کلاس دید ، تمرین کرد و اصولا استعداد داشت . باید هر کاری را خوب انجام داد . وقتی دیدم آمادگی ندارم خودم کنار رفتم ، بقول معروف نباید «روزه شک دار» گرفت . درست است که من از لحاظ خوانندگی نرمش و حرکات بدن را موقع آواز خواندن دارم ولی کافی نیست . بنظر من هنرپیشگی کار ساده ای نیست که هر کس ، خیلی ساده بتواند باین کار بپردازد .

تلاش - درباره اجرای برنامه در کاباره نظرتان را بگوئید و اگر ممکن است بفرمایید چطور شده قبول کردید در کاباره بخوانید ؟
رامش - اصولا تصمیم باین کار نداشتم ، هم مخالف بودم و هم در واقع وحشت داشتم . مثل خیلی از خواننده ها که از این کار وحشت دارند . مدتها بمن پیشنهاد می شد و مردم بودم تا این که پس از مذاکرات مفصل و مشورت با نزدیکان و بخصوص توجه با اهمیت و ارزش مادی آن قبول کردم و حساب کردم که پیشنهاد های مزبور از لحاظ مالی بسیار جالب است . من در رادیو هشتصد تومان حقوق می گیرم و این رقم با درآمد کاباره قابل مقایسه نیست و اما درباره کار هنری و اجرای برنامه و ارزش آن ، اگر آدم کمی واقع بین باشد می بیند که ایراد ندارد . بزرگترین خواننده های دنیا مثل فرانک سیناترا ، تام جوتز و امثال این ها در کاباره می خوانند و هیچ منافاتی هم با هنر آنها ندارد . البته یک زمانی بود که مردم کار ما را بدمی دانستند ولی الان مردم هم قبول دارند و ارزش هنرمند محبوبشان با شرکت در برنامه های کاباره او از نظر آنها کم نمی شود . حالا می بینید که خواننده ها هم بکاباره روی آورده اند . در خارج اگر خواننده ای بکاباره نرود میگویند محبوب مردم نیست . چون در واقع برای آنکه مردم پول بدهند و بیایند برنامه اش را تماشا کنند و بشنوند ارزش قائلند . باید بگویم خوشبختانه مردم خیلی خوب برخورد می کنند وقتی يك آهنگ می خوانند که برایشان خوانده شود با جان و دل گوش می دهند ، در برنامه های کسرت و امثال آن مردم با دعوت و بطور اتفاقی می آیند و ما احساس می کنیم که گاهی بی تفاوت گوش می کنند در حالیکه در کاباره که می آیند با انتخاب صد در صد خودشان است که می آیند ، پول می دهند و برای دیدن آن هنرمندی می روند که دوستش دارند .

وقتی در کاباره با آن همه احساس و علاقه آهنگی را می خوانند که برایشان بخوانم به بزرگترین لذتها دست می یابم و خوشحال می شوم که مردم با آواز من ساعتی غمها و یا لافل گرفتاری هارا فراموش می کنند و دقایقی را بشادی می گذرانند در ضمن اعتقاد دارم خواننده است که با رفتنارش برخورد خوب مردم را بدست می آورد .
بهر حال من از این کار راضی هستم و عقیده دارم خواننده ها باید قیمت و ارزش کار خود را در این راه پائین نیاورند بلکه بالا ببرند .

تلاش - راجع به اجرای برنامه های دو نفری که قبلا داشتید بگوئید ؟

رامش - شروع کار من تنها و با اجرای دو آهنگ بود . من آن موقع با عطاءالله خرم کار می کردم و رامین هم با خرم کار می کرد . من در رادیو قبول شدم و خرم پیشنهاد کرد چند آهنگ را با رامین دوفری بخوانیم ، بنظر من برای تنوع خوب بود ولی بطور کلی برای دائم و همیشه جالب نیست و موفقیت آمیز نمی باشد ، باید آواز بانه های مختلف باشد .

تلاش - اگر بنا شود که میان کاباره و رادیو یکی را انتخاب کنید کدام را ترجیح می دهید ؟

رامش - مسلما رادیو را رها نخواهم

کرد . دفعه اول که بکاباره رفتم سدها تو بیخ شدم و روی همین اصل قرار دادم را تمديد نکردم . رادیو مثل معلم و استاد من است و در شهرت من سهم اصلی را دارد . این حق ناشناسی است که رادیو را رها کنم بعلاوه شهرت کاباره محدود است در حالیکه رادیو در سراسر مملکت شنونده دارد و دامنه کار آن وسیع است . شهرتی که با رادیو بدست می آید قابل مقایسه با کاباره نیست .

تلاش - مطبوعات ایران درباره پیروزی اخیر ، گو گوش در فستیوال کان ، مطالبی داشتند . شما چه احساسی داشتید ؟

رامش - بسیار خوشحال شدم . گو گوش راه را برای دیگران باز کرد و برای هنرو هنرمندان ما افتخاری بدست آورد .

تلاش - راجع به موسیقی ایرانی و موقعیت آن و همچنین نوع آهنگ هایی که ساخته می شود بگوئید .

رامش - چون موزیک نمی شناسم و صلاحیت ندارم از اظهار نظر درباره موسیقی معذوریم ولی از نظر کلی معتقدم زیاد نباید دنبال خواست و سلیقه صد درصد مردم رفت . سلیقه و ذوق خاد مردم قابل تغییر است و چیزهای مد روز زود گذر هستند . این را قبول دارم که من مثل حمیرا نمی توانم بخوانم ولی باید قبول کرد که دامنه آنها محدود است . کار ما تنوع دارد . ما کمتر آهنگ سازی داریم که خودش آهنگ سازند . بیشتر از آهنگهای خارجی استفاده می کنند .

يك مطلب را هم باید بگویم که مردم دنبال آهنگ شاد می روند خیلی ساده بگویم ، کسی که قرض دارد ، یکی از نزدیکانش بیمار است و هزار بدبختی دارد وقتی هم که می خواهد موسیقی بشنود حق است که يك آهنگ شاد بشنود تا لحظه ای فراغ خیال پیدا کند .

موضوع دیگر این که روی آهنگ نمی شود حساب کرد . من يك بار سبکم را عوض کردم ولی دیدم بخود این کار را کردم بدون حساب يك وقت مردم آهنگی را می پسندند که هیچ روی آن زحمت کشیده نشده ولی يك وقت آهنگی را که مدتها روی آن کار شده نمی پسندند . بسیار کار مشکلی است که بشود ذوق مردم را تشخیص داد .

تلاش - برای آینده نقشه بخصوصی دارید ؟
رامش - فعلا خبر ، نمی شود پیش بینی کرد . دلم می خواهد که کارم روز بروز بهتر شود .

تلاش - با کدام آهنگ ساز و مصنف کار می کنید ؟

رامش - در حال حاضر با اکثر آنها . باین نتیجه رسیده ام که در اثر کار کردن با يك نفر کار آدم یکنواخت می شود . الان با عطاءالله خرم ، اکبری ، غیاثیان ، مقصدی و بابک کار می کنم و خیلی هم تنوع در کارم هست .

تلاش - شما تفریحات و سرگرمی های بخصوصی دارید ؟

رامش - شب ها که در کاباره برنامه دارم ، صبح ها هم می خوانم . از عصر هم باید خودم را مجددا برای برنامه شب آماده کنم . اگر وقتی بدست بیاید ، در تعطیلات در جمع خانوادگی هستم . این دوره قرار دادم که تمام بشود خیال دارم برای استراحت يك مسافرت خارج بروم .

تلاش - کدام خواننده ها را می پسندید ؟

رامش - ایرانی ها همه خوب هستند و همه را می پسندم . از خارجی ها تام جوتز را دوست دارم .

تلاش - بنظر شما تلویزیون و رادیو کدام در شهرت يك هنرمند موثرترند ؟

رامش - هر دو مؤثرند ولی فکر می کنم رادیو تأثیر بیشتری داشته باشد .

تلاش - بنظر شما شهرت يك خواننده بستگی به چه چیزهایی دارد ؟

رامش - پنجاه درصد صدا بقیه بستگی به رفتار و اخلاق و کار خواننده دارد ، زیبایی شکل و اندام و ژست هنگام خواندن هم مؤثر است .

تلاش - آیا مطبوعات در شهرت شما تأثیر

داشته اند و آیا از مطبوعات راضی هستید ؟
رامش - خیلی تأثیر داشته است و روابط من با آنها بسیار خوب بوده است و از همه سپاسگزارم .

تلاش - در راه پیشرفت کار و هنرتان چه برنامه ای را دنبال می کنید ؟

رامش - هفتای دو روز تمرین می کنم چه آهنگهای جدید چه قدیم و خودم دنبال پیدا کردن آهنگهای خوب و جدید هستم . اشعار را هم می بینم . آهنگ گوش می کنم تا انتخاب کنم . باید زحمت کشید تا کار آدم خوب درآید همانطور که مردم ما را تشویق می کنند بگردن ما حق دارند ، باید زحمت بکشیم تا حق آنها را ادا کرده باشیم .

تلاش - راجع به مردم کوچه و بازار چه می گوئید ؟

رامش - من فکر می کنم هر کس که کارش ناگهانی و سریع بگیرد زود هم می خواند . اما بهر صورت او هم از میان مردم و برای مردم است و این مردم هستند که در باوج رساندن و پایین آوردن هنرمند نقش اصلی را دارند . حق هم دارند چون گوش خسته می شود و تنوع می خواهد . شاید هم باین علت است که يك هنرمند که ناگهان و سریع مشهور می شود آنقدر زیاد می خواند که مردم خسته می شوند در حالیکه اگر کار آرام و مداوم باشد خستگی نمی آورد . مثل بوران و الهه که سالهاست محبوب هستند در عوض طی همین سالها خیلی ها شهرت زیاد رسیدند و از میان رفتند و این از لحاظ روحی و شکست ناگهانی برای آنها که تحمل ندارند و در آن زمان اوج شهرت اغفال می شوند از لحاظ شهرت ناگهانی که برایشان می آید و آنوقت برایشان چقدر گران تمام می شود . مطلب دیگر این که من هیچوقت از کارم راضی نیستم و فکر نمی کنم که از من بهتر وجود ندارد . همیشه دنبال توسعه و ترقی کارم هستم و معتقدم علت شکست غرور است .

تلاش - درباره تحصیلات و مطالعات خودتان بگوئید ؟

رامش - دیپلم طبیعی دارم و چون خیلی زود بکار هنری پرداختم هنوز فرصت مطالعه زیاد و بخصوصی را نیافته ام .

تلاش - آهنگ زبان خارجی خوانده اید ؟

رامش - تا بحال نخوانده ام . فکر می کنم اگر بشود به زبان فارسی خواند و در مجامع جهانی شرکت کرد بهتر است ولی با خواندن بزبان خارجی مخالفتی ندارم .

تلاش - به حرفه و کار دیگری بجز خوانندگی علاقه دارید ؟

رامش - همیشه دلم می خواست هنرمند معروفی بشوم که البته نشدم بجز آن ریاست يك اداره را اگر داشته باشم برایم جالب است . یکی از آرزوهایم تاحدی رسیده ام شاید بآن یکی هم برسم .

تلاش - راجع بازواج چه نظری دارید ؟

رامش - فعلا تصمیمی ندارم و تا با کسی توافق کامل نداشته باشم ازدواج نخواهم کرد . باید کسی را کاملا دوست داشته باشم و بیسندم . من در حال حاضر وضع مالی خوبی دارم و استقلال مادی دارم . آزادی متعارف هم دارم عثی برای عجله در ازدواج نیست .

تلاش - کدام آهنگ شما از همه بیشتر شهرت یافت ؟

رامش - فکر کنم «روم نمیشه»

تلاش - راجع به قانون حق مصنف و خواننده و آهنگساز در مورد صفحه چه می گوئید ؟

رامش - آنطور که باید و انتظار داشتم هنوز نشده ، کاملا کنترل نمی شود . من که هنوز توانستم کنترلی بر تعداد فروش صفحه هایم داشته باشم .

تلاش - آرزویی دارید ؟

رامش - دلم می خواهد در مسابقات اتومبیل رانی شرکت کنم و اول بشوم چون سرعت را بینهایت دوست دارم .

تلاش - موفق باشید . از این که در این گفت و شنود شرکت نمودید متشکریم .

رامش - منم متشکرم .



